

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: رساله یادیه قطب‌شاهیه

~~مصنف~~ / مؤلف: محمد علی کربلائی

خطی / چاپی: نسخ ۱۸ سطری

سال ~~طبع~~ یا تحریر: ۱۰۹۱ قمری عدد اوراق: ۲۱۰

جزء کتب: ~~تجوید~~ خطی تفسیر شماره:

شماره عمومی: ۳۰۸۴ شماره قبض: ۴۹۸۰۸

واقف: ؟ شمیم تاریخ وقف: فروردین ۱۳۰۵

طول: ۲۰ عرض: ۱۱ سانتیمتر قفسه:



شناسنامه آسیب شناسی

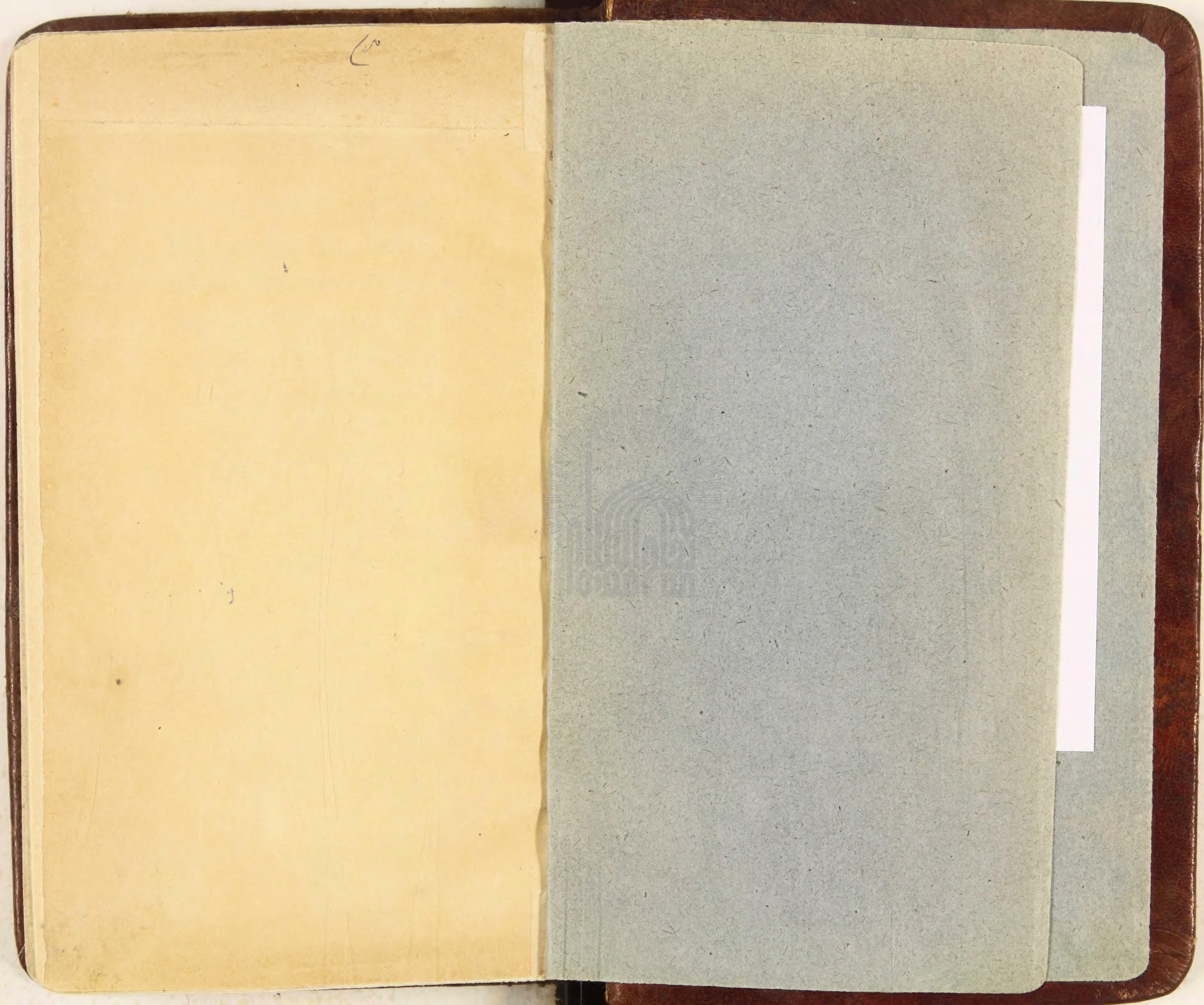
نسخه شناسی	عنوان	رساله حکمیه قطب‌شاهیه			
	درجه نفاست	نفیس			خطی ✓ / چاپ سنگی ○
	تعداد اوراق	۲۱۰		اندازه	۱۱×۲۰
	قطع	پالتوئی		شماره اموالی	۲۰۸۴
آسیب شناسی و اقدامات مرمتی	درصد تخریب اوراق	۱۰ ○ ۲۰ ○ ۵۰ ○ ۸۰ ○		از هم پاشیدگی عطف	دارد ○ / ندارد ✓
	نیاز به جعبه	دارد ○ / ندارد ✓		نوع آفت	شیمیایی ○ / زیستی ○ / فیزیکی ○
	نیاز به جلد سازی	دارد ○ / ندارد ✓		نیاز به مرمت جلد	دارد ○ / ندارد ✓
	نیاز به مرمت اوراق	دارد ○ / ندارد ✓		نیاز به دوخت عطف	دارد ○ / ندارد ✓
	نیاز به لکه گیری	دارد ○ / ندارد ✓		نیاز به گردگیری	دارد ○ / ندارد ✓
	نیاز به آفت زدایی	دارد ○ / ندارد ✓		نیاز به اسیدزدایی	دارد ○ / ندارد ✓

بررسی کنندگان: ۱. ابراهیمی ۲. علیزاده ۳.

تاریخ بررسی: ۸۹/۷/۲۵

اقدامات انجام شده:

تاریخ اقدام:



رساله ادبیه قطبشاهیه تفسیر تجوید

۵/۱/۲۶ قطبشاهیه ترجمه مؤلف محمد علی کربلائی که بامر شاه

کتاب رساله آیات

عبدالله قطب شاه

محمد بن خاتون عاملی در هندوستان در دولت عبدالله قطب شاه

تالیف نموده و قواعدی برای استخراج آیه و کلمه‌ها تاسیس کرده اول

نسخه (حمد و درود حضرت معبود که در افتتاح کلام مجید واقع شد)

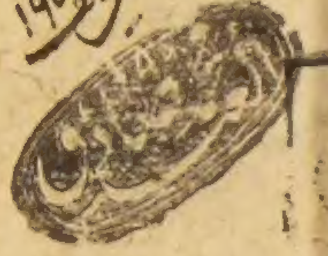
آخر نسخه (اعلی ل ب ر تم الکتاب) کاتب محمد الحسینی تاریخ تحریر

سنه ۱۰۶۱ قمری

خط نسخ ۱۸ سطر تعداد اوراق ۲۱۰ - طول ۲۰ در

۱۱ سانتیم - تقدیمی آقای شیخ [illegible] ۱۳۱۵

قد انعم علی عبده الذلیل محمد صادق الیزدی [illegible] هذا الکتاب [illegible] سنه ۱۲۶۸ [illegible] ۱۹۵



قد من الله تعالى على عبده المذنب
محمد صادق [illegible] بتملك
هذا الكتاب في اواخر ربيع الاول
سنة خمس وستين والف ١٩٥١







بسم الله الرحمن الرحیم وبه نقتی

حمد و درود حضرت معبود که در افتتاح کلام مجید واقع
شده چون دلیلست بر وجوب آن در مفتتح و ابتدای هر کتاب
و رساله با آنکه حمدی چنانچه باید و شاید از ما کم بضاعتان
کی آید بلکه از هیچکس نیاید لیکن چون غریق را تمسک
بحبلی که وسیله نجات او باشد ضروریست تمسک
بحبل المتین حمد رب العالمین نموده بقدر وسع و طاقت
خود و بحکم ما لا یدرک کله لا یترک کله کم و بیشی در
معرض گذارش در آورد و الاحمدی که سزاوار ثنا در
درگاه آن پادشاه علی الاطلاق باشد تشنه لبان سرای
جهالت و آبله پایان بادیه حیرت را چه مجال و کجا یارای
آن مقال باشد **مثنوی** دل ز کجا این پر و بال از کجا
من که و تعظیم جلال از کجا و درود نامعدود از حضرت
رب معبود بر صدر نشین مسند اصطفا و خلوت گزین
بزم دنا فتدلی آیه روشن و پیدا در مصحف وجود با

وجود انبیا راه نماینده نفوس سرکش خلایق به تازیانه
حکمت و موعظت از ها ویه هوس و هوا بر روضه رضا
سیدنا و حبیب الهنا محمد المصطفی المجتبی المعلی سلام الله
علیه و علی آله الغر الکرام النجبا ما اظلت الزرقا و اقلت
الغبرا و بر آل اطهار و عترت ابرار آن سرور که حاملان اسرار
وحی اند و کاشفان غوامض امر و نهی **اما بعد** چنین
گوید بنده پروردگار متصف بصفت یکتایی محمد علی کربلایی
که چون بر هنمونی قاید توفیق در سلک تلامذه که در خدمت
استاد اعظم و استناد اکرم حاوی الفضل و الکرم جامع
العلم و الهمم عمده و کلاء السلاطین العظام فی العالم المختص
من الله بالفضل الجلی محمد المشتهر بابن الخاتون العاملی
عامله الله بلطفه الخفی و بطوله الجسیم و کرمه العمیم بقراءت
علم تفسیر و حدیث اشتغال داشتند منخرط بودم و اغلب
اوقات در درس و مباحثه رجوع ببعضی آیات میشد
و احتیاج می افتاد بدانستن اینکه آن آیه در کدام جزو
و حزب و سوره است و حصول آن اشکال تمام داشت
حضرت علامی فهامی استادی بنا بر حسن اعتقاد خویش
نه به اندازه استعداد این درویش اشاره فایض البشارة

صادر فرمودند که این فقیر رساله در دانستن هر آیه از آیات
قرآنی که در کجا واقع است تالیف نماید و قاعده چندی که
در آن رساله ذکر کند که از مراعات آن باسهل وجهی مراد محصول
پیوندد و آنرا موشح و مزین کرداند بنام نامی و القاب سامی
پادشاه جمجاه ملایک سپاه کردون بارکاه مهبط الطاف اله
معدلت و خلافت دستکاه رافت و مکارم انتباه قطب فلک
رفعت و بختیاری مرکز دایره حشمت و کامکاری سکندر رتبت
سلیمن جاه المخصوص بعنایت الله و المجلی بمصداق انی عبد الله
السلطان بن السلطان و الخاقان بن خاقان سلطان
عبد الله قطبشاه خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین
بره و احسانه پس این فقیر سمعنا و اطعنا بر زبان ارادت بیان
رانده حسب المقدور خدمت بجای آورده رجا آنکه بنظر اکسیر
اثر ایستادکان پایه تخت خلافت معلا و حاشیه نشینان
مجلس بهشت آیین والا برسد بعین رضا ملحوظ و بسمع قبول
مسموع افتد رباعی عربی ارسل النمل من خلوص وداد
لسلیمن نصف رجل جراد قایلا ذاک شیمتی جهدی الهدایا
بقدر من یهدی امید که سایه بلند پایه آن پادشاه
حوزه اسلام و مربی کافه علمای اعلام تا ظهور حضرت امام

علیه و علی آبائه الغر الکرام افضل التحیة و اکمل السلام مخلد باد
و مستدام بمحمد و آله علیهم السلام پس تحریر کردم قاعده تا هر
آیه که خواهند باسانی برآرند و مقصد خود را از و برآرند
و این رساله را منقسم کردانید بر دو قسم پس در قسم اول
قاعده آنست که از اول آیها معلوم شود که هر که آیه
در کجا واقعست و قسم دوم آنست که از آخر آیها معلوم
شود که این آیه در کجا واقعست زیرا که کاه باشد که اول
آیه معلوم نباشد و آخر آیه معلوم باشد و قاعده او بعد
ازین خواهد آمد اما قاعده قسم اول چنانست که هر
آیه که خواهند معلوم کنند که در کجا واقعست دو حرف اول را
بکیرند و حرف سیم او را نظر کنند اگر الف باشد در باب آن
دو حرف که حرف سیم ایشان الف باشد ببینند و اگر حرف
سیم با باشد در باب همان دو حرف که حرف سیم ایشان
با باشد ببینند تا مقصود خود را بیابند و همچنین تا
آخر حروف تهجی مثلا اتخذ که اول آیه است و در اول
او و همزه واقعست و در قرآن مجید آیه که اول او دو حرف
همزه باشد حرف سیم او الف و با واقع نشده است و تا
واقعست و بعد از آن هرچه واقع باشد در باب آن نظر

باید کرد و آنچه از آنها که متماثل اند ممتاز شده اند بجمله

یا بحرفی تا بر طالبان مشتبه نشود و علامت جزو و حزب و ‏— واسم سوره

سوره در عقب آنچه مذکور است از آیه مرقوم است باین طریق

که بسرخی علامت اول علامت سوره است و علامت ثانی — رقمه

علامت جزو است و بعد از علامت حزب بسیاهی اگر الف

باشد علامت آنست که آیه شریفه در اول حزب واقعست

و اگر واو باشد علامت آنست که آیه شریفه در اواسط

حزب واقعست و اگر را باشد علامت آنست که آیه شریفه

در اواخر حزب است و بر بالای این علامت از جهت تعیین سوره

علامت دیگر نوشته و علامت سوره باین طریق که از اول نام — نوشته نمانده که سوره در هر جا بعینها مذکور است واحتیاج بوده نیست

هر سوره یک حرف یا دو حرف یا بیشتر نوشته شده است

و در بعضی نام سوره بعینه نوشته شده است تا بیکدیگر

مشتبه نشود باین طریق که حرف ب علامت بقره است و آل — ا ب ج

علامت آل عمران است و نسا علامت نسا است و ما علامت — د ه و

مایده است و انعا علامت انعام است و اع علامت اعراف است

و انفا علامت انفال است و تو علامت توبه است و یو — ز ح ط

علامت یونس است و حرف ه علامت هود است و یف — ی یا

علامت یوسف است و حرف ر علامت رعد است و اب

علامت تا[؟] علامت و نحا علامت نحل است و عصا

بعینه و هم بعینه و فیه بعینه و فر علامت فرقان

است و عو علامت ماجرون[؟] است و کو علامت کوثر است

کا علامت کافرون است و نصر بعینه و سد بعینه

و اخ علامت اخلاص است و فلق علامت فلق است و ناس

بعینه الی هذا و ذکر کردیم ابتدای جمیع اجزای قرآنی را و آنچه در و

واقع است از حزبها و سورها تا آسان شود استخراج

هر یک از آیها و نام نهادیم این رساله را بهادیه

قطبشاهی در استخراج آیات کلام الهی الجزو الاول

والحزب الاول الم ذلک الکتاب والثانی فتلقی آدم من

ربه والثالث واذا لقوا الذین آمنوا والرابع ما ننسخ من

آیة الجزو الثانی والحزب الاول سیقول السفهاء

والثانی لیس البر ان تولوا والثالث واذکروا الله فی ایام والرابع

واذا طلقتم النساء الجزو الثالث والحزب الاول

تلک ایات الکتاب الله والثانی یمحق الله الربو واول سوره — آل عمران

الم الله فی وسطه والثالث الذین یقولون والرابع ربنا

آمنا الجزو الرابع والحزب الاول لن تنالوا البر والثانی

یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا والثالث وما اصابکم

والرابع اول سورة النساء يا ايها الناس اتقوا الجزو الخامس
والحزب الاول والمحصنات من النساء والثانى والذين آمنوا
والثالث الله لا اله الا هو والرابع لا خير فى كثير من نجويهم
الجزو السادس والحزب الاول لا يحب الله الجهر بالسوء
والثانى اول سورة المائدة يا ايها الذين آمنوا اوفوا والثالث
لئن بسطت الى والرابع يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الجزو
السابع والحزب الاول واذا سمعوا ما انزل والثانى واذ قال الله
سورة الانعام الحمد لله الذى بعدها بسبع ايات والثالث
وان كان كبر عليك والرابع واذ قال ابرهيم الجزو الثامن
والحزب الاول ولو اننا نزلنا والثانى وهو الذى انشا جنات
سورة الاعراف المص كتاب فيما قبل آخره بعشرين آية
والثالث ويا ادم اسكن والرابع ونادا اصحاب الاعراف
الجزو التاسع والحزب الاول قال الملا الذين والثانى
فانتقمنا منهم والثالث واذ قالت امة والرابع اول سورة
الانفال يسالونك الجزو العاشر والحزب الاول واعلموا
انما غنمتم والثانى اول سورة التوبة براءة من الله والثالث
هو الذى ارسل رسوله والرابع يحلفون بالله لكم الجزو الحادى عشر
والحزب الاول يعتذرون اليكم والثانى يا ايها الذين آمنوا

فاتلوا

فاتلوا سورة يونس بعدها بسبع آيات والثالث والله
يدعوا والرابع واتل عليهم نبا نوح وفيما قبل اخره بخمس
آيات سورة الهود الر كتاب الجزو الثانى عشر والحزب الاول
وما من دابة والثانى قال يا نوح انه والثالث يا قوم لا يجرمنكم
وفيما قبل اخره بتسع آيات سورة يوسف الر تلك ايات
والرابع فلما ذهبوا به الجزو الثالث عشر والحزب الاول وما ابرئ
نفسى والثانى ولما فصلت العير وما بعدها بعشرين آية
سورة الرعد المر تلك والثالث افمن يعلم وفيما قبل آخره
بعشر ايات سورة ابرهيم الر كتاب والرابع قالت لهم
رسلهم الجزو الرابع عشر والحزب الاول سورة الحجر الر تلك
آيات الكتاب والثانى الذين جعلوا القران وما بعدها
بثمان آيات سورة النحل اتى امر الله والثالث وما ارسلنا
من قبلك والرابع الذين كفروا الجزو الخامس عشر والحزب
الاول سورة بنى اسرائيل سبحان الذى والثانى فلا تكونوا
والثالث ومن يهدى الله وما بعدها باثنى عشر آية سورة
الكهف الحمد لله الذى والرابع واصبر نفسك الجزو السادس
عشر والحزب الاول قال ان سالتك والثانى فانتبذت
به قومها والثالث اول سورة طه طه ما انزلنا والرابع

وَلَقَدْ اوحينا الجزو السابع عشر والحزب الاول سورة
الانبيا اقترب للناس والثاني فجعلهم جذاذا والثالث
اول سورة الحج يا ايها الناس اتقوا والرابع اذن للذين
الجزو الثامن عشر والحزب الاول اول سورة المومنون قد
افلح المومنون والثاني ولو رحمناهم وفي نصفه اول سورة
النور الحز لنا سورة انزلناها والثالث يا ايها الذين امنوا
لا تتبعوا والرابع قل اطيعوا الله وفي نصفه اول سورة
الفرقان تبارك الذي نزل الفرقان الجزو التاسع عشر
والحزب الاول وقال الذين والثاني اول سورة الشعرا
طسم تلك آيات والثالث قال وما علمي والرابع اول سورة
النمل طس تلك الجزو العشرون والحزب الاول فما كان جواب
قومه وفيما قبل آخره باحدى عشر آية سورة القصص
طسم والثاني ولما بلغ اشده والثالث ولقد وصلنا لهم
والرابع اول سورة العنكبوت والذين امنوا الجزو الحادي
والعشرون والحزب الاول ولا تجادلوا اهل الكتاب وفي
نصفه اول سورة الروم الم غلبت الروم والثاني و
من اياته وفي ثلثيه اول سورة لقمن الم تلك والثالث
ولقد اتينا وفي نصفه سورة السجده الم تنزيل والرابع

ولئن

ولنذيقنهم وما بعدها بعشر ايات سورة الاحزاب
يا ايها النبي الجزو الثاني والعشرون والحزب الاول ومن يقنت منكن
والثاني يسئلك الناس وما بعدها بعشر ايات سورة السبا
الحمد لله الذي والثالث قال الذين استكبروا وفي وسطه
سورة الفاطر الحمد لله فاطر السموات والرابع وما يستوي
الاعمى وما قبل آخره بعشرين آية سورة يس يس والقران
الحكيم الجزو الثالث والعشرون والحزب الاول وما انزلنا
على قومه والثاني اول سوره والصافات والصافات
صفا والثالث ما لكم كيف تحكمون وما بعدها بخمس وعشرين
آية سورة ص ص والقران والرابع قالوا بل انتم وما
بعدها بثمان وعشرين آية سورة الزمر تنزيل الكتاب
الجزو الرابع والعشرون والحزب الاول فمن اظلم ممن كذب
والثاني اول سورة المؤمن حم تنزيل الكتاب والثالث ويا
قوم ما لي ادعوكم والرابع اول سورة فصلت حم تنزيل الجزو
الخامس والعشرون والحزب الاول اليه يرد علم الساعة
وما بعدها بثمان ايات سورة شورى حم عسق والثاني
ومن اياته الجوار وفي نصفه اول سورة الزخرف حم
والكتاب والثالث ومن يعش عن ذكر الرحمن وفي نصفه

اول سورة الدخان حم والكتاب المبين والرابع اول
سورة الجاثية حم تنزيل الكتاب الجزء السادس والعشرون
والحزب الاول سورة الاحقاف حم تنزيل الكتاب
وما قبل اخره بسبع ايات سورة محمد الذين كفروا
والثاني افلم يسيروا وفي نصفه اول سورة الفتح انا
فتحنا لك والثالث ان الذين يبايعونك وما قبل اخره
بتسع ايات سورة الحجرات يا ايها الناس الذين آمنوا
لا تقدموا والرابع يا ايها الناس وما بعدها بسبع
ايات سورة ق ق والقرآن المجيد وفي نصفه اول سورة
الذاريات والذاريات ذروا الجزء السابع والعشرون
والحزب الاول قال فما خطبكم من نصف الذاريات و
سورة الطور الى نصفه سورة النجم والثاني من نصف سورة
النجم ولله ما في السموات وسورة القمر الى ثلث سورة
الرحمن والثالث من ثلث الرحمن وله الجوار المنشآت
وسورة الواقعة الى ثلثيها والرابع من الموضع المذكور
تنزيل من رب العالمين وسورة الحديد الى اخرها الجزء
الثامن والعشرون والحزب الاول اول سورة المجادلة
قد سمع الله وسورة الحشر الى نصفها والثاني من نصفها

الى

الم تر الى الذين وسورة الممتحنة الى اخرها والثالث اول سورة
الصف سبح لله ما في السموات وسورة الجمعة وسورة
النفاق وسورة التغابن الى نصفها والرابع من نصفها يوم
يجمعكم ليوم الجمع وسورة الطلاق وسورة التحريم الى اخرها
الجزء التاسع والعشرون والحزب الاول سورة تبارك الذي
بيده الملك وسورة القلم وسورة الحاقة الى ثلثيها والثاني
من ثلثيها يومئذ تعرضون وسورة الواقعة وسورة نوح المعارج
الى آخرها والثالث اول سورة الجن قل اوحي الى وسورة
المزمل وسورة المدثر الى ثلثيها والرابع من ثلثيها انها لاحدى
الكبر وسورة القيمة وسورة هل اتى وسورة المرسلات الى
اخرها الجزء الثلثون والحزب الاول سورة النبأ عم يتساءلون
وسورة النازعات وسورة عبس وسورة كورت وسورة
انفطرت الى نصفها والثاني من نصفها يصلونها يوم الدين
وسورة المطففين وسورة انشقت وسورة البروج
وسورة الطارق وسورة الاعلى وسورة الغاشية الى اخرها
والثالث اول سورة الفجر والفجر وليال وسورة البلد و
سورة الشمس وسورة الليل وسورة الضحى وسورة الم
نشرح وسورة التين وسورة العلق وسورة القدر

والرابع سورة لم يكن وسورة زلزلت وسورة العاديات
وسورة القارعة وسورة التكاثر وسورة العصر وسورة
همزة وسورة الفيل وسورة قريش وسورة ارايت وسورة
الكوثر وسورة الكافرون وسورة النصر وسورة تبت و
سورة الإخلاص وسورة الفلق وسورة الناس باب
الهمزتين مع التاء اتخذ يس كـ د مع الذال ءإذا متنا وكنا
ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون صافات كـ ب اءذا متنا و
كنا ترابا وعظاما اءنا لمدينون صافات كـ ب ءإذا
كنا نازعات ل مع الشين ءاشفقتم مجادلة كـ ا و مع اللام
ءالٔن قد كرر يونس مع الميم ءامنتم ملك كـ ط مع النون ءانتم
اشد نازعات ل ءانتم انزلتموه واقعة كـ ءانتم انشاتم
واقعة كـ ءانتم تخلقونه واقعة كـ ءانتم تزرعونه
واقعة كـ ءانزل ص كـ ا باب الهمزة والباء مع الصاد
ابصارها نازعات ل مع اللام ابلغكم رسالات ربي
وانا اعراف ح د ابلغكم رسالات ربي وانصح اعراف ح د
باب الهمزة والتاء مع الالف اتاتون شعرا كـ و
اتامرون بقرة ا مع الباء اتبع انعام ز د اتبعون شعرا كـ ا
اتبعوا ما انزل اعراف ح ا تتبعوا من لا يسـ كـ د مع التاء

اتتركو

اتتركون شعرا كـ مع الخاء اتخذناهم ص كـ د اتخذوا
احبارهم توبة ب د اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا
عن سبيل الله انهم منافقين كـ ح واتخذوا ايمانهم جنة
فصدوا عن سبيل الله فلهم مجادلة كـ ا و مع الدال
اتدعون صافات كـ ب و مع اللام الا انا عنكبوت كـ مع
الواو اتواصوا ذاريات كـ ا اتوني كهف ا د مع
الياء اتى امر الله نحل ا باب الهمزة
والثاء مع الميم اثم اذا يونس و باب الهمزة والجيم
مع العين اجعل ص كـ ا اجعلتم توبة ب وباب
الهمزة والحاء مع الالف احاط بني اسرائيل كـ ا مع السين
احسب عنكبوت كـ مع الشين احشروا صافات كـ ا
مع اللام احلت مائدة و احل لكم مائدة ز و احل لكم ليلة
بقرة ب و مع الياء احياء مرسلات كـ د باب
الهمزة والخاء مع الذال اخذتني كهف د مع الراء اخرج
نازعات ل و باب الهمزة والدال مع الخاء ادخلوا
زخرف كـ و ادخلوا ابواب مؤمن كـ ادخلوها
بسلام آمنين حجر ا و ادخلوها بسلام ذلك
ق كـ د و مع العين ادع نحل د ادعوا اعراف د

ادعوهم احزاب كا د امع الفا، ادفع مومنون يح ب ا باب

الهمزة والذال مع الالف اذا القوا ملك كط ا ا اذابق صافات

يح ب ر اذ ارسلنا يس كب د ر اذ الاغلال مومن كد ج اذا السما

انشقت انشقاق د ب ا اذا السما انفطرت انفطار د ا اذ

اذا الشمس كورت تكوير ل ا اذا تتلى عليه اياتنا قال اساطير الاولين

سنسمه ن كط ا و اذا تتلى عليه اياتنا قال اساطير الاولين

كلا مطففين د ب ا اذا جاءك المنافقون منافقين يح ج د

اذا جاء نصر الله نصر د د ر اذا رايتهم حسبتهم دهر كط د و

اذا رايتهم من مكان فرقان يح د ر اذا رجت الارض واقعه

كز ج و اذا زلزلت الارض زلزال د د ا اذا الا ذقناك بنى

اسرايل يه ب و اذا مسه الشر معا كط ب و اذا انبعث شمس

لج و اذا انتم انفال ى ا ا اذا وحينا طه يو ج اذا وقعت

واقعه كو ج و اذ اوى الفتية الكهف بنى اسرايل يه ج و مع التا

اذ تبرا بقره ب ا ر اذ تستغيثون انفال ط د ا اذ تصعدون

ال عمران د ب و اذ تقول ال عمران د ا اذ تلقونه نور يح

يح ب ر اذ تمشى طه يو ج و مع الجيم اذ جاءتهم فصلت كد

د ا اذ جاء ربه صافات يح ب و اذ جاوكم احزاب كا د و

اذ جعل الذين فتح كو ج ا مع الدال اذ دخلوا على ص يح ج و

اذ

اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال انا حجر يد ا و اذ دخلوا عليه

فقالوا سلاما قال سلام ذاريات كو د ر مع الرا اذ رآ نارا

طه يو ج ا مع العين اذ عرض ص يح ج ر مع القاف اذ قال

الحواريون مائده ز ا ر اذ قال الله يا عيسى ابن مريم مائده

ز ا ر اذ قال الله يا عيسى انى ال عمران ج د ا اذ قالت الملائكة

ال عمران ج ج ر اذ قالت امرات ال عمران ج ج و اذ قال ربك

ص يح د ا اذ قال لابيه وقومه ما تعبدون شعرا يط ب و

اذ قال لابيه وقومه ماذا صافات يح ب و اذ قال لابيه و

قومه ما هذه انبيا يز ا ر اذ قال لابيه يا ابت مريم يو ب ا

اذ قال لقومه صافات يح ب ر اذ قال له ربه بقره ا د و

اذ قال لهم اخوهم نوح شعرا يط ب ر اذ قال لهم اخوهم

لوط شعرا يط ج و اذ قال لهم اخوهم صالح شعرا يط ج ا اذ

قال لهم اخوهم هود شعرا يط ج ا اذ قال لهم شعيب شعرا

يط ج و اذ قال موسى نمل يط د ا اذ قال يوسف يوسف يب ج د

اذ قالوا ليوسف يوسف يب ج ر مع اللام اذ لك صافات

يح ب و مع النون اذ نادى ربه نازعات ل ا و اذ نجيناه صافات

يح ب ر اذ نسويكم شعرا يط ب ر اذن للذين حج يز ج ر

مع الها اذهبا الى فرعون انه طغى فقولا له طه يو ج و اذ

اذ نادى ربه ...

الى فرعون انه طغى فقل نازعات لا واذهب الى فرعون انه
طغى قال طه يوجر اذهب انت طه يوجر واذهب بكتابى نمل
بط د و اذهبوا يوسف يجر اذهمت آل عمران دار اذهم
عليها بروج لب و مع اليا اذ يتلقى المتلقيان ق كود و
اذ يريكهم الله انفال ى ا اذ يغشى السدرة نجم كز ار اذ
يغشيكم انفال طد ا اذ يقول انفال ى ا اذ يوحى انفال
طد ا باب الهمزة والرا مع الالف ارايت الذى يكذب ما
عون لدر ارايت الذى ينهى علق لج كا ارايت ان كان
علق لجر ارايت ان كذب علق لجر ارايت من اتخذ فرقان
بط او مع الجيم ارجع نمل يط د و ارجعوا يوسف يجر ارجعى
فجر لج ا مع السين ارسله يوسف يب كا مع الكاف اركض
ص كجر باب الهمزة والزا مع الفا ازفت نجم كزب ا
باب الهمزة والسين مع البا اسباب مؤمن كد
ب مع التا استجيبوا شورى كه ب ا استحوذ مجادله
كج ا واستغفر توبه ى د واستكبارا فاطر كب د ومع الكاف
اسكنوا طلاق فح د ومع اللام اسلك قصص كب و مع
الميم اسمع مريم يوب ا باب الهمزة والشين مع التا
اشتروا توبه كب ا مع الحا اشحة على احزاب كادر اشحة

احزاب
عليكم سجده كادر مع الدال اشدد طه يوجر ا باب الهمزة
والصاد مع البا اصبر ص كجر و مع الحا اصحاب فرقان لج ا
مع الطا اصطفى صافات كجب ر مع اللام اصلوها اليوم
يس كج ا و اصلوها فاصبروا او لا تصبروا طور كز ا و باب
الهمزة والطا مع اللام اطلع مريم يوب ر باب الهمزة و
العين مع الدال اعد الله لهم جنات توبه ى د ر اعد الله
لهم عذابا شديدا انهم مجادله كج ا واعد الله لهم عذابا
شديدا فاتقوا الله طلاق كح د ومع اللام اعلموا ان الله
شديد العقاب مائده زا و اعلموا ان الله يحيى حديد كز د و
اعلموا انما حديد كز د ومع النون اعنده نجم كزب ا باب
الهمزة والفا مع الالف افامنتم بنى اسرائيل يه ب و افانت
زخرف كه جر ا افاصفيكم بنى اسرائيل يه ا ر ا فامن الذين نحل
يدجر ا افامن اهل القرى اعراف ط ا ا افامنوا ان تاتيهم
يوسف يجب ا افامنوا مكر الله اعراف ط ا مع البا افبعذابنا
يستعجلون افرايت شعرا يط جر ا افبعذابنا يستعجلون
فاذا نزل صافات كجب ا افهذا او اقعه كزد ا مع التا افترى
سبا كب و افتطمعون بقره اجر ا افتمارونه نجم كز ا ر
مع الحا افحسب كهف يو ا و افحسبتم المومنون يح ب و

الحكم مائده دجـ مع الرا افرايت الذى كفر مريم يوب ر افرايت
الذى تولى نجم كزب ا افرايت ان متعناهم شعرا يطجـ ر افرايتم
اللات نجم كزا ر افرايتم الماء واقعه كزجر افرايتم النار واقعه
كزجر افرايتم ما تحرثون واقعه كزجـ ر افرايتم ما تمنون واقعه
كزجـ ر افرايت من اتخذ جاثيه كه د و مع السين افسحر طور كز ا و
مع الطاء افطال طه يود ا مع العين افعيينا ق كود ا مع
الغين افغير الله انعام ح ا ا افغير دين الله آل عمران
جـ د ر مع اللام افلا تذكرون صافات كجـ ب ا ر افلا يتوبون
مائده د ر افلا يرون طه يود ا ا افلا يعلم عاديات ل د ا
افلا يتدبرون القران ام على محمد كوب و افلا يتدبرون القران
ولو كان نساء هـ ب ر افلا ينظرون غاشيه د ب ر افلم ينظروا
ق كود ا افلم يهد طه يود ر ا افلم يخش رعد يجـ ر ا افلم يدبروا
مومنون يح ا و افلم يسيروا فى الارض فتكون حج بز د ا الم
يسيروا فى الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم
دمر الله محمد كوب ا ا افلم يسيروا فى الارض فينظروا كيف
كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا مومن كد جـ ر افلم ينظروا
الى السماء ق كود ا مع الميم افانحن صافات كجـ ب و افمن
اتبع آل عمران د ب ر افمن اسس توبه يا ا و افمن حق زمر

كجـ د ر افمن زين فاطر كب جـ ر افمن شرح زمر كجـ د د افمن هذا
الحديث نجم كز ب و افمن هو رعد يجـ جـ و افمن يتقى زمر كجـ د د
افمن يخلق نحل يد ب و افمن يعلم رعد يجـ جـ ا افمن يمشى ملك
كط ا ا افمن كان على بينة من ربه كمن زين محمد كوب ا ر افمن
كان على بينة من ربه ويتلوه هود يب ا ا افمن كان مومنا
سجده كا جـ ر افمن وعدناه قصص كبر ا ر مع النون افنجعل ن
كط ا و افنضرب زخرف كد ب و مع اليا افى قلوبهم نور يح جـ و ا
باب الهمزة والقاف مع التاء اقتربت الساعة قمر كو ب ا
اقترب انبيا يز ا ا قتلوا يوسف يب جـ ر مع الراء اقرأ اقرأ
كتابك بنى اسرائيل يه ا ه اقرأ وربك علق لجـ د مع الميم اقم
الصلوة لدلوك بنى اسرائيل يه ب و اقم الصلوة طرفى النهار
يوسف يب جـ و باب الهمزة والكاف مع الالف اكان يونس
يا ب ا مع الفاء اكفاركم قمر كز ب ر باب الهمزة واللام
مع الالف الا ابتغاء ليل لجـ د الا الجر يد ا ر الا المستضعـ
المستضعفين نساء هـ جـ و الا المصلين معارج كط ا ب و
الا امراته حجر يد ا ر الا ابليس ابى حجر يد ا و الا ابليس استكبر
ص كجـ د ا الا اصحاب اليمين مدثر كط د ا الا الذى زخرف
كد ب ر الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات فلهم اجر

تين لجر الا الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم اجر انشقاق
دب والا الذين امنوا وعملوا الصالحات وتواصوا عصر ددو
الا الذين امنوا وعملوا الصالحات وذكروا الله شعرا يط جر
الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور
رحيم ان الذين ال عمران جدر الا الذين تابوا من بعد
ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم والذين نوريج به
الا الذين تابوا من قبل مائدة وجا الا الذين تابوا واصلحوا
واعتصموا نساه در الا الذين تابوا واصلحوا وبينوا
بقره باو الا الذين صبروا هود يب ا الا الذين عاهدتم
توبه ى ب الا الذين يصلون نساه جا الا ان اولياء الله
يونس يا جر الا ان لله ما فى السموات والارض الا ان
يونس ياجو الا ان لله ما فى السموات والارض قد يعلم
نورص يالجو الا ان لله من فى السموات يونس ياجر الا
انهم فى مرية فصلت كه ا الا انهم من افكهم صافات كجر
الا انهم هم المفسدون بقره ا الا انهم يثنون هود
يا در الا ان يشا الله كهف يه جر الا ابلاغا جن كاجه
الا تتبعن طه يود الا تذكرة طه يوجا الا ترحم
كزب ا الا تطغوا رحمن كزب ر الا تعلوا نمل يط دو الا تكفا
تلون

توبه ى ب الا تنصروه توبه ى جا الا تنفروا توبه ى جا
الا تعبدوا الا الله انى هود يا در الا تعبدوا الا الله انى
هود يبا و الا حيما بنا ل ا الا خلة زخرف كه جو الا رحمة
سنا يس كجاو الا رحمة من ربك بنى اسرائيل يه ب د الا طريق
نساو الا عراب توبه يا الا عباد الله المخلصين اولئك
صافات كج ب او الا عباد الله المخلصين فانكم صافات كجه
الا عباد الله المخلصين وتركنا صافات كج ب و الا عبادا لله
المخلصين ولقد صافات كجب ر الا عبادك منهم المخلصين
قال فالحق ص كج د ا الا عبادك منهم المخلصين قال هذا
حجر يد او الا عجوزا فى الغابرين ثم دمرنا الاخرين وامطرنا
شعرا يط جو الا عجوزا فى الغابرين ثم دمرنا الاخرين وانكم
صافات كجدر الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم
غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون و
الذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذين هم على صلواتهم
مؤمنون يح ا الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير
ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون والذين هم
لاماناتهم وعهدهم راعون والذين هم بشهاداتهم معارج
كطاب و الا قيلا واقعة كزب و الا لله زمر كج د ا الا اناثا

اعلى ك ب ب ر الآمن انى شعرا يط ب ر الامن خطف صافات كجا
الامن رحم دخان كم ج ر الآمن ظلم عل يط د ا الامن هو
صافات كج ب ر ج ا الاموتتنا صافات كج ب و الامن ارتضى
جن كط ج ا ر الامن استرق حجر يد ١١ الامن تاب وامن و
عمل صالحا مريم يو بد و الامن تاب وامن وعمل عملا فرقان
يط ا ر الان خفف انفال ى ا ر الان وقد يونس يا د و الله
الصمد اخلاص ط د ر الله خالق زمر كد ا ر الله ربكم صافات
كج ب ر الله لطيف شورى كط ا ر الله نور نور يح ج و الله ولى بقرة
ج ١١ الله يبدؤ روم كا ا ر الله يتوفى زمر كد ١١ الله يحكم حج يز د ر
الله يستهزئ بقرة ١١١١ الله يصطفى حج يز د ر الله يعلم رعد يح ب د
الله الذى يرسل روم كا ب د الله الذى انزل شورى كط ا ر الله الذى جعل
لكم الارض مومن كد ب ر الله الذى جعل لكم الانعام مومن كد ب ر الله الذى
جعل لكم الليل مومن كد ب ر الله الذى خلق السموات والارض
وانزل ابرهيم يح د و الله الذى خلق السموات والارض وما بينهما
سجده كا ج ر الله الذى خلق سبع طلاق كح د و الله الذى خلقكم
ثم روم كا ب د الله الذى خلقكم من ضعف روم كا ب ر الله
الذى رفع السموات رعد يح ب و الله الذى سخر جاثيه كه د ا
الله الذى له ما فى السموات ابرهيم يج ب ر الله لا اله الا هو الحى

القيوم بقرة ج ١١ الله لا اله الا هو رب العرش نمل يط د و
الله لا اله الا هو له الاسماء طه يو ج ا الله لا اله الا هو
ليجمعنكم نساء ه ج ا الله لا اله الا هو وعلى الله تغابن كح د ا
الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده عنكبوت كا ا و الله
يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر رعد يح ب ا الا يسجدوا
نمل يط د و الا يظن مطففين ل ب ا الا يعلم ملك كط ١١
مع التاء التائبون توبه يا ا و التى لم فجر ل ج ا التى تطلع همزه ل د و
مع الجيم الجوار تكوير ل ا ر مع الحاء الحاقه الحاقه كط ا ح
الحج بقرة ب ب ر الحق من ربك فلا تكن ال عمران ج د ا الحق من
ربك فلا تكونن بقرة ب ١١ الحمد لله الذى انزل كهف يه
ج ا ر الحمد لله الذى خلق انعام ز ب ا الحمد لله الذى له سبا
كب ب ا الحمد لله الذى وهب لى ابرهيم يج د ر الحمد لله فاطر
السموات فاطر كب ج و مع الخاء الخبيثات نور يح ج ا مع
الذال الذى احسن سجده كا ج ر الذى احلنا فاطر كب د ا
الذى اطعمهم قريش ل د و الذى انقض الم نشرح ل ج و الذى
جعل لكم الارض فراشا بقرة ١١ و الذى جعل لكم الارض مهدا
وجعل زخرف كه ب و الذى جعل لكم الارض مهدا وسلك
طه يو ج و الذى جعل لكم من الشجر يس كج ا ر الذى جعل مع الله ق كو د و

الذى جمع مالا همزه د و الذى خلق السموات فرقان يط آ
الذى خلق الموت ملك كط ١١ الذى خلق سبع ملك كط ١١
الذى خلق فسوى اعلى لب ر الذى خلقك انفطار ل ا ر الذى
خلقنى شعرا يط بر الذى كذب ليل ج و الذى له ملك السموات
والارض ولم يتخذ فرقان ب د و الذى له ملك السموات والارض
والله بروج لب و الذى هم نبا ل ١١ الذى يريك شعرا يط ج
الذى يصلى اعلى لب ر الذى يوسوس ناس د ر الذين اتخذوا
اعراف ح د ١ الذين اتيناهم الكتاب من قبله قصص كد ج ١
الذين اتيناهم الكتاب يتلونه بقره ا د و الذين اتيناهم
الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم الذين انعام زب و
الذين اتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم وان
فريقا بقره ب ١١ الذين اخرجوا حج بزجو ا الذين اذا اصابهم
بقره ب ا و الذين اذا اكتالوا مطففين لب ا الذين استجابوا
ال عمران ج ١ الذين اذا ذكر الله حج يزج ر الذين امنوا باياتنا
زخرف كه ج و الذين امنوا قد انزل طلاق كح د و الذين
امنوا وتطمئن رعد يح ج ١ الذين امنوا وعملوا الصالحات
رعد يح ج ١ الذين امنوا وكانوا يونس يا ج ر الذين امنوا
ولم يلبسوا انعام زد ١ الذين امنوا وهاجروا توبه ب ب

الذين

الذين امنوا يقاتلون نساء ب و الذين ان مكناهم حج يزج د ا
الذين تتوفيهم الملائكة ظالمى نحل يد ب و الذين تتوفيهم
الملائكة طيبين نحل يد بر الذين جعلوا حجر يد ب ١ الذين
صبروا وعلى ربهم يتوكلون وكاين عنكبوت كا ا و الذين
صبروا وعلى ربهم يتوكلون وما ارسلنا نحل يد ج ١ الذين
ضل كهف يا ا و الذين طغوا فجر ل ج ١ الذين عاهدت
انفال ى ا و الذين قال ال عمران د ج ١ الذين قالوا لاخوانهم
ال عمران د ج ١ الذين قالوا ان الله ال عمران د ج و الذين كانت
كهف يا ا و الذين كذبوا بالكتاب مؤمن كد ج ر الذين كذبوا
شعيبا اعراف ط ١١ الذين كفروا لهم فاطر كب ب و الذين كفروا
وصدوا عن سبيل الله اضل محمد كو ا ر الذين كفروا وصدوا
عن سبيل الله زدناهم نحل يد د ١ الذين لا يؤتون فصلت
كد د ١ الذين هم فى خوض طور كز ا و الذين هم فى صلاتهم
مؤمنون يح ١١ الذين هم يراؤن ماعون لد ر الذين
ياكلون بقره ج ب ا الذين يبخلون ويامرون الناس
بالبخل ومن يتول ويكتمون نساء ه ا و الذين يبخلون
ويامرون الناس بالبخل ومن يتول حديد كز د ر الذين
يبلغون احزاب كب ا و الذين يتبعون اعراف ط ب ب الذين

يتخذون نساء هد ر الذين يتربصون نساء هد ر الذين
يجادلون مومن كد ب ر الذين يجتنبون نجم كز ب ا الذين يحملون
نحل يد ب ا الذين يحشرون فرقان يط اا الذين يحملون
مؤمن كد ب ا الذين يخشون انبياء يز ا ر الذين يذكرون
آل عمران د جر الذين يرثون مؤمنون يح اا الذين يستحبون
ابرهيم يجر الذين يستمعون زمر يح د ر الذين يظاهرون
مجادله كح اا الذين يظنون بقره اب ا الذين يفسدون
شعراء يط جر و الذين يقولون ال عمران ج ج ا الذين ينقضون
بقره ا ار الذين يوفون رعد يح ج ا الذين يؤمنون
بقره ااا الذين يكذبون مطففين لب اا الذين يلمزون
توبه ى د و الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا
وهم بالاخرة كافرون اعراف ح جر الذين يصدون
عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالاخرة كافرون هود
يب او الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالاخرة
هم يوقنون ان الذين نمل يط د ا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون
الزكوة وهم بالاخرة هم يوقنون اولئك لقمان كا ب ر الذين
يقيمون الصلوة ومما رزقناهم انفال ط د ا الذين ينفقون
اموالهم بالليل بقره ج ار الذين ينفقون اموالهم فى سبيل

الله

الله بقره ج او الذين ينفقون فى السراء ال عمران د ب ا
مع الراء الر تلك ايات الكتاب الحكيم يونس ياب ا الر تلك
ايات الكتاب المبين يوسف يب جر الر تلك ايات الكتاب
وقرآن حجر يد اا الرجال نساء ه او الرحمن على طه يو جر الرحمن
علم رحمن كز ب ر الر كتاب احكمت هود يا د ر الر كتاب
انزلناه ابرهيم يج جر مع الزاء الزانية نور يح ب ر الزانى
نور يح ب ر مع السين السماء مزمل كط جر و مع الشين الشمس
رحمن كز ب ر الشهر بقره ب ب ر الشيطان بقره ب ا ر مع الصاد
الصابرين ال عمران ج ج ا ر مع الطاء الطلاق بقره ب جر مع
القاف القارعة قارعه لد و القيامة قيامة كو د و مع الكاف الكم
نجم كز ا ر مع الميم الم الله ال عمران ج ب و الم احسب
عنكبوت كا د ا الم احم يس كج او المال كهف يه د و الم
تنزيل سجده كا جر و الم تلك لقمان كا ب ر الم تلك مؤمنون
يح ب و الم تر الى الذى بقره ج اا الم تر الى الذين اوتوا نصيبا
من الكتاب يدعون ال عمران ج ج ا الم تر الى الذين اوتوا
نصيبا من الكتاب يشترون نساء ه او الم تر الى الذين
اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون نساء ه ا ر الم تر الى الذين
تولوا مجادله كح او الم تر الى الذين بدلوا ابرهيم يج د و الم تر

الى الذين خرجوا بقره ب د و الم تر الى الذين قيل لهم نساء يد
الم تر الى الذين نافقوا حشر كج ب ا الم تر الى الذين نهوا مجادله
كح اا الم تر الى الذين يجادلون مومن كد جـ لو الم تر الى الذين يزعمون
نساء ب ا الم تر الى الذين يزكون نساء ا ر الم تر الى الملأ
بقره بـ د ر الم تر الى ربك فرقان يط ا و الم تر انا ارسلنا مريم
يو ب ذ الم تر ان الفلك لقمان كا جـ و الم تر ان الله انزل من السماء
ماء فاخرجنا فاطر كب د ا الم تر ان الله انزل من السماء ماء
فتصبح حج يز د و الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه
زمر كج د ر الم تر ان الله خلق السموات ابرهيم يجـ د ا الم تر
ان الله سخر لكم ما في الارض حج يز د و الم تر ان الله سخر
لكم ما في السموات لقمان كا جـ ا الم تر ان الله يولج لقمان
كا جـ و الم تر ان الله يسبح نور يج جـ د الم تر ان الله يزجي نور
يج جـ ر الم تر ان الله يسجد حج يز جـ و الم تر ان الله يعلم مجادله
كح ااا الم تر انهم شعراء يط جـ ر الم تر كيف ضرب الله
ابرهيم يجـ د و الم تر كيف فعل ربك بعاد فجر جـ ا الم تر كيف
فعل ربك باصحاب فيل ل د و الم تروا كيف خلق الله نوح كا
ب ر الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض وما لكم
بقره د ا جـ ا الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض يعذب

مائده و جـ و الم تعلم ان الله يعلم حج يز د ر الم ذلك بقره
ااا المر رعد يجـ ب و المص اعراف جـ ب سه الم غلبت روم
كا و الملك يومئذ لله حج يز د و الملك يومئذ الحق فرقان
يط اا المنافقون توبه ى د ا الم نجعل بلد ل جـ ا الم نجعل الارض
كفاتا مرسلات كط د ر الم نجعل الارض مهادا ا نازعات ل اا
الم نخلقكم مرسلات كط د ر الم نشرح الم نشرح ل جـ و الم نهلك
مرسلات كط د ر الم يأتهم توبه ى جـ ا الم يأن حديد كز د و
الم يك قيمه كط د و الم يجدك و الضحى ل جـ و الم يجعل
فيل ل د و الم يأتكم نبؤ الذين من قبلكم ابرهيم يجـ جـ ر الم
يأتكم نبؤ الذين كفروا تغابن كح جـ ر الم يروا الى الطير نحل
يد جـ ر الم يروا انا جعلنا الليل نمل ك ا و الم يروا كم اهلكنا
قبلهم يس كج اا الم يروا كم اهلكنا من قبلهم انعام ز ب
الم يعلم علق ل جـ ر الم يعلموا انه توبه ى جـ ر الم يعلموا
ان الله يعلم توبه ى د و الم يعلموا ان الله هو يقبل توبه يا ا و
مع النون النار ذات بروج ل ب و النار يعرضون مؤمن
كد جـ ا النبي احزاب كا د ا النجم طارق ل ب و مع الهاء الله
الناس ناس ل د ر الهكم نحل يد ب و الهكم اعراف ط جـ ر الهيكم
تكاثر ل و مع الياء الى الله هود يا د ر الى ربها قيمه كط د ا

الى ربك يومئذ قيمه كط د الى ربك منتهيها نازعات لـ اه
اليس ذلك بقيمة كط د اليس الله بكاف زمره كد ا اليس الله
باحكم تين لج م الى فرعون وملائه فاتبعوا هود يب جا الى
فرعون وملئه فاستكبروا مؤمنون يح او الى فرعون وهامان
مؤمن كد ب و الى قدر مرسلات كط د ر الى ميقات واقعه
كز ج لا اليوم نجزى مؤمن كد ب و اليوم نختم يس لج او اليوم
اكملت مائده ب ا اليوم احل مائده و ب ا اليه وجهكم يونس
باب ا اليه يرد فصلت كد ا الى يوم الوقت المعلوم قال رب
حجر يد او الى يوم الوقت المعلوم قال فبعزتك ص لج د اباب
الهمزة والميم مع الالف اما الذين سجده كا ج ر اما السفينه
كهف يو ا ام ابرموا زخرف كه ج و ام آتيناهم زخرف كه ب د
ام اتخذوا الهة من الارض انبياء ب ا ام اتخذوا من دونه
آلهة انبياء ب ا ام اتخذوا من دونه اولياء شورى كه ا و ام
اتخذوا من دون الله زمر كد ا ام اتخذ مما زخرف كه
ب و اما من استغنى عبس لـ ا و ام امنتم ان بنى اسرائيل
يه ب و ام امنتم من ملك كط ا ام انا زخرف كه ج ا ام انزلنا
روم كا ب ا مع التاء ام تأمرهم طور كز ا و ام تحسب
فرقان يط ا و ام تريدون بقره ا ج ا و ام تسالهم خرجا

مومن

مؤمنون يح ا د ام تسالهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ام
عندهم الغيب فهم يكتبون ام يريدون طور كز ا و ام تسالهم
اجرا فهم من مغرم مثقلون ام عندهم الغيب فهم يكتبون
فاصبر ن كط ا د ام تقولون بقره ادر مع الجيم ام جعلوا
رعد يح ب ر مع الحاء ام حسب الذين اجترحوا جاثيه كه
د و ام حسب الذين فى قلوبهم محمد كو ب و ام حسب الذين
يعملون عنكبوت ك ه ا ام حسبت كهف يه ج و ام حسبتم
ان تتركوا توبه ى ب و ام حسبتم ان تدخلوا الجنه ولما
ياتكم بقره ب ج ا ام حسبتم ان تدخلوا الجنه ولما يعلم
الله ال عمران د ب ا مع الخاء ام خلقنا صافات كد ب د
ام خلقوا السموات طور كز ا و ام خلقوا من غير طور كز ا و
مع الدال ام لدكم شعراء يط ج ا مع الراء ام ا دخان كه ج د
مع العين ام عندهم الغيب فهم يكتبون ام يريدون طور
كز ا و ام عندهم الغيب فهم يكتبون فاصبر ن كط ا ام عندهم
خزائن رحمة ربك ص لج ج ا ام عندهم خزائن ربك طور
كز ا و مع الكاف ام كنتم بقره ا د ر مع اللام ام لكم ايمان ن
كط ا ام لكم سلطان صافات لج ب ا ام لكم كتاب ن كط ا و ام للانسان
نجم كز ا ام لم يعرفوا مؤمنون يح ا ام لم ينبا نجم كز ب ا ام له

طودكزاوام لهم اله طوركزاوام لهم الهة انبيا ضيزاوام لهم
سلم طوركزاوام لهم شركا شرعوا لهم شورى كه ام
ام لهم شركا فليأتوا ن كط ا ام لهم ملك السموات
ص لج ج ام لهم نصيب نساء ه ا مع النون امن الرسول
بقره ج ب و امن جعل نمل ك ا ام نجعل ص لج ج و امن خلق
نمل ك ا آمنوا حديد كز ا امن هو زمر كه د وامن هذا الذي
هو جند ملك كط ا امن هذا الذي يرزقكم ملك كط ا
مع الواو اموات نحل يد ب و مع اليا ام يحسبون زخرف
كه ج وام يحسدون نساء ه ا ام يريدون طور كز ا وام
يقولون افترى شورى كه ا ام يقولون افتريه بل هو
سجده كا ج ام يقولون افتريه قل ان افتريته فعلى هود يب ا
ام يقولون افتريه قل ان افتريته فلا تملكون [illegible] كز ا
ام يقولون افتريه قل فاتوا بسورة يونس ياج ا ام يقولون
افتريه قل فاتوا بعشر هود يب ا ام يقولون به مؤمنون
يح ا ام يقولون تقوله طور كز ا وام يقولون شاعر
طور كز ا ام يقولون نحن قمر كز ب الهمزة والنون مع
الالف انا اعطينا كوثر ل د انا متا طه يو ج انا انذرناكم
نبا ل ا انا انشأنا واقعه كز ب و انا اوحينا نسا و انا

اخلصنا

١٧

اخلصناهم ص لج ج انا ارسلنا اليكم مزمل كط ج انا ارسلنا
عليهم حاصبا قمر كز ب انا ارسلنا عليهم ريحا قمر كز ب
انا ارسلنا عليهم صيحة قمر كز ب انا ارسلناك بالحق بشيرا
ونذيرا وان من امة فاطر كب ا انا ارسلناك بالحق بشيرا
ونذيرا ولا تسئل بقره ا ا انا ارسلناك شاهدا
فتح كو ب انا ارسلنا نوحا نوح كط ب انا اعتدنا
دهر كط د و انا انزلنا التوريه مائده و ج و انا انزلنا
اليك الكتاب بالحق فاعبد الله زمر كج د انا انزلنا
اليك الكتاب بالحق لتحكم نساء ه ج انا انزلنا عليك
زمر كد ا انا انزلناه في ليلة القدر قدر ل ج انا انزلناه
في ليله مباركه دخان كه ج و انا انزلناه قرانا يوسف
يب ج انا بلوناهم ن كط ا ان ابرهيم كان نحل يد [illegible]
ان ابرهيم لحليم هود يب ب انا جعلنا في يس كب د
انا جعلنا ما كهف يه ب و انا جعلناها صافات كج ب و
انا جعلناه زخرف كه ب وان احسنتم بني اسرائيل يه ا
انا خلقنا دهر كط د وان ادوا دخان كه ج ان ارسل
شعرا يط ب انا زينا صافات كج ب انا سخرنا ص لج ج انا
سنلقي مزمل كط ج وانا صببنا عبس ل ا وان اصحاب

يس لج ا و ان اعبدوا نوح كط ب ر انا عرضنا احزاب
كب ب ا ان اعمل سبا كب ب و ان اغدو ن كط ا و انا فتحنا
فتح كو ب و انا قد طه يو ج و ان اقذ طه يو ج ا انا كاشفوا
دخان كه ج ر انا كفيناك حجر يد ب ا انا كل قمر كز ب ر انا
كنا طور كز ا و انا كذلك نجزى المحسنين انه من عبادنا
المومنين ثم اغرقنا صافات لج ب و انا كذلك نجزى المحسنين
انه من عبادنا المومنين وان لوطا صافات لج يد ر انا
كذلك نجزى المحسنين انهما صافات لج ب ر انا كذلك
نجزى المحسنين ويل مرسلات كط د ر انا كذلك نفعل صافات
لج ب ا انا لما الحاقه كط ا ر ان المبذرين بنى اسرائيل يه و
ان الشيطان فاطر كب ج و ان الصفا بقره ب ا و انا لننصر
مومن كد ج ا ان الهكم صافات لج ب ا ان الى علق د ج د
ان الينا غاشيه د ب ر ان الابرار لفى نعيم وان الفجار انفطار
ل ا ر ان الابرار لفى نعيم على الارائك مطففين د ب ا ان الابرار
يشربون دهر كط د و ان الانسان خلق معارج كط ب و
ان الانسان لربه عاديات ل د ا ان الذين ال عمران ج ج ا
ان الذى قصص ك ج ر ان الذين اتخذوا اعراف ط ب و
ان الذين اتقوا اعراف ط ج ر ان الذين اجرموا مطففين

بذا

لد ا ان الذين ارتدوا محمد كو ب و ان الذين اشتروا ال عمران د ج ا
ان الذين امنوا ثم كفروا نساء ه د ر ان الذين امنوا والذين هاجروا
بقره ب ج و ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئون مائده
ح د و ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئين حج ب ج د
ان الذين امنوا والذين هادوا والنصارى بقره ا ب و ان الذين
امنوا وعملوا الصالحات انا لا نضيع كهف يه د ا ان الذين امنوا
وعملوا الصالحات سيجعل [illegible] يو ب ر ان الذين امنوا وعملوا
الصالحات كانت كهف يو ا و ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
لهم اجر فصلت كد د ا ان الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم
جنات النعيم لقمان كا ب ر ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
لهم جنات تجرى بروج ل ب ر ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
واخبتوا هود يب ا و ان الذين امنوا وعملوا الصالحات و
اقاموا الصلوة بقره ج ب ا ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
يهديهم يونس يا ب و ان الذين امنوا وهاجروا انفال ى ا
ان الذين توفيهم الملائكة نساء ه ج و ان الذين تولوا ال عمران
د ب ر ان الذين جاؤا نور يج ب ر ان الذين حقت يونس
يا د و ان الذين سبقت انبياء يز ب ر ان الذين عند ربك
اعراف ط ج ر ان الذين فتنوا المومنين بروج ل ب و ان الذين

فرقوا انعام جـ ب وان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا
فصلت
تتنزل فصلت كد د وان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا
خوف احقاف كر ا ا ان الذين كذبوا اعراف ح ر ان الذين كفروا
بالذكر فصلت كد د ان الذين كفروا بايات ال عمران جـ ب د
ان الذين كفروا باياتنا نساء ا ر ان الذين كفروا بعد آل
عمران جـ د ر ان الذين كفروا سوا، بقره ا ا ا ان الذين كفروا
لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيا واولئك
اصحاب النار ال عمران دار ان الذين كفروا لن تغني عنهم
اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك هم ال عمران
جـ ب ر ان الذين كفروا لو ان لهم مائده و جـ ا ان الذين
كفروا من اهل لم يكن لـ جـ ا ان الذين كفروا وصدوا عن
سبيل الله ثم ماتوا محمد كو ب و ان الذين كفروا وصدوا
عن سبيل الله قد ضلوا نساء واو ان الذين كفروا
وصدوا عن سبيل الله وشاقوا الرسول محمد كو ب و ان
الذين كفروا وظلموا نساء واو ان الذين كفروا وماتوا
وهم كفار اولئك بقره ب ا ر ان الذين كفروا وماتوا
وهم كفار فلن يقبل ال عمران جـ د ر ان الذين كفروا
يصدون حج بز جـ لا ان الذين كفروا ينادون مؤمن كو ب ا

ان

ان الذين كفروا ينفقون انفال ط د ر ان الذين لا يرجون
يونس
يونس باب و ان الذين لا يؤمنون بالاخرة زينا نمل يه ا د ا
ان الذين لا يؤمنون بالاخرة ليسمون نجم كز ا ان الذين
لا يؤمنون بايات الله نحل يد د ر ان الذين هم مؤمنون
نح ا و ان الذين ياكلون نساء د د و ان الذين يبايعونك
فتح كو يـ و ان الذين يتلون فاطر كب د ا انا الذين يجادلون
مؤمن كد جـ ا ان الذين يحادون الله ورسوله اولئك
مجادله كح ا و ان الذين يحادون الله ورسوله كبتوا مجادله
كح ا ا ان الذين يحبون نور يح جـ ب ا ان الذين يرمون نور
يح جـ ا ان الذين يخشون ملك كط ا ا ان الذين يغضون
حجرات كو جـ ب ان الذين يكتمون ما انزل الله بقره ب ا د
ان الذين يكتمون ما انزلنا بقره ب ا ان الذين يكفرون
بالله نساء و ا ا ان الذين يكفرون بايات الله ال عمران
جـ جـ ا ان الذين يلحدون فصلت كد د ر ان الذين ينادونك
حجرات كو جـ ب ان الذين يؤذون الله احزاب كب ا و ان
الذين اوتوا العلم من قبله بني اسرائيل يه جـ ا ان الساعة
آتية طه يو جـ ا ان الساعة لآتية مؤمن كد جـ ا ان الله
اشترى توبه يا ا و ان الله اصطفى آل عمران جـ جـ و ان

[illegible]

الله ربی ال عمران جج ر ان الله عالم فاطر کب د ر ان
الله عنده لقمان کا بو ان الله فالق انعام ز د و ان الله
لا یهدی زمر کج د ا ان الله لا یخفی آل عمران ج ب ر ان الله
لا یستحی بقره ا ا کا ان الله لا یظلم الناس یونس یا ج ان الله لا
یظلم مثقال نساء ه ا و ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون
ذلک لمن یشاء و من یشرک بالله فقد افتری نساء ه ا ر ان
الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء
و من یشرک بالله فقد ضل نساء ه د ر ان الله لعن الکافرین
احزاب کب ب ا ان الله له الملک توبه یا ا ه ان الله مع الذین
عنکبوت بد د ر ان الله هو ربی زخرف که ج و ان الله هو الرزاق
ذاریات کن ا ا ان الله یامر بالعدل نحل ید د ا ان الله یامرکم
نساء ه ب ا ان الله یحب الذین صف کح ج ا ان الله یدافع حج
ید ج ر ان الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات
تجری من تحتها الانهار ان الله حج ید ج ا و ان الله یدخل
الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار
والذین محمد ص کو ب ا ان الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات
جنات تجری من تحتها الانهار یحلون حج یر ج و ان الله
یعلم غیب السموات حجرات کو د ا ان الله ما یعلم ما یدعون

عنکبوت

عنکبوت لد د ر ان الله یمسک فاطر کب د و ان المتقین فی
جنات و عیون آخذین ذاریات کو ذ ر ان المتقین فی جنات
و عیون ادخلوها حجر ید ا و ان المتقین فی جنات و نعیم
طور کو ا و ان المتقین فی جنات و نهر قمر کز ب ر ان المتقین
فی ظلال مرسلات کط د ر ان المتقین فی مقام دخان که
ید ر ان المجرمین فی عذاب زخرف که ج و ان المجرمین فی ضلال
قمر کز ب ر ان المسلمین احزاب کب ا ا ان المصدقین حدید
کز د و ان المغرمون واقعه کز ج ر ان المنافقین یخادعون
الله نساء ه د ر ان المنافقین فی الدرک نساء ه د ر انا ارسلوا
مومن کز ب و انا کنا کهف یو ا ا انا منزلون عنکبوت
ک د ر ان انت فاطر کب د ا ا انا نحن نحیی الموتی یس کب د ر
انا نحن نحیی و نمیت ق کو د ه انا نحن نرث مریم یو ب ا
انا نحن نزلنا الذکر حجر ید ا ا انا نحن نزلنا علیک دهر
کط د و انا نطمع شعراء یط ب و ان اولی ال عمران د ا ا ان
اولی ال عمران ج د ه انا هدیناه دهر کط د و مع البناء
ان یطش بروج ل ب ر مع النساء ان تبدوا الصدقات
بقره ج ا ر ان تبدوا خیرا انساء ه ا ا ان تبدوا شیئا
احزاب کب ا ر ان تتوبا تحریم کح د ه ان تجتنبوا انساء ه

ان عرص غرايو بران تدعوهم فاطر كب داان يستفتحوا
انفال طدوان تصبك توبه ى جوان تعذبهم مائده
زب اان تقرضوا تغابن كح داان تقول زمر كد او
ان تقولوا انعام يج ب وان تكفروا زمر كج دوان عسيتم
ال عمران دارانتم شعرا يط ب رمع الجيم ان جاءه عبس
لا وان جهنم نبا يد اامع الحاء ان حسابهم شعرا يط
ج امع الدال ان دعوا مريم يو ب رمع الذال ان ذلك
ص كج دامع الراء ان راه علق ل ج ران ربك يعلم مزمل
كنط ج وان ربك يقضي نمل كا وان ربهم عاديات ل دا
ان ربك لبالمرصاد فجر ل ج اان ربك هو اعلم بمن ضل
ن كط اوان ربك هو اعلم من يضل انعام ح اان ربك
هو الخلاق العليم حجر يد اران ربك هو يفصل سجده كا دا
ان ربك يبسط بني اسرائيل يه اوان ربكم الله الذي
خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
يغشي اعراف ح داان ربكم الله الذي خلق السموات
والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يدبر يونس
ا ب امع الزاء انزل رعد ج ب رمع السين ان سعيكم
ليل ل ج ومع الشين ان شانئك كوثر ل ده ان شجرت

دبه

دخان كه ج ران شر الدواب عند الله الذين انفال
ى اوان شر الدواب عند الله الصم انفال ط دومع
الظاء انظروا الى ما عرش كط دران انظروا الى ظل مرسلات
كط ذمع الظاء انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا
فلا يستطيعون سبيلا تبارك فرقان يج درانظر كيف
فضلنا بني اسرائيل به او انظر كيف ضربوا لك الامثال
فضلوا فلا يستطيعون سبيلا وقالوا انعام زربو
انظر كيف يفترون نساء هار مع العين ان عبادي ليس لك
عليهم سلطان الا وكفى بني اسرائيل يه ب طان عبادي
ليس لك عليهم سلطان الا حجر يداوان عدة الشهور
توبه ى ج اان عذاب ربك طور كز اان عذاب ربهم
معارج كط ب وان علينا جمعه قيمه كط داان علينا
للهدى ليل ل ج ومع الفاء ان فرعون قصص دار
انفروا توبه ى ج وان في اختلاف يونس يا ب اان في
السموات جاثيه كه داان في هذا انبيا يز ب ران
في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
والفلك بقره ب اوان في خلق السموات والارض و
اختلاف الليل والنهار لايات ال عمران دج ران في ذلك

لايات للمتوسمين حجر يد ا ان فى ذلك لايات وان كنا
مومنون يح ا وان فى ذلك للمومنين حجر يد ا ان فى ذلك لاية
لمن خاف هود يب ا ان فى ذلك لاية وماكان اكثرهم
مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم واذ نادى شعرا يط ا
ان فى ذلك لاية وماكان اكثرهم مومنين وان ربك لهو
العزيز الرحيم واتل شعرا يط و ان فى ذلك لاية وماكان اكثرهم
مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم كذبت قوم نوح شعرا
يط ان فى ذلك لاية وماكان اكثرهم مومنين وان ربك
لهو العزيز الرحيم كذبت ثمود شعرا يط ج ا ان فى ذلك لاية
وماكان اكثرهم مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم كذبت
عاد شعرا يط ا ان فى ذلك لاية وماكان اكثرهم مومنين
وان ربك لهو العزيز الرحيم كذب اصحاب شعرا يط و ان فى
ذلك لاية وماكان اكثرهم مومنين وان ربك لهو العزيز
الرحيم كذبت قوم لوط شعرا يط و ان فى ذلك لاية وما
كان اكثرهم مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم وانه شعرا
يط و ان فى ذلك لذكرى ق كو د و ان فى ذلك لعبرة نازعات
لا و مع القاف ان قارون قصص كج و مع الكاف ان كاد
فرقان يط ا و ان كان ن كط ا و ان كانت الا صيحة واحدة

فاذاهم

فاذاهم جميع يس لج ا و ان كانت الا صيحة واحدة فاذاهم
خامدون يس لج ا انذا ان نوح كط ب انك كنت طه يو
انك لاتسمع نمل ا و انك لاتهدى قصص كج ا انك لمن
يس كب د ان كل نفس طارق ح ب ان كل الا كذب ص لج ا
كل من فى السموات مريم يو ب انكم لتاتون اعراف ح د انكم لذا تقوا
صافات لج ب و انكم لفى ذاريات كو انكم وما انبيا يز انك
ميت زمر لج د مع اللام ان لا ن كط ا و ان لدينا مزمل كط و
ان لك الا طه يو ان لك فى مزمل كط و ان لكم ن كط ا ان للمتقين
عند ن كط ا و ان للمتقين مفازا نبا لا مع الميم انما التوبة
نسا د انما الحيوة محمد كو انما الصدقات توبة ى ج
انما النجوى مجادلة كح ا انما النسىء توبة ى ج ا انما الهكم طه
يو و انما امرت نمل كا و انما امره يس لج ا انما اموالكم
تغابن كح د انما تعبدون عنكبوت ك د انما تنذر يس كب د
انما جزاء مائدة و انما جعل نحل يد انما ذلكم ال عمران انما
سلطانه نحل يد و انما قولنا نحل يد انما مثل يونس ى د انما
نطعمكم دهر كط د و انما كان نور يح انما تقضى طه يو انما
وليكم مائدة و انما يامركم بقرة ب انما يتذكر زمر لج د و انما
يريد مائدة ز ا انما يفترى نحل يد و انما ينهيكم مائدة ز ا انما

يستاذنك توبه ى ج ر انما يستجيب انعام زج ا انما يعمر توبه ى د ر
انما يفترى نحل يه د ر انما ينهيكم ممتحن كج ب ر انما يوخرهم ابرهيم يه د ر
انما يؤمن سجده كا ج ر ان سئل ال عمران جه د ا ان مع الم نشرح
لج ر انما السبيل على الذين يستاذنونك توبه ى د ر انما السبيل
على الذين يظلمون شورى كه ب ا انما المومنون اخوة حجرات يو ج ر
انما المومنون الذين اذا انفال ا د ا انما المومنون الذين آمنوا
بالله ورسوله ثم حجرات كو د ا انما المومنون الذين امنوا بالله و
رسوله واذا نور يج د ر انما توعدون لات انعام ج ا ر انما توعدون
لصادق ذاريات كو ا انما توعدون لواقع مرسلات كط ا انما حرم عليكم
عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل به بقره ب ا انما حرم عليكم الميتة
والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير الله نحل يه د ر مع النون ان
ناشئة مزمل كه ا وان نشا شعرا يه ا ان نقول
هود يب ب انى انا طه يو ج ا مع الواو وان ولي الله اعراف
طج ر مع الها انما ترمى مرسلات كط د ر انما ساءت فرقان
يط ا انها شجرة صافات كج ب ر انها عليهم همزه ده ا انها
لاحدى مدثر كط د ا ان هذا اخي صحبه ج ر ان هذا لفي
اعلى ب ر انه من عبادنا صافات كج ب ر انه ظن انشقاق
لب ر انه على طارق ا ب ر انه عليم زمر كج د وانه فكر مدثر كط ج د

الميتة

انه كان فريق مومنون يج ب وانه كان في انشقاق لب و
انه كان لا يومن الحاقة كط ب انه لا يحب نحل يه ب وانه لقرآن
واقعه كو ج ر انه ليس نحل يه د ر انه من سليمن نمل يط
د وانه من آيات طه يو ج ر انه يعلم انبيا يو ب ر انهم الفوا
صافات كج ب وانهم يرونه معارج كط ب وانهم يكيدون
طارق لب ر ان هذا الا خلق الاولين شعرا يط ج ا ان هذا
الا قول البشر مدثر كط د ر ان هذا القرآن يهدي بني اسرائيل
يه ا ان هذا القرآن يقص نمل ك ا وان هذا لرزقنا
ص كج ج ر ان هذا كان دهر كط د وان هذا لهو الفوز
صافات كج ب وان هذا لهو البلاء صافات كج ب وان
لهو القصص ال عمران جه د ا ان هذا لهو حق واقعه
كو د ا ان هذا ما كنتم دخان كه ج ا ان هذه امتكم انبيا
يو ب ر ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا ان
ربك مزمل كط ج ر ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه
سبيلا وما تشاؤن دهر كط د ا انه لقول رسول كريم
وما هو الحاقة كط ب ا انه لقول رسول كريم ذي قوة تكوير
ل ا ر انه لقول فصل طارق لب ر انهم ان يظهروا الكهف
يه ج ر انهم عن السمع شعرا يط ج ر انهم كانوا اذا قيل صافات

هذا

بجب ا انهم كانوا قبل واقعه كزج وانهم كانوا لا يرجون
بنال ااا انهم لن يغنوا جاثيه كه دو انهم لهم المنصورون
صافات بجج اانه من عبادنا المومنين ثم اغرقنا مامات
بجهو وانه من عبادنا المومنين وبشرناه صافات بجيد
انه من عبادنا المومنين وان لوطا صافات بجبد
ان هو الا رجل به مومنون يح ان هو الا رجل افترى
مومنون يح او ان هو الا ذكر للعالمين ولتعلمن ص بز
دا ان هو الا ذكر للعالمين لمن شاء تكوير لا ان هو الا
عبد زخرف كه جط ان هو الا وحى نجم كز ا ان هولاء
لشرذمة شعرا يط ب وان هولاء ليقولون دخان
كه جر ان هولاء متبر اعراف ط ب ان هولاء يحبون
دهر كط د وانه هو السميع العليم شعرا يط جر انه هو يبدئ
بروج لب وان هى الا اسماء نجم كز ا ان هى الا حياتنا
مومنون يح او ان هى الا موتتنا دخان كه جر مع اليا انى
اخاف شعرا يط جا انى اذا يس كب دى انى اريد مائده
وج انى توكلت هود يب ب انى آمنت يس كب دى ان
يثقفوكم ممتحن كح ب وانى جزيتهم مومنون يح ب وان
يدعون نساء هو دا ان يسالكموها محمد كو ب ان

جن

يشا يذهبكم ايها نساء هو د ان يشا يذهبكم ويات
فاطر كب د ان يشا يسكن الريح شورى كه ان ظننت
الحاقه كط ب انى لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون
وما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين
فاتقوا الله شعرا يط ب انى لكم رسول امين فاتقوا
الله واطيعون وما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا
على رب العالمين اتبنون شعرا يط جا انى لكم رسول امين
فاتقوا الله واطيعون وما اسالكم عليه من اجر ان
اجرى الا على رب العالمين اتتركون شعرا يط جا انى
لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون وما اسئلكم
عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين اتاتون شعرا
يط جر وانى لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون
وما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين
اوفوا الكيل شعرا يط جر وانى لهم الذكرى دخان كه جر
ان يمسسكم ال عمران د ب ان ينصركم الله ال عمران
د ب انى وجهت انعام ود انى وجدت نمل يط د ان
يوحى ص بج دا ان يوم الفصل كان ميقاتهم دخان كه د
جه ان يوم الفصل كان نبا ا ا ب

الهمزة والواو مع الالف اواطعام بلد لج ١ اوام علق لج ر
اوامن اعراف ط ١١١ اواباؤنا الاولون قل نعم صافات كج ب ١
اواباؤنا الاولون قل ان الاولين واقعة كز ج مع التا، او
نقول حين نزع كد او اونقول لو نزع كد او اونقولوا لو
انعام ح ب و اونقولوا انما اعراف ط ج ١١ اوتسقط بني اسرائيل
يه ب ر اوتكون بني اسرائيل يه ب ر مع الخا، اوخلقا بني
اسرائيل يه ا ر مع الزا، اوزده مزمل مسلط ج و مع العين
اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم
ولتتقوا اعراف ح د و اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم
على رجل منكم لينذركم واذكروا اعراف ح د و مع الفا، او
فوا الكيل شعرا يط ج و مع الكاف اوكالذي بقرة ج ١ ر او
كصيب بقرة ١١١ اوكظلمات نور يح ج و اوكلما بقرة اج ر
مع اللام اولا يذكر مريم يو ب و اولا يرون توبة ياب ١
اولا يعلمون بقرة اج ١١ اولما آل عمران د ب ر اولم يتفكروا في
روم كا ا ر اولم يتفكروا ما اعراف ط ج و اولم يروا الى الطير
ملك ك ط ا و اولم يروا الى الارض شعرا ئ ط ب ١ اولم يروا الى
نحل يه ج ١١ اولم يروا انا عنكبوت ب ا و اولم ير الانسان يس
بج ا ر اولم ير الذين انبيا ل ز ا و اولم يروا انا نأتي رعد يو ج و

اولم يروا كيف عنكبوت ك ب د ا و اولم يعلموا زمر كد ا و اولم
يكفهم عنكبوت ه كا ١١١ اولم يكن شعرا يط ج ر ١ اولم ينظروا
اعراف ط ج و ا اولم يهد للذين اعراف ط ١١١ اولم يهد لهم سجده
كاد ١١ اوليس يس بج ا ر اولم يروا انا خلقنا يس بج ا ر اولم يروا
ان الله الذي خلق السموات والارض قادر بني اسرائيل يه ج ١
اولم يروا ان الله الذي خلق السموات والارض ولم احقاف
كو ا ر ١ اولم يروا ان الله يبسط روم كا ب ١ اولم يروا انا نسوق
سجده كاد ١١ اولم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة
الذين من قبلهم كانوا عنكبوت روم كا او اولم يسيروا في الارض
فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم وكانوا فاطر كب د و
اولم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
كانوا مؤمن كد ب و اولئك الذين اتيناهم انعام ز د ا
اولئك الذين اشتروا الحيوة بقرة اج و اولئك الذين اشتروا
الضلالة بالهدى فما بقرة ١١١ اولئك الذين اشتروا الضلالة
بالهدى والعذاب بقرة ب ا ر اولئك الذين انعم الله مريم
يو ب و اولئك الذين حبطت آل عمران ب ج ١ اولئك الذين
حق احقاف كو ا و اولئك الذين خسروا هود ب ١ و اولئك
الذين طبع الله نحل يه د و اولئك الذين كفروا الكهف يو ا و

اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم محمد كوب وا وليك الذين
لعنهم الله ومن نساه ارا ولئك الذين لهم نمل يط دا
اوليك الذين ليس هود يبا وا ولئك الذين نتقبل احقاف
كوا و اولئك الذين هدى الله انعام زد وا ولئك الذين
يدعون بنى اسرائيل يه با اولئك الذين يعلم الله نساه بنا اولئك
اصحاب الجنة احقاف كوا ا ولئك اصحاب الميمنه بلد لجا او لئك
المقربون واقعه كزيا ولئك جزاؤهم ان ال عمران ج در اولئك
جزاؤهم مغفرة ال عمران دبا اولئك عليهم بقره با و اولئك
على هدى من ربهم وا ولئك هم المفلحون ان الذين بقره بااه
اوليك على هدى من ربهم وا ولئك هم المفلحون ومن الناس
لقمان كا بر اولئك فى معارج كطاب وا ولئك لم هود يب اج و
اولئك لهم صافات كجبا اولئك لهم نصيب بقره ب هرر ب ا
اولئك ما ويهم النار يونس ياب وا ولئك ما ويهم جهنم
نساه د ا اولئك هم عبس جارا ولئك هم الكافرون
نساوا ا اولئك هم المؤمنون انفال ط د ا اولئك
هم الوارثون مؤمنون يا ا اولئك يجزون فرقان يطا ا اولئك
يسارعون مؤمنون ج ار ا وليك يؤتون قصص ند ج امع الميم
اومسكينا بلد لج ا ا ومن يخشوء زخرف كه ي د ا ومن كان

انعام

انعام ج ا ا ومع النون او نزينك زخرف كه جا مع اليا او
يكون بنى اسرائيل يه بر اوياخذهم على نحل يدج ا اوياخذهم
خذهم فى نحل يدج ا اويذكر عبس د ا وا ويزوجهم
زخرف كه ب وا اويصبح الكهف يه ذ وا او يلقى فرقان يج دد
او يوبقهن شورى كذ ار باب ـــــــــ الهمزة
والها مع الهمزة اهولاء اعراف خ د ا مع الذال اهذا
الذى بعث فرقان يطا ومع الميم اهم خير دخان كد ا
اهم يقسمون زخرف كه بر باب ـــــــــ
الهمزة واليا مع الالف ايا ما بقره ب ب ا مع الحا ايحسب
الانسان ان يترك قيمه كط د ا ايحسب ان لن يقدر
بلد لج ا ايحسب ان لم يره بلد لج ا ايحسبون مؤمنون
يج ا ر مع الذال ائذا كنا نازعات لا ا ائذا متنا وكنا
ترابا ذلك ق كو د ا ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا
لمبعوثون صافات كج يا ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما
ائنا لمدينون صافات كج ب د مع الشين ايشركون اعراف
داج د مع العين ايعدكم مؤمنون يج ا د مع الفا افئكا صافات
كج ب د مع اللام ايلاف فهم قريش د د مع النون ائن لنا نسا
ه ب ا ائنكم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل

انتم قوم مسرفون اعراف جدا انكم لتاتون الرجال
شهوة من دون النساء بل انتم قوم تجهلون نمل بطد
ائنكم لتاتون الرجال وتقطعون عنكبوت ك دو مع
الواو ابود بقره جا ان باب ____ البا، والا
مع الكاف باكواب واقعه كز جر ومع اللام بالبينات نحل
بدجا مع النون بان ربك زلزله لدا مع اليا، بايدى
عبس لداو باى ذنب تكوير لدا بايكم ن كطاو
باب ____ البا والدال مع اليا، بديع السموات
والارض اذا قضى بقره ادا بديع السموات والارض انى
انعام زدر باب ____ البا، والرا مع الالف
برآءة توبه ى ب ا باب ____ البا، والشين مع الرا، بشر
المنافقين نساه در مع اليا، بشيرًا فصلت كد
باب ____ البا، والقاف مع اليا، بقيت
هود يب بر باب ____ البا، واللام
مع الالف بل اتبع روم كاب ابل اتيناهم مومنون بد
بل ادّارك نمل ك اا بل الانسان قيمه كطدا بل الساعة
قمر كز ب بل الله فاعبد زمر كد ا بل الله مولكم ال عمران
دب و بل اياه انعام زجا بل الذين كفروا فى عزة ص بجا

بل الذين كفروا يكذبون انشقاق دب وبل الذين كفروا فى
تكذيب بروج لدب ومع البا، بل بدا لهم انعام زبر مع التا،
بل تاتيهم انبيا نبزا بل تؤثرون اعلى لدب وو مع الجيم بل جاء صافات
لجب امع الرا، بل رفعه نسا واه مع السين بل سان شعرا
يطجر مع الظا، بل ظننتم فتح كو جا مع العين بل عجبت صافات
لجب ابل عجبوا ق كود ا مع القاف بل قالوا اضغاث انبيا يزاا
بل قالوا انا زخرف كدبه بل قالوا مثل مومنون يح ب ابل قلوبهم
مومنون يح ا مع الكاف بل كذبوا بالساعة فرقان يح د بل كذبوا
بالحق ق كود ا بل كذبوا بما لم يونس ياه مع الميم بل متعت
زخرف كه بل متعنا انبيا يز اه مع النون بل نحن محرومون
افرايتم واقعه كز جر بل نحن محرومون قال قلم كط ا بل نقذف
انبيا يزاا مع الها، بل هم اليوم صافات كوب ابل هم فى شك
دخان كه جر بل هو ايات عنكبوت كااا بل هو قرآن بروج
مع اليا، بلى ان تصبروا ال عمران دا بلى ان ربه انشقاق دب بلى
قادرين قيمه كطدا بلى قد زمر كو او بلى من اسلم
بقره ادا بلى من اوفى ال عمران جد وبلى من كسب بقره اجا
بل يريد الانسان قيمه كطدا بل يريد كل امرئ مدثر كدا
باب ____ البا، والميم مع الالف بما غفر لى

يس كج د ر باب ـــــــــــــ الباء والنون مع الصاد
بنصر الله روم كا او باب ـــــــــــــ الباء
والياء مع السين بئسما بقره اج و مع الضاد بيضاء صافات
كج ب ومع النون بينهما رحمن كونه ر باب ـــــــــــــ
التاء والالف مع اللام تا لله ان شعرا يط به تالله لقد
نحل يد ج و باب ـــــــــــــ التاء والباء مع الالف
تبارك اسم والنعم رحمن كزج وتبارك الذي انشاء فرقان يح در
تبارك الذي بيده ملك كط ١١ تبارك الذي جعل فرقان يد او
تبارك الذي نزل فرقان يح دو مع التاء تبت مسد ل در
مع الصاد تبصرة ق كو د ا باب ـــــــــــــ
التاء والتاء مع الباء تتبعها نازعات ل او مع الجيم تتجافى
سجده كا ج ر باب ـــــــــــــ التاء والجيم مع الراء
تجري وتحتها لقمان كزب و باب ـــــــــــــ التاء والحاء مع الياء
تحيتهم احزاب كبا و باب ـــــــــــــ التاء والدال مع العين
تدعوا من معارج كط ب وتدعونني مومن كذ ب ر اج مع الميم
تدمر احقاف كو او باب ـــــــــــــ التاء والراء مع الجيم
ترجعونها واقعه كو دا ترجي احزاب كبا او ا مع الميم ترميهم
فيل د د مع الهاء ترهقها عبس د ا ر مع الياء ترى

الفا

الظالمين شورى كه ار ترى كثيرا مائده و در باب
التاء والسين مع الباء تسبح بني اسرائيل ر مع القاف
تسقى غاشيه لد ر باب ـــــــــــــ التاء والصاد
مع اللام تصلى غاشيه لد ر باب ـــــــــــــ
التاء والظاء مع النون تظن قيمة كط دوا باب ـــــــــــــ
التاء والعين مع الراء تعرج معارج كط ب وتعرف مطففين د اه
باب ـــــــــــــ التاء والكاف مع الالف تكاد السموات
يتفطرن منه مريم يو ب ر تكاد السموات يتفطرن
من شورى كه كط ١١ تكاد تميز ملك كط ١١ باب ـــــــــــــ
التاء واللام مع الفاء تلفح مؤمنون يح ب د مع الكاف تلك اذا
نجم كز ا ر تلك الجنة مريم يو ب و تلك الدار قصص ك د ج
تلك الرسل بقره ج ١١ تلك القرى اعراف ط ١١ تلك حدود الله النساء د و
تلك من انباء هود يب ا تلك امة قد خلت لها ما كسبت ولكم
ما كسبتم ولا تسالون عما كانوا يعملون وقالوا بقره ا د ر
تلك امة قد خلت لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسالون
عما كانوا يعملون سيقول بقره ا د ر تلك ايات الكتاب
الحكيم لقمان كا ب ر تلك ايات الكتاب المبين لعلك قصص ك ا ر شعرا يط ب ا
تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق فباي جاثيه كو د ا تلك

تلك ايات القران يمل د ا تلك ايات
الكتاب المبين تلوا
قصص ك ا

ايات الله نتلوها عليك بالحق وانك بقره ب د ر تلك ايات
الله نتلوها عليك بالحق وما الله ال عمران د ا و باب
التا والنون مع الزا تنزع قمر كز ب و تنزل الملائكة قدر ا ه ر
تنزل على شعرا يط ج ر تنزيل العزيز يس كب د د تنزيل من الرحمن
فصلت كو د ا تنزيل الكتاب لاريب سجده ب ا ج و تنزيل الكتاب من
الله العزيز الحكيم انا انزلنا زمر كج د و تنزيل الكتاب من الله العزيز
الحكيم ما خلقنا احقاف كو ا تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ان
في جاثيه كه د ا تنزيله طه يو ج ا تنزيل من رب العالمين افبهذا
واقعه كو ج ر تنزيل من رب العالمين ولو تقول الحاقه كط ب ا
باب التا والواو مع التا توفى كلها انبيا يب هم
يج د و مع اللام تولج ال عمران ج ا مع الميم تؤمنون صف
كج ا باب التا والالف مع النون ثاني عطفه حج ير
ج ا باب التا واللام مع الها ثلة من الاولين وثلة
واقعه كو ج و باب التا والميم مع الالف ثم اتبع سببا
حتى اذا بلغ بين السدين الكهف يو ا ه ثم اتبع سببا حتى اذا
بلغ مطلع الكهف يو ا ه ثم اتينا انعام ح ب و ثم اجتبه طه يو د ثم
اخذت فاطر كب د ا ثم ادبر واستكبر مدثر كط ب د ثم ادبر يسعى
نازعات ل ا و ثم اذا شاء عبس ل ا و ثم اذا كشف نحل يد ر ا ثم

ارجع

ارجع البصر ملك كط ا ا ثم ارسلنا مومنون يح ا ثم ارسلنا
موسى مومنون يح ا ثم استوى فصلت كد د ا ثم اغرقنا الاخرين
ان في ذلك شعرا يط ب و ثم اغرقنا الاخرين وان من شيعته
صافات كج ب و ثم اغرقنا بعد الباقين شعرا يط ج ثم افيضوا
بقره ب ب د ثم الجحيم الحاقه كط ب ثم الذين انعام د ب ثم السبيل
عبس ل ا و ثم اماته عبس ل ا و ثم انتم بقره ا ج ا ثم ان ربك
للذين عملوا نحل يد د ر ثم ان ربك للذين هاجروا نحل يد د و
ثم انزل الله توبه ى ب د ثم انزل عليكم ال عمران د ب ثم انشانا من
بعدهم قرنا اخرين مؤمنون يح ا و ثم انشانا من بعدهم قرونا مومنون
يح ا و ثم ان علينا بيانه قيمه كط د ا ثم ان علينا حسابهم
غاشيه ل ب ثم انكم ايها واقعه كز ب د ثم انكم بعد مؤمنون يح ا
ثم انكم يوم القيمه تبعثون مؤمنون يح ا ثم انكم يوم القيمة عند
زمر كج د ا ثم ان لهم صافات كج ب د ثم ان مرجعهم صافات كج ب و
ثم انهم مطففين ل ب ثم اني اعلنت نوح كط ب ر ثم اني دعوتهم
نوح كط ب ر ثمانية انعام ح ب ا ثم اوحينا نحل يد د ثم اورثنا
فاطر كب ا ثم اولى قيمه كط د مع الباء ثم بدا لهم يوسف يب د و
ثم بدلنا اعراف ط ا ثم بعثنا من بعدهم موسى باياتنا
اعراف ط ا و ثم بعثنا من بعدهم موسى وهرون يونس ي ا ثم بعثنا

ثم بعثناكم بقره
ا ب و

من بعده يونس يا د ا ثم بعثناهم الكهف يه ج و مع التاء ثم توليتم
بقره ا ب ر ثم تولوا دخان كه ج و مع الجيم ثم جاءهم شعرا يط ج ر
ثم جعلناك جاثيه كى د و ثم جعلناكم يونس يا ب د ثم جعلناه
مومنون يح ا ا ثم جعل سجده كا ج ر مع الخاء ثم خلقنا مومنون
يح ا ا مع الدال ثم دمرنا الاخرين وامطرنا شعرا يط ج و ثم دمرنا
الاخرين وانكم صافات كج ب ر ثم دخلتم كزا ر مع الذال ثم
ذهب قيمه كط د لو مع الراء ثم رددنا لكم بنى اسرائيل يه ا ا
ثم رددناه تين ل ج ر ثم ردوا انعام ز ج ل مع السين ثم سويه
سجده كا ج ر مع الشين ثم شققنا عبس ل ا و مع الصاد ثم صبوا
دخان كه ج ر ثم صدقناهم انبياء يز ا ا مع العين ثم عبس
مدثر كط ج ر ثم عفونا بقره ا ب ا مع الفاء ثم فى النار مومن كد ج
ثم فى سلسلة الحاقه كط ب ا مع القاف ثم قبضناه فرقان يط ا و
ثم قتل مدثر كط ج ر ثم قست بقره ا ب ر ثم قفينا حديد كز د ر
ثم قيل للذين يونس يا ج و ثم قيل لهم مومن كد ج ر مع الكاف
ثم كان علقه قيمه كط د و ثم كان عاقبه روم كا ا ب ثم كان من
الذين بلد ل ج ا ثم كلا سوف تكاثر ل د و ثم كلا سيعلمون نبا
ل ا ا ثم كلى نحل يد ج و مع اللام ثم لا تبنهم اعراف ج ب ر ثم
لا يموت اعلى ل ب د ثم لترونها تكاثر ل د و ثم لتسئلن

تكاثر ل د ا ثم لنقطعنا الحاقه كط ب ا ثم لم تكن انعام ز ب د
ثم لنحن مريم يو ب و ثم لننزعن مريم يو ب ر ثم ليقضوا حج يز ج ر
مع الميم ثم ما ادريك انفطار ل ب مع النون ثم نتبعهم مرسلات كط د ر
ثم نظر مدثر كط ج ر ثم نكسوا انبياء يز ا ر ثم ننجى الذين مريم يو ب ر
ثم ننجى رسلنا يونس يا د ر مع الياء ثم يتوب توبه ى ب ر ثم يجزيه نجم
كز ب ا ثم يطمع مدثر كط ج ر ثم يعيدكم نوح كط ب ر ثم ياتى
من بعد ذلك سبع يوسف يب د ر ثم ياتى من بعد ذلك عام
يوسف يب ثم يقال مطففين ل ا ثم يوم القيمه نحل يد ب د
باب الجيم والزاء مع الالف جزاء عطاء واقعه كز ج جزاء
من ربك نبا ل ا ا جزاء وفاقا نبا ل ا ا جزاؤهم لم يكن
ل د ا باب الجيم والعين مع اللام جعل الله مائده ز ا و باب الجيم والنون مع الالف جنات عدن
التحريم يو جنات عدن تجرى طه يو د ا جنات عدن مفتحه ص كج
ج ر جنات عدن يدخلونها تجرى نحل يد ب ر جنات عدن يدخلونها
ومن صلح رعد يج ر اجنات عدن يدخلونها يحلون فاطر كب د
مع الدال جند ص كج ج ا باب الجيم والهاء مع النون
جهنم يصلونها وبئس ابرهيم يز د جهنم يصلونها فبئس ص
كج ج ر باب الحاء والالف مع الفاء حافظوا بقره ب د

باب الحا والتا مع اليا حتى اتينا اليقين
مدثر كط دا حتى اذا اتو على واد النمل و حتى اذا اخذنا مومنون يج اه
حتى اذا جانا زخرف كه ب حتى اذا جاؤا انعام ك او حتى اذ
استياس يوسف يب و حتى اذا بلغ بين السدين الكهف يو اه
حتى اذا بلغ مطلع الشمس الكهف يو اا حتى اذا بلغ مغرب الشمس الكهف
يو اا حتى اذا جا احدهم مومنون يج ب حتى اذا جا امرنا هود ب
ا ر حتى اذا راوا ما يوعدون اما العذاب مريم يو ب ر حتى اذا
راوا ما يوعدون فسيعلمون جن كط ج ا و حتى اذا فتحت انبيا
يز ب حتى اذا فتحنا مومنون يج يا حتى اذا ما جاؤها فصلت كد ا حتى
زرتم تكاثر ل د باب الحا والدال مع الالف
حدائق نبا ل ا باب الحا والرا مع الالف والميم
حرمت عليكم الميته مائده و با حرمت عليكم امهاتكم نسا د
باب الحا والقاف مع اليا حقيق اعراف ط او
باب الحا والكاف مع الميم حكمة لقمان ب ا باب
الحا والميم مع التا حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ان
في السموات جاثيه كه ا حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ما
خلقنا احقاف كو ا حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم مومن كد ا
حم تنزيل من الله الرحمن الرحيم فصلت كد ا مع العين حم عسق

شورى

شورى كه اا مع الواو حم والكتاب المبين انا انزلناه دخان
كه ج ب حم والكتاب المبين انا جعلناه زخرف كه ب و باب
الحا والنون مع الفا حنفا حج يونس د ا باب
الحا والواو مع الرا حور واقعه كز ج و باب
الحا والالف مع الشين خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد
كانوا ن والقلم كط ا ر خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلك
معارج كط ب و مع الفا خافضة واقعه كز ج و مع اللام خالدين
فيها ابدا ان الله توبه ى ب و خالدين فيها ابدا لا يجدون
احزاب كب ب خالدين فيها حسنت فرقان يط ا ر خالدين فيها
لا يبغون الكهف يو او خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب
ولا هم ينظرون الا الذين ال عمران ج د ر خالدين فيها لا يخفف
عنهم العذاب ولا هم ينظرون والهكم بقره ب ا و خالدين فيها
ما دامت هود يب ج و خالدين فيها وعد الله لقمان كا ب ر
خالدين فيه طه يو د و باب الخا والتا مع الالف والميم
ختامه مطففين ل ب ا مع الميم ختم الله بقره ا ا ا باب
الخا والذال مع الالف خذ العفو اعراف ط ر مع الميم خذ
من اموالهم توبه يا ا ا مع الواو خذوه فاعتلوه الحاقه كط
ب ا باب الخا والشين مع العين خشعا

[illegible] فعلوه

لم كوب ا باب الخاء واللام مع القاف خلق الانسان
علمه الرحمن كوب خلق الانسان من صلصال الرحمن كوب خلق
الانسان من عجل انبياء يز او خلق الانسان من علق علق
لج خلق الانسان من نطفة نحل يد با خلق السموات بغير
لقمان كا خلق السموات والارض بالحق تعالى نحل يد ب ا
خلق السموات والارض بالحق وصوركم تغابن كح ج خلق
السموات والارض بالحق يكور زمر كه د و خلق الله غنكبوت
كد خلقكم زمر كه د خلق من ماء طارق لب و باب
الدال والراء مع الجيم درجات نساه و باب
الدال والعين مع الواو دعواهم يونس ياب و باب
الدال والعين مع النون دينا انعام ج ب و باب
الذال والراء مع النون ذرني مدثر كط ج مع الهاء ذرهم
حجر يد ا مع الياء ذرية من حملنا بني اسرائيل ا ذرية بعضها
ال عمران ج و باب الذال والقاف مع الالف
ذائقة دخان كه ج باب الذال والكاف مع
الراء ذكر رحمت مريم يو ا ذكرى شعرا يط ج ا باب
الذال واللام مع الكاف ذلك ادنى مائده زا و ذلك الذي
شورى كه ا ذلك الفضل نساه ب و ذلك الكتاب بقره ا

ذلك

ذلك اليوم نبا ك ا ا ذلك امر الله طلاق كح د و ذلك ان لم
يكن انعام ج او ذلك بان الذين محمد كو ا ذلك بان الله
لم يك انفال ا و ذلك بان الله مولى الذين محمد كو ب ا ذلك
بان الله نزل الكتاب بقره با ذلك بان الله هو الحق وان
ما يدعون من دونه الباطل لقمان كا ج و ذلك بان الله هو
الحق وان ما يدعون من دونه هو الباطل حج يز د و ذلك
بان الله هو الحق وانه حج يز ج ا ذلك بان الله يولج حج يز د و
ذلك بانه تغابن كح ج ذلك بانهم اتبعوا محمد كوب و ذلك بانهم
استحبوا نحل يد د ذلك بانهم آمنوا منافقين كح ذلك بانهم
شاقوا الله ورسوله ومن يشاق الله حشر كح ا ذلك
بانهم شاقوا الله ورسوله ومن يشاقق الله انفال ط د ا
ذلك بانهم قالوا للذين محمد كو ب و ذلك بانهم قالوا لن تمسنا
النار ال عمران ج ذلك بانهم كانت مومن كد و ذلك بانهم كرهوا
محمد كو ا ذلك بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد
الذين ال عمران ج ذلك بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام
للعبيد كداب انفال ا و ذلك بما قدمت يداك حج يز ج
ذلك تخفيف بقره ب ا ذلك جزاء فصلت كد د و ذلك جزاؤهم
بانهم بني اسرائيل ا ذلك جزاؤهم جهنم الكهف يو ا و ذلك جزيناهم

سبا كب ب و ذلك عالم سجده كا جر ز ذلك عيسى مريم يو ب ا ذلك
فضل الله جمعه كج و ذلك ليعلم يوسف يه ذلكم الله ربكم خالق
مومن كدجر و ذلكم ربكم لا اله انعام زدر ذلكم بانكم جاثيه كه در ذلكم الا هو
بانه مومن كدب ا ذلكم بما كنتم مومن كد جر ذلكم فذوقوه انفال طاد و
ذلكم وان الله انفال طا د و ذلك سبلغهم نجم ج كز ار ذلك
مما اوحى بني اسرايل يه ار ذلك من ابنا العيب نوحيه اليك وما كنت
لديهم اذ يلقون ال عمران جه ذلك من ابنا العيب نوحيه اليك
وما كنت لديهم اذ اجمعوا يوسف يجب ا ذلك من ابنا القرى
هود يب ا ذلك نتلوه ال عمران جد ا ذلك ومن عاقب حج يز د و
ذلك ومن يعظم حرمات الله حج يز جو ذلك ومن
يعظم شعائر الله حج يز جد ذلك هدى الله انعام ير د و باب
الذال والواو مع الالف ذو انا رحمن كز ا ذو العرش بروج
لب ز مع الكاف ذو قوا ذاريات كو د مع الميم ذو مرة نجم كز ا د
باب ——— الذال واليا مع القاف ذي قوه تكوير
ل ا باب ——— الرا والبا مع الالف رب اجعلني ابرهيم ابيا
يج د ر رب اغفر لي نوح كط رب انهن ابرهيم ابيا يج د رب السموات
والارض وما بينهما العزيز ص كج د ا رب السموات والارض
وما بينهما الرحمن نبا ل ا رب السموات والارض وما بينهما

ان

ان كنتم دخان كه رب السموات والارض وما بينهما فاعبده
مريم يو ب و رب السموات والارض وما بينهما ورب المشارق صافات
كج به رب المشرق مزمل كا ج ورب المشرقين رحمن كز به مع الفا
رب فلا تجعلني مومنون يج با مع القاف رب بما تحيني يوسف يه با مع
الكاف ربكم الذي بني اسرائيل يه بد ربكم اعلم بكم بني اسرائيل يه ب ربكم اعلم
بما بني اسرائيل يه و مع الميم ربهما جريد ا ا رب موسى وهرون قال
فرعون اعراف طار رب موسى وهرون قال امنتم شعرا ب و
مع النون ربنا انهم احزاب كب ا ربنا اخرجنا مومنون يج ب د
ربنا اغفر لي ابراهيم در ربنا اكشف دخان كه ربنا امنا
ال عمران ج د ربنا انك تعلم ابرهيم ابيا يج در ربنا انك جامع
ال عمران ج ربنا انك من تدخل ال عمران ج ربنا اننا ال عمران ج د
ربنا اني ابرهيم ابيا يج در ربنا لا تجعلنا ممتحنه كح ب ربنا لا تزغ
ال عمران ج ربنا وابعث بقرة ا د ربنا واجعلنا بقرة ا د ربنا
وادخلهم مومن كد ربنا واتنا ال عمران ج رب نجني شعرا يط ج و
مع الها رب هب لي حكما شعرا يط رب هب لي من الصالحين
صافات كج ب باب ——— الرا والجيم مع الالف
رجال توبة يج ر باب ——— الرا والحا مع الميم
رحمة دخان كه و باب ——— الرا والدال مع الواو

ددوها ص كج ز باب الرا، والزا، مع القاف
رزقا ق كود اباب الرا، والسين مع اللام
رسلا نبنا وا ق مع الواو رسولا طلاق كج دورسول لم يكن
دد اباب الرا، والصاد مع الواو
رضوا توبه ي ج ز باب الرا، والفا، مع العين
رفع نازعات لا ومع اليا، رفيع مومن كو ب اباب
الزا، والعين مع الميم زعم تغابن كج ج رباب
الزا، واليا، مع النون زين للذين بقره بج ازين للناس الاعراف
ج ب ر باب السين والالف مع الهمزة
سا، مثله اعراف طج امع البا، سابقوا حديد كو د ومع الرا،
سارهقه مدثر كطج رمع الصاد ساصرف اعراف طب وساصليه
مدثر كط ج رمع اللام سال معارج كيط با ر باب
السين والبا، مع الحاء سبح اسم اعلى ا ب ر سبحان الذى
اسرى بنى اسرائيل ا سبحان الذى خلق يس كج اا سبحان الله
صافات كج سبحان ربك صافات كج ا سبحان رب السموات
زخرف كه ج وسبحانه بنى اسرائيل سبح لله ما فى السموات والارض
وهو العزيز الحكيم هو الذى حشر كج او سبح لله ما فى السموات
والارض وهو العزيز الحكيم يا ايها الذين صف كج اباب

السين

السين والتا، مع الجيم ستجدون نسا هج اباب
السين والخا مع الرا، سخرها الحاقه كط ا رباب
السين والرا، مع الالف سرابيلهم ابرهيم يج د ر باب
السين واللام مع الالف سلام على ابرهيم صافات كج ب سلام على
الياسين صافات كج ب سلام عليكم رعد يج ج وسلام على موسى
صافات كج ب سلام على نوح صافات كج ب سلام قولا يس كج او
سلام هى قدر ل ج ر مع البا، سل بنى اسرائيل بقره بج ا
مع الها، سلهم ن كط او باب السين والميم مع
الالف سماعون مائده وج و باب السين والنون مع التا،
سنة الله التى فتح كو ج و ا سنة الله فى الذين احزاب كه
سنة من قد ارسلنا بنى اسرائيل يه ب مع الدال سندع علق ل ج ر
مع الرا، سنريهم فصلت كه اا مع السين سنسمه ن كط او
مع الفا، سنفرغ رحمن كز ج امع القاف سنقرئك اعلى ل ب ر
مع اللام سنلقى ال عمران د ب و باب السين والواو مع
الالف سوا، منكم رعد يج ب وسوا، عليهم منافقين كج ر مع الرا،
سورة نور يج ب ر د باب السين واليا مع
الحا، سيحلفون توبه يا اا مع الذال سيذكر اعلى ل ب ر
مع الصاد سيصلى سند ل د ر مع العين سيعلمون تم كز ب ر و

مع القاف سيقول بقره ب اا سيقول لك فتح كو ج و
سيقول المخلفون فتح كو ج ا سيقول الذين انعام ح با
سيقولون ثلثه كهف يه ج و سيقولون لله قل افلا تتقون
مومنون ح با سيقولون لله قل فانى مومنون ح با مع الها شهادتهم
محمد ه كو ا سيماهم فتح كو ي و باب — الشين والالف
مع الكاف شاكرا نحل يد ر باب — الشين والرا
مع العين شرع شورى كه او باب — الشين والها
مع الدال شهد الله ال عمران يج ا شهر بقره ب ب ا باب
الصاد والبا مع الغين صبغة الله بقره ادر باب
الصاد والحا مع الفا صحف اعلى لد ر باب
الصاد والرا مع الالف صراط شورى كه ب و باب
الصاد والميم مع البا صم بكم بقره ااا باب
الصاد والواو مع الالف ص والقران ص كج ا باب
الضاد والالف مع الحا ضاحكه عبس ل ا ر باب
الضاد والرا مع البا ضرب الله مثلا عبدا نحل يه ر ضرب
الله مثلا للذين تحريم كح د ر ضربت ال عمران دا ر ضرب لكم
روم كا ب ا باب — الطا والالف مع العين
طاعة محمد ص كو ب ا باب — الطا والسين مع التا

طس تلك نمل يط د ا مع الميم طسم تلك ايات الكتاب المبين
لعلك شعرا يط ب ا طسم تلك ايات الكتاب المبين نتلوا
قصص د ا و باب — الطا واللام مع العين طلعها
صافات كج ب و باب — الطا والها مع الميم طه ما
انزلنا طه يو ج ا باب — الظا والها مع الرا ظهر
الفساد روم كا ب ا باب — العين والالف مع اللام عالم
الغيب فلا جن كط ج ر عالم الغيب والشهادة العزيز تغابن كح د ا
عالم الغيب والشهادة الكبير رعد يج ب ا عالم الغيب والشهادة
فتعالى مومنون يح ب ا عاليهم دهر كط د و مع الميم عاملة غاشية
لب ر باب — العين والبا مع الدال
عبدا علق ل ج ر مع السين عبس عبس ل ا و باب
العين والتا مع اللام عتل ن كط ا و باب
العين والذال مع الرا عذرا او نذرا مرسلات كط د ر باب
العين والرا مع البا عربا واقعه كو ج ر باب
العين والسين مع القاف عسق شورى كه ا ا مع اليا عسى الله
ان يجعل ممتحنه كح ب ر عسى الله ان يكف نساء و ب ر عسى ربكم بنى
اسرائيل ا ا عسى ربنا ن كط ا و عسى ربه تحريم كح د ر باب
العين والفا مع الالف عفا الله توبه ي ج و باب

العين واللام مع الميم علم الانسان علق لجـ د علم القران
رحمن كز بـ علمت نفس ما احضرت تكوير لا ر علمت نفس ما
قدمت انفطار لا ر علمه نجم كز ا ر مع اليا، على الارائك
ينظرون تعرف مطففين لـ ب على الارائك ينظرون هل
ثوب مطففين لـ ب على الكافرين مدثر كطجـ على ان نبدل
امثالكم واقعه كز بـ على ان نبدل خيرا معارج كطب على سرر متقابلين
صافات يجـ ب على سرر موضونه واقعه كز جـ على صراط يس كيـ د ر
على قلبك شعرا يطا جـ د عليها تسعة عشر مدثر كطا جـ د عليهم نار مؤصدة
لجـ ا باب العين والميم مع الالف عما كانوا
نحل يجـ ب مع اليا، عم يتساءلون نبا لا ا باب
العين والنون مع الالف عن النبا نبا لا ا عن المجرمين
مدثر كط ا عن اليمين معارج كطب مع الدال عند سدرة نجم كز ا ر
عندها نجم كز ا ر باب العين واليا مع النون
عينا فيها دهر كط د و عينا يشرب بها عباد الله دهر كط د و
باب الغين والالف مع الفاء غافر الذنب
مومن كد بـ ا باب الفا، والالف مع التا، فاتبع الكهف
يو ا ا فاتبعوا شعرا يطا بـ و فاتبعهم طه يو د ا فاتت مريم يو ب
فاتخذت مريم يو ا ر فاتخذتموهم مومنون يجـ بـ د فات روم كا ب ا

فأتوا

فأتوا باباتنا دخان كه جـ ر فاتوا بكتابكم صافات كز بـ فاتيا
فرعون شعرا يطا بـ ا فاتياه طه يو جـ و فاتيهم الله الحشر د بـ د
فاتقوا الله ما استطعتم تغابن كج د ا فاتقوا الله واطيعون
قالوا شعرا يطا بـ فاتقوا الله واطيعون وما اسالكم
عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين فاتقوا الله
شعرا يطا بـ فاتقوا الله واطيعون وما اسالكم عليه
من اجر ان اجري الا على رب العالمين اتبنون شعرا يطا جـ ا
فاتقوا الله واطيعون وما اسالكم عليه من اجر ان اجري
الا على رب العالمين اتتركون شعرا يطا جـ ا فاتقوا الله واطيعون
وما اسالكم عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين
اتاتون شعرا يطا جـ و فاتقوا الله واطيعون وما اسالكم
عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين اوفوا الكيل
شعرا يطا جـ و فاتقوا الله واطيعون واتقوا الذي شعرا يطا جـ ا
فاتقوا الله واطيعون ولا تطيعوا امر شعرا يطا جـ ا مع التا،
فاتاهم الله مائدة ز ا ا فاثرن به عاديات د ا مع الجيم
فاجاءها مريم يو بـ ا ر فاجتبيه ن كط ا ر فاجمعوا طه
يو جـ بـ ر مع الخا، فاخذه الله نازعات ا و فاخرج طه يو د ا
فاخرجنا من ذاريات كز ا ا فاخرجناهم شعرا يطا بـ ر فاخذهم

شرا بطا ج و فاختلف الاحزاب من بينهم فويل للذين كفروا
مريم يوب ا فاختلف الاحزاب من بينهم فويل للذين ظلموا
زخرف كه ج و فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فى دارهم جاثمين فتولى
اعراف ح د ر فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فى دارهم جاثمين الذين
اعراف طا ا فاخذتهم الصيحة مشرقين حجر يد ا ر فاخذتهم
الصيحة مصبحين حجر يد ا ر فاخذتهم الصيحة بالحق مؤمنون
ج ا ر فاخذناه وجنوده فنبذناهم فى اليم وهو مليم ذاريات كز ا
مع الدال فادخلوا نحل كط ب وفادخلى فجر ل ج ا فادعوا
الله مؤمن كو ب امع الذال فاذا استويت مؤمنون ج ا د
فاذا النجوم مرسلات كا د ر فاذا انسلخ توبة ى ب فاذا انشقت
رحمن كز ج ا فاذا برق قيمة كه د ا فاذا بلغن طلاق ى كه ا فاذا
نقر مدثر كط ج ر فاذا هم نازعات ل او فاذا جاءتهم اعراف لا ر
فاذا جاءت الطامة نازعات ل او فاذا جاءت الصاخة عبس لا او
فاذا جاء بنى اسرائيل ا فاذا ركبوا عنكبوت كا ا و فاذا سويته
ونفخت فيه من روحى فقعوا له ساجدين فسجد الملائكة
كلهم اجمعون الا ابليس ابى حجر يد ا و فاذا سويته
ونفخت فيه من روحى فقعوا له ساجدين فسجد الملائكة
كلهم اجمعون الا ابليس استكبر ص كه د ا فاذا فرغت

الم نشرح ل ج ر فاذا قرات نحل يد د ا فاذا قراناه قيمة كه د ا
فاذا قضيت جمعه كج ج و فاذا قضيتم الصلوة نساء جد
فاذا قضيتم مناسككم بقرة ب ب ر فاذا اتيتم الله نحل كه د
فاذا لقيتم الذين محمد كو ا ر فاذا مس زمر كه ا و فاذا
نزل صافات كه ج ا فاذا نفخ فى الصور فلا مؤمنون ح ب فاذا نفخ
فى الصور نفخة الحاقة كط ا ر فاذكرونى بقرة ب ا و مع الراء فاراد
ان بنى اسرائيل ج ا فاراد وابه صافات كه ب و فارتقب انهم دخان كه ب
فارتقب يوم دخان كه ج و فارتدا الكهف يو ا فارسل شعراء ب د
فارسلنا عليهم الطوفان اعراف ط ا ر فارسلنا عليهم
ريحا فصلت كه د ر فارسلنا فيهم مؤمنون ح او فاريه نازعات ل ا و
مع الزاء فازلهما بقرة ا ا ر مع السين فاستجاب له يوسف يب د و
فاستجاب لهم آل عمران د ج ا فاستجبنا له فكشفنا انبياء يز ب ا و
فاستجبنا له ونجيناه انبياء يز ب و فاستجبنا له ووهبنا له
انبياء يز ب و فاستخف زخرف كه ج ا فاستفتهم الربك صافات كه ب
فاستفتهم اهم صافات كه ب ا فاستقم هود يب ج و فاستمسك
زخرف كه ج ا فاسجدوا نجم كز ب ا فاسقط شعراء ب ط ج و
فاسلك مؤمنون ح ا و فاسر باهلك حجر يد ا ر فاسر بعبادى
دخان كه ج ر مع الشين فاشارت مريم يوب ا مع الصاد فاصاب

فاستجبنا له ونجيناه
انبياء يز ب ه

سيات ما عملوا غزا بوب فاصابهم سيات ما كسبوا زمر كدداو
فاصبحت ن كطا او فاصبح قصص ٮٮا فاصبران وعدالله حق و
استغفر مومن كدج ا فاصبران وعدالله حق ولا يستخفنك
روم كاب ر فاصبر صبرا معارج كطا و فاصبر على ما طه يود ر فاصبر
كما احقاف كوار فاصبر لحكم ربك ولاتكن ن كطار فاصبر لحكم
ربك ولاتطع دهر كدا و فاصحاب واقعه كزه و فاصدع
حجر بذ ب ا فاصفح زخرف كه ج د مع الطا فاطر السموات شورى
كدا و فاطلع صافات لجب ومع العين فاعترفوا ملك كط اا فاعرض
نجم كزار فاعرضوا سبا كب ب فاعقبهم توبه ٮٮ ر فاعلم قد ٮ ا
مع العين فاغويناكم صافات كج با مع الفا فافتح شعرا يط ج ا مع
القاف فاقبلت ذاريات كود فاقبلوا صافات كجب و فاقبل بعضهم
على بعض يتساءلون صافات كجب و فاقبل بعضهم على بعض يتلاومون
ن كطا او فاقم وجهك للدين حنيفا روم كاب فاقم وجهك للدين
القيم روم كاب مع الكاف فاكثروا فجر ج ا فاكله طه يود ر فاكهين طور
كزا مع اللام فالله يحكم نساء در فالتاليات صافات كج ب فالتقطه
قصص كا فالتقمه صافات كجب فالجاريات ذاريات كود فالحاملات
ذاريات كود فالذين حج يزد ا فالزاجرات صافات كجب فالسابقات
نازعات لا و فالعاصفات مرسلات كطا فالفارقات مرسلات كطا فالق

فاصبران وعدالله حق
فاما نرينك مومن

فالقام

انعام زد و فالقوا شعرا يط ب د فالقي السحرة ساجدين شعرا يط ب د
فالقي السحرة سجدا طه يوجر فالقي عصاه فاذا هي ثعبان مبين
ونزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين قال الملأ اعراف طا و فالقي
عصاه فاذا هي ثعبان مبين ونزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين
قال للملأ شعرا يط باد و فالقي موسى شعرا يط ب و فالقيها
طه يوج ا فالمدبرات نازعات لا و فالمغيرات عاديات لد ا
فالمقسمات ذاريات كود ر فالملقيات مرسلات كطا د فالموريات
عاديات لدا فالهمها شمس لج و فاليوم الذين مطففين ل ب ا
فاليوم لاتظلم يس كجاو فاليوم لا يملك سبا كب ج ا فاليوم
لا يؤخذ حديد كزد و فاليوم ننجيك يونس ياد و مع الكيم فاما
الانسان فجر ل ج ا فاما الذين امنوا بالله نساء وار فاما الذين
آمنوا وعملوا الصالحات فهم روم كا ار فاما الذين امنوا وعملوا
الصالحات فيدخلهم جاثيه كه در فاما الذين امنوا وعملوا
الصالحات فيوفيهم نساء وار فاما الذين شقوا هود يب د
فاما الذين كفروا ال عمران ج د ا فاما اليتيم والضحى ل ج و فاما ان
كان واقعه كزد ا فاما تثقفنهم انفال ي ا و فاما ثمود الحاقه كط
ار فاما عاد فصلت كد د ا فاما من اعطى ليل ل ج و فاما من
اوتي كتابه بيمينه فسوف انشقاق ل ب و فاما من اوتي كتابه

بيمينه فيقول الحاقه كط با فاما من تاب قصص لب جو وفاما من
نقلت قارعه لد ا فاما من تغى نازعات لا او فاما تذهبن
زخرف كه جا فاما من له عنكبوت كد و فامنوا بالله تغابن كح
فامنوا فمتعناهم صافات كج ب وفامه قارعه دا مع النون فان
استكبروا فصلت كد فان اعرضوا فقل فصلت كد دا فان اعرضوا
فما شورى كه با فان الجحيم نازعات لا وفان الجنة نازعات لا او
فان امنوا بقره ادر فان انتهوا بقره ب ب و فانبتنا
عبس لا او فان تابوا توبه ى ب افان تطيعوا فتح كو ب دا
فانت له عبس لا او فانت عنه عبس لا او فانتقمنا منهم
فاغرقناهم اعراف ط ب افانتقمنا منهم فانظر زخرف كه به فانتقمنا
منهم وانهما حجر يه ا فان تولوا فان الله ال عمران جدا فان
تولوا فانما نحل يد ج ر فان تولوا فقد هود يب با فان
تولوا فقل آذنتكم انبياء بز به فان تولوا فقل حسبي الله
توبه ياب افان توليتم يونس يا دا فانجيناه واصحاب
عنكبوت ك دا فانجيناه والذين اعراف ح د و فانجيناه
واهله الا امراته قدرناها نمل ك ا ا فانجيناه واهله
الا امراته كانت اعراف ح در فانجيناه ومن معه شعراء يا جا
فان حاجوك ال عمران ج ج افان خفتم بقره ب د و فاذكروا نكم

ليل ا ج و فان رجعك الله توبه ى د ر فان زللتم بقره ب ج ا
فانشأنا نامو سنون ج ا فانطلقا حتى اذا اتيا الكهف يو ا ا
فانطلقا حتى اذا ركبا الكهف يه ا ر فانطلقا حتى اذا لقيا الكهف
يه در فانظلموا ان كط او فان طلقها بقره ب ج ر فانظر الى
اثار روم كا به فانظر كيف كان عاقبة المنذرين صافات كج د
فانظر كيف كان عاقبة مكرهم نمل يط در فان عثر
مائده زا ر فان عصوك شعراء يا ج ر فانقلبوا ال عمران ج ا
فان كان مرسلات كط ر فان كذبوك فقد ال عمران د ج و فان كذبوك
فقل انعام ح با فانكم صافات كج با فان كنت يونس يا د و فانك
روم كا بو فان للذين ذاريات كز ا ا فان لم تاتوني يوسف ي ا ا فان لم تجدوا
نور يح ج ا فان لم تفعلوا فاذنوا بقره ج ب افان لم تفعلوا
ولن تفعلوا بقره ا ا و فان لم يستجيبوا لكم هود يب ا ا
فان لم يستجيبوا لك قصص كج ا فانما هي زجرة واحدة كا
فاذاهم ينظرون صافات كج با فانما هي زجرة واحدة فاذاهم
بالساهرة نازعات لا او فانما يسرناه بلسانك لتبشر مريم
يو بر فانما يسرناه بلسانك لعلهم دخان كه ج ر فان مع العسر
الم نشرح ل ج و فانهم عدو لي شعراء يط ب ر فانهم يومئذ صافات
كج با فانهم لاكلون صافات كج ب و فان يصبروا فصلت كد و مع

الواو فاوجس فی نفسه طه یوجر فاوجس منهم ذاریات کوزر
فاوحی نجم کو ار فاوحینا الی موسی شعرا یطاب فاوحینا
الیه مومنون یج اا فاولئك نسا هو جر ومع الهاء فاهلکنا
زخرف کو ب ومع الیاء فاین تکویر لا ر یاب الفاء
والیاء مع الالف فبای الاء ربك نجم کرت ب ا فبای الاء ربکما
تکذبان خلق رحمن کوب ر فبای الاء ربکما تکذبان رب المشرقین
رحمن کوزیر فبای الاء ربکما تکذبان مرج رحمن کوزیر فبای الاء
ربکما تکذبان یخرج رحمن کوزبر فبای الاء ربکما تکذبان وله الجوا
فبای الاء ربکما تکذبان رحمن کوزبو فبای الاء ربکما تکذبان کل
رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان یسئله رحمن کوزبر ا فبای
الاء ربکما تکذبان سنفرغ رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان
یا معشر الجن رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان یرسل رحمن کوزبر ا
فبای الاء ربکما تکذبان فاذا انشقت رحمن کوزبر ا فبای الاء
ربکما تکذبان فیومئذ رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان
یعرف رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان هذه رحمن کوزبر ا
فبای الاء ربکما تکذبان ولمن خاف رحمن کوزبر ا فبای الاء
ربکما تکذبان ذواتا افنان رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان
فیهما عینان تجریان رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان فیهما

مي

من کل رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان متکئین علی فرش
رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان فیهن قاصرات
رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان کانهن رحمن کوزبر ا فبای
الاء ربکما تکذبان هل جزاء رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان
ومن دونهما رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان مدهامتان
رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان فیهما عینان نضاختان
رحمن کوزبر ا فبای الاء ربکما تکذبان فیهما فاکهة رحمن کوزبر و فبای
الاء ربکما تکذبان فیهن خیرات رحمن کوزبر و فبای الاء
ربکما تکذبان لم یطمثهن رحمن کوزبر و فبای الاء ربکما تکذبان
متکئین علی رفرف رحمن کوزبر و فبای الاء ربکما تکذبان تبارك
تبارك رحمن کوزبر و فبای حدیث مرسلات کطا ومع الدال
فبدل الذین ظلموا قولا بقره اب وبه فبدل الذین ظلموا منهم
اعراف طبر فبدا لهما وعینهم یوسف یج او مع الشین فبشرناه
صافات کج و فبشرهم انشقاق لب ومع الظاء فبظلم نسا وا ا
مع العین فبعث الله مائده وج امع المیم فبما رحمة ال عمران دب
فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم نسا و ا فبما نقضهم
میثاقهم لعناهم مائده وبو باب الفاء والتاء
مع الباء فتبسم نمل یط دا مع الراء فتری الذین مائده و نه دا

فتولى القوم الحاقه كط ا مع العين فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو
مومنون قيح فتعالى الله الملك الحق ولا تعجل طه يو د و مع القاف
فتقبلها ال عمران ج ج وفتقطعوا مومنون ج ا مع اللام فتلقى بقره
ا ا فتلك غافر يط د مع النون فتنادوا ن كط ا و فتنازعوا طه
يو ج مع الواو فتوكل نمل ك ا فتولوا صافات كج و فتولى عنهم فما
ذاريات كز ا فتول عنهم يوم قمر كز ب ا فتولى بركنه ذاريات كز ا
فتولى عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالة اعراف ح د
فتولى عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالات اعراف ط ا ا
باب الفا والجيم مع الالف فجاءته قصص د با
مع العين فجعل فيه كط د وفجعلهم جذاذا انبياء ز ا فجعلهم
كعصف فيل ا د وفجعله اعلى لب د فجعلناها بقرة ا ب
فجعلنا عاليها حجر يد ا فجعلناهم زخرف كه ج ا فجعلناهن
واقعه كز ج فجعلناه مرسلات كط د مع الميم فجمع شعراء يط ب وباب
الفا والحا مع الشين فحشر نازعات ا و مع القاف فحق صافات
كج ب مع الميم فحملته مريم يو ب ا باب الفا
والخا مع الرا فخر وخرج على قومه في زينته قصص كز ج ا فخرج على
قومه من المحراب مريم يو ا فخرج منها قصص كد ب مع السين فخسفنا
قصص د ب مع اللام فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتاب

لو

اعراف ط ج ا فخلف من بعدهم خلف اضاعوا مريم يو د وباب
الفا والدال مع العين فدعا ربه ان هؤلاء دخان كه ج ز
فدعا ربه اني مغلوب قمر كز ب ومع اللام فدلاهما اعراف ح ا
مع الميم فدمدم شمس لج و باب الفا والذال
مع الالف فذاقت طلاق كح د ومع الرا فذرني ن كط ا فذرهم
حتى طور كز او فذرهم في غمرتهم مومنون يح ا فذرهم يخوضوا و
يلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي كانوا يوعدون وهو الذي
زخرف كه ج فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي
كانوا يوعدون يوم معارج كط و مع الكاف فذكر انما انت غاشية لد
فذكر فما انت طور كز و فذكر ان نفعت اعلى لب مع اللام
فذلك الذي ماعون لد ر فذلك يومئذ مدثر كط ج ر فذلكم الله يونس يا ا
مع الواو فذوقوا بما نسيتم سجده كا ج ر فذوقوا عذابي قمر
كز ب ر فذوقوا فلن نزيدكم نبا الا ايات باب الفا والرا
مع الالف فراغ الى آلهتهم صافات كج د فراغ الى اهله ذاريات كز ر
فراغ عليهم صافات كج ب مع التا فرت مدثر كط ا مع الجيم فرجع
طه يو د ا فرجعوا انبياء ز ا مع الحا فرح توبه ي د فرحين
ال عمران د ج مع الدال فرددناه قصص د ا مع العين فرعون
بروج لب ا مع الواو فروح واقعه كز د ا مع اليا فريقا

اعراف جو باب الفا والسين مع الالف فساهم
صافات كجر مع الباء فسبحان الذي يس كجار فسبحان الله
روم كار فسبح بحمد ربك وكن حجر يدبا فسبح بحمد ربك
واستغفره نصر ده فسبح باسم ربك العظيم فلا اقسم
واقعه كزو فسبح باسم ربك العظيم سال سائل الحاقه كطا فسبح
باسم ربك العظيم سبح واقعه كزدا مع التاء فستبصرت كزنا
فستذكرون مومن كزيا مع الجيم فسجد الملائكة كلهم اجمعون
الا ابليس ابى حجر يحا فسجد الملائكة كلهم اجمعون الا ابليس
استكبر ص كجدا مع الخاء فسحقنا ص كجه ومع القاف فسحقا
قصص ذبا مع اللام فسلام واقعه كزدا مع النون فسنيسره للعسرى
ليل له و فسنيسره لليسرى ليل له ومع الواو فسوف يعلمون
هود يبا فسوف يحاسب انشقاق لب فسوف يدعوا انشقاق
لب ومع الياء فسيحوا توبه با باب الفا والشين
مع الالف فشاربوا عليه واقعه كزه رفشاربوا شرب واقعه كزه
باب الفاء والصاد مع الباء فصب فجر له ا مع اللام
فصل كوثر ادر باب الفاء والضاد مع الراء فضربنا
الكهف يه وفضلا من ربك دخان كد باب الفا والطاء
مع الالف فطاف ن كطا ومع الواو فطوعت مائده وجا باب

الفاء والعين مع الانفال بروج لب مع التاء فعتوا ذاريات مد كوا
مع السين فعسى الكهف يه مع الصاد فعصى مزمل كطا و فعصوا
الحاقه كطا مع القاف فعقر والناقه اعراف در فعقروها فقال
هود يب رفعقروها فاصبحوا شعرا يطا ومع الميم فعميت
قصص كنو باب الفاء والعين مع الشين فغشيها
نجم كزبا مع الفاء فغفرنا ص كجه مع اللام فغلبوا اعراف
ار باب الفاء والفاء مع التاء ففتحنا قمر كزيد ومع الراء
ففررت شعرا يطبا ففروا ذاريات كزا مع الهاء ففهمناها انبيا
يوزبا باب الفاء والقاف مع الالف فقاتل نساء هو بر
فقال الملأ الذين كفروا من قومه ما نريك هود يبا و فقال
الملأ الذين كفروا من قومه ما هذا مؤمنون يح افقال انا نار عات
لاو فقال ان هذا مدثر لطا فقال اني اجبت ص كجه و فقال
اني سقيم صافات كجد فقال لهم شمس يه و فقالوا ابشرا قمر كوبه
فقالوا انؤمن مؤمنون ار فقالوا ربنا سبا كبه فقالوا على الله
يونس يادا فقالوا هذا طه يودا مع التاء فقتل مدثر كيا ومع
الدال فقدرناه مرسلات كادا فقد كذبوا بالحق انعام زبا فقد
كذبوا بالحق فسيأتيهم شعرا يطبا فقد كذبوكم فرقان يح د مع الراء
فقراه شعرا يطا رفقربه ذاريات كود مع الضاد فقضيهن

فصل نكد ثرا مع الطا، فقطع انعام زجا مع اللام فقلت نوح كط
بر فقلنا اذهبا فرقان يط ا افقلنا اضربوه بقره ابر فقلنا
ياادم طه يودر فقل نازعات لا ومع الواو فقولا له طه يوجو
باب الفا، والكاف مع الالف فكانت واقعه كزجو
فكان عاقبتهما حشر كر با فكان قاب نجم كزار فكاين نج
يزا مع اليا، فكبكبوا شعرا يطر مع الذال فكذبنا نازعات لاو
فكذبوه فاخذتهم عنكبوت لدر فكذبوه فاخذهم شعرا يطر فكذبوه فانجيناه
فانهم صافات كجر فكذبوه فاهلكناهم شعرا يطج افكذبوه فعقروها
شمس لج وفكذبوه فنجيناه يونس ياد افكذبوهما مومنون يج او
مع الواو، فك رقبة بلد لج ا مع الفا، فكفروا صافات كجر له
فكلي يونس يابه مع اللام فكلوا عنكبوت كد فكلوا مما ذكر اسم الله
انعام ح ا افكلوا مما رزقكم الله نحل يد در فكلوا مما غنمتم انفال
ى ار فكلي مريم بوبا مع اليا، فكيف اذا اصابتهم نساء ب افكيف
اذا توفتهم محمد كوب وفكيف اذا جمعناهم ال عمران ج افكيف
اذا جئنا نساء او فكيف تتقون مزمل كطج وفكيف كان عذابي
ونذر انا ارسلنا قمر كزب وفكيف كان عذابي ونذر ولقد
يسرنا القران للذكر فهل من مدكر كذبت عاد قمر كزب و
فكيف كان عذابي ونذر ولقد يسرنا القران للذكر فهل

اعراف ق ع د فكذبوه صح

من

٣٣

من مدكر كذبت ثمود قمر كزبر باب الفا، واللام
مع الالف فلا اقتحم بلد لج ا فلا اقسم بالخنس تكوير لا
فلا اقسم برب المشارق معارج كطا فلا اقسم بالشفق
انشقاق لدو فلا اقسم بما تبصرون الحاقه كطا فلا اقسم
بمواقع واقعه كزجر فلا تحسبن ابرهيم يجدر فلا تدع شعرا يطر
فلا تضربوا نحل يدجر فلا تطع الكافرين فرقان يط او فلا
تطع المكذبين ن كط او فلا تعجبك توبه ى ج ر فلا تعجل طه يوزد مريم
فلا تعلم سجده كاج ر فلا تك هود يب ج و فلا تمار الكهف يه ج ر فلا
تمنوا محمد كوب ر فلا صدق قيمه كط د ا فلا وربك نساء ه ب افلا
يحزنك يس كج ار فلا يستطيعون يس كج ا و فلا يصدنك
مع البا، فلبثت طه يوج ا مع الذال فلذلك شورى كه ا
مع العين فلعلك تارك هود يب ا ا فلعلك باخع الكهف يه ج و
مع اللام فلله الحمد جاثيه كه در فلله الاخره نجم كز ار مع الميم
فلما اتيها نودي ياموسى طه يوج ا فلما اتيها نودي من شاطى
قصص كب و فلما اتيهما اعراف طج ر فلما اتيهم توبه ى د و فلما
احس ال عمران ج ج ر فلما احسوا انبيا يز ا ا فلما استياسوا يوسف
يج او فلما اسفونا زخرف كه ج ا فلما اسلما صافات كج د فلما
اعتزلهم مريم يوب و فلما القوا يونس ياد ا فلما ان اراد قصص كب ا

طه يوجا

فلما ان جاء يوسف يج ب فلما انجيهم يونس يا ب فلما بلغا الكهف يه د
فلما بلغ صافات كج ب وفلما ترى الجمعان شعرا يط ب وفلما جاء السحرة قا
يونس يا دا فلما جاء السحرة قالوا شعرا يط ب فلما جاء ال حجر يد ا د
فلما جاء امرنا جعلنا هود يب د فلما جاء امرنا نجينا هود يب د
فلما جاءت نمل يط جو فلما جاءتهم آياتنا نمل يط د ا فلما جاءهم
رسلهم مومن كو ج فلما جاء سليمن نمل يط د و فلما جاءها نمل
يط د ا فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا ان هذا يونس يا دا
فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا لولا قصص كح ب فلما جاءهم
بالحق مومن كد ب فلما جاءهم باياتنا زخرف كج ا فلما جاءهم موسى
قصص كد يه و فلما جاوزا الكهف يه د فلما جن انعام ز د ا فلما جهزهم يو سف ج ا د
فلما دخلوا عليه يوسف ج ا فلما دخلوا على يوسف ج ب فلما ذهب
هود يب د فلما ذهبوا يوسف يب د فلما راوا باسنا مومن كد ج د
فلما راوها ن كط ا و فلما راوه زلفة ملك كط ا ب فلما راوه عا رضا
احقاف كو ا و فلما را الشمس انعام ز د ا فلما را القمر انعام ز د ا
فلما را ايديهم هود يب ب وفلما راى قميصه يوسف يب د وفلما رجعوا
يوسف يج ا ا فلما سمعت يوسف يب د فلما عتوا اعراف ط ج ا
فلما فصل بقره ب د فلما قضى قصص ك ب وفلما قضينا سبا كب د و
فلما كشفنا عنهم الرجز اعراف ط ا فلما كشفنا عنهم العذاب

دو

زخرف كد ج ا فلما نجيهم الى البر اذا هم عنكبوت كا و فلما نجيهم الى البر
فمنهم لقمن كا ج و فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا انعام ز ج ا فلما
نسوا ما ذكروا به انجينا اعراف ط ب ال عمران فلما وضعتها بقره ج ر ز فلم
تقتلوهم انفال ط د ا فلم يك مومن كو ج فلم يزدهم نوح كط ب فلم
يجدوه نوح كط ب مع النون فلنا تينك طه يو و فلنذيقن فصلت
كد و فلنسئلن اعراف ط ب فلنقصن اعراف ح ب مع الواو فلو
ان لنا شعرا يط ب فلولا اذا بلغت واقعة كز ا فلولا اذ جاءهم
انعام ز ج افلولا القى زخرف كج ا فلولا ان كنتم واقعة كز ا فلولا
انه صافات كج ب فلولا كانت يونس يا د و فلو كان هود يب و
فلولا نصرهم احقاف كو ا مع اليا فليأتوا طور كز ا فليدع
علق ل ج و فليضحكوا توبه ى د فليعبدوا قريش ل د فليقاتل
نساء ه ب و فليلقه طه يو ج ا فلينظر الانسان الى عبس ل ا د
فلينظر الانسان مم طارق ل ب ب باب الفاء
والميم مع الالف فما اسطاعوا الكهف يو او فما استطاعوا
ذاريات كز ا ا فما اغنى حجر يد ا د فما آمن يونس يا د ه فما اوتيتم
شورى كه ب ا فما بكت دخان كه ج ر فما تنفعهم مدثر كط د ا فما
زالت انبيا يز ا ا فما ظنكم صافات كج ب و فما كان دعويهم
اعراف ح ب فما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا

غزك ١١ فما كان جواب قومه الا ان قالوا اقتلوه عنكبو
ك دو فما لكم نساء جـ ا فما للذين معارج كطاب فما لنا شعرا يطاب
فما لهم عن التذكرة مد ثر كطا دا فما لهم لا يؤمنون انشقاق
لب فما له طارق لب فما لون واقعه كز جـ ر فما منكم الحاقه كطاب
فما وجدنا ذاريات كز ١١ فما يكذبك تين لجـ د مع الكاف فكك
نمل يط داو مع النون فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم
العادون والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون
والذين هم على صلاتهم مؤمنون ١١ فمن ابتغى وراء ذلك
فاولئك هم العادون والذين هم لاماناتهم وعهدهم
راعون والذين هم بشهاداتهم معارج كطاب فمن اظلم
ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته اولئك اعراف جـ و
فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته انه
يونس ياب فمن اظلم ممن كذب زمر كد ١١ فمن افترى آل عمران
د ١١ فمن الله طور كز او فمن بدله بقره بد ا فمن تاب مائده
و جـ ا فمن تولى آل عمران جـ د ر فمن ثقلت مؤمنون ب فمن حاجك
آل عمران جـ د ا فمن خاف بقره بـ ب ا فمن شاء ذكره وما مدثر
كطا دا فمن شاء ذكره في عبس لـ او فمن لم يجد مجادله ١١
فمنهم نساء ا ر فمن يرد الله انعام ح او فمن يعمل من الصالحات

ابنيا

ابنيا بز ب ر فمن يعمل مثقال زلزله دا مع الهاء فمهل
طارق لب باب الفا والنون مع الالف
فنادوا والمز كوب و فناديها مريم يوب ا فنادته آل عمران جـ ب
مع الباء فنبذناه صافات كجـ د مع الجيم فنجيناه شعرا يطاجو
مع الزا فنزل واقعه كز دا مع الظاء فنظر صافات كجـ د و
باب الفا والواو مع الالف
فواكه صافات كجـ د او مع الجيم فوجد الكهف يـ د مع الراء فورب
السماء ذاريات كو د فوربك لنحشرنهم مريم يوب و فوربك
لنسئلنهم حجر يد ب ا مع السين فوسطن به عاديات ادا
فوسوس لهما اعراف جـ ا فوسوس اليه طه يود مع القاف
فوقيهم الله دهر كطا دو فوقع اعراف طا ر فوقيه الله مؤمن كجـ
كدند ر مع الياء فويل للذين يكتبون بقره اجـ ا فويل للذين
كفروا ذاريات كز ١١ فويل يومئذ طور كز ١١ فويل للمصلين
ماعون لـ د ر باب الفاء والهاء مع الزاء
فهزموهم بقره بـ د ر مع اللام فهل ينظرون يونس يا د
فهل عسيتم محمد كوب و فهل ينظرون محمد كوب م
فهل ترى الحاقه كطا ر مع الميم فهم صافات كجـ د و مع الواو
فهو في عيشة راضية في جنة الحاقه كطا ا فهو في عيشة

راضية واما قارعه اداباب الفا، واليا مع الالف فيا يتهم
شعرا بطه فى ادنى الارض روم كاو فى الدنيا بقره جو فى اى الانفطار
ل ا ر مع البا، فى بضع روم كاو فى بيوت مومنون جو نور مع الجيم
فى جنات وعيون وذروع شعرا بطه فى جنات وعيون يس
دخان كده فى جنات النعيم على صافات كه و فى جنات النعيم ثلاو واقعه
كزجو فى جنات بحسا الون مدثر كط دا فى جنة عاليه قطوفها
الحاقه كط ب فى جنة عاليه لا تسمع غاشيه ا به فى جيدها مسد لدو
مع الذال فيذرها طه بود و مع الرا، فى رفرف طور كزا و
مع السين فى سدر واقعه كزجو فى سموم واقعه كزجو مع الصا
فى صحف عبس ل ا و مع العين فيعذبه غاشيه ا به فى عمد
همزه ل دو مع القاف فى قلوبهم بقره ااا فيقولوا شعرا
بطه ر فيقول الحاقه كط ب ا مع الكاف فى كتاب واقعه كزجو
مع اللام فى لوح بروج لب و مع الميم فيم انت نازعات لا و فى
مقعد قمر كز ب ر مع الواو فيومئذ لا يسئل رحمن كزجو ا فيومئذ
لا يعذب فجر ل جو ا فيومئذ لا ينفع روم كا ب ر فيومئذ
وقعت الحاقه كط ا ر مع الها، فيها سرر غاشيه ا به فيها عين
غاشيه ا به فيها فاكهة رحمن كز ب ر فيها كتب لم يكن
ل د ا فيها يفرق دخان كه جو فيهما عينان تجريان رحمن كزجو

وفيهما

فيهما عينان نضاختان رحمن كزجو فيهما من كل رحمن كزجو ا
فيهما فاكهة رحمن كزجو فيه ايات ال عمران د ا ا فيهن خيرات
رحمن كزجو فيهن قاصرات رحمن كزجو ا باب القاف و
الالف مع التا، قاتلوا توبه ى ب ر قاتلوهم توبه ى ب و مع اللام
قال ابشرتمونى حجر يد ا و قال اتعبدون صافات كه ب و قال اجعلنى
يوسف ح ا ا قال اجئتنا طه بوجو ر قال اخرج اعراف ب ر قال
اخسئوا مومنون ح ب و قال ادخلوا اعراف ج ر و قال اذهب بنى اسرائيل
يه ب ا قال اراغب مريم يو ب ا قال ارايت الكهف يه د ر قال ارايتك
بنى اسرائيل يه ب ا قال لا ربنا اننا طه بوجو و قال لا ربنا ظلمنا اعراف ج ا
قال اغير الله اعراف ط ب ا قال اتعبدون ابنيا يز ب ا قال الم ايتهم
شعرا بط ب ر قال الذى نمل يط د ل قال الذين استكبروا انا
بالذى اعراف ح د ر قال الذين استكبروا انا كل مومن كه ح ا
قال الذين استكبروا للذين سبا كب ج ا قال الذين حق قصص
ر ح ط قال القوا اعراف ط ا و قال القها طه بوجو ا قال الله انى
مائده ر ا ر قال الله هذا مائده ر ب ا قال الم اقل لك انك
لن تستطيع معى صبرا قال لا الكهف يه د ر قال الم اقل لك
انك لن تستطيع معى صبرا قال ان الكهف يو ا ا قال الم نربك
شعرا بط ب ا قال الملاء الذين استكبروا من قومه للذين

اعراف ح د قال الملاء الذين استكبروا من قومه لنخرجنك اعراف
ط ١١ قال الملاء الذين كفروا اعراف ح د وقال الملاء من قومه اعراف
ط ١ و قال الملاء من قومه اعراف ح د قال اما من الكهف يو ١١ قال ءامنتم
له قبل ان آذن لكم انه لكبيركم الذى علمكم السحر فلاقطعن طه يو جـ
قال ءامنتم له قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذى علمكم السحر فلسوف
شعرا يط ب وقال انا خير من ص كج د ا قال ان رسولكم شعرا يط ب ا
قال ان سالتك الكهف يو ١١ قال انظرنى اعراف ح يد قال ان فيها
عنكبوت ل د قال انك لن تستطيع الكهف يه د قال انك من المنظرين
اعراف ح يد قال انكم حجر يد ا قال ان كنت اعراف ط ا و قال ان
لبثتم مؤمنون يح ب وقال انما اشكوا يوسف يح ا قال انما العلم احقاف
كو ا و قال انما انا مريم يو ا قال انما اوتيته قصص ك ب و قال انما
ياتيكم هود يب ا قال ان هؤلاء حجر يد ا قال انه يقول بقره ا ب قال
انى لعلكم شعرا يط ج وقال انى ليحزننى يوسف يب قال اوسطهم
ن كط ا و قال اولو جئتك شعرا يط ب ا قال اولو جئتكم
زخرف كه ب قال اهبطا طه يو د قال اهبطوا اعراف ح ا
قال بصرت طه يو د قال بل القوا طه يو ج قال بل ربكم
انبيا يز ا قال بل سولت يوسف يج ا قال بل فعله انبيا يز ا
قال تالله صافات كج ب و قال تزرعون يوسف يد قالت احديهما

قصص

قصص ك ب و قالت الاعراب حجرات كو ا قالت ان الملوك نمل يط د و
قالت انى اعوذ مريم يو ا قالت انى يكون مريم يو ا قالت رب انى
ظلمت نمل يط د قالت رب انى يكون آل عمران ج قالت رسلهم ابرهيم
يج ج قالت لهم قالت فذلكن الذى يوسف يب وقالت يا ايها
الملاء افتونى نمل يط د و قالت يا ايها الملاء انى نمل يط د قالت يا
ويلتا هود يب قال خذها طه يو ج قال ذلك بينى قصص ك ب
قال ذلك ما كنا الكهف يه قال رب اجعل لى اية قال ايتك
الا تكلم الناس ثلثة آل عمران ج قال رب اجعل لى اية قال ايتك
الا تكلم الناس ثلث مريم يو ا قال رب احكم انبيا يز ب قال رب
اشرح لى طه يو ج ا قال رب اغفر لى ولاخى اعراف ط ب وقال
رب اغفر لى وهب لى ص كج قال رب السجن يوسف يب
قال رب السموات شعرا يط ب ا قال رب المشرق شعرا يط ب ا قال
رب انصرنى بما كذبون فاوحينا مؤمنون يح ا قال رب انصرنى
بما كذبون قال مؤمنون يح قال رب انصرنى على القوم عنكبوت
قال رب انى اخاف شعرا يط ب ا قال رب ان قومى شعرا يط ج ا قال رب
انى اعوذ هود يب ا قال رب انى دعوت نوح كط ب قال رب انى
ظلمت قصص ك ب ا قال رب انى قتلت قصص ك ب قال رب انى لا املك
قال رب انى وهن مريم يو ا قال رب انى يكون لى غلام وكانت

ابرهيم يج د ا ص

وقد آل عمران قال رب انى يكون لى غلام وكانت مريم يو ا ر
قال رب انى بما اغويتنى حجر يد ا و قال رب بما انعمت قصص د ر ا
قال رب فانظرنى الى يوم يبعثون قال فانك من المنظرين الى يوم
الوقت المعلوم قال رب حجر يد ا و قال رب فانظرنى الى يوم
الوقت يبعثون قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم
قال فبعزتك ص كج د ا قال ربكم شعرا يط ب ا قال رب لم حشرتنى
طه يو ج ر قال ربنا طه يو ج و قال ربى اعلم شعرا يط ج و قال
ربى يعلم انبياء يز ا ا قال رجلان مائده و ير قال ساوى هود يب ا
قال ستجدنى الكهف يه د ر قال سلام مريم يو ب و قال سنشد
قصص د ب ر قال سننظر نمل يط د و قال سوف يوسف يح ا
قال عفريت نمل يط د و قال علمها طه يو ج و قال عما مومنون يح ا
قال عيسى مائده ز ا ر قال فات شعرا يط ب ا قال فاخرج
منها فانك رجيم وان عليك اللعنة حجر يد ا و قال فاخرج
منها فانك رجيم وان عليك لعنتى ص سجده كج د ا قال فاذهب
طه يو د و قال فالحق ص كج د ا قال فان اتبعتنى الكهف يه د
قال فانا طه يو د ا قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت
المعلوم قال فبعزتك ص كج د ا قال فيما اعراف ج ر قال فرعون
ءآمنتم اعراف ط ا ر قال فرعون وما شعرا يط ب ا قال فعلتها

شعرا

شعرا يط ب ا قال فانها مائده و ير قال فاهبط اعراف ج ب قال
فبعزتك ص كج د ا قال فما بال القرون طه يو ج و قال فما
خطبكم ايها المرسلون قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين
لنرسل ذاريات كز ا ا قال فما خطبك طه يو د و قال فمن ربكما
طه يو ج و قال فيها اعراف ج ا قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف
يب ج ر قال قائل منهم انى صافات كج ب ا قال قد اجيبت يونس يا د و
قال قد اوتيت طه يو ج و قال قد وقع اعراف د و قال قرينه ق كو د و
ق كو د و قال كذلك انتك طه يو د ر قال كذلك قال ربك هو
على هين وقد مريم يو ا ر قال كذلك قال ربك هو على هين
ولنجعله مريم يو ب ا قال كلا ان معى شعرا يط ب و قال كلا فاذهبا
شعرا يط ب ا قال كم لبثتم مومنون يح ب و قال لا تثريب يوسف يح ا ر
قال لا تخافا طه يو ج و قال لا تختصموا ق كو د و قال لا
تؤاخذنى الكهف يه د ر قال لا يأتيكما يوسف يب د و قال لقد
ظلمك ص كج ج و قال لقد علمت بنى اسرائيل يه ا ا قال لقد كنتم انبياء يز ا د
قال للملأ شعرا يط ب و قال لم اكن حجر يد ا و قال لمن حوله شعرا
يط ب ا قال لن ارسله يوسف يح ا ا قال لو ان هود يب ب ر قال له
صاحبه الكهف يه د و قال له موسى الكهف يه د ر قال لهم موسى
القوا شعرا يط ب و قال لهم موسى ويلكم طه يو ج ر قال لئن

اتخذت شعرا يط ا قال ما خطبكن يوسف يب قال ما مكني
الكهف بو ا قال ما منعك اعراف بد قال معاذ الله يوسف
يج او قال موعدكم طه يوج ر قال موسى اتقولون يونس
ياد ا قال موسى لقومه اعراف طا قال نعم وانكم اذا شعرا يط
قال نعم وانكم لمن اعراف ط او قال نكروا نمل يط در قال نوح
نوح كط بر قال وما علمي شعرا يط ا قال ومن يقنط حجر يد
قال هذا رحمة الكهف بو ا قال هذا صراط حجر يد او قال هذا
فراق الكهف بو ا قال هذه شعرا يط ا قال هل علمتم يوسف
قال هل آمنكم يوسف ا قال هل انتم صافات كج ب قال هل يسمعونكم شعرا
قال هم طه يو د ا قال هؤلاء حجر يد ا قال هي راودتني يوسف
يب د قال هي عصاي طه يوج ا قال يا ابليس ما لك حجر يد او
قال يا ابليس ما منعك ص كج د ا قال يا ابن ام طه يو د ا قال
يا آدم بقره ا قال يا ايها النمل شعرا يط قال يا بني يوسف يب
قال ارايتم ان كنت على بينة من ربي واتاني رحمة هود يد
قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينة من ربي واتاني رحمة منه
هود يب قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينة من ربي ورزقني
هود يب قال يا قوم ارهطي هود يب اقال يا قوم الم يعدكم
طه يو د ا قال يا قوم اني لكم نوح كط ب قال يا قوم ليس

بي سفاهة اعراف دو قال يا قوم ليس بي ضلالة
اعراف د و قال يا قوم لم تستعجلون نمل يط در قال يا
موسى اعراف ط ا قال يا نوح هود يب ب ا قال يا هرون طه يو
د ا قالوا ءانت انبيا كز ا قالوا ابنوا صافات كج ب قالوا اتخذ
الله يونس يا ج ر قالوا اتجيبين هود يب ر قالوا اجئتنا
بالحق لتافكنا احقاف كو ا قالوا اجئتنا لتلفتنا يونس يا د ا
قالوا اجئتنا لنعبد الله اعراف دو قالوا ادع لنا ربك
يبين لنا ما هي قال بقره ا ر قالوا ادع لنا ربك يبين
لنا ما هي ان البقر بقره ا ر قالوا ادع لنا ربك يبين لنا
ما لونها بقره ا ر قالوا ارجه واخاه وابعث وارسل
اعراف ط ا وقالوا ارجه واخاه وابعث شعرا يط قالوا اضغاث
يوسف يب قالوا اطيرنا نمل يط در قالوا آمنا برب العالمين
رب موسى وهارون قال فرعون اعراف ط ا قالوا آمنا
برب العالمين رب موسى وهارون قال آمنتم شعرا يط
ب و قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين الا آل حجر يد ا
قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين لنرسل ذاريات كز ا قالوا انا
الى ربنا اعراف ط ا قالوا انا تطيرنا يس كب د قالوا انا
كنا طور كز ا و قالوا انكم صافات كج ب قالوا انما انت من المسحرين

ما انت شرابطج اقالوا انما انت من المسحرين وما انت
شرابطجو قالوا انؤمن شرابطج اقالوا ان هذان طه يو
جر قالوا ان يسرق بوسفيجا وقالوا او ذينا اعرافطار
قالوا ولم تك نؤمن كدجا قالوا ولم ننهك جريدار قالوا
ائذا متنا بوسنونج با قالوا انك بوسفيجار قالوا بشرناك
جريدار قالوا بل انتم ص بكجد قالوا بل جئناك جريداد
قالوا بل لم تأتنا كرب قالوا بل وجدنا شرابطآب رقالوا بلى
ملك كطا ا قالوا تالله تفتؤ بوسفيج ار قالوا تالله انك
بوسفيج قالوا تالله لقد آثرك الله بوسفيج قالوا تالله لقد
علمتم بوسفيجاو قالوا تقاسموا عل بيطا در قالوا تلك
اذا عاتل او قالوا جزاؤه بوسفيج او قالوا حرقوه ابجيابز
قالوا ربنا آتنا بوسنكدبا قالوا ربنا غلبت بوسنونج بد
قالوا ربنا من قدم ص بكجد ر قالوا ربنا يعلم يس كب در قالوا
سبحانك ن كطاو قالوا سبحانك انت سابكج اقالوا
سبحانك لا علم ابقرع ا ار قالوا سبحانك ما كان فرفانج
قالوا سمعنا ابجيابزآر قالوا سنراود بوسفج ابجيابزاز قالوا
سواء شرابطر قالوا طائركم يس كب در قالوا فاتوا
ابجيابزآر قالوا فما جزاؤه بوسفيج او قالوا كذلك ذارتم

كودو قالوا لا توجل جريداو قالوا لا ضير شرابطد
قالوا البخنا مريمج ب زقالوا لقد هوديب رقالوا ألم نك
سدكطادا قالوا لن نبرح طه يوجر قالوا لن نؤثرك
طه يوجر قالوا الئن اكله بوسفيج رقالوا الئن لم تنته
يا نوح شرابطج اقالوا الئن لم تنته يا لوط شرابطج وقالوا
ما اخلفنا طه يودا قالوا ما انتم يس كب د قالوا من فعل
ابجيابزآر قالوا نحن غمايطدو قالوا نزيد ابجيابز مائده ر قالوا
نعبد شرابطب قالوا نفقد بوسفيج او قالوا واقبلوا
بوسفيجا وقالوا وجدنا ابجيابزار قالوا وهم شرابطب
قالوا الجئتنا بالحق ابجيابزار
قالوا يا ابانا استغفر بوسفيج بقالوا يا ابانا انا بوسف
يب دا قالوا يا ابانا ما لك بوسفيج قالوا يا ايها بوسف
يج او قالوا يا ذا القرنين الكمن بواو قالوا يا صالح هو
يب ب وقالوا يا شعيب اصلواتك هوديب رقالوا يا شعيب
نفقه هوديب جا قالوا يا قومنا احقاف كواع قالوا يا
لوط هوديب ر قالوا يا موسى اما ان تلقي واما ان
نكون نحن اعرافطاو قالوا يا موسى اما ان تلقي واما
ان نكون اول طه يوجر قالوا يا موسى انا لن مائده
وبر قالوا يا موسى ان فيها مائده وبر قالوا يا نوح هود

قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين انبيا بزا١ قالوا يا ويلنا انا
كنا طاغين ن كط او قالوا يا ويلنا من بعثنا يس
نجا او قالوا يا هود هود يب با باب
القاف والتاء مع الالف اللام قتل اصحاب بروج ل د
قتل الانسان عبس ل١ و قتل الخراصون ذاريات كود
باب القاف والدال مع الالف
قد افترينا اعراف ط١١ قد افلح المومنون مومنون يا قد افلح
تزكى اعلى ل ب قد افلح من زكيها شمس ل ج ومع الجيم قد جاءكم
مائده وب مع الخاء قد خسر الذين قتلوا انعام ح ا وقد خسر الذين
كذبوا انعام زب وقد خلت الاثار ن د با مع السين قد سالها
مائده زاو
انعام ح ل قد سمع الله مجادله ا١ مع العين قد علمنا ما تنقص
ق كود ١ قد علمنا ما فرضنا احزاب كبا ومع الفاء قد فرض
الله تحريم ح د مع القاف قد قالها زمر كد او مع الكاف قد
كانت
كانت اياتي مومنون يح ا وقد لكم ممتحنه ح ب وقد كانت ال عمران
ح ب مع الميم قد مكر نحل يد ب ومع النون قد نرى بقره ب١
قد نعلم انعام زب مع الياء قد يعلم الله احزاب كاد و باب
القاف والراء مع الالف قرانا نجح در باب
القاف والطاء مع الواو قطوفها الحاقه كط ا باب

القاف واللام مع الالف قل اتحاجوننا بقره ادر قل
اتعبدون مائده ود قل اتعلمون الله حجرات كو د ١ قل ادعوا
الذين زعمتم من دون الله سبا كب ب قل ادعوا الذين
زعمتم من دونه بني اسرائيل يه ب قل ادعوا الله بني اسرائيل كيه قل
اذلك فرقان يح د قل الحمد نمل يط حير قل ارايتكم ان اتيكم عذاب
الله او اتتكم انعام زج ا قل ارايتكم ان اتيكم عذاب الله بغتة
انعام زج ا قل ارايتم ان اخذ الله انعام زج ا قل ارايتم ان
اتيكم يونس ياج قل ارايتم ان اصبح ملك كط او قل ارايتم ان اهلكني
الله ملك كط او قل ارايتم ان جعل الله عليكم الليل قصص
ك ج و قل ارايتم ان جعل الله عليكم النهار قصص ك ج و قل
ارايتم ان كان من عند الله ثم كفرتم فصلت كه١ قل ارايتم
ان كان من عند الله وكفرتم احقاف كو١ قل ارايتم شركاءكم
فاطر كب د قل ارايتم ما انزل الله يونس ياج قل ارايتم
ما تدعون احقاف كو١ قل اروني سبا كب ب قل اطيعوا
الله واطيعوا نور يح د قل اطيعوا الله والرسول ال عمران ح و
قل اعوذ برب الفلق فلق ل د قل اعوذ برب الناس ناس
ل د قل اغير الله ابغي اعراف ح به قل اغير الله اتخذ انعام
قل اغير الله زمر كد ا قل العفو بقره ب ج و قل الله اعبد

قل الله اعبد زمر كج د و قل الله اعلم الكهف يه ج ر قل الله ينجيكم
جاثيه كه د ر قل الله ينجيكم انعام زج ر قل اللهم فاطر زمر
كد اه قل اللهم مالك الملك آل عمران ج ا قل امر اعراف ج اه قل آمنا
آل عمران ج د ر قل استوا بنى اسرائيل يه ج ا قل ان ادرى جن كط ج
قل ان الاولين واقعه كو ج قل ان الذين يونس يا ج ر قل ان الموت
جمعه كح ج و قل ان تخفوا آل عمران ج ا قل ان دعوا انعام زج
قل ان ربى يبسط الرزق لمن يشاء من عباده سبا كب ج ا
قل ان ربى يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر سبا كب ج ا
قل ان ربى يقذف سبا كب ج و قل انزله فرقان يح د ر قل ان
صلاتى انعام ح د و قل ان ظللت سبا كب و قل انظروا يونس يا د ر
قل انفقوا توبه ى ج ر قل ان كانت بقره ا ج و قل ان كنتم
آل عمران ج ج و قل ان كان اباؤكم توبه ى د ر قل ان كان للرحمن
زخرف كه ج و قل انما ادعوا جن كط ج ا قل انما اعظكم سبا كب
قل انما العلم ملك كط ا و قل انما انا بشر مثلكم يوحى الى انما
الهكم اله واحد فاستقيموا فصلت كد ا قل انما انا بشر
مثلكم يوحى الى انما الهكم اله واحد فمن الكهف يو ا و قل انما
انا منذر ص كج د ا قل انما انذركم انبيا يز ا ر قل انما حرم اعراف
ح ج و قل انما يوحى انبيا يز ر قل اننى انعام ح د قل انى اخاف

ان عصيت

ان عصيت ربى عذاب يوم عظيم قل الله زمر كج د و قل انى
اخاف ان عصيت ربى عذاب يوم عظيم من يصرف انعام
زب و قل انى امرت زمر كج د و قل انى على انعام زج قل انى لا املك
جن كط ج ا قل انى لن يجيرنى جن كط ج ا قل انى نهيت ان اعبد
الذين تدعون من دون الله قل انعام زج و قل انى نهيت
ان اعبد الذين تدعون من دون الله لما مؤمن كج و قل اوحى
جن كط ج ا قل اينكم آل عمران ج ب قل اى انعام زب و قل ائنكم
فصلت كد ا مع الباء قل بفضل الله يونس يا ج د مع التاء قل
تربصوا طور كز ا و قل تعالوا انعام ح د د مع الجيم قل جاء الحق
سبا كب ج و مع الراء قل رب احكم انبيا يز ب قل رب اما ترينى مؤمنون يح د
مع السين قل سيروا فى الارض ثم انظروا انعام زب قل سيروا
فى الارض فانظروا كيف بدأ الخلق عنكبوت كا د قل سيروا
فى الارض فانظروا كيف كان عاقبة المجرمين نمل ك ا
قل سيروا فى الارض فانظروا كيف كان عاقبة الذين
روم كا د مع الصاد قل صدق الله آل عمران د ا مع العين
قل عسى نمل ك ا مع الفاء قل فاتوا قصص كج قل فلله
انعام ح د ا مع الكاف قل كفى بالله شهيدا بنى اسرائيل يه ر قل
كفى بالله يحيى عنكبوت كا ا قل كل يعمل بنى اسرائيل يه قل كل متربص

طه يو د ر قل كونوا بني اسرائيل يه ر مع اللام قل لا اجد انعام ح ب
قل لا اقول انعام زج ا قل لا يعلم نمل ك ١١ قل لعبادي
ابرهيم يو د و قل لكم سبا كب ب قل لو انتم بني اسرائيل يج ا قل لا
اسئلكم شورى كه ا قل للذين امنوا جاثيه كه ا قل للذين
كفروا ان ينتهوا انفال ط د ر قل للذين كفروا ستغلبون
ال عمران ج د قل للمخلفين فتح كو ب ر قل للمومنين نور يح ا
قل لله الشفاعة زمر كد ا قل لمن الارض مومنون يح ب قل لمن
ما في السموات انعام زب و قل لن يصيبنا توبه ي ج ر قل لن
ينفعكم احزاب كا د و قل لو ان عندي انعام زج و قل لو شاء
الله يونس ياب و قل لو كان البحر الكهف يو ا و قل لو كان في
الارض بني اسرائيل يه ب قل لو كان معه بني اسرائيل يه بد
قل لئن اجتمعت بني اسرائيل يه ب ر مع الميم قل ما اسئلكم
عليه من اجر الا فرقان يط ا و قل ما اسئلكم عليه من اجر وما
ص كج د ا قل ما سالتكم سبا كب ر و قل ما كنت احقاف كو ا قل
ما يعبؤا فرقان يط ا قل من بيده مومنون يح ب ا قل من حرم اعراف
ح ج و قل من ذا الذي احزاب كا د و قل من رب السموات
السبع مومنون يح د ا قل من رب السموات والارض رعد
يج ب ر قل من كان عدوا بقره ا ج و قل من كان في الضلالة

مريم يو ب ر قل من يرزقكم من السماء يونس يا ج ا قل من يرزقكم
من السموات سبا كب ب ر قل من يكلؤكم انبياء يز ا ر قل من
ينجيكم انعام زج و مع النون قلنا احمل هود يد ب ر قلنا اهبطوا
بقره ا ا ر قلنا لا تخف طه يو ج ر قلنا ياذا القرنين الكهف يو ا
قلنا يا نار كوني انبياء يز ب قل نزله نحل يد و قل نعم صافات كج ب
مع الواو قلوب نازعات ل ا مع الهاء قل هذه يوسف يج ب قل هل
انبئكم مائده و د ا قل هل تربصون توبه يج ر قل هلم انعام ح ب و
قل هل من شركائكم من يبدؤ الخلق يونس يا ج ا قل هل من شركائكم
من يهدي يونس يا ج ا قل ننبئكم الكهف يو ا و قل هو الذي انشاكم
ملك كط ا ا قل هو الذي ذراكم ملك كط ا ا قل هو الرحمن ملك
كط ا و قل هو القادر انعام زج ر قل هو نبؤ ص كج د ا قل هو الله
اخلاص ل ه ر مع الياء قل يا اهل الكتاب تعالوا ال عمران ج د ا
قل يا اهل الكتاب لا تغلوا مائده و د ر قل يا اهل الكتاب
لم تصدون ال عمران د ا ا قل يا اهل الكتاب لم تكفرون ال عمران د ا ا
قل يا اهل الكتاب هل تنقمون مائده و د ا قل يا اهل الكتاب
لستم مائده و د و قل يا ايها الذين جمعه كح ر و قل يا ايها
الكافرون كافرون ل ر قل يا ايها الناس ان كنتم يونس يا د ر
قل يا ايها الناس انما انا حج يز د ا قل يا ايها الناس اني اعراف ط ب و

قل يا ايها الناس قدجائكم يونس يا در قل يا عبادى الذين
اسرفوا زمر كدا و قل يا عبادى الذين امنوا زمر كدو قل يا
قوم اعملوا على مكانتكم انى عامل فسوف تعلمون من تكون
انعام ح ار قل يا قوم اعملوا على مكانتكم انى عامل فسوف تعلمون
من ياتيه زمر كدا ا قل نبو فيكم سجده كا جر قل يجمع سبا كبز
قل يوم الفتح سجده كا دا قل يحييها الذى يس كجا ر باب
القاف والميم مع الالف قم الليل مزمل كاج مع الفاء قم فانذر
مدثر كط ج ر باب القاف والواو مع الالف قوارير
دهر كطا دو ق والقران ق كودا مع اللام قول بقره ج او
قولوا بقره ادر قوله انعام زج ر مع الميم قوم شعرا يط ب ا باب
القاف والياء مع اللام قيل ادخل يس كجا قيل ادخلوا
زمر كدا ر قيل لها نمل يط ا و قيل يا نوح هود يب ب ا مع الميم
فيما الكهف يه ج و باب الكاف والالف مع اللام
كالذين توبه ى دا كالمهل دخان كج ر مع الميم كامثال واقعه كز ج و
مع النون كان الناس بقره كه ج ا و كان لم يغنوا فيها الا ان
ثمود هود يب ر وكان لم يغنوا فيها الا بعدا هود يب ج كانوا
قليلا ذاريات كو در كانوا لا يتناهون مائده و در كانه
مرسلات
مدثر كط در كانهم حمر مدثر كط دا كانهم يوم نازعات لا و كانهن الياقوت

رحمن كز ج ا كانهن بيض صافات كج د و باب الكاف والباء
مع الراء اكبر صفح كج ا باب الكاف والتاء مع الالف
كتاب انزل اعراف ج ر كتاب انزلناه ص كج ج و كتاب فصلت
فصلت كود ا كتاب مرقوم ويل مطففين ذا ب كتاب مرقوم يشهده
مطففين ل ب ا مع الباء كتب عليكم اذا بقره ب ب اكتب عليكم القتال
بقره ب ج و كتب عليه حج بز ج ا باب الكاف
والدال مع الالف كداب ال فرعون والذين من قبلهم كذبوا
بايات انفال ى ا و كداب ال فرعون والذين من قبلهم كذبوا
باياتنا ال عمران ج ر كداب ال فرعون والذين من قبلهم كفروا
انفال ى ا ه باب الكاف والذال مع الباء كذب اصحاب
شعرا يط ا ج وكذب الذين زمر كج در كذبت ثمود المرسلين شعرا
يط ج كذبت ثمود بالنذر قمر كز ب وكذبت ثمود بطغويها
شمس ل ج وكذبت ثمود وعاد الحاقه كط ا ر كذبت ثمود وعاد
المرسلين شعرا يط ا كذبت عاد فكيف قمر كز ب و كذبت
قبلهم قوم نوح والاحزاب مومن كد ب كذبت قبلهم قوم
نوح وعاد ص كج ج ا كذبت قوم نوح المرسلين شعرا يط ب
كذبت قوم لوط المرسلين شعرا يط ج و كذبت قوم لوط بالنذر
قمر كز ب وكذبوا باياتنا قمر كز ب ر مع اللام كذلك ارسلناك

كذبت قبلهم قوم نوح
فكذبوا قمر كز ب و

رعد يجـ ا كذلك العذاب ن كط او وكذلك حقت يونس ا
كذلك سلكناه شعرا يطـ ر كذلك ما اتى الذين ذاريات كز ا ا
كذلك نجزى المحسنين صافات كـ ب كذلك نسلكه حجر يد ا ا
كذلك نفعل مرسلت كط در كذلك نقص طه يو د و كذلك
يبين الله بقره ب د وكذلك ورثناها بنى اسرائيل شعرا يطب
كذلك واورثناها قوما دخان كه جـ ر كذلك وزوجناهم
دخان كه جـ ر كذلك وقد احطنا الكهف بو ا وكذلك يطبع الله
روم كا ب و كذلك يوفك مومن كد جـ وكذلك يوحى شورى
كه ا باب الكاف والراء مع الالف كراما
انفطار لا ر كرام عبس لا او باب الكاف والغين
مع اللام كغلى دخان كه جـ ر باب الكاف واللام مع الالف
كلا اذا بلغت قيمه كط د ا كلا اذا دكت فجر لا جـ ا كلا انا
خلقنا معارج كط ب كلا ان الانسان علق لا جـ ر كلا ان كتاب
الابرار مطففين لا ب كلا ان كتاب الفجار مطففين لا ب ا كلا انها
تذكرة عبس لا او كلا انه تذكرة مدثر كط د ا كلا انه كان
مدثر كط جـ ر كلا انهم مطففين لا كلا بل تحبون قيمه كط د ا
كلا بل تكذبون انفطار لا ا ر كلا بل ران مطففين لا ب كلا بل
لا تكرمون فجر لا جـ ا كلا بل لا يخافون مدثر كط د ا كلا سنكتب

كلا انا خلقناهم مما يعلمون معارج كط د م

مريم يو ب ر كلا سوف تكاثر لا د ا كلا سيعلمون نبا ل ا ا
كلا سيكفرون مريم يو ب ر كلا لا تطعه علق لا جـ ر كلا
لا وزر قيمه كط د ا كل الطعام ال عمران د ا ا كلا لما عبس لا او
كلا لو تعلمون تكاثر لا د ا كلا لينبذن همزه ل د و كلا لئن لم
علق لا جـ ا كلا عند بنى اسرائيل به او كلا والقمر مدثر كط جـ د
مع التاء كلتا الجنتين الكهف يه د ا مع الدال كل ذلك
بنى اسرائيل يه ا ر مع الميم كلما حج يز جـ و كل من عليها
رحمن كز جـ ا مع النون كل نفس بما مدثر كط د ا كل نفس ذائقة
الموت وانما ال عمران د جـ وكل نفس ذائقة الموت ونبلوكم
انبيا يز او كل نفس ذائقة الموت ثم عنكبوت كا ا ا م مع
الواو كلوا من طيبات طه يو د ا كلوا وارعوا طه يو جـ و
كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم الحاقه كط ب كلوا واشربوا
هنيئا بما كنتم تعملون انا مرسلات كط د ر كلوا واشربوا
هنيئا بما كنتم تعملون متكئين طور كز او كلوا وتمتعوا
مرسلات كط د ر باب الكاف والميم مع الالف كما اخرجك
انفال ط د ا كما انزلنا حجر يد ب ا كما ارسلنا بقره ب ا ا
كم اهلكنا ص كجـ جـ ا مع التاء كم تركوا دخان كه جـ ر مع التاء
كمثل الذين حشر كجـ ب كمثل الشيطان حشر كجـ ب ا

باب الكاف والنون مع التاء كنتم آل عمران د او
باب الكاف والهاء مع الياء كهيعص مريم ا و
باب الكاف والياء مع الفاء كيف تكفرون
بقره ا ا كيف وان توبه ى ب ا كيف يكون توبه ى ب ا كيف
عند الله آل عمران ج د مع النون كى نسبحك طه يو ج ا
باب اللام والالف مع الالف لا اعبد
كافرون لد لا اقسم بهذا البلد ج ١ لا اقسم بيوم قيمه
كط د ١ لا اكراه بقره ج ١١ لا الشمس يس كج ١١ لا اله
دخان كه ج ومع الباء لا بارد واقعه كز ج و لا بثين نبا
ل ١١ مع التاء لا تاخذه بقره ج ١١ لا تبقى مدثر كط ج
لا تجار والمومنون يج ا لا تجد مجادله كح او لا تجعل بنى اسرائيل
به او لا تجعلوا نوريه د و لا تحرك قيمه كط د ١ لا تركضوا
انبيا يز ١١ لا ترى طه يو د و لا تسمع غاشيه لد لا
تعتذروا توبه ى د ١ لا تقم توبه يا او لا تمدن حجر يد ب
لا تحسبن الذين كفروا نوريه د لا تحسبن الذين
يفرحون آل عمران ج لا تدركه انعام ز د لا تدعوا
فرقان يج د مع الجيم لا جرم ان الله نحل يد ب ولا جرم انما
مؤمنون كذا لا جرم انهم في الاخرة هم الخاسرون نحل يد د و

لا جرم انهم في الاخرة هم الاخسرون هود يب او لا
جناح عليكم بقره د و لا جناح عليهن احزاب كد مع
الخاء لا اخذنا الحاقه كط ب لا اخير نساء د ١ مع الشين لا
شرقية انعام ح ب و مع الصاد لا صحاب واقعه كز ج مع
الضاد لا ضليل مرسلات كط د مع العين لا عذبنه
نمل يط د ١ مع الفاء لا فيها صافات كج ب مع القاف لا
قطعن ايديكم وارجلكم من خلاف ثم لا صلبنكم اعراف
طا لا قطعن ايديكم وارجلكم من خلاف ولا صلبنكم
شعرا يط ب و مع الكاف لا كلون واقعه كز ج مع الميم
لا مقطوعه واقعه كز ج و مع النون لا انتم حشر كج ب ا مع
الهاء لا هبه انبيا يز ١١ مع الياء لا اتيه فصلت كد
لا ياكله الحاقه كط ب لا يحل احزاب كد لا يخفى مومن كو ب لا
يرقبون توبه ى ب لا يزال توبه يا او ولا يستل انبيا
يز ١١ لا يسام فصلت كه ١١ لا يسبقونه انبيا يز او لا
يستطيعون يس كج ا لا يصليها اليل ج و لا يسمن
غاشيه لد لا يصدعون واقعه كز ج ولا يحزنك آل عمران
د لا يفتر زخرف كه ولا يلاف قريش لد لا يمسه
واقعه كز ج لا يمسهم حجر يد او لا يملكون مريم يو ب

لاى يوم مرسلت كط در لا يتخذ ال عمران جه الفو ولا يحب الله مائده واا نسا
لا يحزنهم انبيا بزبر لا يذوقون فيها الموت دخان كه جد لا
يذوقون فيها بردا انبا ك اا لا يستاذنك توبه ى جه و
لا يستوى اصحاب حشر كج با لا يستوى القاعدون نسا
ه جه و لا يسمعون الى الملاء صافات كج با لا يسمعون حسيسها
انبيا بزبر لا يسمعون فيها لغوا الا مريم يوب و لا يسمعون
فيها لغوا ولا تاثيما واقعه كه جه و لا يسمعون فيها لغوا
ولا كذابا نبا ك اا لا يقاتلونكم حشر كج با لا يخلف الله
بقره جب و لا ينهيكم الله ممتحن كج ب و لا يؤاخذكم الله باللغو
فى ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت بقره جه جه لا يؤاخذكم
الله باللغو فى ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما عقدتم مائده زاا
لا يومنون به حتى شعرا يط جه ر لا يؤمنون به وقد جريدا ا
باب اللام والتاء مع الباء لتبلون آل عمران
دجه ر مع الجيم لتجدن مائده ودر مع الراء لتركبن انشقاق دب
لترون تكاثر ادو مع السين لتسئلوا زخرف كه ب وو
لتسلكوا نوح كط به مع النون لتنذر يس كب در مع الواو
لتؤمنوا فتح كو بر باب اللام والخاء مع الالف
اللام لخلق السموات مومن كه جا باب

اللام

لقد ارسلنا اعراف جد ا

اللام والسين مع التاء لست غاشيه لبر مع العين
لسعيها غاشيه لبر باب اللام والعين مع اللام
لعلك شعرا يط ب لعلنا شعرا يط ب لعلى مومنون ع با مع الميم لعمرك
حجر يد ار باب اللام والقاف مع الالف لقالوا
حجر يدا ا مع الدال لقد احصيهم مريم يوبه لقد اخذنا
مائده ودو لقد اضلنى فرقان ط اا لقد جاءكم توبه يا با
لقد جئتم مريم يوب لقد جئناكم زخرف كه جه و لقد ابتغوا
توبه ى جه و لقد انزلنا اليكم انبيا بز اا لقد انزلنا آيات
نور يج جه ر لقد تاب الله توبه يا ار لقد حق يس كب در
لقد خلقنا الانسان فى كبد بلد جه ا لقد خلقنا الانسان
فى احسن تين لجه ر لقد راى نجم كز ار لقد رضى الله
فتح كو جه ار لقد سمع الله آل عمران دجه ولقد صدق الله
فتح كو جه دا لقد كان فى قصصهم يوسف ع ب ولقد كان
فى يوسف يوسف يبجه ر لقد كان لسبا سبا كب ب ولقد كان
لكم فى احزاب كادر لقد كان لكم فيهم ممتحن كج بر لقد كفر الذين
قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم مائده دبو ولقد كفر الذين
قالوا ان الله ثالث مائده ودر لقد كفر الذين قالوا ان الله
الله هو المسيح ابن مريم وقال مائده ودر لقد كنت ق كو د

لقد من الله ال عمران د ب لقد نصركم الله توبه ى بـ ر لقد
وعدنا نحن مومنون ح ب القد وعدنا هذا نمل كه ١١
باب اللام والكاف مع اللام لكل امرئ عبس
لا لكل امة ج يو د ر لكل نبا انعام زجر مع الميم لكم دينكم
كافرون لد ر لكم فيها فاكهة زخرف كه و ولكم فيها منافع حج بر
ج د مع النون لكنا صافات كه نبا لكن الذين اتقوا ربهم
لهم جنات ال عمران كه ا لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف
زمر كه د ر لكن الراسخون نسا وا و لكن الرسول توبه
لكن الله نسا وا و لكنا هو الله الكهف يد ا مع اليا لكيلا
حديد كه ذ ر باب اللام واللام مع اليا للبث
صافات كه ب ر مع الذال للذين احسنوا يونس يا كه ا للذين
استجابوا رعد يه بـ ر للذين لا يومنون نحل يد ه ا للذين
يولون بقره ب ج د مع الرا للرجال نسا د د ا مع السين
للسائل معارج كه ب مع الطا للطاغين نبا ل ١١ مع الفا
للفقرا الذين بقره ح ا ر للفقرا المهاجرين حشر كه ا
مع الكاف للكافرين معارج كه ب ه مع الها لله ما في السموات
والارض لقمان كه ح ا لله ملك السموات والارض وما
مائده زب ا لله ملك السموات والارض يخلق شورى كه د

لله الامر روم كا او باب اللام والميم مع الثا
لمثل صافات كه ب د مع الجيم لمجموعون واقعه كه ح ر مع الزا لهمزة
همزه ل د و مع النون لمن شا ان يتقدم مدثر كه د لمن شا
منكم ان يستقيم تكوير ل ا ر مع البا لم يابوك مائده وج و
لم يطمثهن رحمن كه ح و لم يكن الذين لم يكن له ا لم يلبثوا
نازعات لا و لم يلد اخلاص لد د باب اللام والنون
مع التا لن تنالوا ال عمران د ١١ لن تنفعكم ممتحنه كه ب د مع
الجيم لنجعلها الحاقه كه ا ر مع الحا لنحيي فرقان يط ا و مع الخا
لنخرج نبا ل ١١ مع الرا لنرسل ذاريات كه ١١ لنريك طه
يو ح ا مع الفا لنفتنهم فيه وزرق طه يو د ر لنفتنهم
فيه ومن جن كه ح ا مع اليا لن يستنكف نسا وا ر
لن يضروكم ال عمران د ا ولن ينال الله حج يز ح ر باب
اللام والواو مع الالف لو احد مدثر كه ح لو اراد الله زمر
كه ح الو اردنا انبيا يز ١١ الو انزلنا حشر كه ب ا لو ان عندنا
صافات كه ح ا
مائده كه ب ر مع الخا لو خرجوا توبه ى ح و مع الكاف لو
كان عرضا توبه ى ح و لو كان فيهما انبيا يز ١١ لو كان
هؤلا انبيا يز بـ ر مع اللام لولا اذ سمعتموه نور يح ب
لولا ان تداركه ن كه ا ر لولا جاؤا نور يح بـ ر

لولا كتاب انفال ط ار لولا ينهيهم مائده و مع الميم لو
ما تاتينا حجر يد ا ا مع النون لو نشا جعلناه واقعه كز ج ر
لو نشا لجعلناه واقعه كز ج ر مع اليا لو يجدون توبه نج ر
لو يعلم انبيا ز او باب اللام والها مع الالف
لها سبعة حجر يد او مع الدال له دعوة رعد يج ب مع
الميم له ما فى السموات وما فى الارض وان الله حج يز د و
له ما فى السموات وما فى الارض وما طه يو ج ا له
ما فى السموات وما فى الارض وهو شورى كه ا الهم البشرى
يونس با ج ر لهم دار السلام انعام ح ا و لهم عذاب
رعد يج ج و له معقبات رعد يج ب ولهم فى الدنيا بقره
ا ب د ولهم فيها زفير انبيا ز ب ر لهم فيها فاكهة يس كج ا و
لهم فيها ما يشاؤن فرقان يج د ر له مقاليد السموات والارض
والذين زمر كد ا ر له مقاليد السموات والارض يبسط
شورى كه ا و لهم ما يشاؤن عند ربهم زمر كد ا ا
لهم ما يشاؤن فيها ق كو د و له ملك السموات
والارض والى الله حديد كز ج ا له ملك السموات والارض
يحيى حديد كز د الهم من جهنم اعراف ح ج ر لهم من فوقهم
زمر كج د ر باب اللام والبا مع الالف

ليأكلون

لياكلون يس كج ا ا مع البا ليبين نحل يد ب ر مع الجيم
ليجزى الذين امنوا وعملوا الصالحات من فضله روم كا ب و
ليجزى الذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك سبا كب ا
ليجزى الله الصادقين احزاب كا د ر ليجزى الله كل ابرهيم
يج د ر ليجزيهم الله نور يج ج ر ليجعل حج يز د ا مع الحا
ليحق الحق انفال ط د ا ليحملوا نحل يد ب و مع الدال ليدخلهم
حج يز د ا ليدخل المومنين فتح كو ب و مع السين
ليسئل احزاب كا و ليس البر بقره ب ب ليس باماينكم
نسا ه د ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج
ولا على المريض حرج ولا على انفسهم نور يج د ا ليس
على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج ولا على المريض حرج
ومن يطع الله فتح كو ب ا ليس على الذين مائده ز ا ليس
على الضعفاء توبه ى د ر ليس عليكم جناح ان تبتغوا بقره
ب ب ر ليس عليكم جناح ان تدخلوا نور يج ج ا ليس عليك
بقره ج ا ر ليس لك ال عمران د ب ليس لوقعتها واقعه كز ج و
ليس لها نجم كز ب ا ليس لهم غاشية ل ب ليسوا ال عمران
د ا و مع الشين ليشهدوا حج يز ج ر مع العين ليعذب
احزاب كب ا ليعلم جن كط ج و مع الغين ليغفر فتح كو ب

مع القاف ليقطع آل عمران دبه مع الكاف ليكفر الله زمر
كدا ليكفروا بما اتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ام انزلنا
روم كاب ليكفروا بما اتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون
ويجعلون نحل يدجا ليكفروا بما اتيناهم وليتمتعوا
عنكبوت كاو مع اللام لئلا حديد كز در ليلة القدر قدر لج
مع الميم ليميز الله انفال لط در مع النون لئن اخرجوا حشر
كح ب لئن انجيتنا يونس يا بر لئن بسطت مائده وتج
لينذر يس بج ار لينفق طلاق كح دد لئن لم احزاب كيه
مع الواو ليوفيهم فاطر كيد دا ليوم الفصل مرسلات كدا ليوم
عظيم مطففين دب مع الها ليهلك انفال ما با
الميم والالف مع الالف ما اريد ذاريات كز ا ا ما اتخذ الله
ما اشهدتهم الكهف يد و ما اصابك نساء هب ما اصاب
من مصيبة الا تغابن كدا ما اصاب من مصيبة في الارض
حديد كز ما اغنى عنه مسد ادر ما اغنى عنهم شعراء
جر ما اغنى عني الحاقة كداب ما الحاقة الحاقة كداار ما القارعة
قارعة دا ما افاء الله حشر كح ار ما المسيح مائده ودر
ما امنت انبياء بز ا ا ما انت الا بشر شعراء طج ما انت
بنعمة ن كط او ما انتم صافات كج ما انزلنا طه يو جا

مع التاء ما تدعوهم شورى كه او ما تذر ذاريات كز ا ا ما
تعبدون يوسف يب ما تسبق من امة اجلها وما يستاخرون
مؤمنون يج او ما تسبق من امة اجلها وما يستاخرون
وقالوا حجر يد ا ا مع الجيم ما جعل الله لرجل احزاب كادا
ما جعل الله من بحيرة مائده واو مع الخا ما خلقكم لقمان كاج
ما خلقناهما دخان كه ج ر ما خلقنا السموات احقاف كو ا ا
مع الزا ما زاغ البصر نجم كز ار مع السين ما سلككم مدثر
ما سمعنا ص كج ا مع الضاد ما ضل نجم كز او مع العين
ما على الرسول مائده زاو ما عندكم نحل يد دا مع القاف
ما قدر الله حج بز در ما قطعتم حشر كح ار ما قلت
مائده زب ا مع الكاف ما كان ابرهيم آل عمران جد ا ما كان
الله آل عمران دج ما كان على احزاب كب ا ما كان لاهل توبة
يا ار ما كان لبشر آل عمران جدر ما كان للمشركين توبة يب و
ما كان للنبي توبة يا او ما كان لله مريم يو با ما كان لنبي
انفال ي ار ما كان لي ص كج دا ما كان محمد احزاب كيه
ما كنت الكهف يه جو ما كذب نجم كز ار مع اللام ما لكم
كيف تحكمون افلا صافات كج ا ما لكم كيف تحكمون ام لكم
ن كط او ما لكم لا ترجون نوح كط در ما لكم لا تناصرون

صافات كج ب ا ما لكم لا تنطقون صافات كج ب و ما للظالمين مومن
كذب و ما لهم الكهف يه ج و ما له طور كز ا و مع النون ما ننزل
حجر يد ا ا ما نخسخ بقره اج ا مع الواو ما وعد والضحى ج و
مع اليا، ما يايتهم انبيا نز ا ا ما يبدل ق كو د و ما يجادل
مومن كد با ما يفتح الله فاطر كب ج و ما يفعل الله نساء د ر
ما يقال فصلت كد د ر ما يلفظ ق كو د د ما ينظرون
يس كج ا و ما يود بقره اج ر باب المبم والتا
مع الالف متاع فى الدنيا يونس يا ا متاع قليل ثم آل عمران
متاع قليل ولهم نحل يد د ر متاعا لكم ولانعامكم فاذا جاءت
جاءت الطامة نازعات ا و متاعا لكم ولانعامكم فاذا ٢٠
الصاخة عبس لا ر مع الكاف متكئين على رفرف
رحمن كز ج و متكئين على فرش رحمن كز ج ا متكئين على سرر
طور كز ا و متكئين عليها واقعة كز ج و متكئين فيها على دهر
كا د و باب المبم والثا مع اللام مثل الجنة التى
وعد المتقون فيها محمد كو ب ا مثل الجنة التى وعد
المتقون تجرى رعد يج ج و مثل الذين اتخذوا عنكبوت د د ر
مثل الذين حملوا جمعه كج ج و مثل الذين كفروا ابرهيم يج د ا
مثل الذين ينفقون بقره ج ا و مثل الفريقين هود يا ا و

مثل

٧١

مثل داب مومن كو ب و مثلهم بقره ا ا باب
المبم والحا مع الميم محمد فتح كو ج و باب المبم والدال
مع الها مدهامتان رحمن كز ج ا باب المبم والذال
مع البا مذبذبين نساء د ر باب المبم والراء
مع الجيم مرج رحمن كز ب ر مع الفا مرفوعة عبس لا ا و
باب المبم والسين مع التا مستكبرين مومنون
يج ا ر مع الواو مسومة عند ربك وما هى هود يب ب مسومة
عند ربك للمسرفين ذاريات كز ا ا باب المبم والطا مع
الالف مطاع تكوير لا ر ما باب المبم واللام مع العين
ملعونين احزاب كب ا ر مع الكاف ملك الناس ناس ل د ر باب
المبم والميم مع الالف مما خطيئاتهم نوح كط ب ر باب
المبم والنون مع الالف من اجل مائده و ج ا من عرض طه يو د
متاع الحيوة الدنيا... متاع للخير معتد مريب ق كو د و مناع للخير معتد اثيم ن كط ا و
من الجنة ناس ل د ر من الذين فرقوا روم كا ب ا من الذين
هادوا نساء ا ر من الله معارج كط ب ا من المومنين احزاب كا د ر
من اهتدى بنى اسرائيل ا من اى عبس لا ا و مع الجيم من جاء
بالحسنة فله خير منها ومن جاء قصص بو ر من جاء
بالحسنة فله خير منها وهم نمل ك ا و من جاء بالحسنة

فله عشر انعام ح ب و مع الخا من خشي ق كو د و مع الدال من
من دون الله فاهدوهم صافات كج با من دون الله هل
شركا يطابر من دونه هود يب ب ا مع الذال من ذا الذي
يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له وله حديد كو د و
من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافا
بقره بد ن مع الشين من شر الوسواس ناس له
من شر ما خلق فلق ل د مع العين من عمل سيئة مومن
كد ن من عمل صالحا فلنفسه ومن اسا فعليها ثم جاثيه
كد م ا من عمل صالحا فلنفسه ومن اسا فعليها وما فصلت كد
د ن من عمل صالحا من ذكر نحل يد ده مع الفا من فرعون
دخان كه ج ن مع الكاف من كان عدوا بقره ا ج ن من كان
يرجوا عنكبوت ل د من كان يظن حج يو ج و من كفر بالله
نحل يد د و من كفر فعليه روم كا ب د منكم ال عمران د ب ومن كان
يريد الحيوة هود يب ا ا من كان يريد العاجلة بني اسرائيل ا و
من كان يريد العزة فاطر كب ر ومن كان يريد حرث شورى
كد ا ر مع النون من نطفة نجم كز ب ا مع الواو من ورائه
ابراهيم يج د ا من ورائهم جاثيه كد د ا مع الها منها طه يو ج و
مع اليا من ياتيه هود ي ب ا ر منيبين روم كا ب ا من يشفع

نساء

٦٣

نساء يه ر من يهدي الله اعراف كج ا باب الميم والها
مع الطا مهطعين قمر كز ب ا و باب النون والالف
مع الرا نار الله همزه ل د و نار حاميه قارعه ل د ا مع الصاد
ناصية علق ل ج ر باب النون والبا مع الهمزه
نبئ عبادي حجر ل د او باب النون والتا مع اللام نتلوا
قصص د ا ر باب النون والحا مع النون نحن اعلم
بما يستمعون بني اسرائيل ا ر نحن اعلم بما يقولون اذ طه يو
د و نحن اعلم بما يقولون وما ق كو د ر نحن اولياكم
فصلت كد د و نحن جعلناها واقعه كز ج ر نحن خلقناكم واقعه
كز ج ر نحن خلقناهم دهر كط د و نحن قدرنا واقعه كز ج ر نحن
نقص عليك احسن يوسف يب ر نحن نقص عليك نباهم
الكهف يه ج و باب النون والذال مع اليا نذيرا
مدثر كط ب ر باب النون والزا مع الالف نزاعة
معارج كط ب ا مع اللام نزلا فصلت كد و نزل به شعرا يط ج ر نزل
عليك ال عمران ج ر باب النون والسين مع الالف
نساءكم مومنون ج ا ر نساؤكم بقره ب ج د باب
النون والصاد مع الالف نصفه مزمل كط ج و باب
النون والعين مع الميم نعمة قمر كز ر باب

النون والميم مع التاء عنتهم لقمان كا جا ابا ب

النون والواو مع الالف والقرآن كطا و با ب

الواو والالف مع الباء، واتبع قصص بجر وابتلوا نساد دا
وابراهيم اذ قال عنكبوت ك دا وابراهيم الذى نجم كرب او
ابصرهم فسوف يبصرون افبعذابنا صافات كجرا وابصر
فسوف يبصرون سبحان صافات كجرا مع التاء، وابعث
يوسف يب در وابعثناهم قصص لد بر وا تزن الحجر ط ا
كه جر وآت ذا القربى بنى اسرائيل يه او واتقوا الله حجريدار
واتقوا فتنة انفال ط د و واتقوا النار التى ال عمران دبا
واتقوا يوما ترجعون بقرة جبا والتقى ليل لجر و واتل
ما اوحى الكهف يه جر وامتوا الحج بقرة بد بر واتوا النساء
نساد دا واتوا اليتامى نساد د ا وابتكم ابرهيم يجدو
واتيناك حجر يدار واتيناه نحل يد در واتيناهم
اباتنا حجر يدار واتينا موسى بنى اسرائيل يه اا واتيناهما
صافات كجر بر واتيناهم ببينات جاثية كه دو واتيناهم من
الايات دخان كه جر واتبع ما يوحى اليك من ربك احزاب
كادا واتبع ما يوحى اليك واصبر يونس يا در وابتغوا
احسن زمر كدا او وابتغوا فى هذه الدنيا هود يب بر

وابتغوا فى هذه لعنة هود يب جا وابتغوا ما تتلوا بقرة
اجد واتخذ قوم اعراف ط بر و واتخذوا من دون الله الهة
لعلهم يس كجا ار واتخذوا من دون الله الهة ليكونوا
مريم يو بر واتخذوا من دونه فرقان يح دو واتقوا الذى
امدكم شعرا يط جا او واتقوا الذى خلقكم شعرا يط جر و واتقوا
يوما لا تجزى نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها شفاعة
بقرة اب او واتقوا يوما لا تجزى نفس عن نفس شيئا ولا يقبل
منها عدل بقرة ا د ا و واتل عليهم نبا ابرهيم شعرا يط بد
واتل عليهم نبا ابنى آدم مائدة و بر واتل عليهم نبا الذى
اعراف ط جا او واتل عليهم نبا نوح يونس يا دا مع التاء، واثر
الحيوة نازعات لا او مع الجيم واجعلنى وزيرا طه يو جا و
اجعلنى لسان شعرا يط بر واجعلنى شعرا يط بر مع الحاء،
واحبط الكهف يه دو واحلل طه يو جا مع الخاء، واختار
اعراف ط بر و واخلاف جاثية كه دا واخذ الذين هود
يب بر و واخذهم نساء و ا و واخرجت زلزلة لد ا واخرين
شكله ص كجر جر واخرون اعترفوا توبة يا اا واخرون مرجون
توبة يا او واخرى تحبونها صف كجا او واخرى لم فتح كو بر
واخرين مقرنين ص كجر جر واخرين منهم جمعة كجر و

واخفض لهما بنی اسرائیل یه او واخفض جناحك شعرا یط
واخوانهم اعراف طجر واخی قصص لب ثر مع الذاك
وادخل الذین ابرهیم یح دو وادخلناه انبیا یزب وادخلناهم
انبیا یزبو وادخل یدك نمل یط دا وادخلی فجر لج ا مع
الذاك واذا اذقنا الناس رحمة من بعد یونس یاب واذا اذقنا
الناس رحمة فرحوا روم کاب ا واذا اردنا بنی اسرائیل یه ا ا
واذا الارض انشقاق لب او واذا البحار سجرت تکویر لا ر
واذا البحار فجرت انفطار لا ر واذا الجبال سیرت تکویر لا ر
واذا الجبال نسفت مرسلات کط در واذا الجحیم تکویر لا ر
واذا الجنة تکویر لا ر واذا السما کشطت تکویر لا ر
واذا الرسل مرسلات کط ا واذا السما فرجت مرسلات کط ا
واذا الصحف تکویر لا ر واذا العشار تکویر لا ر و
اذا القبور انفطار لا ر واذا القوا فرقان یح در واذا
الکواکب انفطار لا ر واذا الموؤدة تکویر لا ر واذا النفوس
تکویر لا ر واذا النجوم تکویر لا ر واذا الوحوش
تکویر لا ر واذا انقلبوا مطففین لب ا واذا انزلت توبه
یه در واذا ابتلی بقره ا دو واذا بدلنا نحل یه دو و
اذا بطشتم شعرا یط ا واذا انعمنا علی الانسان اعرض

ونا

ونا بجانبه واذا مسه الشر کان بنی اسرائیل یه ب واذا انعمنا
علی الانسان اعرض ونا بجانبه واذا مسه الشر فذو
فصلت که ا ا واذا بشر احدهم بالانثی نحل یه دو واذا بشر
احدهم بما زخرف که ب ا واذا بلغ نوح یح د ا واذا تتلی علیهم
ایاتنا بینات قال الذین کفروا للحق احقاف کو ا ا واذا
تتلی علیهم ایاتنا بینات قال الذین کفروا للذین مریم
یو ی و واذا تتلی علیهم ایاتنا بینات تعرف حج یز در واذا
تتلی علیهم ایاتنا بینات قال الذین کفروا لا یرجون یونس
یاب و واذا تتلی علیهم ایاتنا بینات قالوا سبا کب ح ا واذا
تتلی علیهم ایاتنا بینات ما کان جاثیه که در واذا تتلی علیهم
ایاتنا قالوا انفال ط در واذا تتلی علیه لقمان کا ب ر واذا
تولی بقره ب ح ا واذا اتینا بقره ا ب ا واذا جاءتهم انعام
خ ا ر واذا جاءك انعام ز ح و واذا جاؤکم مائده و د ا
واذا جاءهم نسا ه ب ر واذا حشر احقاف کو ا ا واذا جهنم
نسا د ه ا واذا حییتم نسا ه ح ب واذا اخذ ربك
اعراف ط ح ا واذا دعوا نور یح د ا واذا ذکر الله زمر
که ا ا و واذا اخذ الله میثاق الذین آل عمران د ح و واذا اخذ
الله میثاق النبیین آل عمران ح د ر واذا اخذنا میثاق بنی بقره ا ح ا

واذا اخذنا ميثاقكم لا تسفكون بقره اجا واذا اخذنا
ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتيناكم بقوة واسمعوا
بقره اجو واذا اخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا
ما اتيناكم بقوة واذكروا بقره ابر واذا ذكروا نسافا بكربا
واذا اذاك انبيا بزاو واذا راوا آية صافات بكربا واذا راوا
تجارة جمعه بكرجو واذا راوك فرقان يطاه واذا راوهم مطففين
لب ا واذا را الذين ظلموا نحل يدجر واذا را الذين اشركوا
نحل يدد ا واذا رايت الذين انعام زجر واذا رايتهم دهر كوط
واذا رايتهم منافقين كجو واذا سالك بقره ب به واذا استسقى
بقره اب يه واذا اسر النبي تحريم كح دو واذا سمعوا اللغو قصص
لج ا واذا سمعوا ما مائده زا ا واذا صرفت اعراف جرد
اذا ضربتم نساهجو واذا طلقتم النسا فبلغن اجلهن فامسكوهن
بقره بجر واذا طلقتم النسا فبلغن اجلهن فلا بقره
بدا واذا اعتزلتموهم الكهف يدجو واذا علم جاثيه كدا واذا
غشيهم لقمان كابد واذا فعلوا اعراف جه واذا قرات
القران بني اسرائيل يه ار واذا قرئ القران اعراف طجر واذا قرئ عليهم
انشقاق ريو واذا قيل ان جاثيه كدر واذا قيل له بقره يجا
واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا

بقره

بقره بار واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا
لقمان كاجا واذا قيل لهم اتقوا يس كجاو واذا قيل لهم اركعوا
مرسلات كطدا واذا قيل لهم اسجدوا فرقان بطار واذ قيل لهم اسكنوا
اعراف ظبر واذا قيل لهم امنوا بما بقره اجو واذا قيل لهم امنوا
كما بقره ااا واذا قيل لهم انفقوا يس كجاو واذا قيل لهم
تعالوا الى ما انزل الله والى الرسول رايت نساهب ا واذا
قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله والى الرسول قالوا مائده
زاو واذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم منافقين كجو واذا قيل
لهم لا تفسدوا بقره ااا واذا قيل لهم ماذا نحل يدبو
واذا كالوهم مطففين لبه واذا كنت نساهجو واذا لاقيتم
هم نساهب ا واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلوا
بقره ااا واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلا
بقره اجا واذا لم تاتهم اعراف طجر واذا ما انزلت سورة
فمنهم توبه ياب ا واذا ما انزلت سورة نظر توبه ياب ا
واذا مرضت شعرا يطبر واذا مروا مطففين ليطا واذا مس
الانسان الضر يونس ياب و واذا مس الانسان ضر زمر
كجدو واذا مس الانسان الناس روم كابه ا واذا مسكم
بني اسرائيل يزو واذا مسه معارج كطبو واذا ناديتم مائده زدا

واذا نجيناكم اعراف طب ا واذان توبه ى ب ا واذ ا وحيت
مائده ز ا ر واذا وقع نمل ك ا و واذا يتلى قصص يح ا واذ
بوانا حج يو ج و واذ تاذن ربك اعراف طب ر واذ تاذن
ربكم ابرهيم يح ر واذ تقول احزاب ك ب ا واذ جعلنا بقره ا د و
واذ زين انفال ك ا واذ صرفنا احقاف كو ا و واذ غدوت
آل عمران د ا ر واذ فرقنا بقره اب ا واذ قال ابرهيم رب اجعل
هذا البلد ابرهيم يح د و واذ قال ابرهيم رب اجعل هذا بلدا
بقره ا د و واذ قال ابرهيم رب ارنى بقره ج ا و واذ قال
ابرهيم لابيه ازر انعام ز د ا واذ قال ابرهيم لابيه وقومه
زخرف كد ب واذ قال الله مائده ز ب ا واذ قالت الملائكة آل عمران
ج ج ر واذ قالت امة اعراف ط ب ا واذ قالت طائفة احزاب و
واذ قال ربك للملائكة انى جاعل بقره ا ا ر واذ قال ربك للملائكة
انى خالق حجر ب د ا و واذ قال عيسى صف كح ج ا واذ قال لقمان
لقمان ك ا ب ه واذ قال موسى لفتيه الكهف ي د ر واذ قال موسى
لقومه اذكروا ابرهيم يح ج ر واذ قال موسى لقومه ان الله
بقره ا ب ر واذ قال موسى لقومه يا قوم انكم بقرة اب ا د
اذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا مائده و ب ر واذ قال موسى
لقومه يا قوم لم صف كح ج ا واذ قالوا انفال ط د ر واذ قتلتم

قتلتم

قتلتم بقره اب ر واذ قلتم يا موسى لن نصبر بقره اب و واذ
قلتم يا موسى لن نؤمن بقره اب ا ى واذ قلنا ادخلوا بقره
اب و واذ قلنا لك بنى اسرائيل ي ه ب ا واذ قلنا للملائكة اسجدوا
لآدم فسجدوا الا ابليس ابى واستكبر بقره ا ا ر واذ قلنا
للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس ابى فقلنا طه
ي و د ر واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس
قال بنى اسرائيل ي ه ب ا واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم الا فسجدوا
ابليس كان الكهف ي د و واذكر اخا عاد احقاف كو ا و واذكر
اسمعيل ص افات كح ج و واذكر اسم ربك وتبتل مزمل كط ج و
واذكر اسم ربك بكرة دهر كط د و واذكر ربك اعراف ط ج ر و
اذكر عبادنا ص كج ج ر واذكر عبدنا ص كج ج ر واذكر فى
الكتاب ابرهيم مريم يو ب ا واذكر فى الكتاب ادريس
مريم يو ب د واذكر فى الكتاب اسمعيل مريم يو ب و واذكر
فى الكتاب مريم مريم يو ا ر واذكر فى الكتاب موسى مريم يو ب و
واذكرن احزاب كب ا واذكروا اذ انتم انفال ط د و واذكروا
اذ جعلكم اعراف ح د و واذكروا الله بقره ب ج ا واذكروا
نعمة الله مائده و ب هو واذ نتقنا اعراف ط ج ا واذ نادى شعرا
ي ط ب ا واذنت لربها وحقت واذا الارض انشقاق ل ب و و

اذنت لربها وحقت بالما انشقاق ب و واذ نجيناكم من ال
فرعون يسومونكم سوء العذاب يذبحون بقره اب ا
واذ انجيناكم من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب يقتلون
اعراف طب ا واذن بج طكبب واذ واعدنا بقره ابـ او
اذ يتحاجون مومن كجـ ا واذ يرفع بقره ا د و واذ يريكموهم
انفال ى ا ا واذ يعدكم الله انفال ط ذ ا واذ يقول احزاب كا د و
واذ يمكر انفال ط د ر مع الراء واذا دوا ابنيا يزب ا وارسل
فيل ا د و وارسلنا الرياح حجر يد ا ا وارسلناه صافات
بجر بر مع الراء وازلفت الجنة للمتقين وبرزت شعرا يط ب
وازلفت الجنة للمتقين غير ق كود و وازلفنا شعرا يط بـ و
مع السين واسئل القرية يوسف يح ار واسئل من زخرف كجـ ا
واسئلهم اعراف طب و واستبقا يوسف يب دا واستعينوا
بقره آ ا ه واستغفر الله نساء ج ر واستغفروا
هود يب ج ا واستفتحوا ابرهيم يج د ا واستفزز من
اسرائيل ب ا واستكبروا قصص ب ه واستمع ق كود و واستووا
ملك كط ا ا واسمعيل وادريس ابنيا يزب د واسمعيل و
اليسع انعام ز دا مع الشين واشرقت زمر كد ا ر و
اشركه طه يوجـ ا مع الصاد واصبح الذين قصص ك ج ر و

اصبح

اصبح فواد قصص ك ا ر واصبر على ما يقولون مزمل كط ج و واصبر فان الله
هود يب ج و واصبر لحكم طور كز ا ر واصبر نفسك الكهف يه ج دا
واصبر وما نحل يد د ر واصحاب الايكة ق كود ي و واصحاب
مدين حج يز د ا واصحاب الشمال واقعه كز ج و واصحاب
المشامه واقعه كز ج و واصحاب اليمين واقعه كز ج و واصطنعتك طه يو ج و
واصنع هود يب ا مع الضاد واضرب لهم مثلا رجلين
الكهف يه دا واضرب لهم مثلا اصحاب يس كب د ر واضرب
لهم مثل الكهف يه د و واضمم طه يو ج ا مع الطاء واطيعوا
الله والرسول ال عمران د ب ا واطيعوا الله واطيعوا الرسول
واحذروا مائده ز ا ا واطيعوا الله واطيعوا الرسول
فان تغابن كح د ا واطيعوا الله ورسوله انفال ى ا ا مع العين
واعبد ربك حجر يد ب ا واعبدوا الله نساء ه ا و واعتزلكم
مريم يو ب د واعتصموا ال عمران د ا ا واعدوا انفال ى ا و
اعطى نجم كز ب ا واعلموا ان حجرات كو ج ه واعلموا انما غنمتم انفال
ى ا واعلموا انما اموالكم انفال ط د ر واعوذ مومنون يح ب ا
مع الغين واغفر لابي شعرا يط ب و واغطش نازعات ل ا و
مع القاف واقترب ابنيا يزب ر و اقتلوهم بقره ب د و واقصد
لقمان كا ج ا واقم الصلوة هود يب ج و واقبل صافات كج ب ا

واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله نحل يذ ب و
اقسموا بالله جهد ايمانهم لئن امرتهم نور ج د ا واقسموا بالله
جهد ايمانهم لئن جاءتهم انعام ز د ر واقسموا بالله جهد
ايمانهم لئن جاءهم فاطر كب د و واقيموا الصلوة واتوا الزكوة
الزكوة واركعوا بقره آ ر واقيموا الصلوة واتوا الزكوة و
اطيعوا نور يح د ا واقيموا الصلوة واتوا الزكوة وما
بقره ا د ا واقيموا الوزن رحمن كز ب مع الكاف واكيب
لنا اعراف طب و واكواب غاشية لب واكيد طارق لب
مع اللام والاخرة اعلى لب ر والارض بعد نازعات لا و
الارض ذات طارق يب ر والارض فرشناها ذاريات كز ١١ والارض
مددناها والقينا فيها رواسى وانبتنا فيها من كل
شئ حجر يد ١١ والارض مددناها والقينا فيها رواسى و
انبتنا فيها من كل زوج ق كو د ا والارض وضعها
رحمن كز ب والارض وما طحيها شمس لج و والانعام انفطار
لب ا والانعام نحل يذ ب او البحر طور كز ا والبدن
حج يز ج ر والبلد اعراف ج د والبيت طور كز ا و والتفت
قيمه كيط د ا والتى ابتغيا يز ب و والتين تين لج ر والجان
حجر يد ا و والجبال ارسيها نازعات لا و والجبال اوتا

بنا لـ ١١ والحب رحمن كز ب والحمد صافات كج ا والخامسة
ان غضب الله نور يح ب ر والخامسة ان لعنة الله نور
يح ب والخيل نحل يذ ب ا والذاريات ذاريات كو ر والذى
اخرج اعلى لب ر والذى اطمع شعرا يط ب والذى اوحينا
فاطر كب د و والذى جاء زمر كد ١١ والذى خلق زخرف
كه ب و والذى قال احقاف كو ا و والذى قدر اعلى لب ر
والذى نزل زخرف كه ب و والذى هو شعرا يط ب ر والذى
يميتنى شعرا يط ب ر والذين اهتدوا محمد صه كو ب ا والذين تبوؤا
حشر كح ا ر والذين اتخذوا مسجدا توبه يا ا و والذين اتخذوا من دونه
شورى كه والذين اتيناهم رعد يج ج و والذين اجتنبوا نجم كز د ر
والذين اذا اصابهم شورى كه ب ا والذين اذا انفقوا فرقان يط ا ر و
الذين اذا ذكروا فرقان يط ا ر والذين اذا فعلوا ال عمران د ب ا والذين
استجابوا شورى كه ب ا والذين امنوا بالله ورسوله اولئك
حديد كز د و والذين امنوا بالله ورسله ولم نساء ١١ والذين
امنوا من بعد انفال ى ا ر والذين امنوا واتبعتهم طور
كز ا و والذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك بقره
ا ج ا والذين امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم
جنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا لهم

ناهيا والذين امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات
تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا وعد الله نسا
هد ا والذين امنوا وعملوا الصالحات لا نكلف اعراف جه
والذين امنوا وعملوا الصالحات لنبوئنهم عنكبوت كا او والذين
امنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم عنكبوت د د ه والذين امنوا
وعملوا الصالحات لنكفرن عنكبوت نه ا والذين امنوا وعملوا
الصالحات لهم فاطر كب جر والذين امنوا وعملوا الصالحات
وامنوا محمد سكو ار والذين امنوا وعملوا الصالحات ولا
المسئ مؤمن كه ج ا والذين امنوا وهاجروا انفال لى ر والذين
هدوا
تدعون اعراف ط جر والذين جاؤا حشر كح ا ر والذين جا
عنكبوت كا او والذين سعوا فى اياتنا معاجزين اولئك اصحاب
حج يز د ا والذين سعوا فى اياتنا معاجزين اولئك لهم
سبا كب ا والذين صبروا رعد يج ج او والذين عملوا الاعراف
طب و والذين فى معارج كط ب والذين كذبوا باياتنا سنستدرجهم
اعراف ط جه و والذين كذبوا باياتنا صم انعام ز ج ا و
الذين كذبوا باياتنا واستكبروا اعراف ج و والذين كذبوا
باياتنا ولقاء اعراف ط ب ا والذين كذبوا باياتنا يمسهم
انعام ز ج و والذين كسبوا يونس ي ا ج ه والذين كفروا

اعمالهم

اعمالهم نور يح ج و والذين كفروا الى جهنم انفال لو ار
والذين كفروا اولياؤهم بقره ج ا ا والذين كفروا بايات الله عنكبوت ك د والذين كفروا باياتنا بلد ل ج ا
والذين كفروا بعضهم انفال لى ا ر والذين كفروا فتعسا
محمد ه كو ار والذين كفروا لهم فاطر كه د ا والذين كفروا
وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم يا ايها الذين امنوا
اذكروا مائده و ب والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك
اصحاب الجحيم يا ايها الذين امنوا لا تحرموا مائده ز ا ا
والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب النار
خالدين تغابن كه د ا والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك
اصحاب النار هم بقره ٣٠ ا ه والذين كفروا وكذبوا باياتنا
فاولئك حج يز د و والذين لا يدعون فرقان يط ا ر
والذين لا يشهدون فرقان يط ا ر والذين من بعدهم
ابرهيم ج ب ج ر والذين هاجروا فى الله نحل يد ا ب ج والذين
هاجروا فى سبيل الله حج يز د و والذين هم بايات مؤمنون
يح ا ر والذين هم بربهم مؤمنون يح ا ر والذين هم بشهاداتهم
معارج كط ب والذين هم على صلواتهم يحافظون اولئك
هم الوارثون مؤمنون يح ا ا والذين هم على صلوتهم يحافظون

اولئك في جنات معارج كطابو والذين هم عن اللغو مؤمنون
يح اا والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذين هم
على صلواتهم مومنون يح اا والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون
والذين هم بشهاداتهم معارج كطابو والذين هم لفروجهم
حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير
ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون
والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذين هم على
صلواتهم مومنون يح ا والذين هم لفروجهم حافظون الا
على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين
فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون والذين
هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذين هم بشهاداتهم
معارج كطابو والذين هم للزكوة مومنون يح اا والذين هم من عذاب
معارج كطابو والذين يجتنبون فرقان يطا ر والذين يتوفون
منكم ويذرون ازواجا يتربصن بقره بدا والذين يتوفون
منكم ويذرون ازواجا وصية بقره بدو والذين يجتنبون
شوري كه با والذين يحاجون شوري كه ا والذين يدعون
نحل يدب والذين يرمون ازواجهم نور يح بر والذين
يرمون المحصنات نور يح بر والذين يسعون سبا كيـ ا

والذين يصدقون معارج كطابو والذين يصلون رعد
يح جا والذين يظاهرون مجادله كح اا والذين يقولون
ربنا اصرف فرقان يطا ر والذين يقولون ربنا هب لنا
فرقان يطا ر والذين يمسكون اعراف قطح ا والذين ينفقون
نساء اه و والذين ينقضون رعد يح ج ا والذين يؤتون
مومنون يح ا ر والذين يؤذون احزاب كبا ر والذين يؤمنون
بقره ا ل ا والزجرت مدثر كطا ج ر والسابحات نازعات لاد
والسابقون الاولون توبه يا اا والسابقون السابقون
واقعه كز ج و والسارق مائده وج ا والسقف طور كز اه
والسلام مريم يو ب ا والسماء بنيناها ذاريات كز اا والسماء
ذات البروج بروج لب و والسماء ذات الحبك ذاريات
كو د ر والسماء ذات الرجع طارق لبـ ر والسماء رفعها
رحمن كز جـ ر والسماء والطارق طارق لب د والسماء
وما شمس لج و والشعراء شعراء يطا ر والشفع فجر لج ا
والشمس تجري يس كج اا والشمس وضحيها شمس لج و
والشياطين ص كج جـ ر والصافات صافات كج يا والصبح
اذا اسفر مدثر كطا جـ ر والصبح اذا تنفس تكوير لا ر و
الضحى والضحى لج و والطور طور كز ا و والطير ص كج جـ و والعاديات

عادیات ادا والعصر عصر ا جزو الفال انفال ا و والفجر
فجر ا ج ا والفت انشقاق ب و والقران الحكيم يس كب ه
والقران ذى الذكر ص كج ج ا والق عصاك نمل يط دا
والق ما فى طه يو ج ه والقمر اذا اتسق انشقاق ب و والقمر
اذا تليها شمس ا ج و والقمر قدرناه يس كج اا والقوا
الى الله غافر يد ه كد والقواعد من البيت بقره ج د ا والقى السحرة
اعراف ط ا ر والقى فى الارض نحل يد ب و والكتاب المبين
انا انزلناه دخان كه ج و والكتاب المبين انا جعلناه زخرف كه ي
واللائى نساء د و واللائى طلاق كح د و واللذان نساء د ه
والله اخرجكم نحل يد ج ه والله اعلم باعدائكم نساء ا ه
والله اعلم بما انشقاق ب و والله الذى فاطر كب ج ر والله
انبتكم نوح كط ب ه والله انزل نحل يد ج و والله جعل لكم
الارض نوح كط ب ه والله جعل لكم مما نحل يد ج ه والله جعل
لكم من انفسكم نحل يد ج و والله جعل لكم من بيوتكم
نحل يد ج ه والله خلق نور يح ج ر والله خلقكم ثم
نحل يد ج و والله خلقكم من تراب فاطر كب ج ر والله خلقكم
وما تعملون صافات كج ب و والله غفور ممتحنة كح ب ر والله فضل
نحل يد ج و والله من ورائهم بروج ل ب و والله يدعوا

يونس

يونس يا ب ج ا والله يريد نساء ه اا والله يعلم نحل يد ب و
والله يقضى مومن كد ب و والليل اذ ادبر مدثر كط ج د
والليل اذا سجى والضحى ل ج و والليل اذا عسعس تكوير
ل ا ر والليل اذا يسر فجر ل ج ا والليل اذا يغشيها
شمس ل ج و والليل اذا يغشى ليل ل ج و والليل وما
وسق انشقاق ب و والمحصنات نساء ه اا والمرسلات
مرسلات كط د ر والمطلقات بقره ب ج ر والملك الحاقة كط ا
والمؤتفكة نجم كز ب ا والمومنون توبة ى د ا والنازعات
نازعات ل ا و والناشرات مرسلات كط د ه والناشطات نازعات
ل ا و والنجم اذا هوى نجم كز ا ر والنجم والشجر رحمن كز ب ه
والنخل ق كو د ا والنهار اذا تجلى ليل ل ج و والنهار اذا
جليها شمس ل ج و والوالدات بقره ب د ا والوزن اعراف
ح ج ه والهكم بقره ب ا و والى الارض غاشيه ل ب والى
الجبال غاشيه ل ب ه والى السماء غاشيه ل ب ه والى ثمود
اخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله
غيره قد جاءتكم اعراف ح د و والى ثمود اخاهم صالحا
قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره وهو هود
يب ي ا والى ربك الم نشرح ل ج ر والى عاد اخاهم هودا

قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا اعراف ج دو
والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله
غيره ان انتم هود يب ب ا والى مدين اخاهم شعيبا فقال
عنكبوت د لا ر والى مدين اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا
الله ما لكم من اله غيره قد جاءتكم اعراف ح در والى مدين اخاهم
شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ولا هود
يب ب ر واليوم بروج لب ومع الميم واما اذا الجرل ج ا واما
الجدار الكهف بو اا واما الذين ابيضت ال عمران د اا م واما الذين
امنوا ال عمران ج دا واما الذين سعدوا هود يب ح ب و واما
الذين فسقوا سجده كا ح ي ا واما الذين فى توبه ب ا د
اما الذين كفروا افلم جاثيه كه در واما الذين كفروا وكذبوا
روم كا ار واما السائل والضحى لج و واما الغلام الكهف
بو اا واما القاسطون جن كط ج ا واما ان كان من اصحاب
واقعه كز دا واما ان كان من المكذبين واقعه كز دا واما
بنعمة والضحى لج و واما تخافن انفال ى او واما تعرضن
بنى اسرائيل ب ا و واما ثمود فصلت كه دا واما عاد الحاقه كط ار
واما من امن الكهف بو اا واما من اوتى كتابه بشماله
الحاقه كط ب ا واما من اوتى كتابه وراء انشقاق ب و واما من

جن

جن ليل لج و واما من جاءك عبس ل او واما من خاف
نازعات ل او واما من خفت قارعه ل ا واما نرينك بعض
الذى نعدهم او نتوفينك فالينا يونس يا ج و واما نرينك
بعض الذى نعدهم او نتوفينك فالينا فانما رعد يج ج د
واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه سميع
اعراف ط ج ر واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ
بالله انه هو فصلت كد لا ر وامتازوا يس كج ا ر وامددناهم
طور كز ا و وامر اهلك طه يو در وامراته حمالة مسد ل
در وامراته قائمة هود يب ب د وامرت زمر كج د و
آمنوا بقره آ ا ر وامنهم قريش ل ر وامه عبس ل ا ر
وامطرنا عليهم مطرا فانظر اعراف ح ذ ر وامطرنا عليهم
مطرا فساء مطر الذين المنذرين ان فى شعرا يط ج و وامطرنا
عليهم مطرا فساء مطر المنذرين قل نمل ك اا وامل فرقان يط ب ا
لهم ان كيدى متين اولم اعراف ط ج و واملى لهم
ان كيدى متين ام ن كط ا و مع النون وانا اخترتك
طه يو ج ا وانا الى ربنا زخرف كو ب و وان اتلوا نمل ك
ا ر وان احد توبه ى ب ا وان احكم مائده و ج ر وان
ادرى انبيا يز ب ر وان اردتم نسا د د ر وان استغفروا

هود یا دہ وانا ظننا ان لن تقول جن کطاجہ ا وانا
ظننا ان لن نعجز الله جن کطاجہ ا وان اعبدونی یس کجہ او
وانا علی سوسوبجہ وان اتم یونس یادہ وان اقیموا انعام زجہ
وانا کنا جن کطاجہ ا وانا لا ندری جن کطاجہ ا وانا لجاعلون ه
الکهف یه جہ وانا لجمیع شعرا یطاب و وان الدین ذاریات کود وان
الساعة حج یزجہ ا وان الفجار انفطار لاہ وان الذین لا
یوسنون بالاخرة اعتدنا بنی اسرائیل ایه اا وان الذین لا یوسنون
بالاخرة عن الصراط سوسوبجہ ا وان الق قصص کبہ وان الله
ربی مریم یوبہ وان الله قد طلبجہ دو وانا لما جن کطاجہ ا
وان المساجد جن کطاجہ ا وانا لنعلم الحاقة کطاب وان الیاس
صافات کجہ وان الی نجم کزب ا وانه امراة نساهد و وانا نحن
الصافون صافات کجہ وانا نحن المسبحون صافات کجہ وانا
لنحن نحیی حجر یدا ا ه وانا منا الصالحون جن کطاجہ ا وانا
منا المسلمون جن کطاجہ ا وابعثنا صافات کجہ وان تجهر
طه یوجہ ا وانت بلد لجہ ا وان تدعوهم اعراف طاجہ
وان تطع انعام حہ اا وانتظروا هود سیجہ و وان تعجب رعد
یجہ وان تعدوا نحل یدجہ و وان تکذبوا عنکبوت وانتم
حینئذ واقعه کزدا وانتم سامدون نجم کزب ا وان تولوا

انفال

انفال طدہ وان جادلوک حج یوزدہ وان جاهداک لقمان
کاجہ ا وان جندنا صافات کجہ ا وان جنحوا انفال او وان جهنم
حجر یدا او وانجینا الذین نمل یطادہ وانجینا موسی شعرا یطاب د
وان خفتم الا تساددا وان خفتم شقاق نساهد ا و
وانذر الناس ابرهیم یجہ وانذر به انعام زجہ و وانذر
عشیرتک شعرا یطاجہ وانذرهم یوم الحسرة مریم یوبہ اوانذرهم
یوم الازفة سومن کدبہ و وان ربک لذو نمل ا ا وان
ربک لیعلم نمل ا ا وان ربک لهو العزیز الرحیم واذ نادی
شعرا یطاب و وان ربک لهو العزیز الرحیم واتل شعرا یطاب
وان ربک لهو العزیز الرحیم کذبت قوم نوح شعرا یطاب و
ان ربک لهو العزیز الرحیم کذبت عاد شعرا یطاجہ ا وان ربک
لهو العزیز الرحیم کذبت ثمود شعرا یطاجہ ا وان ربک لهو العزیز
الرحیم کذبت قوم لوط شعرا یطاجہ و وان ربک لهو العزیز الرحیم
کذب شعرا یطاجہ و وان ربک لهو العزیز الرحیم وانه
شعرا یطاجہ ر وان ربک هو حجر ید او وانزل الذین احزاب
کادہ وانزلنا الیک مائده دجہ ر وانزلنا من السماء سومنون
جہ اا وانزلنا من المعصرات نبا ک اا وان سعیه نجم کزب ا
وانشقت الحاقه کطا ار وان طائفتان حجرات کوجہ وانطلق

ص كج ج ا وان طلقتموهن بقره ب د وان عاقبتم
نحل يد ر وان عذابي حجر يد ا و وان عليكم انفطار ل د
وان عليه نجم كز ب ا وان فانكم ممتحن كج ب ر وانفقوا
فى بقره ب ب ر وانفقوا مما منافقين كح و وانكحوا نور يح
ج و وان كذبوك يونس يا ج و وانك لا تظموا طه يو د ر
وانك لتدعوهم مومنون يح ا ر وان كان هود يب ج و وان
عزموا بقره ب ج د وان عليك اللعنة حجر يد ا و وان عليك لعنتى
ص كج د ا وان كادوا ليفتنونك بنى اسرائيل يه ب و وان كادوا
ليستفزونك بنى اسرائيل يه ب ر وان كان اصحاب حجر يد ا د
وان كان ذو عسرة بقره ج ب ا وان كان طائفة اعراف ج د ر
وان كان قميصه يوسف يب د و وان كان كبر انعام ز ج ا و
ان كانوا ليقولون صافات كح ج ا ه وان كانوا من قبل
روم كا ب و وانك لتلقى نمل يط د ا وانك لعلى ن كط
ا و وان كل يس كج ا ا وانكم صافات كج ب ر وان كنتم
على بقره ج ب ا و وان كنتم فى بقره ا ا و وان كنتى
احزاب كا د ر وان لا تعلوا دخان كه ج ه وان لك ن كط ا و
وان لكم فى الانعام لعبرة نسقيكم مما فى بطونه نحل يد ج و
وان لكم فى الانعام لعبرة نسقيكم مما فى بطونها مومنون يح ا ا

وان

وان للذين ظلموا طور كز ا ه و وان لم دخان كه ج ه و وان لنا ليل كذ ج ا و
وان لو استقاموا جن كط ج ا وان لوطا صافات كج ب و وان له
ص كج ج ر وان ليس نجم كز ب ا وان من شيعته صافات
كج ب و وان من شيء حجر يد ا ا وان من قرية بنى اسرائيل يه ب ا
وان من اهل الكتاب الا نساء و ا ا وان من اهل الكتاب لمن
ال عمران د ج ر
نساء د ا وان منكم لمن نساء ه ب و وان منكم الا مريم يو ب ر وان
منهم ال عمران ج د وان نشأ يس كج ا ا و وان نكثوا توبه ي ب ا
وانما محمد ص كو ب ا و انما حجر يد ا ر وانه اهلك نجم كز ب ا
وانه تعالى جن كط ج ا وانه خلق نجم كز ب ا وان هذا انعام ح ز و
وان هذه مومنون يح ا ر وانه فى زخرف كه ب ر وانه كان رجال
جن كط ج ا وانه كان يقول جن كط ج ا وانه لتذكرة الحاقة كط ب ا
وانه لتنزيل شعراء يط ج ر وانه لحق الحاقة كط ب ا وانه لحب
عاديات ل د ا وانه لحسرة الحاقة كط ب ا وانه لذكر زخرف كه ج ا و
انه لعلم زخرف كه ج و وانه لفى شعراء يط ج ر وانه لقسم واقعه
كز ج ر وانه لما جن كط ج ا وانه لهدى نمل ك ا ر وانهم ظنوا
جن كط ج ا وانهم عندنا ص كج ج ر وانهم لنا شعراء يط ب و
وانهم ليصدونهم زخرف كه ج ب ا وانهم يقولون شعراء يط ج ج
وانه هو اضحك نجم كز ب ا وانه هو اغنى نجم كز ب ا و

انه هو امات نجم كزب ا وانه هو رب نجم كزب ا وانجيوا
زمركدا او وان يتفرقا نساهدو واني خفت مريم كو او
واني عذت دخان كجو وان يكاد ن كطا ار واني لغفار
طه بود ا واني مرسلة نمل بطدو وان يونس صافات كجب
وان يروا اية قمر كزب ا وان يروا كسفا طور كزا او
وان يريدوا ان انفال ىا او وان يريدوا خيانتك انفال
ىا ار وان يكذبوك فقد كذبت قبلهم حج بزد ا وان
يكذبوك فقد كذبت رسل فاطر كبج و وان يكذبوك
فقد كذب فاطر كب دا واني كلما نوح كطا ب وان يكن يونس
يح ه وان يمسسك الله انعام زب مع الواو واوحي الي
هود يب ار واوحى ربك نحل يدج و واوحينا الى ام قصص
ك ار واوحينا الى موسى ان اسر شعرا يطب واوحينا الى
موسى ان الق اعراف طاه واوحينا الى موسى واخيه يونس
با دو واورثكم احزاب كاده واورثنا اعراف طيا واوفوا
الكيل بني اسرائيل كو واوفوا بعهد الله نحل يدد ا مع الهاء
واهديك نازعات لا او مع الياء وايوب انبياء يزب د واية
لهم الارض يس كج ا ا واية لهم الليل يس كج ا ا واية
لهم انا يس كج ا ا باب

الواو

٧١

الواو والباء مع الالف وباركنا صافات كجب و وبالاسحار
ذاريات كو در وبالحق بني اسرائيل يه او وبالليل صافات كجب مع الدال
وبدا لهم زمر كد او مع الراء وبرا مريم يوب ا وبرزوا
ابرهيم يجد او وبرزت الجحيم للغاوين شعرا يطب وبرزت الجحيم
لمن يرى نازعات ا او مع السين وبست الجبال واقعة كزج و
مع الشين وبشر الذين بقرة ا او وبشر المومنين بان
احزاب كبا او وبشر المومنين بانهما صف كج ا وبشرناه
صافات كجب مع الكاف وبكفرهم نساء و ا ا مع النون
وبنينا انبياء ال ا ا وبنين مدثر كطا ج مع الياء وبينهما
اعراف ج دباب الواو والتاء مع الالف
وتاكلون فجر لج ا وتا لله انبياء يزا مع الباء وتبارك
زخرف كج مع التاء وتتخذون شعرا يطج ا مع الجيم وتجعلون
واقعة كزه ا مع الحاء وتحبون فجر لج ا وتحسبهم الكهف
يه ر وتحمل نحل يدب ا مع الذال وتذرون الاخرة قيمة كطا دا
وتذرون ما خلق شعرا يطج مع الراء وتركنا بعضهم الكهف
يواو وتركنا فيها ذاريات كز ا ا وتركنا عليه في الاخرين سلام
على ابرهيم صافات كجب و وتركنا عليه في الاخرين سلام على
نوح صافات كجب و وتركنا عليه في الاخرين سلام على الياسين

صافات بجب و تركنا عليهما صافات بجب ونرى الجبال نمل او
ونرى الشمس الكهف يه جو ونر المجرمين ابوهيم يه در و نرى الملائكة
زمر كد ار ونرى كثيرا مائده ود ا ونرى كل جاثيه كه در
ونريهم شورى كه با مع السين ونسير طور كز او مع الطا
ونصليه واقعه كزدا مع الضاد وتضحكون نجم كزب ا مع الفا
ونفقد نمل ابط دو مع القاف ونقطعوا ابنيا بزيه و
تقلبك شعرا يطجه مع الكاف وتكون الجبال كالعهن و
معارج كطابه وتكون الجبال كالعهن المنفوش قارعه ادم
مع اللام وتلك الامثال عنكبوت ل دو وتلك الجنة زخرف كه جو
وتلك القرى الكهف يه در وتلك حجتنا انعام زدا وتلك عاد
هود يب با و تلك نعمة شعرا يطب ا مع الميم ومنت انعام ح ١١
مع النون وتنحتون شعرا يطجه ا مع الواو وتوكل على الحي فرقان
يطا و وتوكل على العزيز الرحيم شعرا يطجه ونوكل على الله احزاب
كاد ا وتولى عنهم وقال يوسف يجا وتولى عنهم حتى صافات
بجج ا باب الواو والثا مع اللام
وثلة واقعه كزجه مع الميم وثمود الذين فجر لج ا وثمود فما
نجم كزب ا وثمود وقوم ص بجج ا مع اليا وثيابك مدثر
كلاجه رباب الواو والجيم مع الالف

اجا

وجا اخوة يوسف يج ١١ وجا السحرة اعراف طاو وجا المعذرون
توبه ى در وجا اهل مدينه حجر يدار وجات سكرة ق كود و
وجات سيارة يوسف يب د ا وجات كل ق كود و وجا ربك
فجر ل ار وجا رجل قصص لد ب ا وجا فرعون الحاقه كط ١١
وجا من اقصى يس كب در وجاؤا اباهم يوسف يب د ا و
جاؤا على يوسف يب د ا وجاء هود يب ب وجاوزنا ببني اسرائيل
البحر فاتبعهم يونس يا دو وجاوزنا ببني اسرائيل البحر فاتوا
اعراف طب ا وجاهدوا حج يز در مع الحا وجحدوا نمل يط دا
مع الدال وجدتها نمل يط دا مع الزا وجزا شورى كه
وجزاؤهم دهر كط دو مع العين وجعل القمر نوح كطب
وجعل الشمس نوح كطب وجعلت مدثر كطج ر وجعل
فيها فصلت كه ا وجعلنا ابن مؤمنون يج ار وجعلنا السما
ابنيا يز او وجعلنا النهار نبا ل ١١ وجعلنا جهنم
سبا كب ب وجعلنا الليل والنهار بني اسرائيل ١١ وجعلنا
الليل لباسا نبا ل ١١ وجعلنا ذريته صافات بجب و و
جعلنا سراجا نبا ل ١١ وجعلنا على بني اسرائيل ار وجعلنا
في الارض انبيا يز ا و وجعلنا في قلوب حديد كز د وجعلنا
فيها جنات يس كج ١١ وجعلنا فيها رواسي مرسلات كط

وجعلنا لكم حجر يد ١١ وجعلنا من بين يس كب د وجعلنا منهم
سجده كادا وجعلنا نومكم بنا ك ١١ وجعلناهم ائمة
يدعون قصص ك ب وجعلناهم ائمة يهدون انبيا زب ا
وجعلني مريم بوب ا وجعلوا الملائكة زخرف كد ب وجعلوا
بينه صافات كر ج ا وجعلوا لله اندادا ابرهيم د وجعلوا
لله شركاء انعام زد وجعلوا لله مما انعام ح ا وجعلوا له
زخرف كه ب و وجعلها زخرف كه ب مع الميم وجمع الشمس قيمة كط دا
وجمع فاوعى معارج كط ب مع النون وجنات الفافا بنا ك ١١
وجنات وعيون شعرا يط ج ا وجنود شعرا يط ب وجنت
واقعة كز دا مع الواو ووجوه يومئذ مسفرة عبس لا ، وجوه
يومئذ خاشعة غاشية ا ب وجوه يومئذ ناضرة قيمة كط دا
وجوه يومئذ ناعمة غاشية ا ب مع اليا ، وجي نحل ج ا
باب الواو والحا مع الالف
وحاجه انعام ز دا مع الدال وحدائق عبس لا مع الرا
وحرام انبيا زب وحرمات وحرمنا قصص ك ا مع السين
وحسبوا مائدة ود وحسن نسا ه ب مع الشين وحشر
نمل يط د ا مع الصاد وحصل غاشية ا د ا مع الفا وحفظنا
حجر يد ا مع الميم وحملت الحاقة كط ا ر وحملنا قمر كز ب و

مع النون وحنانا مريم بوا مع الواو وحور واقعة كز ج و مع
اليا ، وحيل سبا كب ج و باب
الواو والخا مع الذال وخذ ص كج ج ر مع السين وخسف
قيمة كط دا مع اللام وخلق رحمن كز ب وخلق الله جاثية كه د و
وخلقناكم بنا ك ١١ وخلقنا لهم يس كج ا و باب
الواو والدال مع الالف وداعيا احزاب كب د وداينة دهر كط د و
وداود انبيا يز ب ا مع التا ، ودت آل عمران ج د ا مع الخا ، ودخل
المدينة قصص ك با ودخل جنته الكهف يه د ا ودخل معه يوسف
يب د و مع الكاف ودكت بقرة اج د ا مع الواو ودوا لو تدهن
ن كط ا و ودوا لو تكفرون نسا ه ج ا باب
الواو والذال مع الالف وذا النون انبيا يز ب و مع الرا ، وذر الذين
انعام ز ج ر وذرني مزمل تط كط ج و وذروا انعام ج ١١ مع الكاف
وذكر اسم اعلى ل ب ، واذكر فان ذاريات كز ا واذكرهم ابرهيم يج ج
مع اللام وذلكم فصلت كد ، وذللناها يس كج ا ر باب
الواو والرا مع الالف ورا وذنه موسف يب د ا ورا المجرمون
الكهف يه د و ورايت نصر ل د ر مع البا ، وربطنا الكهف يه ج و
وربك اعلم بني اسرائيل يه با وربك الغفور الكهف يه د ر وربك
الغني انعام ج ا ر وربك فكبر مدثر كط ج ر وربك يخلق

فصلت لجه ا وربك يعلم قصص لج و مع الدال ورد الله احزاب
كا در مع السين ورسله نسا وا و ورسولا ال عمران جه ر
مع الفا، ورفع يوسف يجه ب ا ورفعنا فوقهم نسا و ١١ ورفعنا
لك الم نشرح لجه و ورفعناه مريم يوب وباب الواو والزا،
مع الخا، وزخرفا زخرف كه ب مع الرا، وزرابي غاشية ابدزروع
ونخل شعرا يطج ا وزروع ومقام دخان كه ج مع الكاف وزكريا
اذ نادى انبيا يزب و وزكريا ويحيى انعام زد ا مع النون وزينا
شعرا يطج و مع اليا، وزيتونا عبس لا وباب الواو
والسين مع الالف وسارعوا ال عمران جود ب ا مع البا، وسجوه احزاب كد ا ه
مع الخا، وسخر لكم الشمس ابراهيم لجه د و وسخر لكم الليل نحل يد ب ا
وسخر لكم ما في جاثيه كد ا مع الكاف وسكنتم ابرهيم يجه د ر مع اللام
وسلام على صافات لجه ا وسلام عليه مريم يو ا ر مع النون
وسنقول الكهف يو ا ا مع الواو وسوا، يس كيه د ر مع اليا،
وسيجنبها ليل لج و وسيرت نبا ل ١١ وسيق الذين
اتقوا زمر كد ا ر وسيق الذين كفروا زمر كد ا ر باب
الواو والشين مع الالف وشاهد بروج لب د مع الجيم وشجرة
مؤمنون ج ا مع الدال وشددنا ص لجه ح و مع الرا، وشروه
يوسف يب د ا باب الواو والصاد مع الالف وصاحبهما

واخيه

واخيه معارج كطا ب وصاحبته وبنيه عبس لا ر مع الدال
وصدها نمل يط د و باب الواو والضاد مع الرا،
وضرب الله مثلا رجلين نحل يجه د وضرب الله مثلا قرية
نحل يد د ر وضرب الله مثلا للذين تحريم لجه د ر وضرب لنا
يس لج ا ر مع اللام وضل عنهم فصلت كه ا اباب
الواو والطا، مع العين وطعاما مزمل كط جه و مع اللام وطلح
واقعه كز جه و مع الواو وطور سينين لجه رباب الواو والظا، مع اللام
وظللنا بقره ١ ٢٦١ وظل ممدود واقعه كز جه و وظل من يحموم
واقعه كز جه ر مع النون وظن قيمة كط د ا باب
الواو والعين مع الالف وعادا وثمود واصحاب فرقان يط ا ا
وعادا وثمود وقد تبين عنكبوت لد ر وعاد وفرعون
ق كو د و مع البا، وعباد فرقان يط ا ر مع الجيم وعجبوا
ص لج جه ا مع الدال وعد الله الذين امنوا منكم نور يح د ا
وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات مائده و ب و و
عد الله المنافقين توبه ى د ا وعد الله المؤمنين توبه
ى د ا وعد الله لا يخلف الله الميعاد زمر لج د ر وعد الله
لا يخلف الله وعده روم كا ا و وعدكم الله فتح كو جه ر ا
مع الرا، وعرضنا الكهف يو ا ر وعرضوا الكهف يجه د مع

اللام وعلامات نحل يدب وعلم بقره اار وعلمناه
انبيا بزيـ ا وعلى الثلاثة توبه يا ار وعلى الذين هادوا
حرمنا كل ذى انعام ح بـ ا وعلى الذين هادوا حرمنا
ما قصصنا نحل يد در وعلى الله فتوكلوا مائده وبر وعلى
الله قصد نحل يدبا وعليها مومنون يح اا مع النون وعنت
طه يودو وعنده انعام زجو وعندهم قاصرات الطرف
عين صافات كج ر وعندهم قاصرات الطرف اتراب ص بج جد

باب الواو والغين مع الدال

وغدوان كطاو

باب الواو والفاء مع الالف

وفاكهة كثيرة واقعه كزجو وفاكهة مما واقعه كزجو و
فاكهة وابا عبس لـ دا مع التاء وفتحت نبا ل اا مع الجيم وفجرنا
قمر كز ب و مع الراء وفرش واقعه كزجو وفرعون فجر ج ا
مع الصاد وفصيلته معارج كطا مع العين وفعلت شعرا
يطب ا مع الياء وفي الارض ايات ذاريات كود ر وفي الارض قطع
رعد يج ب و وفي السماء ذاريات كود ر وفي اموالهم ذاريات كود ر
وفي انفسكم ذاريات كود ر وفي ثمود ذاريات كز اا وفي خلقكم
جاثيه كه دا وفي عاد ذاريات كز اا وفي موسى ذاريات كز اا

باب الواو والقاف مع الالف

وقاتلوا

في سبيل الله الذين بقره ب و وقاتلوا في سبيل الله واعلموا
بقره ب ده وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله
بقره ب بر وقاتلوهم حتى لا يكون فتنه ويكون الدين كله
انفال لا در وقارون عنكبوت كد ر وقاسمها اعراف ج ا
وقال اركبوا هود يب ار وقال الانسان زلزله ا و
قال الشيطان ابرهيم يج د و وقال الذى اشتريه يوسف يب د ا
وقال الذى امن يا قوم اتبعون مومن كد بر وقال الذى
امن يا قوم انى مومن كد ب ز وقال الذى نجا يوسف يب د ر و
قال الذين اتبعوا بقره ب ا ر وقال الذين استضعفوا
سبا كد ج ا وقال الذين اشركوا نحل يد ب ر وقال الذين
اوتوا العلم والايمان روم كا ب ر وقال الذين اوتوا العلم
ويلكم قصص كح ر وقال الذين في النار مومن كو ج ا وقال الذين
كفروا ان هذا فرقان يح د و وقال الذين كفروا ائذا
نمل ك اا وقال الذين كفروا ربنا فصلت كد د و وقال الذين
كفروا لا تاتينا سبا كب ا وقال الذين كفروا لا تسمعوا
فصلت كد د و وقال الذين كفروا لرسلهم ابرهيم يج د ا
وقال الذين كفروا للذين امنوا اتبعوا عنكبوت ك د ا وقال
الذين كفروا للذين امنوا لو كان احقاف كو اا وقال الذين

كفروا لن نؤمن سبا كب ب وقال الذين كفروا لولا فرقان
يط ا وقال الذين كفروا هل سبا كب ب و وقال الذين لا يرجون
فرقان يط ا وقال الذين لا يعلمون بقرہ ا بد ا وقال الرسول
فرقان يط ا وقال الله نحل يد ج ا وقال الملا الذين اعراف
ط ا وقال الملا من قومه اعراف ط ا وقال الملا من قومه
مؤمنون ج ا وقال الملك انى يوسف يه ا وقال الملك ائتونى
به استخلصه يوسف يه ا وقال الملك ائتونى به فلما يوسف
يب د وقال انما عنكبوت ك د وقال انى صافات كه د وقالت
اليهود عزير توبة يه وقالت اليهود ليست بقرہ ا د ا
وقالت اليهود والنصارى مائده و ب و وقالت اليهود يد الله
مائده و د وقالت امراة قصص ك ا وقالت اولىهم اعراف
ح ج وقالت طائفة ال عمران ج د وقالت لاخته قصص ك ا
وقال ربكم مومن ك ا وقال رجل مومن كه ب و وقال فرعون
ائتونى يونس ياد ا وقال فرعون ذرونى مومن كه ب وقال
فرعون يا ايها قصص كه ب وقال فرعون يا هامان مومن كه ب
وقال قرينه ق كو د و وقال لفتيانه يوسف يه ا وقال
للذى يوسف يه د وقال لهم نبيهم ان الله بقرہ ب د
وقال لهم نبيهم ان اية بقرہ ب د وقال موسى انكم ... اكفروا

ابرهيم يه ج وقال موسى انى مومن كه ب و وقال موسى ربنا
يونس ياد و وقال موسى رب قصص ك ب وقال موسى يا فرعون
اعراف ط ا وقال موسى يا قوم يونس يا د وقال نسوة يوسف
يب د وقال نوح نوح كه ا وقال يا بنى يوسف يه ا و
قالوا ائذا كنا بنى اسرائيل يه ا وقالوا االهتنا زخرف كه ج ا و
قالوا ائتنا سبا كب ج و وقالوا ان هذا صافات كه ب ا وقالوا
اتخذ الرحمن ولدا القد مريم يو ب وقالوا اتخذ الرحمن ولدا
سبحانه انبيا يز ا و وقالوا اتخذ الله بقرہ ا د ا وقالوا
اساطير فرقان يه د وقال الحمد لله الذى اذهب فاطر كب د و
قصص ك جا — وقالوا الحمد لله الذى صدقنا زمر كه ا وقالوا ان نتبع
وقالوا ان هى انعام ز ب وقالوا ائذا ضللنا سجده كه ا
وقالوا ربنا انا احزاب كب ا وقالوا ربنا عجل ص كه ج ا
وقالوا قلوبنا بقرہ ا ج و وقالوا قلوبنا فى فصلت كه د ا
وقالوا كونوا بقرہ ا د وقالوا لا تذرن نوح كه ب
وقالوا لجلودهم فصلت كه د وقالوا لن تمسنا بقرہ ا ج ا
وقالوا لن نؤمن بنى اسرائيل يه ب وقالوا لن يدخل بقرہ ا د ا
وقالوا لو شاء زخرف كه ب و وقالوا لو كنا ملك كط ا
وقالوا لولا انزل عليه ملك انعام ز ب و وقالوا لولا نزل

عليه اية انعام زجا و قالوا لولا انزل عليه ايات عنكبوت ١١
و قالوا لولا نزل هذا زخرف كه ب و قالوا لولا ياتينا
طه يو در و قالوا ما فى انعام ح ا و قالوا مالنا ص كجه
و قالوا ما الفرقان يح يه و قالوا ما هى جاثيه كه د
و قالوا مهما اعراف ط ا و قالوا نحن سبا كيج ا و قالوا
هذه انعام ج ا و قالوا يا ويلنا صافات كج ب و قالوا يا
ايها الذى حجر يه ا و قالوا انه زخرف كه ا مع التا
و قتلت طه يو ج و مع الدال و قد اضلوا نوح كط ب و
قد خاب شمس ج و قد خلقكم نوح كط ب و قد كفروا
سبا كيج و قد مكر الذين نحل يج و قد مكروا ابرهيم
يج د و قدمنا فرقان يط ا و قد نزل نساء د مع الواو
و قرانا بنى اسرائيل يه ج ا و قرن احزاب كب ا مع الضاد و قضى
بنى اسرائيل ا و قضينا الى بنى اسرائيل يه ا و قضينا اليه
حجر يد ا مع الطا و قطعناهم اثنتى اعراف ط يه و قطعناهم
فى الارض اعراف ط ج ا مع الفا و قفوهم صافات كج ب او
قفينا مائده و ج مع اللام و قل اعملوا توبه يا ا و قل
الحق الكهف يه د ا و قل الحمد لله سيريكم نمل ك ا و قل
الحمد لله الذى بنى اسرائيل يه ا و قل انى حجر يد ب ا و قل جاء

بنى اسرائيل يه ب و قل رب ادخلنى بنى اسرائيل يه ب ا و قل رب
اعوذ مؤمنون يح ب ا و قل رب اغفر مؤمنون يح ب و قل رب
انزلنى مؤمنون يح ا و قل لعبادى بنى اسرائيل يه ب او قل
للذين هود يب ج و قل للمؤمنات نور يح ج و قلنا من
بعده بنى اسرائيل يه ج ا و قلنا يا ادم بقره ا و قليل واقعه
كز ج مع الواو و قولهم نساء و ا و قوم لوط حج يز د ا
و قوم ابرهيم حج يز د ا و قوم نوح لما فرقان يط ا و قوم
نوح من قبل انهم كانوا قوما ذاريات كز ا و قوم نوح
من قبل انهم كانوا هم نجم كز ب ا مع الها و هم مؤمنون كد ب ا
مع اليا و قيضنا فصلت كد و قيل ادعوا قصص ك ج ا
و قيل للذين نحل يد ب و قيل للناس شعرا يط ب و قيل
لهم شعرا يط ب و قيل من راق قيمه كط د ا و قيل يا ارض
هود يب ا و قيله زخرف كه ج و باب

الواو و الكاف مع الالف و كاس واقعه كز ج و كاسا
نبا ل ا و كان فى المدينه نمل يط د و كان له الكهف
يه د ا و كانوا يصرون واقعه كز ج و كانوا يقولون واقعه
كز ج و كانوا ينحتون حجر يد ا و كان يا مريم يو ب و
و كاين من اية يوسف يج ب ا و كاين من دابة عنكبوت كا ا

وكاين من نبي ال عمران د ب و وكاين من قرية امليت حج بزدا
وكاين من قرية هي محمد كوب ا وكاين من قرية عتت طلاق
كح د و مع التاء وكتاب طور كزا د وكتبنا عليهم مائده دج و
وكتبنا له اعراف طب و مع الذال وكذب الذين سبا كب ج و و
كذب بالحسنى ليل ل ج و وكذب به انعام زج و وكذبوا
باياتنا نبا ل ا ا وكذبوا واتبعوا القمر كزب ا وكذلك
اخذ هود يب ج ا وكذلك اعثرنا الكهف يب ج ا وكذلك انزلناه
ايات حج يو ج و وكذلك انزلناه حكما رعد لز ج و وكذلك انزلناه
قرانا طه يو د و وكذلك انزلنا اليك عنكبوت مط ا ا وكذلك
اوحينا اليك روحا شورى كه ب و وكذلك اوحينا اليك قرانا
شورى كو ا ا وكذلك بعثناهم الكهف يه ج و وكذلك جعلنا في
كل انعام ح ا و وكذلك جعلناكم بقره ب ا ا وكذلك جعلنا
لكل نبي عدوا شياطين انعام ح ا ا وكذلك جعلنا لكل نبي
عدوا من المجرمين فرقان يط ا ا وكذلك حقت مومن كد با وكذلك
زين انعام ح ا ر وكذلك فتنا انعام زج و وكذلك ما ارسلنا
زخرف كد ب و وكذلك مكنا يوسف يب ج ا وكذلك نجزي طه يو د
وكذلك نري انعام ز د ا وكذلك نصرف انعام ز د و
كذلك نولي انعام ح ا ر وكذلك نفصل الايات ولتستبين

انعا

انعام زج و وكذلك نفصل الايات ولعلهم اعراف طج ا
وكذلك يجتبيك يوسف يب د مع اللام وكلا ضربنا فرقان
يط ا ا وكل انسان بني اسرائيل يه ا ا وكلا نقص هود يب ج و
وكل صغير قمر كزب ر وكلوا مائده زيه ا وكلهم مريم يو ب ر
وكل شي فعلوه قمر كزب ر وكل شيء احصيناه نبا ل ا ا مع
الميم وكم ارسلنا زخرف كه ب و وكم قصمنا انبيا يز ا ا وكم من قرية
اعراف ج ب ر وكم من ملك نجم كز ا ر وكم اهلكنا قبلهم من
قرن هل مريم يو ب ر وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم احسن
مريم يو ب ر وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم اشد ق كو د و
وكم اهلكنا من القرون بني اسرائيل يه ا و وكم اهلكنا من قرية
قصص كد ا مع النون وكنا نخوض مدثر كط د ا وكنا نكذب
مدثر كط د و وكنتم واقعه كز ج و وكنوز شعرا يط ب و مع الواو
وكواعب نبا ل ا ا مع الياء وكيف اخاف انعام ز د ا و
كيف تاخذونه نسا د ر وكيف تصبر الكهف يه د ر وكيف
تكفرون ال عمران د ا ا وكيف يحكمونك مائده وج و باب
الواو واللام مع الالف ولا اقسم قيمه كط د ا ولا انتم
هود يب ا ولا الظلمات فاطر كب د ا ولا الظل فاطر
كب د ا ولا انا عابد كافرون ل ر ولا انتم عابدون ما اعبد

ولا انا كافرون لد، ولا انتم عابدون ما اعبد لكم كافرون
لد، ولا يحض على طعام المسكين الحاقة كط ب ا ولا تاكلوا اموالكم بقره يد و
ولا تاكلوا مما انعام ح اا ولا تجسسوا شورى ايط ج و ولا تتخذوا
نحل يد د ا ولا تتمنوا نساء ه اا ولا تجادل نساء و ج د
ولا تجادلوا عنكبوت كا اا ولا تجعل الله بقره يد ج د ولا
تجعلوا مع الله ذاريات كز اا ولا تجعل بنى اسرائيل يه ا ح ولا
تحاضون فجر ك ج ا ولا تحزن عنك ك اا ولا تحسبن
الذين قتلوا ال عمران د ج ا ولا تحسبن الله ابرهيم يج د ولا
تخزنى شورى ايط ب، ولا تدع من يونس ياد، ولا تدع مع الله
قصص ك ج د ولا تركنوا هود يب ج و ولا تزد نوح كط ب
ولا تزر فاطر كب ج ا ولا تسبوا انعام ز د ولا تستوى
فصلت كو د ولا تشتروا نحل يد د و ولا تصعر لقمان ا
ولا تصل توبه ي د ولا تطرد انعام ز ج و ولا تطع
الكافرين احزاب كب ا و ولا تطع كل ن كط ا و ولا تطيعوا
شورى ايط ج ا ولا تعجبك توبه ى د ولا تعد الكهف يه ج د ا
ولا تعزموا بقره ب د ا ولا تفسدوا اعراف ج د ا ولا
تقتلوا النفس بنى اسرائيل يه ا و ولا تقتلوا اولادكم بنى اسرائيل يه ا و
ولا تقربوا الزنى بنى اسرائيل يه ا و ولا تقعدوا اعراف ج د

ولا

ولا تقف بنى اسرائيل يه ا ه ولا تقولن الكهف يه ج د ولا تقربوا
مال اليتيم الا بالتى هى احسن حتى يبلغ اشده واوفوا الكيل
انعام ح ب د و ولا تقربوا مال اليتيم الا بالتى هى احسن
حتى يبلغ اشده واوفوا الكيل بالعهد بنى اسرائيل يه ا د ولا تقولوا
لما نحل يد د ولا تقولوا لمن بقره يد ا و ولا تكونن من
يونس ياد و ولا تكونوا كالتى نحل يد د ا ولا تكونوا كالذين
تفرقوا ال عمران د اا ولا تكونوا كالذين خرجوا انفال ي ا
ولا تكونوا كالذين قالوا انفال ط د و ولا تكونوا كالذين
نسوا الله حشر كح ب ا ولا تلبسوا بقره آ ا ولا تمدن
طه يو د و ولا تمسوها شورى ايط ج و ولا تمش بنى اسرائيل
يه ا ولا تمنن مدثر كط ج د ولا تنفع سبا كب يه و ولا تنكحوا المشركات بقره ب ج و
ولا تنكحوا ما نكح نساء د ولا تؤتوا نساء د ا ولا تؤمنوا
ال عمران ج د و ولا تتمنوا الى ابتغاء نساء ه ج د ولا تهنوا ولا
تحزنوا ال عمران د ب ولا جر الاخرة يوسف يج اا ولا جناح بقره
ب د ا ولا صديق شورى ايط ب ولا ضلنهم نساء ه د ا
ولا طعام الحاقة كط ب ولا على الذين توبه ى د ولا
يؤمنون ج ا د ولا ياتل نور يج ج ا ولا ياتونك فرقان يط اا
ولا يامركم ال عمران ج د ولا يتمنونه جمعه كح ج و ولا يجدون

نساء ا ولا يحزنك الذين آل عمران جه ا ولا يحزنك قولهم
يونس يا جه ر ولا يحسبن الذين كفروا انما آل عمران جه ا و
لا يحسبن الذين كفروا سبقوا انفال ى ا و ولا يحسبن
الذين يبخلون آل عمران جه و ولا يحض على طعام المسكين
فليس الحاقة كط ا ولا يحض على طعام المسكين فويل
ماعون له ولا يخاف شمس د جه و ولا يزال حج يز د ا ولا
يسئل معارج كط ا ولا يستثنون ن كط ا و ولا يستطيعون
اعراف طجه ر ولا يصدنك قصص د جه ر ولا يصدنكم زخرف كه ا
ولا يكاد زخرف كه ا ولا يملك زخرف كه ولا ينفقون
توبه يا ا ر ولا يوثق فجر د جه ا ولا يؤذن مرسلات كط
مع الباء ولبثوا الكهف يه جه ر وليبوتهم زخرف كه مع التاء
ولتجدنهم بقره ا جه و ولتصغى انعام ح ا ا ولتصنع طه
يو جه و ولتعلمن طه يو جه ر ولتكن آل عمران د ا ا مع الحاء
ولحم واقعه كز جه مع الدال ولد الله صافات كج مع الراء ولرب
مدثر كط مع السين ولسانا بلد ل جه ا ولسليمن الريح
عاصفة انبياء يز ولسليمن الريح غدوها سبا كب و
ولسوف يرضى ليل ل جه و ولسوف يعطيك والضحى و
مع القاف فرقان ولقد اتوا فرقان يط ا ا ولقد اتينا

١٥

ابرهيم انبياء يز ا ر ولقد اتينا بنى جاثيه كه د ا ولقد
اتيناك حجر يد ا ولقد اتينا داود وسليمن نمل يط د ا
ولقد اتينا داود منا سبا كب و ولقد اتينا لقمان
لقمان كا جه ا ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه و
لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم وانهم لفى شك
منه مريب من عمل فصلت كه د ر ولقد اتينا موسى الكتاب
فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم
وانهم لفى شك منه مريب وان كلا هود يب جه د ولقد
اتينا موسى الكتاب لعلهم مؤمنون يح ا ر ولقد اتينا موسى
الكتاب وجعلنا فرقان يط ا ا ولقد اتينا موسى الكتاب
من بعد قصص ك ب ولقد اتينا موسى الكتاب وقفينا
بقره ا جه د ا ولقد اتينا موسى الهدى مومن كد جه ا ولقد
اتينا موسى تسع بنى اسرائيل يه ا ولقد اتينا موسى وهارون
انبياء يز ا ر ولقد اخترناهم دخان كه جه ولقد اخذ الله
مائده و ب و ولقد اخذنا آل اعراف ط ا ر ولقد اخذناهم
مؤمنون يح ب ا ولقد اضل يس كج ا ر ولقد انذرهم قمر
كز ب ولقد اوحى زمر كد ا ر ولقد ارسلنا الى امم انعام
ز جه ا ولقد ارسلنا الى ثمود نمل يط د ر ولقد ارسلنا

ولقد اتينا موسى الكتاب
تماما سجده كد ا
صح

رسله رعد یج ج و ولقد ارسلنا فيهم صافات كج و ولقد
ارسلنا من قبلك رسله روم كا ب و ولقد ارسلنا من
قبلك في شيع حجر يد ١١ ولقد ارسلنا موسى باياتنا
الى فرعون زخرف كه ج ا ولقد ارسلنا موسى باياتنا ان
ابرهيم يج ج ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين
الى فرعون وملائه هود يب ج ا ولقد ارسلنا موسى
باياتنا وسلطان مبين الى فرعون وهامان مومن كد
ولقد ارسلنا نوحا الى قومه انى هود يب ا و ولقد ارسلنا
نوحا الى قومه فقال مومنون يج ١١ ولقد ارسلنا نوحا
الى قومه فلبث عنكبوت كد ا ولقد ارسلنا نوحا وابرهيم
حديد كز د ولقد استهزئ برسل من قبلك فامليت
رعد يج ج و ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين
سخروا منهم ما كانوا به يستهزؤن قل سيروا انعام نه يب
ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا
منهم ما كانوا به يستهزؤن قل من انبيا يز ا ولقد
انزلنا اليك بقره اج ه ولقد انزلنا اليكم نور يج ج و
ولقد اوحينا طه يو د ا ولقد اهلكنا اشياعكم
قمر كز ب ولقد اهلكنا القرون يونس ياب و ولقد

اهلكنا

اهلكنا ما حولكم احقاف كو ا و ولقد بعثنا نحل يد ب
ولقد بوانا يونس ياد و ولقد تركنا منها عنكبوت كد و
لقد تركناها قمر كز ب و ولقد جاء آل فرعون قمر كز ب لا ولقد جاءت
هود يب د و ولقد جاءكم موسى بقره اج و ولقد جاءكم يوسف
مومن كد ولقد جاءهم رسول نحل يد د ولقد جاءهم من
الانباء قمر كز ب ا ولقد جعلنا حجر يد ١١ ولقد جئتمونا
انعام ز ولقد جئناهم اعراف ح د ا ولقد خلقنا السموات
ق كو د و ولقد خلقنا الانسان من صلصال حجر يد ا ه
ولقد خلقنا الانسان من سلالة مومنون يح ١١ ولقد
خلقنا الانسان ونعلم ق كو د و ولقد خلقنا فوقكم
مومنون يح ١١ ولقد خلقناكم اعراف ح ب ولقد ذرانا
اعراف ط ج ا ولقد راودوه قمر كز ب ولقد راه بالافق تكوير
ل ا ولقد راه نزلة نجم كز ا ولقد زينا ملك كط ١١
ولقد سبقت صافات كج ا ولقد صبحهم قمر كز ب ولقد
صدق سبا كب ولقد صدقكم الله آل عمران د ولقد
صرفنا في هذا القران ليذكروا بني اسرائيل ولقد صرفنا
في هذا القران للناس الكهف يه د و ولقد صرفنا للناس
بني اسرائيل يه ولقد ضربنا للناس في هذا القران من كل

مثل العلهم زمر كج د ر ولقد ضربنا للناس في هذا القرآن
من كل مثل ولئن روم كا د ولقد ضل صافات كج د ولقد
علمتم الذين بقره ا ب ر ولقد علمتم النشاة واقعه كز ج ولقد
علمنا حجر يد ا او ولقد عهدنا طه يو د ر و ولقد فتنا الذين
عنكبوت كج ا ولقد فتنا سليمن ص كج ج ولقد فتنا قبلهم
دخان كج و ولقد قال طه يو د ا ولقد كانوا احزاب كا د د
ولقد كتبنا انبيا يز ير ولقد كذب اصحاب حجر يد ا ر و
لقد كذب الذين ملك كط ا ا ولقد كذبت انعام ز ب ر و
لقد كرمنا بني اسرائيل يه د ولقد كنتم ال عمران د ب ا ولقد
مكناكم اعراف ح ب ر ولقد مكناهم احقاف كو ا و ولقد نادينا
صافات كج ب و ولقد مننا عليك طه يو ج ا ولقد مننا على
صافات كج ب ر ولقد نجينا دخان كه ج ولقد نصركم الله ال عمران
د ا ر ولقد نعلم انك حجر يد ب ا ولقد نعلم انهم نحل يد د و
ولقد وصلنا قصص ز ج ا ولقد همت يوسف ب د ا ولقد
يسرنا القران للذكر فهل من مدكر كذبت عاد قمر
كز د و ولقد يسرنا القران للذكر فهل من مدكر كذبت
قوم قمر كز ب و ولقد يسرنا القران للذكر فهل من مدكر
ولقد قمر كز ب و مع الكاف ولكل امة اجل اعراف ج و ولكل

ولقد يسرنا القران للذكر فهل
من مدكر كذبت ثمود
قمر كز ب و

امة

امة جعلنا حج يز ج ر ولكل امة رسول يونس يا ج د
ولكل درجات مما عملوا وما ربك انعام ح ا د ولكل درجات
مما عملوا وليوفيهم احقاف كو ا و ولكل جعلنا حج يز ج ر
ولكل امة رسول يونس يا ج و ولكل درجات مما عملوا وما
ربك انعام ح ا ر ولكل درجات مما عملوا وليوفيهم احقاف كو ا و الى
ولكل جعلنا نساء ه ا ه ولكل وجهة بقره ب ا ا ولكم في
القصاص بقره ب ب ا ولكم فيها جمال نحل يد ب ا ولكم فيها
منافع مومن كد ج ر ولكم نصف نساء د د و ولكنا قصص ز د
ولكن كذب قيمه كط د ه مع اللام وللاخرة والضحى ل ج و و
للذين ملك كط ا ا وللمطلقات بقره ب د و ولله الاسماء
اعراف ط ج و ولله المشرق بقره ا د ا ولله جنود فتح كو ب ه
ولله غيب السموات والارض واليه هود يب ج د ولله غيب
السموات والارض وما امر نحل يد ج ر ولله غيب السموات
وما في الارض ليجزي نجم كز ب ا ولله ما في السموات و
ما في الارض والى الله ال عمران د ا ا و ولله ما في السموات وما
في الارض وكفى نساء ه د ب ولله ما في السموات وما في
الارض ولقد نساء ه د و ولله ما في السموات وما في الارض
نعفر ال عمران د ب ا ولله ملك السموات والارض والله ال عمران د ج ر

ولله ملك السموات والارض والى الله نور يح جر ولله ملك
السموات والارض ويوم جاثيه كه در ولله ملك السموات
والارض ويغفر فتح كو جه ولله يسجد ما فى السموات وما
نحل يد ج ا ولله يسجد من فى السموات والارض رعد يه
مع الكيم ولما ان جاءت عنكبوت له ولما برزوا بقره ب د ولما
بلغ اشده اتيناه يوسف يد ا ولما بلغ اشده واستوى
قصص له ب ا ولما توجه قصص كب ا ولما جاء امرنا نجينا شعيبا
هود يه ا ولما جاء امرنا نجينا هودا ولما جاءت رسلنا
لوطا هود يب ر ولما جاءت رسلنا ابرهيم عنكبوت له
ولما جاء عيسى زخرف كه ج ولما جاء موسى اعراف طب ا
ولما جاءهم الحق زخرف كه ب ولما جاءهم رسول بقره اج د
ولما جاءهم كتاب بقره اج و ولما جهزهم يوسف يج ا ولما
دخلوا من حيث يوسف يح ا ولما دخلوا على يوسف يح ا ولما
راء المؤمنون احزاب كا د ولما رجع اعراف طب و ولما سقط
اعراف طب د ولما سكت اعراف طب و ولما ضرب زخرف كه ج و
ولما فتحوا يوسف يج ا ولما فصلت يوسف يج ا ولما ورد
قصص له ب ا ولما وقع اعراف ط ا ولم ادر ما الحاقه كط
ولم تكن له فئة الكهف يه د ولم تك مدثر كط د ا ولمن انتصر

شورى

بيب ب اه

شورى كه با ولمن خاف رحمن كز ج ا ولمن صبر شورى كه د ا
ولم يكن له اخره ص له د ولم يكن لهم روم كا ا ر مع النون
ولنبلونكم بشىء بقره ب ا و ولنبلونكم حتى محمد كو د
ولن ترضى بقره ا د ا ولن تستطيعوا نساء د ولن يقبلهم
سجده كا د ا ولنسكننكم ابرهيم يج د ا ولن يتمنوه بقره اج د
ولن ينفعكم زخرف كه ج ا ولن يؤخر الله منافقين كح ج مع
الواو ولو اتبع مومنون يج ا ر ولو ارادوا توبه يج و ولو القى
قيمه كط د ا ولو انا اهلكناهم طه يو در ولو انا كتبنا نسا
ه ب ا ولو ان اهل القرى اعراف ط ا ا ولو ان اهل الكتاب مائده
و د و ولو ان قرانا رعد يج ج ا ولو ان لكل يونس يا ج د ولو ان
للذين زمر كد ا ا ولو ان ما فى الارض لقمان كا ج و ولو اننا
انعام ح ا ا ولو انهم امنوا بقره اج ر ولو انهم رضوا توبه
ي ج د ولو انهم اقاموا مائده و د و ولو انهم صبروا حجرات كو ج و
ولو بسط الله شورى كه ا ر ولو ترى اذ المجرمون سجده كا ج ر
ولو ترى اذ فزعوا سبا كب ج و ولو ترى اذ وقفوا على النار
انعام ز ب ر ولو ترى اذ وقفوا على ربهم انعام ز ب ر ولو ترى
اذ يتوفى انفال ى ا ا ولو تقول الحاقه كط ب ا ولو جاء تهم
يونس يا د و ولو جعلناه قرانا فصلت كد د ر ولو جعلنا

ملكا انعام زبو ولودخلت احزاب كادو ولورحمناهم مومنون
يح آ ولوشاء ربك لامن يونس يادو ولوشاء ربك لجعل
هوديب جو ولوشاء الله ما اشركوا انعام زد ولوشاء الله
لجعلكم غل يدا ولوشاء الله لجعلهم شورىكه او ولو شئنا
لاتينا سجده كاجر ولوشئنا لبعثنا فرقان يطا وولوشئنا
لرفعناه اعراف طجم ولوطا آتيناه انبيا يزبا ولوطا اذ قال
لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقكم اعراف جد ولوطا
اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة وانتم نمل يطادر ولوطا
اذ قال لقومه انكم عنكبوت ك د ولوعلم الله انفال طدو ولو
فتحنا حجر يدا ولوفا تلكم فتح كوج ولوكانوا مائده ودد
ولولا اذ دخلت الكهف يه دا ولولا اذ سمعتموه نور يج ب
ولولا ان تصيبهم قصص كج ب ولولا ان ثبتناك بنى اسرائيل يه د
ولولا ان كتب الله حشر كح ا ر ولولا ان يكون زخرف كه
ب ر ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله تواب نور
يح ب ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله رؤف نور
يح جب ولولا فضل الله عليكم ورحمته فى الدنيا نور يج ب ر
ولولا فضل الله عليك نساء هجر ولولا كلمة طه يود ر
ولولا نعمة صافات كج ولو نزلنا عليك انعام زبا و ولو نزلنا

نى

شعرا يطاجر ولو نشاء لاريناكهم محمد كوب و ولو نشاء لجعلنا
زخرف كه جه ولو نشاء لطمسنا يس كج ا ر ولو نشاء لمسخناهم
يس كج ا ر ولو يعجل الله يونس يا بو ولو يؤاخذ الله الناس
بظلمهم نحل يدج و ولو يؤاخذ الله الناس بما فاطر كد و
مع الهاء وله الجوار رحمن كزج ا وله الحمد روم كا ا ر وله الكبرياء
جاثية كه د ر وله ما سكن انعام زب و وله ما فى السموات نحل
يدج ا وله من فى السموات والارض ومن انبيا يزا ا وله
من فى السموات والارض كل روم كا ب ا ولهم مقامع
حج يزج و ولهم على شعرا يطب ا ولهم فيها يس كج ا ه
مع الياء وليال فجر دج ا وليحكم مائده وج و وليحملن
عنكبوت ك دا وليخش نساء دو ا وليست نساء دد ر وليستعفف
نور يح ج و وليعلم الذين اوتوا حج يز د ا وليعلم الذين نافقوا
آل عمران دج ا وليعلمن الله عنكبوت ك د ا وليمحص الله آل عمران
د ب ا ولئن اتيت بقره ب ا ا ولئن اخرنا هوديب ا ا ولئن
اذقناه رحمة فصلت كه ا ا ولئن اذقناه نعماء هوديب ا ا
ولئن اذقنا الانسان هوديب ا ا ولئن ارسلنا روم كا ب و
ولئن اصابكم نساء هب و ولئن اطعتم مؤمنون يح ا ولئن
سالتهم ليقولن انما توبه ى د ا ولئن سالتهم من خلق

السموات والارض ليقولن الله قل الحمد لله لقمان كاجا ولئن
سالتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله قل افرايتم
زمر كد اا ولئن سالتهم من خلق السموات والارض ليقولن
خلقهن زخرف كه بـ و ولئن سالتهم من خلقهم زخرف كه ج و
ولئن سالتهم من خلق السموات والارض وسخر عنكبوت كا اا
ولئن سالتهم من نزل عنكبوت كا او ولئن شئنا بني اسرائيل يه بـ
ولئن قتلتم ال عمران ولئن متم ال عمران د بـ ولئن مسستهم
انبيا يز ا بـ ا بـ الواو والميم مع الالف و
ما ابرئ يوسف يج اا وما اتيتم روم كا بـ ا وما اتيناهم
سبا كبـ ج و وما اختلفتم شورى كه ا و وما ادريك ما الحاقة
الحاقة كط ا ر وما ادريك ما الحطمة همزه لد و وما ادريك
ما الطارق طارق لب و وما ادريك ما العقبة بلد لب ا
وما ادريك ما القارعة قارعه لد ا وما ادريك ما سجين
مطففين لب ا وما ادريك ما سقر مدثر كط جـ ر وما ادريك
ما عليون مطففين لب ا وما ادريك ما ليلة قدر لج د و
ما ادريك ما يوم الدين انفطار لب ا وما ادريك ما يوم الفصل
مرسلت كط د وما انزلنا على عبدنا انفال ي ج اا وما ارسلنا
في قرية من نبي اعراف ط اا وما ارسلنا في قرية من نذير

سبا كبـ ج ا وما ارسلنا قبلك الا انبيا يز اا وما ارسلنا
قبلك من المرسلين فرقان يج د ر وما ارسلناك الا رحمة
انبيا يز بـ ر وما ارسلناك الا مبشرا فرقان يط ا احزاب و ما
ارسلناك الا كافة سبا كبـ بـ ر وما ارسلنا من رسول
الا بلسان ابرهيم يج ر وما ارسلنا من رسول الا ليطاع
نساء هـ بـ ا وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحي اليهم
فاسئلوا نحل يد جـ ا وما ارسلنا من قبلك الا رجالا
نوحي اليهم من اهل يوسف يج بـ ها وما ارسلنا من قبلك
من رسول الا انبيا يز ا و وما ارسلنا من قبلك من رسول
ولا نبي حج يز د ا وما ارسلوا مطففين لب ا وما اسئلكم
عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين فاتقوا الله
شعرا يط ا بـ ر وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على رب
العالمين اتبنون شعرا يط ج ا وما اسئلكم عليه من اجر ان
اجري الا على رب العالمين اتتركون شعرا يط ج ا وما اسئلكم
عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين اتاتون شعرا
يط ج و وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين
اوفوا شعرا يط ج و وما اصابكم من مصيبة شورى كه ا د
وما اصابكم يوم ال عمران د ج ا وما اضلنا شعرا يط

وما اظن الكهف يه دا وما اعجلك طه يو دا وما افاء الله
حشر كه از وما اكثر الناس يوسف لجب او وما الحيوة الدنيا
انعام زب وما امر الساعة نحل يدج ر وما امرنا قمر كزب
وما امروا لم يكن لدا وما ، واقعه كزج وما اموالكم سبا كب ا
وما انا بطارد شعرا يطج ا وما انا عليكم هود يب وما
انت الا شعرا يطه و وما انت بهادى العمى عن ضلله لتهم
ان تسمع الا من يؤمن باياتنا فهم مسلمون واذا وقع
نمل اك او وما انت بهادى العمى عن ضلله لتهم ان يسمع
الا من يومن باياتنا فهم مسلمون الله روم كايه و وما
انتم بمعجزين فى الارض ولا عنكبوت دو وما انتم بمعجزين فى
الارض وما لكم شورى كد از وما انزلنا يوسف يدبه و وما
انفقتم بقره ج ار وما اوتيتم قصص لج ر و وما اهلكنا هم
من قرية الا ولها شعرا يطه و وما اهلكنا من قرية الا لها
شعرا يطج ر وما بكم نحل يدج ا وما تاتيهم من اية من ايات
ربهم الا كانوا عنها معرضين فقد انعام زبا وما تاتيهم
من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها معرضين واذا
يس لج ا ا وما تجزون صافات لج به ا وما تسئلهم يوسف
يجه ا وما يفعلوا ال عمران ار وما تفرق لم يكن ا م وما

تفرقوا

تفرقوا شورى كه ا و وما تكونوا [illegible] يا جر وما تلك طه يوج ا
وما تنزلت شعرا يطج ر و [illegible] تنفقوا ال عمران دا او وما تنقم
اعراف طا ق و وما تشاؤن الا ان يشاء الله ان الله دهر
كط د و وما تشاؤن الا ان يشاء الله رب تكوير ل ار
وما جعلنا اصحاب مدثر كط ج ر و وما جعلنا لبشر انبيا
يز ا و وما جعلناهم انبيا يز ا ا وما جعله الله الا بشرى
لكم ال عمران دي او وما جعله الله الا بشرى ولتطمئن انفال
ط د ا وما خلق ليل لج و وما خلقت ذاريات كز ا ا وما خلقنا
السماء والارض وما بينهما باطلا ص كج ر و وما خلقنا
السماء والارض وما بينهما لاعبين انبيا يز ا ا وما خلقنا
السموات والارض وما بينهما الا حجر يد ار وما خلقنا
السموات والارض وما بينهما لاعبين دخان كج و وما ذا عليهم
نساء ه او وما ذرا لكم نحل يد به ا و وما ذلك على الله بعزيز ؤ
ابرهيم يج د ا و وما ذلك على الله بعزيز ولا تزر
فاطر كه ج د ا و وما صاحبكم تكوير ل ار وما ظلمناهم ولكن
ظلموا هود يب ج ا و وما ظلمناهم ولكن كانوا زخرف كه ج د
وما ظن يونس يا ج ر و وما علمناه يس لج ار وما على الذين
انعام زج ر وما عليك عبس ل ا و وما علينا يس كب د ر

وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا انعام رذو وما قدروا الله
حق قدره والارض زمر كدا ر وماكان استغفار توبه يا اد
وماكان الله ليضل توبه يا ار وماكان الله ليعذبهم انفال طد
وماكان المومنون توبه يا ار وماكان الناس يونس يا ب
وماكان جوابا اعراف ح در وماكان ربك ليهلك هود يب
وماكان ربك مهلك قصص د ج و وماكان صلوتهم انفال ط دد
وماكان قولهم ال عمران د ب و وماكان لبشر شورى زخرف كد ب
وماكان لمومن ان تقتل نساء و ج ا وما كان لمومن ولا احزاب ك ب
وماكان لنا صافات ل ج ب ا وماكان لنبي ال عمران د ب
وماكان لنفس ان تموت ال عمران د ب و وماكان لنفس ان
تؤمن يونس يا د ب وماكان له سبا كب ب ر وماكان بهم
بشورى كد ب ا وماكان هذا يونس يا ج و وماكنت بجانب
الطور قصص ك ب ر وماكنت بجانب الغربي قصص ك د
وماكنت تتلوا عنكبوت كا ا وماكنت ترجوا قصص ك ج
وماكنتم فصلت كد د و وما لا تبصرون الحاقة كط ب ا وما
لاحد ليل ل ج و وما لكم الا تاكلوا انعام ح ا
وما لكم الا تنفقون حديد كز د ا وما لكم لا تقاتلون نساء ه و
وما لكم لا تؤمنون حديد كز د ا وما لنا الا نتوكل ابرهيم يج ا

وما لنا لا نؤمن مائده ز ا وما لهم الا انفال ط د ر وما لهم
به غنم كوا ر وما لي لا يس كح ا و وما محمد ال عمران د ب و
وما منا صافات ل ج ب ا وما من دابة في الارض الا هود يب ا
وما من دابة في الارض ولا انعام ز ج ا وما من وليه منع
الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم الهدى الا بني اسرائيل ب ب وما منع
الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم الهدى ويستغفروا الكهف يه
د و وما منعنا بني اسرائيل ب ا وما منهم توبه ي ج ر وما من
غائبة نمل ك ا ا وما نتنزل مريم يو ب و وما نحن شعراء يط ا
وما نريهم زخرف كه ا وما نرسل المرسلين الا مبشرين
ومنذرين نحن انعام ز ج ا وما نرسل المرسلين الا مبشرين
ومنذرين ويجادل الكهف يه د ر وما نفقنوا بروج ل د و وما
نؤخره هود يب و وما وجدنا اعراف ط ا ا وما ويهم
رعد يج ب ر وما هذه عنكبوت كا ا وما هم انفطار ل ب ا وما هو
الا ذكر ن كط ا ر وما هو بقول شاعر الحاقة كط ب ا وما
هو بقول شيطان تكوير ل ا ر وما بالهم هو لهزل طارق ل ب
وما هو على تكوير ل ا ر وما ياتيهم من ذكر شعراء يط ا وما
ياتيهم من رسول حجر يد ا وما ياتيهم من نبي زخرف كه ب و
وما يتبع يونس يا ج د وما يدريك عبس ل ا و وما يذكرون

مدثر كط اا وما يستوى الاحيا فاطر كيد ا وما يستوى
البحران فاطر كيجا وما يستوى الاعمى والبصير ولا الظلمات
فاطر كيد ا وما يستوى الاعمى والبصير والذين مومن كدج ا
وما يغنى ليل لج و وما يكذب مطففين لب ا وما يلقيها فصلت
كدر وما ينبغى للرحمن مريم يو ب وما ينبغى لهم شعرا ايه
وما ينطق نجم كزا ر وما ينظر ص كجه ومايومن يوسف
يجب اسع النا ومثل الذين كفروا بقره ب ار ومثل الذين
ينفقون بقره جا ر ومثل كلمة ابرهيم يج د ومع الرا ومريم
تحريم كج د مع الرا وخراجه مطففين لب مع الصاد ومصدقا
ال عمران جج مع الغين ومغانم فتح كز نب مع الكاف ومكروا
مكرا كبارا نوح كطا ب ومكروا مكرا ومكرنا مكرا نمل يط د ومكروا
ومكر الله ال عمران نج مع الميم وممن حولكم توبه يا اا وممن
خلقنا اعراف طج ومع النون ومن ابائهم انعام زد و ومن
احسن دينا نسا هد ا ومن احسن قولا فصلت كدد ومن
احسن من الله بقره ا در ومن اراد بنى اسرائيل ا و ومن اضل
احقاف كوا ا ومن اظلم ممن افترى على الله الكذب صف كج ا ومن اظلم
ممن افترى على الله كذبا او كذب بالحق عنكبوت كا آ ب و ومن اظلم
ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته انعام زب و ومن اظلم

ممن

ممن افترى على الله كذبا او كذب قال انعام زد و ومن اظلم
ممن افترى على الله كذبا اولئك هود يب ا و ومن اظلم ممن ذكر
بايات ربه ثم سجده كا د ا ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه فاعرض
الكهف ند د و ومن اظلم ممن منع بقره ا د ا ومن اعرض طه يو د
ومن الابل اثنين انعام ح با ومن الاعراب من يتخذ توبه يا اا
ومن الاعراب من يومن توبه يا اا ومن الانعام انعام ح ب
ومن الذين مائده و ب ومن الشياطين انبيا نز ب و ومن الليل
فاسجد دهر كط د ومن الليل فتهجد بنى اسرائيل ب و ومن الليل
فسجد ق كود و ومن الناس من يتخذ بقره ب ار ومن
الناس من يجادل فى الله بغير علم ولا هدى حج يز ج ا
ومن الناس من يجادل فى الله بغير علم ويتبع حج يز ج ا
ومن الناس من يشترى لقمان كا ب ومن الناس من يشرى
بقره ب ج ا ومن الناس من يعجبك بقره ب ج ا ومن الناس
من يعبد الله حج يز ج ا ومن الناس من يقول امنا بالله
وباليوم بقره ااا ومن الناس من يقول امنا بالله فاذا
عنكبوت ك د ا ومن الناس والدواب فاطر كد و ومنوة نجم كز ا
ومن اهل ال عمران ج د ا ومن اياته الجوار شورى كه ا ومن اياته الليل
فصلت كد د ومن اياته ان خلقكم روم كا ا ر ومن اياته

ان خلق روم كا ا ومن اياته ان تقوم روم كا آ ومن اياته
انك فصلت كد ومن اياته ان يرسل روم كا ب ومن اياته
خلق السموات والارض واختلاف روم كا ا ومن اياته
خلق السموات والارض وما بث شورى كد ا ومن اياته منامكم
روم كا ا ومن اياته مومنا طه يو جر ومن اياته يريكم روم
كا ا ومن تاب فرقان يط ا ومن ثمرات نحل يد ج و ومن جاهد
عنكبوت ذ ج ومن جاء نمل ك ا و ومن حيث خرجت فول وجهك
شطر المسجد الحرام وانه بقره ب ا ا ومن حيث خرجت فول
وجهك شطر المسجد الحرام وحيث بقره ب ا ا ومن خفت
موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم بما اعراف ج ب
ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم
في جهنم مومنون يح ب ومن دونهما رحمن كز ج ا ومن رحمته
قصص ز جو ومن شر النفاثات فلق لد ر ومن شر حاسد
فلق لد ر ومن شر غاسق فلق لد ر ومن في الارض
معارج كط ا ومن قبله احقاف كو ا ا ومن قومه اعراف ط ب ومن
كان بني اسرائيل يد و ومن كفر لقمان كا ج ا ومن كل ذاريات كد ا ومن
لا يجب احقاف كو ا ومن لم يومن فتح كو يح ا ومن نعمره
يس نج ا ر ومن لم يستطع نساء ا ا ومنهم الذين توبه

يه

ي ج ر ومنهم اميون بقره اج ا ومنهم من عاهد الله توبه
ي د و ومنهم من يستمع اليك حتى محمد كو ب ا ومنهم من يستمع
اليك وجعلنا انعام زب ومنهم من يستمعون يونس ياج و
ومنهم من يقول ربنا بقره بب ر ومنهم من يقول ائذن
لي توبه ي ج ر ومنهم من يلمزك توبه ي ج ر ومنهم من ينظر
يونس ياج و ومنهم من يومن يونس ياج و ومن يتبع ال عمران ج د
ومن يتول الله مائده ود ا ومن يدع مومنون يح ب ومن يرغب
بقره ادر ومن يسلم لقمان كا ج ا ومن يشاقق نساء ه د ا
ومن يضلل الله شورى كد ب ومن يطع الله والرسول نساء
ه ب ا ومن يطع الله ورسوله نور يح جر ومن يعش زخرف
كه ج ب ومن يعص الله نساء د ر ومن يعمل سوءا نساء ه جر
ومن يعمل مثقال زلزله لد ا ومن يعمل من الصالحات من ذكر
نساء ه د ا ومن يعمل من الصالحات وهو طه يو و ومن يفعل
نساء ه ا ا ومن يقتل نساء ه ج ا ومن يقل انبياء يز ا و ومن
يقنت احزاب كب ا ومن يكسب اثما نساء ه ج ر ومن يكسب
خطيئة نساء ه ج ر ومن يولهم انفال ط د ا ومن يهاجر
نساء ه ج و ومن يهدي الله فما له زمر كد ا ا ومن يهدي
الله فهو بني اسرائيل يه ج ا مع الهاء وهديت مدثر كط ج ر

ومن يتق الله طلاق

باب ووعـــــــالواو والنون مع الالف د
نادوا زخرف كج و ونادى اصحاب الجنة اعراف ج ر ونادى
اصحاب الاعراف اعراف د او نادى اصحاب النار اعراف د ا
ونادى فرعون زخرف كج ا ونادى نوح هود يبه اونا
ديناه من جانب مريم يوب و وناديناه ان يا ابرهيم صافات كج و
مع البا، ونجيهم قمر كزب و ونجيهم عن حجريد او مع الجيم
ونجنا برحمتك يونس يا ا و نجينا الذين فصلت كد و نجينا
هما صافات كج به ونجيناه واهله صافات كجب و ونجيناه ولوطا
ابنيا يز با مع الحا، ونحن واقعه كز دا مع الخا، ونخله [illegible] ا ه
مع الذال ونذكرك طه يوج ا مع الرا، ونرثه مريم يوب ونريد
قصص ا ا و نريه معارج كط مع الزا، ونزعنا ما في صدورهم
من غل تجرى اعراف ج ر ونزعنا ما في صدورهم من غل اخوانا
حجر يد او ونزعنا من كل قصص ج و ونزع يده فاذا هي بيضا،
للناظرين قال الملا، اعراف ط او ونزع يده فاذا هي بيضا، للناظرين
قال للملا شعرا يط و ونزلنا ق كود ا مع السين ونسوق
مريم يوب مع الصاد ونصرناهم صافات كج و ونصرناه ابنيا يز با
مع الضاد ونضع ابنيا يز ا مع العين ونعمة دخان كج مع الفا،
ونفخ في الصور ذلك ق كود و ونفخ في الصور فاذا هم يس

لجا و ونفخ في الصور فصعق زمر كد ا و ونفس شمس ج و
مع القاف ونقلب انعام زد ر ونقلبهم الكهف يج و مع الميم
ونمارق غاشية لب ونمكن قصص د ر مع النون ونترك
بني اسرائيل به مع الواو ونوحا ابنيا يز با مع اليا، ونيسرك
اعلى ا ه باب ـــــــــ الواو والواو مع الالف
وواعدنا اعراف طب او والد بلد ل ج ا مع الجيم ووجدك ضالا والضحى ج و ووجدك
عائلا والضحى ج و ووجد من دونهم قصص ك ب ا ووجوه يومئذ
باسرة قيمة ك ط د ا و وجوه يومئذ عليها عبس ا ا مع الرا
وورث نمل يط ا ا مع الصاد ووصى بقره ا ا و ووصينا
الانسان بوالديه احسانا احقاف كو ا ا ووصينا الانسان
بوالديه حسنا عنكبوت ك ا ووصينا الانسان بوالديه
حملته لقمان كا مع الضاد ووضع الكهف يه د ووضعنا
الم نشرح ج ر مع الفا، ووفيت زمر كز ا ر مع القاف ووقع
نمل ك او مع الها، ووهبنا لداود ص كج و ووهبنا له
اسحق ويعقوب كلا انعام ز د ا ووهبنا له اسحق ويعقوب
نافلة ابنيا يز ب ا ووهبنا له اسحق ويعقوب وجعلنا
عنكبوت ك د و ووهبنا له اهله ص كج ر ووهبنا لهم من رحمتنا
مريم يوب و ووهبنا لهم مريم يوب و باب ـــــــ الواو

والهاء مع الدال وهدوا حج بزجه و وهديناه بلد لج ا
وهديناهما صافات كجب مع الذال وهذا البلد تين لج
وهذا ذكر انبيا بزا ر وهذا صراط انعام ح او وهذا كتاب
انزلناه مبارك فاتبعوه انعام ح بو وهذا كتاب انزلناه
مبارك مصدقا انعام زدو مع الزاء وهزي مريم يوبك مع اللام
وهل اتيك حديث طه يوج ا وهل اتيك نبؤ الخصم ص كج ا
مع الميم وهم على بروج لبد وهم يصطرخون فاطر كيد وهم
ينهون انعام زيه مع الواو وهو الذي احياكم حج بزده و
هو الذي ارسل فرقان يط او وهو الذي انزل انعام زدو و
هو الذي انشا جنات انعام ح با وهو الذي انشاكم انعام زد و
وهو الذي انشا لكم مومنون يح با وهو الذي جعل الليل فرقان يط ا
وهو الذي جعلكم انعام ح به وهو الذي جعل لكم الليل فرقان
يطاو وهو الذي جعل لكم النجوم انعام زده وهو الذي خلق
السموات والارض بالحق انعام زجر وهو الذي خلق السموات
والارض في ستة هود يب ا وهو الذي خلق الليل انبيا بزاو
وهو الذي خلق من الماء فرقان يطاو وهو الذي ذراكم
مومنون يح يا وهو الذي سخر نحل يدب ا و وهو الذي في السماء
زخرف كجه و وهو الذي مد الارض رعد يجب و وهو الذي

كف

كف فتح كوج ا وهو الذي مرج فرقان يط او وهو الذي يبدؤا
روم كا با وهو الذي يتوفيكم انعام زجر و وهو الذي يحيي
مومنون يح ب وهو الذي يرسل اعراف ح دا وهو الذي يقبل شورى كه ا وهو
الذي ينزل شورى كه ا وهو الغفور بروج لب و وهو الذي
في السموات انعام زب ا وهو الله لا اله الا هو قصص زجه و وهو القاهر
فوق عباده وهو انعام زب و وهو القاهر فوق عباده
ويرسل انعام زجه و وهو بالافق نجم كزا ر وهو يخشي عبس
لاد مع الياء وهي هود يب ار باب الواو والياء
مع الالف ويا ادم انعام ح جا ويا قوم استغفروا هود يب ا
ويا قوم اعملوا هود يب ا ويا قوم الى مومن كوبه ويا قوم اوفوا
هود يبه ويا قوم اسئلكم هود يب او ويا قوم لا يجرمنكم هود
يب ج ا ويا قوم مالي مومن كذب ا ويا قوم من ينصرني هود يب او
ويا قوم هذه هود يب و مع الياء ويبقى رحمن كزه ا ويبين الله
نور يح ج ا مع التاء ويتجنبها اعلى لب ر مع الجيم ويجعلون
لله البنات نحل يد ج ا ويجعلون لله ما نحل يد ج او ويجعلون
لما لا نحل يد ج ا مع الحاء ويحق الله يونس يا دا ويحلفون توبه
ي ج ر مع الخاء ويخرون بني اسرائيل يه ج ه مع الدال ويدخلهم محمد ص
كو ا ر ويدرؤا مومنون يح به ويدع بني اسرائيل يا ا مع الذال

ويذهب توبه ي ب و مع الراء ويرى سبا كي ب او ويريكم مومن
كدج د مع الزاء ويزيد الله مريم يوب د مع السين ويسلونك
عن الجبال طه يو دو ويسلونك عن الروح بنى اسرايل يد ب
ويسلونك عن المحيض بقره ب جو ا ويسلونك عن ذى
القرنين الكهف يو اا ويسبح رعد ج بر ويستبدل توبه ى ج ا
ويستجيب شورى كه ا د ويستعجلونك بالسيئه رعد روم ج د
ويستعجلونك بالعذاب ولن ج يز د ا ويستعجلونك بالعذاب
ولولا عنكبوت كا اا ويستفتونك نساء ه د ا ويستنبونك
يونس يا ج و ويسر لى طه يوج ا ويسقون دهر كط د و مع الصاد
ويصلى انشقاق ب و ويصنع هود يبا ر مع الضاد ويضيق
شعرا يط با مع الطاء ويطاف دهر كط د و ويطعمون دهر
كط دو ويطوف عليهم غلمان طور كز ا و ويطوف عليهم ولدان
دهر كط د و مع العين ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم
يونس يا به ويعبدون من دون الله ما لا يملك نحل يد ج
ويعبدون من دون الله ما لا ينفعهم فرقان يط ا و ويعبدون
من دون الله ما لم حج يز د ر ويعذب فتح كو ب ر ويعلم الذين
شورى كه با ويعلم الثمان ج ر مع الفاء ويفعل الله ابرهيم يج د و
مع القاف ويقول الانسان مريم يو ب و ويقول الذين امنوا

اهؤلاء مائده و ج د ا ويقول الذين امنوا لولا محمد م كو ب ا
ويقول الذين كفروا لست رعد يج و ويقول الذين
كفروا لولا انزل عليه ايه من ربه انما رعد يج ب ويقول
الذين كفروا لولا انزل عليه ايه من ربه قل رعد يج ا
ويقولون امنا نور يج ر ويقولون ائنا صافات كج ب ا ويقولون
سبحان بنى اسرايل يد ج ا ويقولون طاعة نساء ه ب ا ويقولون لولا
يونس يا ب ر ويقولون متى هذا الفتح سجده كا د ا ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين قل انما ملك كط ا ج ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين قل لا يونس يا ج و ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين قل عسى نمل ك اا ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين قل لكم سبا كي ب ر ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين لو يعلم انبيا يز ا ر ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ما ينظرون يس كج ا و مع الكاف
ويكلم ال عمران ج ر مع اللام ويل لكل افاك جاثيه كه د ا ويل
لكل همزة همزه ل د و ويل للمطففين مطففين ل ب ا ويل
يومئذ للمكذبين الذين مطففين ل ب ا ويل يومئذ للمكذبين الم
نجعل مرسلات كط د ويل يومئذ للمكذبين الم نخلقكم مرسلات كط د ويل
يومئذ للمكذبين الم نهلك مرسلات كط د ويل يومئذ للمكذبين انطلقوا

مرسلات كط در ويل يومئذ للمكذبين انطلقوا مرسلات كط ك
ويل يومئذ للمكذبين فباى مرسلات كط در ويل يومئذ للمكذبين
كلوا مرسلات كط در ويل يومئذ للمكذبين واذا قيل مرسلات
كط در ويل يومئذ للمكذبين هذا يوم الفصل مرسلات كط ك
ويل يومئذ للمكذبين هذا يوم لا ينطقون مرسلات كط در
مع الميم ويمددكم نوح كط در ويمنعون ماعون لد ز مع النون
وينجى الله زمر كد ا ر وينذر الكهف يه ب وينصرك الله فتح
كو ب ر وينقلب انشقاق لد و مع الواو ويوم القيمة زمر كد ا ر
ويوم تشقق فرقان يط ا ا ويوم تقوم الساعة ادخلوا مومن كج ا
ويوم تقوم الساعة يبلس روم كا ا ر ويوم تقوم الساعة
يقسم روم كا ه ك ويوم تقوم الساعة يومئذ روم كا ا د
ويوم نبعث من كل امة شهيدا ثم نحل يد ح ر ويوم نبعث
فى كل امة شهيدا عليهم نحل يد ه د ا ويوم نحشرهم من كل
نمل كا ا و ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين اشركوا اين انعام
زب ر ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين اشركوا مكانكم يونس
يا ب ج ا ويوم نحشرهم كان لم يونس يا ه و ويوم نحشرهم جميعا يا معشر
انعام ح ا و ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول للملائكة سبا كيه ا
ويوم نحشرهم وما فرقان ي ع در ويوم نسير الكهف يه د ا

ويوم

ويوم يحشر اعداء الله فصلت مومن كد ج ا ويوم يعرض الذين كفروا
على النار اذهبتم احقاف كو ا و ويوم يعرض الذين كفروا على
النار اليس احقاف كو ا ل ويوم يقول الكهف يه د و ويوم يعض
فرقان يط ا ا ويوم ينفخ نمل ك ا او ويوم يناديهم فيقول اين شركائى
الذين كنتم تزعمون قال قصص ك ج ا و ويوم يناديهم فيقول
اين شركائى الذين كنتم تزعمون ونزعنا قصص ك ج و ويوم يناديهم
فيقول ماذا قصص ك ج ا و باب الهاء والالف
مع الالف ها انتم اولاء ال عمران د ا ر ها انتم هؤلاء حاججتم
ال عمران ح د ا ها انتم هؤلاء جادلتم نساء ه ح ر ها انتم
هؤلاء تدعون محمد كو ب ر مع الراء هارون طه يو ج ا
باب الهاء والدال مع الياء
هدى وبشرى نمل يط د ا وهدى وذكرى مومن كد ج ا
هدى ورحمة لقمان كا ب ر باب
الهاء والذال مع الالف هذا بصائر جاثية كه د و هذا
بلاغ ابرهيم ع د ر هذا بيان ال عمران د ا هذا خلق الله
لقمان كا ب ا هذا ذكر ص كج ج ر هذا عطاؤنا ص كج ج ر
هذا فليذوقوه ص كج ج ر هذا فوج ص كج ج ر هذا كتابنا
جاثية كه د ر هذا ما توعدون ليوم ص كج ج ر هذا ما توعدون

لكل فكود و هذات حج يزجه اهذا نذير نجم كزب ا هذا
نزلهم واقعه كزبه هذا وان ص كجه هذا هدى جاثيه كد ا هذا
يوم الفصل الذى صافات كجبا هذا يوم الفصل جمعنا كم
مرسلات كطه هذا يوم لا ينطقون مرسلات كطه مع الهاء
هذه النار طور كزا و هذه جهنم التى كنتم يس كجار
هذه جهنم التى يكذب رحمن كزجا باب
الهاء واللام مع الالف هل اتى على دهر كطدو هل اتيك حديث
الجنود بروج لبو هل اتيك حديث الغاشيه غاشيه لبا
هل اتيك حديث ضيف ذاريات كوه هل اتيك حديث موسى
نازعات له هل انبئكم شعرا يط جو مع التاء هل ثوب مطففين لو با
مع الجيم هل جزاء الاحسان رحمن كزجا مع الفاء هل فى
ذلك فجر لجا مع الكاف هلك الحاقه كطا مع اليا هل
ينظرون الا زخرف كه جو هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكه
او ياتى ربك انعام حبو هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة
او ياتى امر نحل يديه هل ينظرون الا ان ياتيهم الله بقره
بجا هل ينظرون الا تاويله اعراف حدا باب
الهاء والميم مع الالف هاؤم كطا و هم الذين كفروا
فتح كوجو اهم الذين يقولون منافقون كجه مع الدال هم

درجات

درجات ال عمران به مع الواو هم وازواجهم يس كجاو باب
الهاء والنون مع الالف هنالك ابتلى احزاب كاد و هنالك الولايه
الكهف يه هنالك تبلوا يونس باجه هنالك دعا ال عمران جه و
باب الهاء والواو مع الالف
هو الاول حديد كوذا هو الحى مومن كدج و هو الذى اخرج حشر كاو
هو الذى ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
كله وكفى فتح كوجو هو الذى ارسل رسوله بالهدى ودين
الحق ليظهره على الدين كله ولو كره توبه ج اهو الذى انزل
السكينه فتح كوبه هو الذى انزل عليك ال عمران به هو الذى
انزل من السماء نحل يدب اهو الذى بعث جمعه كجو هو الذى
جعل الشمس يونس با اهو الذى جعلكم فاطر كيدو هو الذى
جعل لكم الارض ملك كطا اهو الذى جعل لكم الليل يونس باو
هو الذى خلق السموات حديد كزدا هو الذى خلقكم فمنكم
تغابن كجه هو الذى خلقكم من تراب مومن كدجو هو الذى
خلقكم من طين انعام زبا هو الذى خلقكم من نفس
اعراف طجو هو الذى خلق لكم بقره ا او هو الذى يحيى مومن كدجو
هو الذى يريكم البرق رعد به هو الذى يريكم اياته مومن
كدبا هو الذى يسيركم يونس يابه هو الذى يصوركم ال عمران

جه به هو الذي يصلي احزاب كب ا و هو الذي ينزل على حديد كز د ا
هو الله الخالق حشر كد ب و هو الله الذي لا اله الا هو عالم
حشر كد ب ا هو الله الذي لا اله الا هو الملك حشر كد ب ا مع اللام
هؤلا الكهف يه و مع اليا هو يحيى يونس يا ج ا باب
الها، واليا مع الها هيهات مومنون يح ا و باب
اليا، والالف مع الالف يا ابت اني اخاف مريم يو ب ا يا ابت
اني قد جاني مريم يو ب ا يا ابت لا تعبد مريم يو ب ا يا ابرهيم
هود يب به يا اخت مريم يو ب ا يا اهل الكتاب قد جاكم رسولنا
يبين لكم على مائده و به يا اهل الكتاب قد جاكم رسولنا
يبين لكم كثيرا مائده و به يا اهل الكتاب لا تغلوا نسا و ا
يا اهل الكتاب لم تحاجون ال عمران ج د يا اهل الكتاب لم
تكفرون ال عمران ج د يا اهل الكتاب لم تلبسون ال عمران ج د
يا ايها الانسان انك انشقاق و د يا ايها الانسان ما غرك
انفطار ا يا ايها الذين امنوا اتقوا الله حق ال عمران د ا
يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وابتغوا مائده و ج ا يا ايها
الذين امنوا اتقوا الله وامنوا حديد كز د يا ايها الذين
امنوا اتقوا الله وذروا بقره ج ب ا يا ايها الذين امنوا
اتقوا الله وقولوا احزاب كب ا يا ايها الذين امنوا اتقوا

الله

الله وكونوا توبه يا ا يا ايها الذين امنوا اتقوا الله ولتنظر
حشر كد ب ا يا ايها الذين امنوا اجتنبوا حجرات كو ج يا ايها
الذين امنوا ادخلوا بقره بج ا يا ايها الذين امنوا اذا تداينتم
بقره ج ب ا يا ايها الذين امنوا اذا تناجيتم مجادله كح ا
يا ايها الذين امنوا اذا جاكم ممتحنه كح ب يا ايها الذين
امنوا اذا ضربتم نساء ج و يا ايها الذين امنوا اذا قمتم
مائده و ب ا يا ايها الذين امنوا اذا قيل لكم مجادله كح ا و يا ايها
الذين امنوا اذا لقيتم الذين انفال ط د ا يا ايها الذين امنوا
اذا لقيتم فئة انفال ي ا يا ايها الذين امنوا اذا ناجيتم
مجادله كح ا و يا ايها الذين امنوا اذا نكحتم احزاب كب ا و
يا ايها الذين امنوا اذكروا الله احزاب كب ا و يا ايها الذين
امنوا اذكروا نعمت الله عليكم اذ هم مائده و ب و يا ايها الذين امنوا اذكروا
نعمت الله عليكم اذ جاتكم احزاب كا د و يا ايها الذين امنوا اركعوا
حج يز د يا ايها الذين امنوا استجيبوا انفال ط د و يا ايها
الذين امنوا استعينوا بقره ب ا و يا ايها الذين امنوا
اصبروا ال عمران ك يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و
اطيعوا الرسول واولي الامر نساء ه ب يا ايها الذين امنوا
اطيعوا الله واطيعوا الرسول ولا محمد كو د يا ايها

الذين امنوا اطيعوا الله ورسوله انفال طه و يا ايها الذين
امنوا امنوا نساء كه و يا ايها الذين امنوا ان تتقوا الله
انفال كط ر يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا الذين ال عمران ك ر
يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا فريقا ال عمران ي ا يا ايها
الذين امنوا ان تنصروا الله محمد كو ا يا ايها الذين
امنوا ان جاءكم حجرات كو د يا ايها الذين امنوا ا
انفقوا مما رزقناكم بقره ج ١١ يا ايها الذين امنوا انفقوا
من طيبات بقره ج ا و يا ايها الذين امنوا ان كثيرا
توبه ى ج ا يا ايها الذين امنوا انما الخمر مائده ز ا ا
يا ايها الذين امنوا انما المشركون توبه ى ب يا ايها
الذين امنوا ان من ازواجكم تغابن كح د ا يا ايها الذين
امنوا اوفوا بالعقود مائده و ا يا ايها الذين امنوا
توبوا التحريم كح د يا ايها الذين امنوا خذوا
نساء ه ب و يا ايها الذين امنوا شهادة مائده ز ا و
يا ايها الذين امنوا اذا نودي جمعه كح ج و يا ايها الذين
امنوا عليكم مائده ز ا و يا ايها الذين امنوا
قاتلوا توبه ي ا ب ا يا ايها الذين امنوا قوا تحريم كح د
يا ايها الذين امنوا كتب عليكم الصيام بقره ب ب ا يا ايها

الذين

الذين امنوا كتب عليكم القصاص بقره ب ب ا يا ايها الذين
امنوا كلوا بقره ب ب ا يا ايها الذين امنوا كونوا انصار الله
صف كح ج ا يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين بالقسط نساء ه و
يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين لله مائده ال عمران و ب يا ايها
الذين امنوا لا تاكلوا الربوا ال عمران د ب يا ايها الذين امنوا
لا تاكلوا اموالكم نساء ه ا يا ايها الذين امنوا لا تبطلوا
بقره ج و يا ايها الذين امنوا لا تتبعوا نور يج ا يا ايها
الذين امنوا لا تتخذوا اباءكم توبه ي ب و يا ايها الذين
امنوا لا تتخذوا الكافرين نساء ه ر يا ايها الذين امنوا
لا تتخذوا الذين مائده و ا يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا
اليهود مائده و ج د يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانة
ال عمران د ب يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا عدوي ممتحنه كح ب
يا ايها الذين امنوا لا تتولوا ممتحنه كح ب يا ايها الذين
امنوا لا تحرموا مائده ز ا يا ايها الذين امنوا لا تحلوا
مائده و ا يا ايها الذين امنوا لا تخونوا الله انفال ط د ر
يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا بيوتا نور يج ا يا ايها
الذين امنوا لا تدخلوا بيوت النبي احزاب كب ا يا ايها الذين
امنوا لا ترفعوا حجرات كو ج و يا ايها الذين امنوا لا تسئلوا

مائده زاو يا ايها الذين امنوا لا تقتلوا مائده زاه يا ايها
الذين امنوا لا تقدموا حجرات كوجد يا ايها الذين امنوا لا
تقربوا نساه او يا ايها الذين امنوا لا تقولوا بقره
اجر يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين اذوا احزاب كيد
يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا ال عمران دبر يا
ايها الذين امنوا لا تلهكم منافقون كجد يا ايها
الذين امنوا لا تحلوا مائده در يا ايها الذين امنوا لا يسخر
حجرات كوجز يا ايها الذين امنوا لم تقولون صف كجا يا ايها
الذين امنوا ليبلونكم الله مائده زاه يا ايها الذين امنوا
ليستاذنكم نور يج د ا يا ايها الذين امنوا ما لكم توبه
يا ايها الذين امنوا من يرتد مائده و يا ايها الذين امنوا
هل ادلكم صف كجا يا ايها الذين اوتوا الكتاب نساه
يا ايها الذين كفروا تحريم يا ايها الرسل مومنون
يا ايها الرسول بلغ مائده ودو يا ايها الرسول لا يحزنك
مائده وجه يا ايها المدثر مدثر كطا يا ايها المزمل مزمل كطا يا ايها
الناس اتقوا ربكم الذي نساه دا يا ايها الناس اتقوا
ربكم ان زلزلة حج يزجا يا ايها الناس اتقوا ربكم
واخشوا لقمان كاجو يا ايها الناس اذكروا فاطر كيجه

يا

يا ايها الناس اعبدوا بقره اا و يا ايها الناس انا خلقناكم
حجرات كودا يا ايها الناس انتم الفقراء فاطر كبد يا ايها الناس
ان كنتم حج يزجا يا ايها الناس ان وعد الله فاطر كيجد
يا ايها الناس ضرب حج يزدر يا ايها الناس قد جاءتكم
يونس يلد يا ايها الناس قد جاءكم الرسول نساه ار
يا ايها الناس قد جاءكم برهان نساه ار يا ايها الناس
كلوا بقره بار يا ايها النبي اتق الله احزاب كادا يا ايها
النبي اذا جاءك ممتحنه كجد يا ايها النبي اذا طلقتم طلاق كدا
يا ايها النبي لم تحرم تحريم كدو يا ايها النبي انا ارسلناك احزاب كبه
يا ايها النبي انا احللنا احزاب كبو يا ايها النبي جاهد
الكفار والمنافقين وماويهم جهنم وبئس المصير
ضرب الله تحريم كدر يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين
واغلظ عليهم وماويهم جهنم وبئس المصير يحلفون توبه انفال
ودو يا ايها النبي حرض المومنين انفال يا ايها النبي
حسبك الله انفال ا يا ايها النبي قل لازواجك
ان كنتن احزاب كاد يا ايها النبي قل لازواجك وبناتك
احزاب كبه يا ايها النبي قل لمن في ايديكم انفال
يا ايتها النفس فجر لجا مع البا يا بني ادم اما اعراف

واغلظ عليهم

يابني ادم خذوا اعراف جا يابني ادم قد انزلنا اعراف جا
يابني ادم لا يفتننكم اعراف جا يابني اذهبوا يوسف يح ار
يابني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واوفوا بقره
٣٦ يابني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واني
فضلتكم على العالمين واتقوا يوما لا تجزي نفس عن
نفس شيا ولا يقبل منها شفاعة بقره اب ا يابني
اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واني فضلتكم
على العالمين واتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيا
ولا يقبل منها عدل بقره اد و يابني اسرائيل قد انجيناكم
طه يود ا يابني اقم الصلوة لقمان كا د ا يابني انها لقمان كا ج
مع التاء ياتوك بكل سحار شعرا يط ب د ياتوك بكل ساحر
اعراف ط ا و مع الحاء يا حسرة يس كج ١١ مع الدال يا دا ود
ص كج ج و مع الزاء يا زكريا مريم يو ا ر مع الصاد يا صاحبي
السجن ءارباب يوسف يه يا صاحبي السجن اما يوسف يب ذو
مع العين يا عبادي لا خوف زخرف كه ج و يا عبادي الذين
عنكبوت كا ا و مع القاف يا قوم ادخلوا مائده و ب ر يا قوم انما
هذه مومن كد ب يا قوم لا اسالكم هود يب ا يا قوم
لكم الملك مومن كد ب د يا قومنا احقاف كو ا و مع اللام يا ليتها

احقاف

الحاقه كط ب ا مع الميم يا مريم ال عمران ج ج ر يا معشر الجن و
الانس الم ياتكم انعام ح ا ر يا معشر الجن والانس ان استطعتم
رحمن كز ج ا يا موسى نمل يط د ا مع النون يا نساء النبي
لستن احزاب كي ا ا يا نساء النبي من يات احزاب كا د ر مع الواو
يا ويلتي فرقان يط ا ا مع الياء يا يحيى مريم يو ا ر باب
الياء والباء مع الشين يبشرهم توبه ي ب ر مع الصاد يبصرونهم
معارج كط ب و باب الياء والتاء مع الجيم يتجرعه
ابرهيم يح د ا مع الخاء يتخافتون طه يو د و مع النون
يتنازعون طور كر ا و مع الواو يتوارى نحل يد ج ه ا
مع الياء يتيما بلد ا ج ا باب الياء والثاء
مع الباء يثبت الله ابرهيم يح د و باب الياء والجيم
مع الالف يجادلونك انفال توبه ط د ا باب الياء والحاء
مع الذال يحذر المنافقون توبه ي ح ز د ا مع السين يحسب
همزه ا د و يحسبون احزاب كا ب ر مع اللام يحلفون بالله
لكم توبه يح ب د ا يحلفون بالله ما قالوا توبه ي د و يحلفون
لكم توبه يا ا ا باب الياء والخاء مع الالف
يخادعون الله بقره ا ا ا يخافون نحل يد ج ا مع التاء
يختص ال عمران ج د و مع الراء يخرج الحي روم كا ا ر يخرج من بين

طارق لب و يخرج منهما رحمن كزجه ٢ اباب
اليا، والدال مع اليا، يدبر الامر سجده كاجه ومع الخا، يدخل
دهر كطادر مع العين يدعوا لمن ضره حج يزجه ١ يدعوا
من دون الله حج يزجه ١ يدعون دخان كه جه رباب
اليا، والواو مع الثا، يوثى مريم يوار مع السين يرسل السما
نوح كطابر يرسل عليكما رحمن كزجه ١ مع اليا، يريد الله ان يخفف
نساه ١١ يريد الله ليبين نساه ١١ يريد الله ان يخرجكم من ارضكم
بسحره فما ذا تامرون اعراف طاو يريد ان يخرجكم من ارضكم فما ذا تامرون
شعرا يطاب يريدون ان يخرجوا مائده وجه ١ يريدون ان يطفوا
توبه ى بر يريدون ليطفوا ابو صف كجه ١ باب اليا،
والسين مع الالف يسالك الناس احزاب كب ١ مع الهمزه
يسلك اهل الكتاب نساو ١١ ميسل ايان قيمه كدادا
يسلون ايان ذاريات كوه يسلونك عن الانفال انفال طدا
يسلونك عن الاهله بقره ب ب و يسلونك عن الخمر
بقره ب جه ويسلونك عن الساعه اعراف طجه ويسلونك
عن الشهر الحرام بقره ب جه ويسلونك ماذا احل لهم
مائده وبا يسلونك ماذا ينفقون بقره ب جه ا يسله رحمن
كزجه ١ مع اليا، يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك

بسحره

جمعه

جمعه كجه ١ يسبح لله ما في السموات وما في الارض له الملك
تغابن كجه ر يسبح له السموات بني اسرائيل ايه ار يسبحون انبيا
يز ١١ مع التا، يستبشرون ال عمران د جه ا يستخفون نسا
د جه ر يستعجلون شورى كه ا ر يستعجلونك عنكبوت كا ١١ يستفتونك
نسا و ار مع القاف يسقون مطففين ل ب ا مع الميم يسمع
جاثيه كدا مع الواو يس والقران يس كب در باب
اليا، والشين مع الها، يشهده مطففين ل ب ا باب
اليا، والصاد مع اللام يصلح لكم احزاب كب ا يصلونها انفطار
ل ب ا مع الها، يصهر حج يزجه و باب
اليا، والضاد مع الالف يضاعف فرقان يط ار باب
اليا، والطا مع الالف يطاف عليهم بصحاف زخرف كه جه و يطاف
عليهم بكاس صافات كج ب ا مع الواو يطوف واقعه كزجه د
يطوفون رحمن كزجه ا باب اليا، والعين
مع التا، يعتذرون توبه يا ١١ مع الدال يعدهم نسا
هد ا مع الذال يعذب عنكبوت ك د و مع الرا، يعرف رحمن
كزجه ا يعرفون نحل يد ب ر مع الظا، يعظم الله نوح كجه ب
مع اللام يعلم خائنه مومن كد ب و يعلم ما بين ايديهم وما
خلفهم والى الله حج يزجه د ر يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم

ولا يشفعون انبيا بزاو يعلم مابين ايديهم وماخلفهم
ولا يحيطون طه يودو يعلم مافي السموات تغابن يم تحريم كج د
يعلم مايلج سبا كب با يعلمون ظاهرا روم كا لم يعلمون ما
تفعلون انفطار لا مع الميم يعملون سبا كب ديا ب
اليا، والغين مع الشين يغشى الناس دخان كه ج و مع الفا،
يغفر لكم ذنوبكم صف كج ا يغفر لكم من ذنوبكم نوح كط د
با ب اليا، والفا مع القاف يفقهوا
طه يو ج ا با ب اليا، والقاف مع الدال يقدم
هود يج ا مع اللام يقلب الله نور يح ج ب مع الواو يقول
الانسان قيمه كط دا يقول اهلكت بلد ج ا يقول
انك صافات كج د يقولون منافقون كح يقول ياليتني
فجر ج ا با ب اليا، والكاف مع الالف يكاد البرق
بقره اا با ب اليا، واللام مع اليا يلبسون
دخان كه ج مع القاف يلقون شعرا يط ج ربا ب
اليا، والميم مع الحا يمحق الله بقره ح ب ا يمحوا الله رعد
لج ج و مع النون يمنون حجرات كو دا با ب
اليا، والنون مع الالف ينادونهم حديد كز د و مع اليا ينبت
نحل يد با ينبتوا قيمه كط دا مع الزا ينزل نحل يد يا با ب

اليا، والواو مع التا، يوتى الحكمة بقره ج ا مع السين يوسف
اعرض يوسف يب د يوسف ايها الصديق يوسف يب د
مع الصاد يوصيكم الله نسا دد ا مع الفا، يوفك ذاريات
كو د يوفون دهر كط د مع اللام يولج الليل في النهار و
يولج النهار في الليل وسخر الشمس فاطر كب ج يولج الليل
في النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم حديد كو دا مع الميم
يوم ياتي نحل يد دو يوم تبدل ابرهيم يج د يوم تبلى السرائر
طارق لب يوم تبيض ال عمران د ا يوم تجد ال عمران ج يوم
ترونها حج يز ج ا يوم ترى المومنين حديد كز د و يوم
ترجف الارض مزمل كط ج و يوم ترجف الراجفه نازعات او
يوم تشقق ق كو د يوم تشهد نور يح ج ا يوم تقلب
احزاب كب با يوم تكون معارج كط ب و يوم تمور طور كز او
يوم تولون مومن كد ج و يوم لا يغني عنهم طور كز او
يوم لا يغني مولى دخان كه ج يوم لا ينفع الظالمين
مومن كد ج ا يوم لا ينفع مال شعرا يط ب يوم لا تملك
انفطار ل با يوم نبطش دخان كه ج و يوم نحشر مريم يو ج
يوم ندعوا بني اسرائيل يه د يوم نطوي انبيا يز ب يوم
نقول ق كو د و يوم تبيض ال عمران د ا يوم هم بارزون

مومن كدبا يوم هم على النار ذاريات كودر يوم يات
هود بيح ويوم يتذكر نازعات لاويوم يجمع الله ٥
مائده زار يوم يبعثهم الله جميعا فيحلفون مجادله
كح او يوم يبعثهم الله جميعا فينبئهم مجادله كح اا
يوم يجمعكم تغابن دا يوم يحيى توبه ى ح ا يوم يخرجون
معارج كطاو يوم يدعوا كم بنى اسرائيل ايه ا يوم
يدعون طور كزاو يومئذ ببنيه معارج كطاو يومئذ
تحدث زلزله دا يومئذ تعرضون الحاقه كطابا
يومئذ لا تنفع طه يودو يومئذ يتبعون
طه يودو يومئذ يصدر زلزله دا يومئذ
يود نساء هاز يومئذ يوفيهم الله نور يح ا
يوم يرون فرقان يطاا يوم يسحبون قمر
كوبر يوم يسمعون ق كودر يوم يغشيهم
عنكبوت كاا يوم يفر المرء عبس لار يوم يقول
حديد كزدو يوم يقوم الروح نبا لاا يوم
يقوم الناس مطففين لدا يوم يكشف ن
كطار يوم يكون قارعه لدا يوم ينظر
نبا لاا يوم ينفخ فى الصور ونحشر طه يودو

يوم

يوم ينفخ فى الصور فتاتون نبا لاا باب
الياء والهاء مع الدال يهدى الى الرشد
جن كطاجا يهدى به مايده وبد
تمت القسم الاول من الرسالة الهادية
القطبشاهيه ويتلوه
القسم الثانى
٢م٢

بسم الله الرحمن الرحيم

این قسم ثانی رساله هادیه قطبشاهیست وقاعده
درین قسم چنانست که از اخر ایه که مطلوب باشد
دو حرف باید گرفت و با حرف سابق که ثالث ان دو حرف
است نظر باید کرد که چه حرف است از حروف تهجی در همان
باب انرا باید یافت چنانکه در قسم اول مذکور شد مثلا
ان الله یفعل ما یشا که اخر ایه است و در اخر او همزه
و الف واقعست و حرف سابق که سیم ایشانست شین
است و هر ایه که مثل این باشد در باب
همزه و الف مع الشین باید یافت و هم چنین در جمیع ابواب
دیگر همین طریق باید دید و علامتها درین قسم مثل قسم
اولست باین طریق که علامت رقم اول علامت جزو است
و علامت رقم سیوم علامت حزب است و الف سیاهی علامت
اول حزب است و واو علامت وسط حزب است و را
علامت اخر حزب است و علامت سوره ها چنانست

اسم سوره هست و علامت رقم دویم علامت

که در

در قسم اول معلوم شد الی و انچه متمم ثلث میتوان زند بکلمه یا بحرفی
والله فی کل الامور حسبی باب الهمزه و الالف
مع الشین انشا واقعه کز ج ر ان الله یفعل ما یشا ا ج یو ج و
کذلک الله یفعل ما یشا ال عمران ج ٧ الله ما یشا ابرهیم
یج د و مع العین سمیع الدعا ال عمران ج ج لسمیع الدعا
ابرهیم یج د ر و تقبل دعا ابرهیم یج د ر مع المیم من شی فی
الارض و لا فی السما ابرهیم یج د ر علیه شی فی الارض و
لا فی السما ال عمران ج ب و فرعها فی السما ابرهیم یج د و مع
الوا و هوا ابرهیم یج د ر باب الالف و الباء مع
الالف کتابا نبا ك ا ا متابا فرقان یط ا ر عذابا نبا ك ا ا
و لا کذابا نبا ك ا ا ایابا نبا کذابا نبا ك ا ا عربا اترابا
واقعه کز ج ر وکواعب اترابا نبا ك ا ا کنت ترابا نبا ك ا ا
سرابا نبا ك ا ا و لا شرابا نبا ك ا ا عطا حسابا نبا ك ا ا
لا یرجون حسابا نبا ك ا ا خطابا نبا ك ا ا احقابا نبا ك ا ا
للطاغین مابا نبا ك ا ا الی ربه مابا نبا ك ا ا و اعنابا
نبا ك ا ا ابوابا نبا ك ا ا توابا نصر ل د ر صوابا نبا ك ا ا و ابا
عبس ل ا ر مع الباء فاتبع سببا الکهف یو ا ا خبرا ثم اتبع
سببا الکهف یو ا ر یسرا ثم اتبع سببا الکهف یو ا و شی سببا

الكهف يو اا مع الجيم قرانا عجبا جن كطجا من اياتنا عجبا
الكهف يدج وفي البحر عجبا الكهف يه در مع الحا، جا بنا ل اا
مع الذال الا كذابا الكهف يدج والجن على الله كذبا جن كطجا
ممن افترى على الله كذبا الكهف يدج ومع الرا، سربا الكهف يد د
هربا جن كطجا مع الصاد صبيا عبس لا او نصبا الكهف
يه در عضبا الكهف يو اا مع الضاد وقضبا عبس لا او
مع الطا، حطبا جن كطجا مع العين رعبا الكهف يدر
مع القاف حقبا الكهف يه در عقبا الكهف يه د نقبا الكهف
يو او مع اللام غلبا عبس لا ا طلبا الكهف يه د ا منقلبا
الكهف يه د ا مع الها، وشهبا جن كطجا مع اليا، عذابا
قريبا بنا ل اا ذلك فتحا قريبا فتح كوب ا واثابهم فتحا
قريبا فتح كوب ا تكون قريبا احزاب كب ا ان يكون قريبا
بني اسرائيل يه م عليك حسيبا بني اسرائيل يه اا عليهم وكفى بالله
حسيبا نسا دد وا الا الله وكفى بالله حسيبا احزاب كب
شي حسيبا نسا ه ج ا شيا مريم كعر عليكم رقيبا نسا
د جو كل شي رقيبا احزاب كب ا نقيبا مائده وب و باب
الالف والتا، مع الالف سبا تا بنا ل اا من الارض نباتا
نوح كطب و نباتا بنا ل اا قرانا مرسلات كط وكفاتا مرسلات

كطادر

كطادر ميقاتا بنا ل اا وامواتا مرسلات كطادر مع القاف
وقتا نسا دد مع الميم ولا امتا طه يود و مع الواو موقوتا
نسا ه ج مع اليا، تثبيتا نسا ه ب ا مقيتا نسا ه ب
باب الالف والثا، مع البا، منبثا
واقعه كز و مع اليا، يفقهون حديثا نسا ه ب من الله حديثا
نسا ه ج ا ولا يكتمون الله حديثا نسا ه ا و باب
الالف والجيم مع الالف ثجاجا بنا ل اا فجاجا نوح كطب
اخراجا نوح كطادر سراجا نوح كطب ازواجا بنا ل اا
فتاتون افواجا بنا ل اا في دين الله افواجا نصر ادر وهاجا
بنا ل اا مع الزا، زجا واقعه كز و مع الواو عوجا الكهف يه ج و
باب الالف والحا، مع البا، سبحا
نازعات ل ا وصبحا عاديات ل ا ضبحا عاديات ل ا مع الدال قدحا
عاديات ل ا مع اللام صالحا الكهف يو اا باب
الالف والدال مع الالف شيئا ادا مريم يوب ا وتادا
بنا ل اا شدادا بنا ل اا مرصادا بنا ل اا مهادا بنا ل اا مع الباء
ولن تفلحوا اذا ابدا الكهف يه ج فلن يهتدوا اذا ابدا
الكهف يه در فيها ابدا جن كطجا هذه ابدا الكهف يه د ا
فيه ابدا الكهف يه ج عبدا مريم يوب ما لا يلبث الا بلدا

عليه لبدا جن كطجو ومع الجيم مسجدا الكهف يه جر وسجدا
بني اسرائيل يه جا مع الحاء بربنا احدا جن كطجا من البشر احدا
مريم يويه اربك احدا الكهف يه دو بكم احدا الكهف يه جد
منهم احدا الكهف يه دو فيهم منهم احدا الكهف يه جد به
احدا الكهف يه لو جن كطجا ربه احدا الكهف يه او على غيبه احدا
جن كطجو وبعث الله احدا جن كطجا مع الله احدا
جن كطجا في حكمه احدا الكهف يه جر ولا اشرك بربي
احدا الكهف يه دا لم اشرك بربي احدا الكهف يه دو اجد
من دونه ملتحدا جن كطجو وتجد من دونه ملتحدا الكهف
يه جر مع الدال واقل عددا جن كطجو وسنين عددا الكهف
يه جو وشيء عددا جن كطجو مددا جن كطجا مددا مريم يوا
مع الراء يأتينا فردا مريم يويه يوم القيمة فردا مريم يويه
مردا مريم يويه ووردا مريم يويه مع السين سدا الكهف لو
مع الشين من هذا رشدا الكهف يه جر ولا رشدا جن كطجو
من امرنا رشدا الكهف يه جو مما علمت رشدا الكهف يه دو
وليا مرشدا الكهف يه جو ربهم رشدا جن كطجا تحروا
رشدا جن كطجا مع الصاد شهابا رصدا جن كطجا ومن
خلفه رصدا جن كطجو ومع الضاد عضدا الكهف يه دو

عليهم

عليهم ضدا مريم يويه مع العين صعدا جن كطجا وعدهم
عدا مريم يويه لهم عدا مريم يويه لكم موعدا الكهف
يه دو لمهلكهم موعدا الكهف يه دو مع الغين غدا الكهف يه جو
مع الفاء وفدا مريم يويه مع اللام لدا مريم يويه ولا
ولدا جن كطجا ان يتخذ ولدا مريم يويه الرحمن ولدا مريم
يويه للرحمن ولدا مريم يويه مثل مالا وولدا الكهف
يه دو لاوتين مالا وولدا مريم يويه الله ولدا الكهف
يه جو ومع الميم لبثوا امدا الكهف يه جو وربي امدا جن كطجو
من العذاب مدا مريم يويه الرحمن مدا مريم يويه
مع النون جندا مريم يويه مع الواو وصدودا انبياء
عدودا مدثر كطجو صعودا مدثر كطجو محمودا بني اسرائيل يه جو
وردا مريم يويه مشهودا بني اسرائيل يه جو وشهودا مدثر كطجو
مع الهاء ام اتخذ عند الرحمن عهدا مريم يويه من اتخذ
عند الرحمن عهدا مريم يويه هدا مريم يويه مع الياء
وحيدا مدثر كطجو سبيله وقالوا ءاذا كنا عظاما ورفاتا انا
لمبعوثون خلقا جديدا بني اسرائيل يه جو باياتنا وقالوا
اءذا كنا عظاما ورفاتا انا لمبعوثون خلقا جديدا بني اسرائيل يه جو
وحده بني اسرائيل يه جو وقولوا قولا سديدا احزاب كبد

وليقولوا قولا سديدا نسا ددا شديدا احزاب كاده
مريدا نساه دا ضلوا ضلالا بعيدا نسا وا فقد ضل
ضلالا بعيدا نساه در بالله فقد ضل ضلالا بعيدا
نساه دا ان يضلهم ضلالا بعيدا نساه با يرونه
بعيدا معارج كط والم واكيد كيدا طارق لديه يكيدون كيدا
طارق لبه حميدا نساه د وعيدا مدثر كطاجه رويدا
طارق لبه على هولاء شهيدا نساه او ومنهم شهيدا
نساه به عليهم شهيدا نسا و ١١ رسولا وكفى بالله شهيدا
نساه به كله وكفى بالله شهيدا فتح كوجه يشهدون و
كفى بالله شهيدا نسا و ١١ او نصيبهم ان الله كان على
كل شي شهيدا نساه او واتقين الله ان الله كان على
كل شي شهيدا احزاب كبه تمهيدا مدثر كطاجه باب
الالف والراء مع الالف الا ابتارا نوح كطابه كبارا نوح كط
استكبارا نوح كطابه مدرارا نوح كطابه اسرارا نوح كط
يريدون الا فرارا احزاب كادو دعائي الا فرارا نوح كطابه
كفرهم الا خسارا فاطر كبه دو الظالمين الا خسارا بني اسرائيل
يه به ولده الا خسارا نوح كطابه انصارا نوح كطابه
غفارا نوح كطابه كفارا نوح كطابه وقارا نوح كطابه

نجعلنا

نجعلنا هن ابكارا واقعه كوجه د وابكارا تحريم كجه در فادخلوا
نارا نوح كطابه للظالمين نارا الكهف يه دبها اطوارا نوح كطابه
جهارا نوح كطابه انهارا نوح كطابه وغفارا نوح كطابه ديارا
نوح كطابه مع الباء خبرا الكهف يه در لديه خبرا الكهف يو او
بتاويل ما لم تستطع عليه صبرا الكهف يو ١١ تاويل ما لم تسطع
عليه صبرا الكهف يو ا قال انك لن تستطيع معي صبرا الكهف
يه در نكرا قال الم اقل لك انك لن تستطيع معي صبرا الكهف
يو ١١ امرا قال الم اقل لك انك لن تستطيع معي صبرا الكهف
يه در مع التاء سترا الكهف يو اه مع الجيم له اجرا طلاق كجه د و
عليه اجرا الكهف يو ١١ زجرا صافات كه با مع الدال مقتدرا
الكهف يه د و قدرا طلاق كجه د مع الذال عذرا الكهف يو ١١
او نذرا مرسلات كطادس مع الزاء وزرا طه يو يه و مع السين
خسرا طلاق كجه د وعسرا الكهف يه در ونسرا نوح كطابه من
امرنا يسرا الكهف يو ١١ فالجاريات يسرا ذاريات كوه در عسر يسرا
طلاق كجه د وان مع العسر يسرا الم نشرح له فان مع العسر
يسرا الم نشرح له ومن امره يسرا طلاق كجه د و مع الشين الا
عشرا طه يو د ونشرا مرسلات كطادس مع الصاد منتصرا الكهف
يه د و ولا نصرا فرقان يجه در مع الطاء قطرا الكهف يو او مع

الفاء وكفرا الكهف يه ٢ انفرا الكهف يه دا مع القاف وقرا
ذ انابه كوده مع الكاف من لدنا ذكرا طه يود و فالملقيات
ذكرا مرسلات كط فالتاليات ذكرا صافات كجب الهم ذكرا
طه يود و لك منه ذكرا الكهف يه نيه عليكم منه ذكرا الكهف
يو ١١ وعذبناها عذابا نكرا الطلاق كج دو فيعذبه عذابا
نكرا الكهف يو ١١ شيئا نكرا الكهف يه جه د مع الميم شيئا امرا
الكهف يه ده ذلك امر الطلاق كج دا فالمدبرات امرا نازعات الاو
فالمقسمات امرا ذاريات كو ده للامرا الكهف يه ده مع الواو
وكانوا قوما بورا فرقان يج دا وكنتم قوما بورا فتح
كوئبه يدعوا ثبورا انشقاق له هنالك ثبورا فرقان يج د ٧
على بعض واتينا داود زبورا بنى اسرائيل يه ب اوسليمن
واتينا داود زبورا نسا واو مستورا بنى اسرائيل يه اد
فتورا بنى اسرائيل يه ج ١ هباء منثورا فرقان يط ١١ لؤلؤا منثو
دهر كط دو ويقولون حجرا محجورا فرقان يط ١١ وحجرا محجورا فرقان
يط او محجورا فرقان يط المحسورا بنى اسرائيل يه او مدحورا بنى اسرائيل
يه ا و ياموسى مسحورا بنى اسرائيل يه ج ا نحورا نساه ا و وقال
الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا فرقان يج د ٨ اذ يقول
الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا بنى اسرائيل يه ١ه

بثبورا بنى اسرائيل يه ج ٢ ه

مقدورا

١١٠

مقدورا احزاب كب ١ه ومحذورا بنى اسرائيل يه ب في اهله مسرورا
انشقاق له و ٧ و مسرورا دهر كط دو بعضا الا غرورا فاطر
كب دو و رسوله الا غرورا احزاب كا دو وزورا فرقان
يج د مسحورا بنى اسرائيل يه او و يمنيهم وما يعدهم الشيطان
الا غرورا نساه دا وعدهم وما يعدهم الشيطان الا غرورا
بنى اسرائيل يه ب ولا نشورا فرقان يج دو النهار نشورا فرقان
يط او منشورا فرقان يط ١١ لا يرجون نشورا فرقان يط ١١
قصورا فرقان يج ده منصورا بنى اسرائيل يه ار شديدا كان
ذلك في الكتاب مسطورا بنى اسرائيل يه ب امر و فاكان
ذلك في الكتاب مسطورا احزاب كا دو محظورا بنى اسرائيل يه او
كافورا دهر كط دو تسبيحهم انه كان حليما غفورا بنى اسرائيل
يه ار بعده انه كان حليما غفورا فاطر كب د و للاوابين
غفورا بنى اسرائيل يه ا و كان عفوا غفورا نساه ار الله
عفوا غفورا نساه ج وليذكروا فابى اكثر الناس الا
كفورا فرقان يط ١ و مثل فابى اكثر الناس الا كفورا بنى اسرائيل
يه ب الظالمون الا كفورا بنى اسرائيل يه ج ا واما كفورا دهر
كط دو الانسان كفورا بنى اسرائيل يه ب وا وكفورا دهر كط دو
لربه كفورا بنى اسرائيل يه ا و ما زادهم الا نفورا فاطر كب دو

الى اهله مسرورا انشقاق ٩

يزيدهم الا نفورا بنى اسرائيل يه ا وزادهم نفورا فرقان يط ا
موفورا بنى اسرائيل يه اعلى ادبارهم نفورا بنى اسرائيل يه مذكورا
دهر كط د و عبدا شكورا بنى اسرائيل يه ا ولا شكورا دهر
كط د و اواراد شكورا فرقان يط ا سعيكم مشكورا
دهر كط د و سعيهم مشكورا بنى اسرائيل يه ا و مورا طور كز ا و
نورا نوح كط يه ما، طهورا فرقان يط ا و شرابا طهورا
دهر كط د و مع اليها، غمرا الكهف يه د ا مع اليا، لطيفا
خبيرا احزاب كب ا تبرناه تتبيرا فرقان يط ا و ما علوا
تتبيرا بنى اسرائيل يه ا عليما خبيرا نساء ه ا و به خبيرا فرقان
يط ا فتبينوا ان الله كان بما تعملون خبيرا نساء ه ج
من ربك ان الله كان بما تعملون خبيرا احزاب كا د ا و تعرضوا
فان الله كان بما تعملون خبيرا نساء ه د و تتقوا
فان الله كان بما تعملون خبيرا نساء ه د و كان الله بما
تعملون خبيرا فتح كو نه والله بما تعملون خبيرا
بقوم بصره د ا عباده خبيرا فرقان يط ا عذابا كبيرا فرقان يح د
حوبا كبيرا نساء د ا جهادا كبيرا فرقان يط ا و اجرا كبيرا
بنى اسرائيل يه ا خطاء كبيرا فرقان يط ا و ملكا كبيرا دهر
كط د و فضله كبيرا احزاب كب ا و طغيانا كبيرا بنى اسرائيل يه

عتوا كبيرا فرقان يط ا ولتعلن كبيرا بنى اسرائيل يه ا
يقولون علوا كبيرا بنى اسرائيل يه ا لعنا كبيرا احزاب كب
عليا كبيرا نساء ه ا و تكبيرا الكهف يه م بنى اسرائيل و عليك كبيرا بنى اسرائيل
يه ذكرا كثيرا احزاب كب ا و ثبورا كثيرا فرقان يح د
خيرا كثيرا نساء د اختلافا كثيرا نساء ه اضلوا
كثيرا نوح كط نسبحك كثيرا طه يو ا ونذكرك كثيرا
طه يو ا ذلك كثيرا فرقان يط ا وذكر الله كثيرا احزاب
كا د عن سبيل الله كثيرا نساء و ا وانا سى كثيرا فرقان يط
يط ا خلالها تفجيرا بنى اسرائيل يه يفجرونها تفجيرا دهر كط د و
عليما قديرا فاطر كب د و عفوا قديرا نساء و ا قدروها
تقديرا دهر كط د و فقدره تقديرا فرقان يح د و ربك
قديرا فرقان يط ا و ذلك قديرا نساء ه د و تبذيرا بنى اسرائيل
يه ا و قد احاط الله بها وكان الله على كل شىء قديرا
فتح كو نه و لم تطؤها وكان الله على كل شىء قديرا احزاب
كا د للعالمين نذيرا فرقان يح د و نزل وما ارسلناك
الا مبشرا ونذيرا بنى اسرائيل يه ج ا ظهيرا وما ارسلناك
الا مبشرا ونذيرا فرقان يط ا و حكيما انا ارسلناك شاهدا
ومبشرا ونذيرا فتح كو نه يا ايها النبى انا ارسلناك

شاهدا ومبشرا ونذيرا احزاب كيا و معد نذيرا فرقان
يج در قرية نذيرا فرقان يطا ا وحريرا دهر كطادو وقمطريرا
دهر كطادو ولا زمهريرا دهر كطادو وزيرا فرقان يطاا
قواريرا دهر كطادو واسيرا دهر كطادو تفسيرا فرقان يطاا
عسيرا فرقان يطاا سيرا طور كزا و حسابا يسيرا
انشقاق لبو قبضا يسيرا فرقان يطا و الا يسيرا احزاب كادو
ابدا وكان ذلك على الله يسيرا نسا و از نارا وكان
ذلك على الله يسيرا نسا ه اا اعمالهم وكان ذلك
على الله يسيرا احزاب كادر ضعفين وكان ذلك على الله
يسيرا احزاب كادر فان الله كان بعباده خبيرا بصيرا فاطر كده
ويقدر انه كان بعباده خبيرا بصيرا بني اسرائيل يدا و يحكم
انه كان بعباده خبيرا بصيرا بني اسرائيل يه ب عباده خبيرا
بصيرا بني اسرائيل يه او كان سميعا بصيرا نسا ه ب انجعلنا
سميعا بصيرا دهر كطادو وكان الله سميعا بصيرا نسا
ه دو بنا بصيرا طه يوجا ربك بصيرا فرقان يج در لم تروها
وكان الله بما تعملون بصيرا احزاب كادو عليهم وكان الله
بما تعملون بصيرا فتح كوجو به بصيرا انشقاق لب و
حصيرا بني اسرائيل يه ا لهم جهنم وساءت مصيرا فتح كوبد

ما

ماويهم جهنم وساءت مصيرا نساه ج و نصله جهنم
وساءت مصيرا نسا ه د ا ومصيرا فرقان يج در منهم وليا
ولا نصيرا نسا ه ج اا ابدا لا يجدون وليا ولا نصيرا
احزاب كيا ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا فتح كوجو اليما
ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا نسا واد
رحمة ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا
احزاب كادو له من دون الله وليا ولا نصيرا نسا ه د ا
سلطانا نصيرا بني اسرائيل يه ب علينا نصيرا بني اسرائيل يه و
من لدنك نصيرا نسا ه ب و لهم نصيرا نسا ه در و
نصيرا فرقان يط اا له نصيرا نسا ه ار بالله نصيرا
نسا ه ار مستطيرا دهر كطادو بجهنم سعيرا نساه ا
زدناهم سعيرا بني اسرائيل يه ب و سيصلون سعيرا نسا د
لهم سعيرا احزاب كب ا يصلى سعيرا انشقاق لب و للكافرين
سعيرا فتح كوبة و سعيرا دهر كطادو بالساعة سعيرا
فتح كوبه صغيرا بني اسرائيل يه او وزفيرا فرقان يج در نفيرا
بني اسرائيل يه اا الناس نقيرا نسا ه ار ولا يظلمون نقيرا
نسا ه د ا بآياتنا فدمرناهم تدميرا فرقان يط او القول
فدمرناها تدميرا بني اسرائيل يه او سراجا منيرا احزاب كيا و

وقمرا منيرا فرقان يطا ر تطهيرا احزاب كـ ا لبعض ظهيرا بنى اسرائل
يه بر على ربه ظهيرا فرقان يطا و باب
الالف والزاء مع الالف سفا زا بنال ١١ نو ذهم ازا مريم
يو به مع الراء جوزا الكهف يه جه و مع العين عزا مريم يو به د
مع الكاف ركزا مريم يو به مع اليا نضرا عزيزا فتح كو به د
وقويا عزيزا احزاب كا د ر باب
الالف والسين مع الالف لباسا سبانا الـ ١١ مع البا بسا
وابقه كر جر مع الميم همسا طه يو د و مع الواو يؤسا بنى اسرائل
يه به باب الالف والشين مع
الالف معاشا بنا الـ ١١ باب
الالف والصاد مع الصاد قصصا الكهف يه د ر مع اليا محيصا
نسا ه د ا باب الالف والضاد مع الراء
عرضا الكهف يو او مع الواو كر نصيبا مفروضا نسا د د و
من عبادك نصيبا مفروضا نسا ه د ا باب
الالف والطاء مع الالف بساطا نوح كطا به مع الراء فرطا
الكهف يه جو دا مع الشين نشطا نازعات لا و مع الطاء اذا
اذا شططا الكهف يه جه على الله شططا جن كط جه ا مع
اليا بما يعملون محيطا نسا ه جه رشى محيطا نسا ه د ا

باب

باب ومع الالف والظاء مع الياء
حفيظا نسا ه به منكم ميثاقا غليظا نسا د د ر فى
السبت واخذنا منهم ميثاقا غليظا نسا وا و مريم
واخذنا منهم ميثاقا غليظا احزاب كا د و باب
الالف والعين مع الذال دعا طور كر ا و مع الراء ذرعا
الكهف يه د ا مع السين تسعا الكهف يه جه د مع الفاء ولا نفعا
طه يو د ا مع القاف نقعا عاديات لد ا مع الجيم فجمعناهم
جمعا كهف ا يو ا و بد جمعا عاديات لد ا مع النون صنعا كهف
يو ا و مع الواو ينبوعا بنى اسرائل يه جزوعا معارج كطا خشوعا
بنى اسرائل يه جه ا هلوعا معارج كطا منوعا معارج كطا مع اليا
بجميعا بنى اسرائل يه ب وا وانفروا جميعا نسا ه ب و فى جهنم جميعا
نسا ه د د ومن معه جميعا بنى اسرائل يه جه ا لله جميعا نسا ه د
اليه جميعا نسا وا ر باب
الالف والغين مع الياء بليغا نسا ه با باب
الالف والفاء مع الالف الفافا بنال ١١ مع الراء وزخرفا
زخرفكه يه مصرفا الكهف يه د ه عرفا مرسلات كا مع السين اسفا
طه يو د ا فى اليم نسفا طه يو د و دبى نسفا طه يو د و
ومع الصاد صفا صفا فجر لجه ا صفصفا طه يو د و

ذا لصافاتصفنا صافاتكربا عصفا مرسلات كهاآ والملائكة صفا
بناء ك ا مع الواو الاان يقولوا قولا معروفا بقره بدا
واكسوهم وقولوا قولا معروفا نسا دداه منه وقولوا لهم
قولا معروفا نسا ددهاو قلن قولا معروفا احزاب كبا
مع اليا الانسان ضعيفا نساه ١١ كان ضعيفا نساه ب
لفيفا بنى اسرايل يه ج الا تخويفا بنى اسرائيل يه ب باب
الالف والقاف مع الالف طباقا نوح كطابه وغساقا نبا ل ا
وفاقا نبا ل ا ا دهاقا نبا ل ا ا مع اليا سبقا نازعات ال و موبقا
الكهف يه د و مع الحا حقا الكهف يه او مع الدال غدقا جن كطاج ا
مع الواو زرقا طه يه د و غرقا نازعات فرقا مرسلات كهاآ
مع الزاي زرقا طلاق كج د و مع الشين شقا عبس ا و
مع الفا وساءت مرتفقا الكهف يه د ا وحسنت مرتفقا
الكهف يه دا مرفقا الكهف يه ج ومع اللام زلقا الكهف يه د ا مع
الواو نهو قا بنى اسرائيل يه ب مع الها ولا رهقا جن كطاج
فزادوهم رهقا جن كطاج ا مع اليا طريقا نساواه فريقا
احزاب كا دا رفيقا نساه ب و وتوفيقا نساه ب ا
باب الالف والكاف مع الدال
دكا نجرلجا باب الالف واللام مع الالف

لا

الا ضلولا نوح كطابه اعمالا الكهف يه او مع الباء قبلا
الكهف يه دو مع الجيم رجلا الكهف يه ج ا مع الخاء ونخلا عبس
ل ا و مع الدال بدلا الكهف يه د جدلا الكهف يه د و مع الزاي
الفردوس نزلا الكهف يه او للكافرين نزلا الكهف يه او
مع الميم نزلا املا الكهف يه د وحملا طه يه د و ايهم احسن عملا
الكهف يه ج و من احسن عملا الكهف يه د مع الواو عجولا
بنى اسرايل يه ا حولا الكهف يه او تخذولا بنى اسرائيل يه الكهف يه او خذولا
فرقان يط ا ا الا بشرا رسولا بنى اسرائيل يه ب ابعث الله بشرا
رسولا بنى اسرائيل يه ب ملكا رسولا بنى اسرائيل يه ب نبعث رسولا
بنى اسرائيل يه ا ابعث الله رسولا فرقان يط ا و الرسولا احزاب كب ا
ذكرا رسولا طلاق كح دو فرعون رسولا مزمل كطاج ووعدا
مسئولا فرقان يح د كان مسئولا بنى اسرائيل يه ا عهد الله
مسئولا احزاب كا د و عنه مسئولا بنى اسرائيل يه ا و عدا
مفعولا بنى اسرائيل يه ا المفعولا بنى اسرائيل يه ج ا كان مفعولا
انفال ى ا ا وعده مفعولا مزمل كطاج و تفقهون قولا
الكهف يه او له قولا الكهف يه د وجهولا احزاب كب ا وطرا
وكان امر الله مفعولا احزاب كب ا السبت وكان امر الله
مفعولا نساه ا مع اليا زنجبيلا دهر كطا د و مقتاوسا

سبيله نسا د در فاحشة وساء سبيله بنى اسرائيل يه ا و
آمنوا سبيله نسا ه ا ر الى ذى العرش سبيله بنى اسرائيل يه
السبيله احزاب كب ا سلسبيله دهر كط د وان يتخذوا به
ذلك سبيله نسا و ا ا وابتغ بين ذلك سبيله بنى اسرائيل
يه ج ا اليه سبيله ال عمران د ا ا بل هم اضل سبيله فرقان يط ا و
اعمى واضل سبيله بنى اسرائيل يه ب ومكانا واضل سبيله
فرقان يط ا ا من اضل سبيله فرقان يط ا و مع الرسول
سبيله فرقان يط ا ا ولا يهتدون سبيله نسا ه ج و
وعليهم سبيله نسا ه ج ا ولا ليهديهم سبيله نسا ه
لهن سبيله نسا د در عليهن سبيله نسا ه ا و على
المومنين سبيله نسا ه در اهدى سبيله بنى اسرائيل يه
وقال الظالمون ان يتبعون الا رجلا مسحورا انظر كيف
ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيله
فرقان يح د ر اذ يقول الظالمون ان يتبعون الا رجلا مسحورا
انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون
سبيله بنى اسرائيل يه ا ر مفعولا ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ
الى ربه سبيله مزمل كط ج و بتبديله ان هذه تذكرة فمن
شاء اتخذ الى ربه سبيله دهر كط د وان يتخذ الى ربه

سبيله

سبيله فرقان يط ا و الى هولاء ومن يضلل الله فلن تجد
له سبيله نسا ه د ر من اضل الله ومن يضلل الله فلن
تجد له سبيله نسا ه ج ا قبيله بنى اسرائيل يه ب و بيله مزمل كط
تبتيله مزمل كط ج و ورتل القرآن ترتيله مزمل كط ج و ورتلناه
ترتيله فرقان يط ا ا ولا تظلمون فتيله نسا ه ب من يشاء
ولا يظلمون فتيله نسا ه ا ر كتابهم ولا يظلمون فتيله
بنى اسرائيل يه ب و تفصيله احزاب كب ا ر وما بدلوا تبديله احزاب
كا د ر امثالهم تبديله دهر كط د و قد خلت من قبل ولن
تجد لسنة الله تبديله فتح كو ج و خلوا من قبل ولن
تجد لسنة الله تبديله احزاب كب ا ر ونزل الملائكة تنزيله
فرقان يط ا ا ونزلناه تنزيله بنى اسرائيل يه ج ا عليك القرآن تنزيله
دهر كط د و ربك بكرة واصيله دهر كط د و وسبحوه بكرة
واصيله فتح كو ب ر وسبحوه بكرة واصيله احزاب كب ا ر و
عليه بكرة واصيله فرقان يح د ر خلقنا تفضيله بنى اسرائيل
يه ب و ر فصلناه تفصيله بنى اسرائيل يه ا ا واكثر تفضيله بنى اسرائيل يه ا و
قولا ثقيله مزمل كط ج و يوما ثقيله دهر كط د و مقيله
فرقان يط ا ا واقوم قيله مزمل كط ج ومن الله قيله نسا ه د ا
تنكيله نسا ه ب ر علينا وكيله بنى اسرائيل يه ب بربك وكيله

بنی اسرائیل یه ب لکم وکیله بنی اسرائیل یه ب ومآ ارسلناك علیهم و
کیله بنی اسرائیل یه ب ام یکون علیهم وکیله نساء ه ج د فاتخذوه
وکیله مزمل کطاج و لله ما فی السموات وما فی الارض وکفی
بالله وکیله نساء ه د و له ما فی السموات وما فی الارض و
کفی بالله وکیله نساء و ا ر خبیرا وتوکل علی الله وکفی بالله
وکیله احزاب کادا عنهم وتوکل علی الله وکفی بالله وکیله
نساء ه ب ه اذیهم وتوکل علی الله وکفی بالله وکیله احزاب کب ا و
علیك وکیله فرقان یطا و من دونی وکیله بنی اسرائیل یه ا ر
فلا نا خلیله فرقان یطا ا اذا لا اتخذوك خلیله بنی اسرائیل
ابرهیم خلیله نساء ه ذا دلیله فرقان یطا و تذلیله دهر کطا د و
وما قالوا الا قلیله احزاب کادر فیها الا قلیله احزاب کب ا
ولا یاتون الباس الا قلیله احزاب کا و خلفك الا قلیله
بنی اسرائیل یه ب وقم اللیل الا قلیله مزمل کطاج وان لبثتم
الا قلیله بنی اسرائیل یه من العلم الا قلیله بنی اسرائیل یه ب
الشیطان الا قلیله نساء ه ب ر لا تبعتم الا قلیله احزاب
کا د و لا یفقهون الا قلیله فتح کو ولا یذکرون الله
الا قلیله نساء ه د ر ذریته الا قلیله بنی اسرائیل یه ب ا شیئا قلیله
بنی اسرائیل یه ب مهلهم قلیله مزمل کطاج و منه قلیله مزمل

کطاج وعلیها بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیله نساء و ا العنهم
الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیله نساء ه ا ر واسرحکن
سراحا جمیله احزاب کادر وسرحوهن سراحا جمیله احزاب کب ا و
صبرا جمیله معارج کطا اهجرا جمیله مزمل کطاج و ولا تحویله
بنی اسرائیل یه ب لسنتنا تحویله بنی اسرائیل یه ب لسنة الله تحویله
فاطر کبدو والیوم الاخر ذلك خیر واحسن تاویله نساء ه ب ا
المستقیم ذلك خیر واحسن تاویله نساء ه ب ا بنی اسرائیل یه ا ر لیله طویله
دهر کطا د و سبحا طویله مزمل کطاج و موئله الکهف یه د ر
جمیله مزمل دهر کطا ج و باب ـــــــــ الالف والمیم
مع الالف انا ما فرقان یطا ر غراما فرقان یطا ر لزاما فرقان یطا د
ساءت مستقرا ومقاما فرقان یطا ر حسنت مستقرا و
مقاما فرقان یطا ر الا سلاما مریم یوب و سلاما سلاما
واقعه کز ج وقالوا سلاما فرقان یطا ر وسلاما فرقان یطا ر
اماما فرقان یطا ر اقواما فرقان یطا ر وقیاما فرقان یطا ر
مع الجیم حما لجر ا ج ا مع الحاء رحما الکهف یوا ا مع الدال
ردما الکهف یوا و مع الزاء عزما طه الکهف یود ر و مع الضاد
هضما طه یود و مع اللام اکلا لما فجر ا ج ا ظلما طه یو
د و من لدنا علما الکهف یه د ر بکل شیء علما طلاق کح د ر

وسع كل شيء علما طه يو د و به علما طه يو د و زدني علما
طه يود ر مع الواو وحسوما الحاقة كطا ر قوما الكهف نو
الا يوما طه يود و مع اليا، اثيما نسا ه ج ر تاثيما واقعة كر
ج و وجيما مريم كط ج و كان توابا رحيما نسا د ر لوجدوا
الله توابا رحيما نسا ه ب ا فان الله كان غفورا رحيما نسا ه دو
الا ما قد سلف ان الله كان غفورا رحيما نسا د ر واستغفر
الله ان الله كان غفورا رحيما نسا ه ج ر انه كان غفورا
رحيما فرقان يج د يجد الله غفورا رحيما نسا ه ج ر من يشا
وكان الله غفورا رحيما فتح كو بج ا حسنات وكان الله
غفورا رحيما فرقان يط ا ر والمومنات وكان الله غفورا
رحيما احزاب كب يا ان الله كان غفورا رحيما احزاب كا د
ورحمة وكان الله غفورا رحيما نسا ه ج و حرج وكان الله
غفورا رحيما احزاب كب ه قلوبكم وكان الله غفورا رحيما
احزاب كلا ا اجورهم وكان الله غفورا رحيما نسا و ا ا
فلا يوذين وكان الله غفورا رحيما احزاب كب ه على الله
وكان الله غفورا رحيما نسا ه ج و ان الله كان بكم رحيما
نسا ه ا ا انه كان بكم رحيما بني اسرائيل يد ب وكان بالمومنين
رحيما احزاب كب ا اجرا كريما احزاب كب ا ورزقا كريما احزا

كر

كب ا ا مدخلا كريما نسا ه ا ا قولا كريما بني اسرائيل يه او
خصيما نسا ه ج ر عذابا عظيما نسا ه ج ا من لدنا
اجرا عظيما نسا ه يه ا وسنوتيهم اجرا عظيما نسا و او
منكن اجرا عظيما احزاب كا د على القاعدين اجرا عظيما
نسا ه ج و المومنين اجرا عظيما نسا ه ج د ر لهم مغفرة
واجرا عظيما احزاب كب ا منهم مغفرة واجرا عظيما فتح كو ر
من لدنه اجرا عظيما نسا ه او ا ويغلب ~~اجرا~~ عظيما فسوف
نوتيه اجرا عظيما نسا ه ب و مرضات الله فسوف نوتيه
اجرا عظيما نسا ه د ا فسيوتيه اجرا عظيما فتح كو ب د ا
فاز فوزا عظيما احزاب كب د ا عند الله فوزا عظيما فتح كو ب د
ملكا عظيما نسا ه ا ر قولا عظيما بني اسرائيل د ر ميلا عظيما
نسا ه ا ا ا اثما عظيما نسا ه ا ر بهتانا عظيما نسا و ا ا
عليك عظيما نسا ه ج ر عند الله عظيما احزاب كب ا ولهديناهم
صراطا مستقيما نسا ه ب ا اليه صراطا مستقيما نسا و ا د
ويهديك صراطا مستقيما فتح كو ب ر ويهديك صراطا
مستقيما فتح كو بج ا ويهديكم ~~صراطا مستقيما فتح كو ب ه~~
واسعا حكيما نسا ه د ر والارض وكان الله عزيزا حكيما
فتح كو ب ر باخذونها وكان الله عزيزا حكيما فتح كو بج ا

بعد الرسل وكان الله عزيزا حكيما نسا وا و اليه وكان
الله عزيزا حكيما نسا وا ا ان الله كان عزيزا حكيما نسا ه
من بعد الفريضة ان الله كان عليما حكيما نسا ه ا ا و
المنافقين ان الله كان عليما حكيما احزاب كا د ا الا ان نسا
الله ان الله كان عليما حكيما دهر كط د و من الله ان الله
كان عليما حكيما نسا د د و ولله جنود السموات والارض
وكان الله عليما حكيما فتح كو ب و ما في السموات والارض
وكان الله عليما حكيما نسا وا و عليهم وكان الله عليما حكيما
نسا د د ما لا يرجون وكان الله عليما حكيما نسا ه ج
على نفسه وكان الله عليما حكيما نسا ه ج من الله و
كان الله عليما حكيما نسا ه ج ا و الا تنفروا يعذبكم
عذابا اليما توبه ى ج ا من قبل يعذبكم عذابا اليما فتح
كو ج فيعذبهم الله عذابا اليما نسا وا ر اعتدنا
لهم عذابا اليما نسا د د اعد لهم عذابا اليما
دهر كط د و بان لهم عذابا اليما نسا ه ج كفروا منهم
عذابا اليما فتح كو ج للكافرين منهم عذابا اليما نسا وا و
للظالمين عذابا اليما فرقان يط ا ا للظالمين عذابا اليما احزاب
كا د للكافرين عذابا اليما احزاب كا د و عذابا اليما دهر

كط د و يعذبه عذابا اليما فتح كو ج حليما احزاب كب ا
وسلموا تسليما احزاب كب ا ر ويسلموا تسليما نسا ه ب ا
ايمانا وتسليما احزاب كا د شاكرا عليما نسا ه د سميعا
عليما نسا وا ا فان الله كان بكل شيء عليما احزاب كب ا د
ان الله كان بكل شيء عليما نسا ه ا ا و واهلها وكان
الله بكل شيء عليما فتح كو ج ا و النبيين وكان الله بكل
شيء عليما احزاب كب ا و بهم عليما نسا ه ا و بالله عليما نسا
ه ب و تكليما نسا وا ه ـــــ الالف والنون
مع الالف ههنا فرقان يط ا و عميانا فرقان يط ا مع الزا و ذ نا
الكهف يوا و مع السين احسنا الكهف يه ج و فيهم حسنا
الكهف يو ا ا مع الواو فنونا طه يو ج و بالله الظنونا احزاب
كا د مع اليا نورا مبينا نسا وا ر ضلالا مبينا احزاب
فتحا مبينا فتح كو ب ا اثما مبينا نسا ه ا خسرانا مبينا
نسا ه د ا عليكم سلطانا مبينا نسا ه د عليهم سلطانا
مبينا نسا ه ج ا موسى سلطانا مبينا نسا وا ا لكم عدوا
مبينا نسا ه ج و للانسان عدوا مبينا بني اسرايل يه ب ا
فقد احتملوا بهتانا واثما مبينا احزاب كب ا ر فقد احتمل
بهتانا واثما مبينا نسا ه ج ر اتاخذونه بهتانا واثما

مبينا نساددر قوينا نسا هوهر طينا بنى اسرائيل يبر دا بقينا
نسا و اا الهم عذابا مهينا احزاب كبره حقا واعتدنا للكافرين
عذابا مهينا نسا و اام من فضله واعتدنا للكافرين
عذابا مهينا نساه او اعد للكافرين عذابا مهينا نساه

جد باب الالف والواو مع الدال

واعبدوا نجم كوزب ا مع الراء ذروا ذاريات كود مع الزاء انكد
هزوا الكهف يه در ورسلى هزوا الكهف يواو مع اللام الا
تعولوا نساددا ضلوا طه يودا باب

الالف والها مع الالف وسقياها شمس لجه و مع الراء
اخبارها زلزله لدا مع اللام امثالها محمد كوب ا زلزالها
زلزله لدا اقفالها محمد كوب وا اثقالها زلزله لدا مالها
زلزله لدا ا وحى لها زلزله لدا مع الواو فعقروها شمس
لجه و مكروها بنى اسرائيل يه اه مع الياء عقبيها شمس لجه و
وجيها احزاب كبه دحيها نازعات لاو اوضحيها نازعات لاو
واخرج ضحيها نازعات لاو والشمس وضحيها شمس لجه و
وما طحيها شمس لجه و من ذكريها نازعات شمس لجه ا ومن دسيها
شمس لجه وادسيها نازعات لاو مرسيها نازعات لاو
يخشيها نازعات لاو يغشيها شمس لجه و ومرعاها نازعات

د

لاو اشقيها شمس لجه و من زكيها شمس لجه واذا تليها
شمس لجه واذا جليها شمس لجه وام السماء بنيها نازعات
لاو وما بنيها شمس لجه وما سويها شمس لجه و
سمكها فسويها نازعات لاو بذنبهم فسويها شمس لجه
بطغويها شمس لجه و وتقويها شمس لجه و منتهيها نازعات

او باب الالف والياء مع الباء

فى المهد صبيا مريم يوب ا الحكم صبيا مريم يواه ابرهيم انه
كان صديقا نبيا مريم يوب اا ادريس انه كان صديقا نبيا
مريم يوب و مخلصا وكان رسولا نبيا مريم يوب و صادق
الوعد وكان رسولا نبيا مريم يوب و جعلنا نبيا مريم
يوب و وهرون نبيا مريم يوب و جعلنى نبيا مريم يوب ا
مع التاء ما تيا مريم يوب و من الكبر عتيا مريم يواه على
الرحمن عتيا مريم يوب ه مع الثاء فيها جثيا مريم يوب ه
جهنم جثيا مريم يوب ه مع الجيم نجيا مريم يوب و مع الحاء
ما دمت حيا مريم يوب ا ابعث حيا مريم يوب ا يبعث حيا
مريم يواه اخرج حيا مريم يوب و مع الذال نذيا مريم يوب ه
مع الراء سريا مريم يوب ه فريا مريم يوب ا ذكريا مريم يوب ه
مريا نساددا وريا مريم يوب ه مع السين انسياه

مريم يوبه ا رنسيا مريم يوب ومخشيا مريم يوبه ا مع الشين
لنفس شيئا انفطار د يا من الحق شيئا نجم كز ار ولم تك شيئا
مريم يو ار ولم يك شيئا مريم يوب ح ولا يظلمون شيئا
مريم يوب و ان سبحوا بكرة وعشيا مريم يوا ر فيها بكرة وعشيا
مريم يوب و مع الصاد جبارا عصيا مريم يوبه للرحمن عصيا
مريم يوب ا قصيا مريم يوبه ا مع الضاد رب رضيا مريم يوبه الح
مرضيا مريم يوب و امرا مقضيا مريم يوبه ا حتما مقضيا
مريم يوبه مع الغين ولم اك بغيا مريم يوا ر امك بغيا
مريم يوب ا غيا مريم يوب و مع الفاء خفيا مريم يوا ر حفيا
مريم يو ا ر مع القاف كنت تقيا مريم يوا ر وكان تقيا
مريم يوا ر من كان تقيا مريم يوب و شرقيا مريم يوا ر
جبارا شقيا مريم يوب ا رب شقيا مريم يوا ر ربي شقيا
مريم يوب و مع الكاف وبكيا مريم يوب و زكيا مريم يوا ر مع اللام صليا
مريم يوب ر مكانا عليا عليا مريم يوب و صدق عليا
مريم يوب و مليا مريم يوبه من لدنك وليا مريم يوا ر للشيطان وليا
مريم يوا ر مع الميم من قبل سميا مريم يوا ر لدسميا مريم يوب
مع النون جنيا مريم يوبه الا الحيوة الدنيا نجم كز ار واثر
الحيوة الدنيا نازعات لا و تؤثرون الحياة الدنيا اعلى لب

هذه

هذه الحيوة الدنيا طه يوج د زهرة الحيوة الدنيا طه يود
مع الواو بشرا سويا مريم يوا ر صراطا سويا مريم يوب م
ليال سويا مريم يوا ا باب

الباء والالف مع الباء الا في تباب مومن كد ب ابلغ الاسباب
مومن كد به بهم الاسباب بقرة ب به ا في الاسباب ص كح ا
كثيرا وما يذكر الا اولوا الالباب بقرة ج ا ربنا وما يذكر
الا اولوا الالباب ال عمران ج بلا يعلمون انما يتذكر اولوا
الالباب زمر كح د واعمى انما يتذكر اولوا الالباب رعد
كح ج ا وليتذكر اولوا الالباب ص كح ج و وليذكر اولوا
الالباب ابرهيم يج د هدى وذكرى اولوا الالباب زمر كح ج ر
واتقون يا اولي الالباب بقرة ي ب ر فاتقوا الله يا
اولي الالباب طلاق كح د و لايات لاولي الالباب ال عمران
د ج ر لذكرى لاولي الالباب زمر كح د منا وذكرى
لاولي الالباب ص كح ج د هدى وذكرى لاولي الالباب
مومن كد ج ا لدى الباب يوسف يج من كل باب رعد يج ج ا
مع التاء متاب مومن كد ر اسرائيل الكتاب مومن كد ج ا
ام الكتاب رعد يج ج وعلم الكتاب رعد يج ج ١٢ اجل كتاب
رعد يج ج و متاب رعد يج ج ا مع الجيم بالحجاب ص كح ج

عجابٌ ص بجح ا مع الذال لحايذ و قوا عذاب ص بجح ا
سوط عذاب بجر لح ا اشد العذاب مومن كوح اشديد
العذاب بقره ب ار من العذاب مومن كوح اسوء العذاب
مومن كوح او عذاب ص بجح ر من قبله العذاب حديد كزدو
هذا ساحر كذاب ص بجح ا فقالوا ساحر كذاب مومن
كد بـ و مسرف كذاب مومن كدبـ و مع الراء اتراب ص بجح
المحراب ص بجح ا كثيرة وشراب ص بجح ر بارد وشراب
ص بجح د مع الزاء اولئك الاحزاب ص بجح ا يوم
الاحزاب مومن كدبـ ر من الاحزاب ص بجح ا مع
السين من تشاء بغير حساب ال عمران جح ا ان الله يرزق
من يشاء بغير حساب ال عمران جح و من فضله والله يرزق
من يشاء بغير حساب نور يح جر يوم القيمة والله يرزق
من يشاء بغير حساب بقره يـ جح ا فيها بغير حساب مومن كدر
واسمك بغير حساب ص فاتحة بجح بـ ر اجرهم بغير حساب
زمر بجح د و وعلينا الحساب رعد بجح و وهو سريع
الحساب رعد بجح و فان الله سريع الحساب ال عمران جح ا
ما كسبت ان الله سريع الحساب ابرهيم بجح در لا ظلم
اليوم ان الله سريع الحساب مومن كدبـ ا عندربهم ان

الله

الله سريع الحساب ال عمران دجح و واتقوا الله ان الله سريع
الحساب مائده و بـ ا مما كسبوا والله سريع الحساب
بقره ب بـ ر حسابه والله سريع الحساب نور بجح د
بما نسوا يوم الحساب ص بجح و يقوم الحساب ابرهيم
بجح در بيوم الحساب مومن كدبـ و قبل يوم الحساب ص بجح او
ليوم الحساب ص بجح ر لهم سوء الحساب رعد بجح بـ
ويخافون سوء الحساب رعد بجح ا مع الصاد اصاب
ص بجح ر مع الطاء وفصل الخطاب ص بجح و في
الخطاب ص بجح و مع القاف فحق عقاب ص بجح
لشديد العقاب رعد بجح و خاصة واعلموا ان الله
شديد العقاب انفال طدو واتقوا الله واعلموا ان الله
شديد العقاب بقره يـ ماجاءته فان الله شديد
العقاب بقره جح ا ورسوله فان الله شديد العقاب
انفال طدو فانتهوا واتقوا الله ان الله شديد العقا
والعدوان واتقوا الله ان الله شديد العقاب مائده
وا ر بذنوبهم والله شديد العقاب ال عمران جح بـ
اني اخاف الله والله شديد العقاب انفال ى ا ان
الله قوى شديد العقاب انفال ى او انه قوى شديد

العقاب مومن كدب لسريع العقاب اعراف كدب أفاخذتهم
فكيف كان عقاب مومن كدبا ثم اخذتهم فكيف كان
عقاب رعد يجه ومع الميم لشر مآب ص كجه ر حسن مآب
آل عمران يـ للحسن مآب ص كجه ر لهم وحسن مآب
رعد يجه احساب وان له عندنا لزلفى وحسن مآب
ص كجه ه ذلك وان له عندنا لزلفى وحسن مآب
ص كجه و واليه مآب رعد يجه ومع النون ثم اناب ص
كجه ر من اناب رعد يجه او اناب ص كجه و مع الواو
له اواب ص كجه او اذا الايد انه اواب ص كجه
سليمن نعم العبد انه اواب ص كجه و صابرا نعم العبد
انه اواب ص كجه ر لهم الابواب ص كجه ر حسن
الثواب آل عمران جر مع الهاء رحمة انك انت الوهاب
آل عمران يـ من بعدي انك انت الوهاب ص كجه د
ربك العزيز الوهاب ص كجه ا باب
البا والتاء مع الواو وتب مسد له ر باب
البا والراء مع التاء واقترب علق له ر باب
البا والزاء مع الالف لازب صافات كجه ا باب
البا والسين مع الكاف وما كسب مسد له ر

بر

باب البا والصاد مع الالف
واصب صافات كجه ا مع النون فانصب الم نشرح لجه ر
باب البا والطاء مع الحاء حمالة
الحطب مسد له ر باب البا والعين مع الشين
شعب مرسلات كجه ر باب البا والغين مع الراء
فارغب الم نشرح لجه ر باب البا والقاف مع الالف
شهاب ثاقب صافات كجه ا النجم الثاقب طارق لجه د
مع الواو واذا وقب فلق لجه ر باب
البا والكاف مع الالف الكواكب صافات كجه ا باب
البا والواو مع الذال غير مكذوب هود يجه و مع الراء وقبل
الغروب ق كجه و مع الغين فيها لغوب فاطر كجه ده
من لغوب ق كجه و مع القاف يعقوب هود يجه و
مع الكاف مسكوب واقعة كجه و مع اللام والمطلوب حج
يجه ر تطمئن القلوب رعد يجه امن تقوى القلوب حج
يجه ر مع الياء لنا انك انت علام الغيوب مائده زا ر ما
في نفسك انك انت علام الغيوب مائده زيا وان الله
علام الغيوب توبه يجه د و بالحق علام الغيوب سبا كجه د
باب البا والهاء مع اللام

ذات لهب مسد لد ر من اللهب مرسلات كط د ر باب
البا، واليا، مع الالف والترايب طارق لب ر مع البا،
غير تجيب هود يب جا مع الجيم هذا شي عجيب ق كود ا
هذا الشي عجيب هود يب ب عجيب هود يب ب ومع الذال في تكذيب
بروج لب و مع الرا، عذاب قريب هود يب ب والحس الصبح
بقريب هود يب ب و فتح قريب صف كح ج ا سميع قريب
سباكب ج و اجل قريب نسا ب ر واخذوا من مكان
قريب سباكب ج و المناد من مكان قريب ق كو د د
الساعة قريب شورى كه ا و نصر الله قريب بقرة ب ج ه
معتد مريب ق كود و في شك مريب سباكب ج و مما تدعونا
اليه مريب ابرهيم ب ج ر مما تدعونا اليه مريب هود يب ب و
من بعدهم لفي شك منه مريب شورى كه ا و منقوص
ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت
من ربك لقضي بينهم وانهم لفي شك منه مريب
هود يب ج و بعيد ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف
فيه ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم وانهم
لفي شك منه مريب فصلت كد ر مع الصاد عصيب هود
يب ب ر نصيب شورى كه ا مع القاف رقيب هود يب ج ا مع

النون

النون بالله عليه توكلت واليه انيب هود يب ج ا ربي عليه
توكلت واليه انيب شورى كه ا و بقلب منيب ق كود و
لاية لكل عبد منيب سباكب ب و ذكرى لكل عبد منيب
ق كود ا اواه منيب هود يب ب الا من انيب مومن كد ب ا
اليه من ينيب شورى كه ا و باب
التا، والبا، مع الصاد نصبت غاشية لب ر باب
التا، والتا، مع القاف اقتت مرسلات كط د ر باب
التا، والجيم مع الرا، فجرت مرسلات كط د ر مع الواو زوجت
تكوير ل ا ر باب التا، والحا، مع الطا،
سطحت غاشية لب ر باب
التا، والدال مع الميم مدت انشقاق لب و باب
التا، والرا، مع التا، انتثرت انفطار ل ا ر بعثرت انفطار ل ا
مع الجيم سجرت تكوير ل ا ر فجرت انفطار ل ا ر نشرت تكوير ل ا ر
مع الضاد ما احضرت تكوير ل ا ر مع الطا، انفطرت انفطا
ر ل ا ر مع العين سعرت تكوير ل ا ر مع الواو كورت تكوير
ل ا ر مع اليا، سيرت تكوير ل ا ر باب
التا، والسين مع الميم طمست مرسلات كط د ر باب
التا، والطا، مع الشين كشطت تكوير ل ا ر باب

التا، والعين مع الفا، رفعت غاشيه لبر باب

التا، والفا، مع السين نسفت مرسلات كطا در مع اللام ازلفت

تكوير لار باب التا، والقاف مع الحا،

انشقت واذنت لربها وحقت انشقاق لب و وتخلت واذنت

لربها وحقت انشقاق لب و مع الشين انشقت انشقاق لب و

مع اللام خلقت غاشيه لبر باب

التا، واللام مع التا، قتلت تكوير لار مع الجيم اجلت مرسلات

كطا در مع الخا، وتخلت انشقاق لب و مع الطا، عطلت تكوير لار

مع اليا، سئلت تكوير لار باب

التا، واليا، مع البا، هذا البيت قريش لد و باب

التا، والدال مع الحا، تحدث والضحى لج و باب

التا، والواو مع الثا، المبثوث فارعه لد ا باب

الجيم والالف مع الواو ازواج ص لج جر باب

الجيم والرا، مع الالف المعارج معارج كطا ا باب

الجيم والواو مع الرا، ذات البروج بروج لب وكذلك الخروج

ق كو د ا من فروج ق كو د ا يوم الخروج ق كو د و

باب الجيم واليا، مع الرا، مريج

ق كو د ا مع الها، وانبتت من كل زوج بهيج حج بزج ا

فيهما من كل زوج بهيج ق كو د ا باب

الحا، والتا، مع الفا، والفتح نصر لد ر باب

الدال والالف مع البا، فبشر عباد زمر لج در وان الله بصير

بالعباد مومن كد نبر فانما عليك البلاغ والله بصير بالعباد

ال عمران جر امن الله والله بصير بالعباد ال عمران جب نفسه

والله رؤف بالعباد ال عمران جر مرضات الله والله رؤف

بالعباد بقره بج للعباد مومن كد ب بين العباد مومن كد جا

مع التا، وعاد وفرعون ذو الاوتاد ص لج جا بالواد

وفرعون ذى الاوتاد فجر لج ا مع الرا، يراد ص لج جا

مع السين فيها الفساد فجر لج ا لا يحب الفساد بقره بج ا

فى الارض الفساد مومن كد ب مع السين الا سبيل الرشاد

مومن كد به ا اهدكم سبيل الرشاد مومن كد ب مع الصاد لبا

المرصاد فجر لج ا مع العين بعاد فجر لج ا لا يخلف الميعاد

ال عمران در لا يخلف الله الميعاد زمر لج در مع الفا، يومئذ

مقرنين فى الاصفاد ابرهيم لج در واخرين مقرنين فى الاصفاد

ص لج جر من نفاد ص لج جر مع اللام كفروا فى البلاد

ال عمران در طغوا فى البلاد فجر لج ا مثلها فى البلاد فجر لج ا

مع الميم ذات العماد فجر لج ا مع النون يوم التناد مومن كد ر

مع الواو بالواد فجر ل ج ا مع الهاء الاشهاد مومن كد ا

قوم هاد رعد ج ب ر من يشاء ومن يضلل الله فما له

من هاد زمر ج د ر ومن عاصم ومن يضلل الله فما له من

هاد مومن كد لا السبيل ومن يضلل الله فما له من هاد

رعد ج ومن دونه ومن يضلل الله فما له من هاد زمر كد ا

ثم ماويهم جهنم وبئس المهاد ال عمران د وماويهم جهنم

وبئس المهاد رعد ج ب الى جهنم وبئس المهاد ال عمران ج ب

فبئس المهاد ص ج ر ولبئس المهاد بقره ب ج ا باب

الدال والباء مع العين ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد

كافرون ل ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد

ل د ر مع الكاف في كبد بلد ج ا باب الدال

الحاء مع الالف كفوا احد اخلاص د لواحد صافات ج ب ا

عذابه احد فجر ل ج ا ان لم يره احد بلد ج ا وثاقه

احد فجر ل ج ا هو الله احد اخلاص د عليه احد بلد ج ا

باب الدال والراء مع الالف

مارد صافات ج ب ا باب الدال والسين

مع الحاء حسد فلق د مع الميم من مسد مسد د

باب الدال والقاف مع العين

في العقد

في العقد فلق د باب

الدال واللام مع الباء بهذا البلد بلد ج ا مع الواو

ما ولد بلد ج ا ولم يولد اخلاص د باب

الدال والميم مع الصاد الصمد اخلاص د باب

الدال والواو مع الجيم وادبار السجود ق و وان طهر بيتي

للطائفين والعاكفين والركع السجود بقره د وطهر

بيتي للطائفين والعاكفين والركع السجود حج بقره

مع الدال الاخدود بروج ا ب ومردود هود ب معدود

هود ب ممدود واقعه لا الودود بروج ا ب رحيم ودود

هود ب مع الراء المورود هود ج ا مع السين سود

فاطر مع الضاد مخضود واقعه وطلح منضود

واقعه من سجيل منضود هود ب مع العين تعود

بروج ا ب والموعود بروج ا ب مع الفاء المرفود هود ب

مع القاف رقود الكهف بالقعود مائده الوقود

بروج ا ب مع اللام والجلود حج يوم الخلود

ق مع الميم بعدت ثمود هود الثمود هود

ب صاعقة عاد وثمود فصلت الرس وثمود ق

فرعون وثمود بروج ا ب من قبلهم قوم نوح وعاد

وثمود توبه ى د ا من قبلكم قوم نوح وعاد وثمود ابرهيم يد ج
كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود ج بز د ا مع النون
الجنود بروج لب ولكنود عاديات ل د ا مع الهاء يوم مشهود
هود يب ج ا ومشهود بروج لب وشهود بروج لب وقوم
نوح هود هود يب ب وباب
الدال والياء مع الباء وما انا بظلام للعبيد ق كود و بذلك
وان الله ليس بظلام للعبيد ج بز ج ا ويقول ذوقوا
عذاب الحريق ذلك بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام
للعبيد ال عمران د ج و ذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدمت
ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد انفال ى ا ا مع التاء
رقيب عتيد ق كود و لدى عتيد ق كود و مع الجيم
المجيد ~~بروج لب~~ ق كود ا ذو العرش المجيد بروج لب وقران مجيد
بروج لب و مع الحاء حميد ق كود و مع الدال الحميد ان
يشا يذهبكم ويات بخلق جديد فاطر كب د ا بالحق ان
يشا يذهبكم ويات بخلق جديد ابرهيم يد د ا من خلق جديد
ق كود و لفى خلق جديد سبا كب ب والحديد سبا كب د
اليوم حديد ق كود و من حديد ج بز ج وكفروا لهم
عذاب شديد فاطر كب ه والكافرون لهم عذاب

شديد

شديد شورى كه ا ولهم عذاب شديد شورى كه ا ومن عذاب
شديد ابرهيم يد ج ريدى عذاب شديد سبا كب ج والشديد
ق كود و لحب الخير لشديد عاديات ل د ا ربك لشديد بروج
لب وعذابى لشديد ابرهيم يد ج اليم شديد هود يب ج ا
ركن شديد هود يب ب عذاب الله شديد ج بز ج اصديد
ابرهيم يد د ا مع الراء مريد ج بز ج ا ما نريد هود يب ب الوريد
ق كود و من يريد ج بز ج ولكن الله يفعل ما يريد بقره ج ا ا
ان الله يفعل ما يريد ج بز ج وربك فعال لما يريد هود
يب ج والمجيد فعال لما يريد بروج لب وحرم ان الله يحكم ما يريد
مائده وب اينما ~~ان الله يحكم ما يريد~~ مع الزاء
ازيد سد ثركطاج ر ولدينا مزيد ق كود و من مزيد ق كود و
مع الشين برشيد هود يب ج الرشيد هود يب ب رجل
رشيد هود يب ب مشيد ج بز د ا مع الصاد الحصيد
ق كود ا وحصيد هود يب ج ا مع الضاد نضيد ق كود ا
مع العين منكم ببعيد هود يب ج ا من الظالمين ببعيد هود
يب ب غير بعيد ق كود و رجع بعيد ق كود ا فى الكتاب
لفى شقاق بعيد بقره ب ا ر وان الظالمين لفى شقاق بعيد
ج بز د ا فى شقاق بعيد فصلت كه ا ا فى العذاب والضلال

البعيد سباكب و وما لا ينفعه ذلك هو الضلال البعيد
حج يز ج ا على شئ ذلك هو الضلال البعيد ابرهيم يج دا
اولئك فى ضلال بعيد ابرهيم يج ر لفى ضلال بعيد شورى كه او
كان فى ضلال بعيد ق كود و لهم التناوش من مكان بعيد
سباكب ج و بالغيب من مكان بعيد سباكب ج و ينادون
من مكان بعيد فصلت كد ر وسعيد هود يب ج اقعيد
ق كود ر يخاف وعيد ق كود ر وخاف وعيد ابرهيم
يج دا الحق وعيد ق كود و بالوعيد ق كود و يوم الوعيد
ق كود و وما يعيد سباكب ج و ويعيد بروج لب و مع
الميم ربهم الى صراط العزيز الحميد سباكب ~~ج~~ و ابرهيم يج ج ويهدى الى
صراط العزيز الحميد ~~حج يز ج د~~ سباكب ب و الى صراط الحميد حج يز ج د
الولى الحميد شورى كه ا ربالله العزيز الحميد بروج لب و
لهو الغنى الحميد حج يز د و والارض ان الله هو الغنى الحميد
لقمان كا ج ا واليوم الاخر ومن يتول فان الله هو الغنى
الحميد ممتحنة كح ر بالبخل ومن يتول فان الله هو الغنى
الحميد حديد كز د ر والله هو الغنى الحميد فاطر كب ج ا من
حكيم حميد فصلت كد ر لغنى حميد ابرهيم يج ر فان الله
غنى حميد لقمان كا ج ا واعلموا ان الله غنى حميد بقره ابرهيم ا

والله

والله غنى حميد تحريم كح ج تغابن ر مع النون كفار عنيد ق كود و
وخاب كل جبار عنيد ابرهيم يج د ا امر كل جبار عنيد هود يب و
مع الهاء ان الله على كل شئ شهيد حج يز ج و وانت على كل شئ
شهيد مائده ز ب ا وهو على كل شئ شهيد سباكب ج و
انه على كل شئ شهيد فصلت كد ا ونسوه والله على كل شئ
شهيد مجادله كح ا والارض والله على كل شئ شهيد بروج
لب و سائق وشهيد ق كود و من شهيد فصلت كد ا
وهو شهيد ق كود ر لشهيد عاديات ل ا باب
الذال والواو مع الذال مجذوذ هود يب ج و باب
الذال والياء مع النون حنيذ هود يب د و باب
الراء والالف مع الباء جبار مومن كد ب ر هم الادبار انفال ط د و
لا يولون الادبار احزاب كا د و مع الجيم كالفخار ص بح ج و
مع الخاء بالاسحار ال عمران ج ج ا مع الخاء كالفخار رحمن كز ب ر
مع الدال بمقدار رعد يج ب ر ذكرى الدار ص بح ج د اولئك لهم
اللعنة ولهم سوء الدار رعد يج ج ا معذرتهم ولهم
اللعنة ولهم سوء الدار مومن كد ج ا فنعم عقبى الدار
رعد يج ج الهم عقبى الدار رعد يج ج المن عقبى الدار
رعد يج ج و مع الراء الابرار ال عمران د ج ر من الاشرار ص بح ج و

دار القرار مومن كد به فبئس القرار ص كج جه دا وبئس القرار
ابرهيم يج دو من قرار ابرهيم يج دو مع الصاد بالابصار نور يح جه
عنهم الابصار ص كج جه دا القلوب والابصار نور يح جه
الايدى والابصار ص كج جه د فيه الابصار ابرهيم يج دمه
يا اولى الابصار حشر كح ا من يشا ان فى ذلك لعبرة لاولى
الابصار آل عمران جه والنهارات فى ذلك لعبرة لاولى الابصار
نور يح جه النار وما للظالمين من انصار مائده ود اخزيته
وما للظالمين من انصار آل عمران جه بعلمه وما للظالمين من
انصار بقره جه ا مع الفا وما بينهما العزيز الغفار ص كج دا
الا هو العزيز الغفار زمر كج دو الى العزيز الغفار مومن كد به
كاذب كفار زمر كج دا لظلوم كفار ابرهيم يج دو مع الكاف
وسبح بالعشى والابكار آل عمران جه مع النون صالوا النار
ص كج جه د انهم اصحاب النار مومن كد به ا وان المسرفين هم
اصحاب النار مومن كد به من اصحاب النار زمر كج دو فقنا
عذاب النار آل عمران جه ذنوبنا وقنا عذاب النار آل عمران جه
حسنة وقنا عذاب النار بقره ب به للكافرين عذاب النار
~~آل عمران جه~~ انفال ط دا فى الاخرة عذاب النار حشر كح ا وقود النار
آل عمران جه اهل النار ص كج جه دا وجوههم النار ابرهيم يج

ربنا بالعشى والابكار
مومن كد به

نصيبا

نصيبا من النار مومن كد به اكفروا من النار من كج جه وبخارجين
من النار بقره ب ا الكافرين النار رعد يج به ومن نار رحمن كز به
ضعفا من النار ص كج جه دا من فى النار زمر كج دمه فان مصيركم
الى النار ابرهيم يج دو وتدعوننى الى النار مومن كد به على النار
بقره ب ا مع الواو ودار البوار ابرهيم يج دو خوار اعراف طيه
مع الها هو الله الواحد القهار رعد يج به الا الله الواحد
القهار ص كج دا الا الله الواحد القهار ص كج دا ام الله الواحد
القهار يوسف يبدو وبرزوا لله الواحد القهار ابرهيم يج د
هو الله الواحد القهار زمر كج دو اليوم لله الواحد القهار
مومن كد به من تحتها الانهار زمر كج د لكم الانهار ابرهيم يج دو
بالنهار رعد يج به والنهار ابرهيم يج دو مع اليا المصطفين
الاخيار ص كج جه من الاخيار ص كج جه
باب الراء والباء مع الالف المقابر تكاثر لد ا مع الدال ادبر
مدثر كط جه الدبر قمر كز به مع الزاء براءة فى الزبر قمر كز به
فعلوه فى الزبر قمر كز به مع الصاد فاصبر مدثر كط جه بالصبر
ماعون لد مع الطاء واصطبر قمر كز ب و مع الكاف الاكبر
غاشيه لد واستكبر مدثر كط جه فكبر مدثر كط جه الكبر مدثر كط جه
باب الراء والتاء مع الباء

الابتر كوثر لدر مع الواو والوتر فجرلج ا باب
الراء والثاء مع الالف التكاثر تكاثر لدا مع الكاف تستكثر
مدثر كطجر مع الواو الكوثر كوثر لدر يؤثر مدثر كطجر
باب الراء والجيم مع الحاء حجر
فجرلج ا مع الدال وازدجر قمر كزب مزدجر قمر كزب ا
مع الفاء والفجر فجرلج ا مطلع الفجر قدرلج ر مع الهاء
فاهجر مدثر كطجر باب الراء والحاء مع السين
بسحر قمر كزب مع النون وانحر كوثر كطدر باب
الراء والخاء مع الالف ويتاخر مدثر كطدا واخر قيمه كطدا
باب الراء والدال مع الالف
لقادر طارق لبر مع التاء عزيز مقتدر قمر كزبر مليك
مقتدر قمر كزبر مع القاف بقدر قمر كزبر قد قدر
قمر كزب وثم قتل كيف قدر مدثر كطجر فقتل كيف قدر
مدثر كطجر ما ليلة القدر قدرلجر في ليلة القدر
قدرلجر وقدر مدثر كطجر باب
الراء والذال مع التاء ولاتذر مدثر كطجر مع النون فانذر
مدثر كطجر فتماروا بالنذر قمر كزب ثمود بالنذر قمر كزب
لوط بالنذر قمر كزب فرعون النذر قمر كزبر فما تغن

النذر

النذر قمر كزب ا مستقر فذوقوا عذابي ونذر قمر كزب
اعينهم فذوقوا عذابي ونذر قمر كزبر من مدكر فكيف كان
عذابي ونذر قمر كزب وعاد فكيف كان عذابي ونذر قمر كزب
منقعر فكيف كان عذابي ونذر قمر كزب ونعقر فكيف كان عذابي
ونذر قمر كزب وباب
الراء والزاء مع الواو ولا وزر قيمه كطدا باب
الراء والسين مع الباء وبسر مدثر كطجر مع الخاء خسر عصى
لدو مع الدال ودسر قمر كزب ومع العين عسر قمر كزب
مع الياء اذا يسر فجرلج ا باب
الراء والشين مع الالف الاشر قمر كزب والاشر قمر كزب ومع الباء
البشر مدثر كطجر نذيرا للبشر مدثر كطدا الواحد للبشر مدثر
كطجر ذكرى للبشر مدثر كطجر مع التاء منتشر قمر كزب ا
مع العين وليال عشر فجرلج ا تسعة عشر مدثر كطجر
باب الراء والصاد مع الالف
ناصر طارق لبر مع الباء بالبصر قمر كزبر برق البصر قيمه
كطدا مع التاء منتصر قمر كزبر مع القاف كالقصر مرسلات
كطدر باب الراء والضاد مع التاء
محتضر قمر كزب وباب

الراء والطاء مع التاء مستطر قمر كوز ب ر مع الياء بمصيطر
غاشيه ل ب ر باب الراء والظاء مع التاء
المحتظر قمر كوز ب ر و مع النون نظر مدثر كط ج ر باب
الراء والعين مع السين لفي ضلال وسعر قمر كوز ب ر و مع القاف
منقعر قمر كوز ب و باب
الراء والفاء مع السين اسفر مدثر كط ج ر مع الصاد صفر
مرسلات كط ج ر مع الميم المفر قيمه كط د ا مع الكاف كان كفر
قمر كوز ب و وكفر غاشيه ل ب ر باب
الراء والقاف مع التاء مستقر قمر كوز ب و ام مستقر قمر
كوز ا المستقر قيمه كط د ا مع السين ما سقر مدثر كط ج
من سقر قمر كوز ب ر ساصليه سقر مدثر كط ج ر في سقر
مدثر كط د ا مع العين فعقر قمر كوز ب ر و باب
الراء والكاف مع الدال اية فهل من مدكر قمر كوز ب و مدكر
فكيف كان عذابي ونذر ولقد يسرنا القران للذكر فهل
من مدكر قمر كوز ب و منقعر فكيف كان عذابي ونذر ولقد
يسرنا القران للذكر فهل من مدكر قمر كوز ب و المحتظر ولقد
يسرنا القران للذكر فهل من مدكر قمر كوز ب و فذوقوا عذابي
ونذر ولقد يسرنا القران للذكر فهل من مدكر قمر كوز ب ر

اشيا

اشياعكم فهل من مدكر قمر كوز ب ر مع الذال ذي الذكر ص
كج ج ا مذكر غاشيه ل ب مع الشين شكر قمر كوز ب ر مع النون
نكر قمر كوز ب ا باب
الراء والميم مع الالف من كل امر قدر لج ر وامر قمر كوز ب ه
مع التاء سحر مستمر قمر كوز ب ا نحن مستمر قمر كوز ب و
مع القاف وخسف القمر قيمه كط د ا وانشق القمر قمر كوز ب ا
والقمر قيمه كط د ا مع الهاء منهمر قمر كوز ب و باب
الراء والواو مع الباء لن تبور فاطر كب د ر من اصحاب القبور
ممتحن كج ب ٢٧ ما في القبور عاديات ل د ا بعث من في القبور
حج يز ج ا بمسمع من في القبور فاطر كب د ا يبور فاطر كب ج ر
مع الجيم المسجور طور كز ا و مع الحاء ان لن يحور انشقاق ب و
مع الخاء لفرح فخور هود يب ا ان الله لا يحب كل مختال
فخور لقمان كا ج ا والله لا يحب كل مختال فخور حديد كز د ر مع
الدال ما في الصدور عاديات ل د ا وما تخفي الصدور مومن
كد ب و التي في الصدور حج يز د ا وهو عليم بذات الصدور
حديد كز د ا بما عملوا ان الله عليم بذات الصدور لقمان
كا ج ا بغيظكم ان الله عليم بذات الصدور ال عمران د ر
ما في قلوبكم والله عليم بذات الصدور ال عمران [illegible] وما

تعلنون والله عليم بذات الصدور تغابن بحج ر والارض
انه عليم بذات الصدور فاطركب د وسلم انه عليم بذات
الصدور انفال ى١١ تعلمون انه عليم بذات الصدور زمر
كج دبو يعلنون انه عليم بذات الصدور هود يا در به
انه عليم بذات الصدور حد ثركط ١١ بكلماته انه عليم بذات
الصدور شورى كدا مع الراء فازو ما الحيوة الدنيا الا متاع
الغرور ال عمران دجو ورضوان وما الحيوة الدنيا الا متاع
الغرور حديد كوذ ر وغركم بالله الغرور حديد كوذ و شيئا
ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله
الغرور لقمان كاج و الناس ان وعد الله حق فلا يغرنكم
الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور فاطركب و في غرور
ملك كط ١١ الحرور فاطركب دا مع الزاء الزور حج يزج ر
مع الشين كذلك النشور فاطركب ر واليه النشور
ملك كط ١١ منشور طور كزا و مع الطاء مسطور طور كزا و
من فطور ملك كط ١١ مع الفاء نفور ملك كط ١١ ورب
غفور سبا كب به عزيز غفور فاطركب ده العزيز الغفور
ملك كط ١١ الرحيم الغفور سبا كب ا ان الله لعفو غفور
حج يزدو وان الله لعفو غفور مجادلة ١١ ليؤس كفور

هو

هود يب ١١ الا الكفور سبا كب ر ختار كفور لقمان كاج و
كل كفور فاطركب ده ان الانسان لكفور حج يز د و الانسان
لكفور شورى كدبا الانسان كفور شورى ع ل خوان
كفور حج يزج ر ونفور ملك كط ١١ مع القاف في الناقور
مدثر كط ج مع الكاف الذكور شورى كدبا بنعمة ان في ذلك
لايات لكل صبار شكور سبا كب ر من اياته ان في ذلك
لايات لكل صبار شكور لقمان كاج و بايام الله ان في ذلك
لايات لكل صبار شكور ابرهيم يج ر على ظهره ان في ذلك
لايات لكل صبار شكور شورى كه ا ر لغفور شكور فاطركب دو
ان الله غفور شكور شورى كد ا ر انه غفور شكور فاطركب دا
الشكور سبا كب و مع الميم تصير الامور شورى كه ب و
لمن عزم الامور شورى كدبا مفعولا والى الله ترجع الامور
انفال ى١١ وقضى الامر والى الله ترجع الامور بقره ب ج ا
والارض والى الله ترجع الامور حديد كوذ ا وما في الارض
والى الله ترجع الامور ال عمران دا و من قبلك والى الله ترجع
الامور فاطركب و وما خلفهم والى الله ترجع الامور حج يزد ر
فان ذلك من عزم الامور ال عمران دج ان ذلك من عزم
الامور لقمان كاج ا والى الله عاقبة الامور لقمان كاج ا

ولله عاقبة الامور حج يز دا المعمور طور كز او مع النون
النور يونس يح ولا النور فاطر كب دا من نور نور يح جـ ر و
جعل الظلمات والنور انعام ز ب استوى الظلمات والنور
رعد ج بـ يخرجهم من الظلمات الى النور بقرة ج اا قومك الى
الظلمات الى النور ابرهيم يح جـ ر باب

الرا والها مع الشين شهر قدر ا جـ ر مع الطا فطهر مدثر
كط جـ د مع القاف فلا تقهر والضحى ا جـ ر مع النون فلا تنهر
والضحى ا جـ ر ونهر قمر كز بـ ر باب

الرا واليا مع الالف لسرائر طارق ا بـ ر مع البا محضرة ان
الله لطيف خبير حج يز د ر بما الله ان الله لطيف خبير
لقمان كا جـ لا يدركه الابصار وهو اللطيف الخبير انعام ز د ر
من خلق وهو اللطيف الخبير ملك كط اا عباده وهو الحكيم
الخبير انعام ز بـ و الشهادة وهو الحكيم الخبير انعام ز جـ ر وما في
الارض وهو الحكيم الخبير سبا كب ب العليم الخبير تحريم كح د ر وله الحمد في الآخرة
مثل خبير فاطر كب د بوميذ لخبير عاديات ا د يعملون خبير
هود يب بـ حكيم خبير هود يا د ر شيخ كبير قصص ك بـ ا بموت
ان الله عليم خبير لقمان كا جـ واتقيكم ان الله عليم خبير حجرات
كو دا وان الله بما تعملون خبير لقمان كا جـ وانزلناه والله

بما تعملون خبير تحريم كح جـ ر درجات والله بما تعملون
خبير مجادله كما و والارض والله بما تعملون خبير ال عمران
د جـ و بالمعروف والله بما تعملون خبير بقرة بـ د ا من سيا تكم
والله بما تعملون خبير بقرة جـ ا ر بـ والله بما تعملون خبير
مجادله كح اا الحسنى والله بما تعملون خبير حديد كز د و فساد
كبير انفال ى ا ر لهم اجر كبير حديد كز د ا بالغيب لهم مغفرة
واجر كبير ملك كط اا وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر
كبير فاطر كب جـ ا ولئك لهم مغفرة واجر كبير هود يب اا
في ضلال كبير ملك كط ااا الفوز الكبير بروج ا بـ و ربهم ذلك
هو الفوز الكبير شورى كه ا ر باذن الله ذلك هو الفوز الكبير
فاطر كب د ا وهو العلي الكبير سبا كب بـ ر هو الباطل وان الله
هو العلي الكبير حج يز د و من دونه الباطل وان الله هو العلي
الكبير لقمان كا و لله العلي الكبير مومن كد بـ ا يوم كبير هود يا د ر
مع الثا ويعفوا عن كثير مائده و بـ و ويعفوا عن كثير
شورى كه ا ر مع الخا آخر نساء ه د و مع الدال اذا يشاء قدير
شورى كه ا ر القدير روم كا بـ ر لقدير حج يز جـ ر ان الله
عليم قدير نحل يد جـ وعليم قدير شورى كه بـ و والله قدير
ممتحنة كح بـ ر لنا انك على كل شيء قدير تحريم كح د ر الخبر انك

على كل شئ قدير ال عمران جه ا فهو على كل شئ قدير انعام زب
ويميت وهو على كل شئ قدير حديد كز دا الحمد وهو على
كل شئ قدير تغابن تحريم كح ج ا الملك وهو على كل شئ قدير ملك
كط ا ا مرجعكم وهو على كل شئ قدير هود يا در وما فيهن
وهو على كل شئ قدير مائده زب المحيي الموتى وهو على كل شئ قدير
روم كا ب و هو يحيي الموتى وهو على كل شئ قدير شورى كه ا و
في الخلق ما يشاء ان الله على كل شئ قدير فاطر كب جه ويخلق
الله ما يشاء ان الله على كل شئ قدير نور يح جه ر جميعا ان الله
على كل شئ قدير بقره ب ا ا لتعلموا ان الله على كل
شئ قدير طلاق كح دوا قرب ان الله على كل شئ قدير نحل
يد جه ر انفسكم ان الله على كل شئ قدير ال عمران د ب
اعلم ان الله على كل شئ قدير بقره جه ا و الم تعلم ان الله
على كل شئ قدير بقره ا جه د وابصارهم ان الله على كل
شئ قدير بقره ا ا و الاخرة ان الله على كل شئ قدير عنكبوت
ك د و بامره ان الله على كل شئ قدير بقره ا جه د ما يشاء
والله على كل شئ قدير مائده وبر ويعذب من يشاء والله
على كل شئ قدير بقره جه ب ولمن يشاء والله على كل شئ قدير
مائده و جه و على من يشاء والله على كل شئ قدير حشر كح ا ا

شيئا

شيئا والله على كل شئ قدير توبه ى جه ا ونذير والله على كل
شئ قدير مائده وبر والارض والله على كل شئ قدير
ال عمران جه ر وما في الارض والله على كل شئ قدير ال عمران جه و
الجمعان والله على كل شئ قدير انفال ى ا ا وانه على كل
كل شئ قدير حج يز جه ا الموتى انه على كل شئ قدير فصلت
كد در بلى انه على كل شئ قدير احقاف كو ا مع الذال الاندير
فاطر كب دا فيها نذير فاطر كب دا كيف نذير ملك كط ا ا النذير
فاطر كب د و الم ياتكم نذير ملك كط ا ا من نذير سبا كب جه و
نذير مائده وبر مع الراء قوارير دهر كط د و من قوارير
نمل يط در يدخلونها يحلون فيها من اساور من ذهب
ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير فاطر كب د ا الانهار يحلون
فيها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير
حج يز جه و مع السين حسير ملك كط ا ا تحسير هود يب و
عسير مدثر كط ي علينا يسير ق كو د و كيل يسير يوسف يه ا ا
غير يسير مدثر كط جه ر نبراها ان ذلك على الله يسير حديد كز
الا في كتاب ان ذلك على الله يسير فاطر كب جه ر ثم يعيده ان
في ذلك على الله يسير عنكبوت ك ذ ا و ذلك على الله يسير تحريم تغابن
كح جه ر مع الشين وبشير هود يا در العشير حج يز جه و

مع الصادالجنير بصير فاطر كب د وخير بصير شورى كد ا تحاور كما
ان الله سميع بصير مجادله كح ا ا وان الله سميع بصير
حج يزد و ومن الناس ان الله سميع بصير حج يزدر واحدة
ان الله سميع بصير لقمان كاجو وهو السميع البصير شورى كه او
ان الله هو السميع البصير مومن كد ب من اياتنا انه هو السميع
البصير بنى اسرايل يه ا ا با الله انه هو السميع البصير مومن كه ا المصير
وما يستوى الاعمى والبصير فاطر كب د الا يعلمون وما يستوى
الاعمى والبصير مومن كه ا قل هل يستوى الاعمى والبصير
رعد يح بة فان الله بما يعلمون بصير انفال طدر واعلموا ان
الله بما يعملون بصير بقره ب د ا بينكم ان الله بما تعملون
بصير بقره ب دو عند الله ان الله بما تعملون بصير بقره ادا
ويميت والله بما تعملون بصير ال عمران د ميثاق والله بما تعلمون
بصير انفال ى ار فطل والله بما تعملون بصير بقره ج ا ركنتم
والله بما تعملون بصير حديد كوذ ا بينكم والله بما تعملون
بصير ممتحن كح ب و مومن والله بما تعملون بصير تغابن ع
ولا تطغوا انه بما تعملون بصير هود يج و ما شئتم انه
بما تعملون بصير فصلت كد ر انى بما تعملون بصير سبا كب د
والينا المصير ق كو دو فبئس المصير مجادله كح ا ا شى بصير ملك كط ا ا

ولبئس

ولبئس المصير نور يع د ا والى المصير حج يزد ا كفروا وبئس
المصير حج يزدر فيها وبئس المصير تغابن كه د ا ا النار وبئس
المصير بقره ادر مولیكم وبئس المصير حديد كرد و عذاب جهنم
وبئس المصير ملك كط ا ا قدير يا ايها النبى جاهد الكفار
والمنافقين واغلظ عليهم وماويهم جهنم وبئس
المصير تحريم كح در العظيم يا ايها النبى جاهد الكفار والمنافقين
واغلظ عليهم وماويهم جهنم وبئس المصير توبه ى دو
بغضب من الله وماويهم جهنم وبئس المصير انفال طدا
بسخط من الله وماويه جهنم وبئس المصير ال عمران ديه ربنا
واليك المصير بقره جب وا تينا واليك المصير ممتحن كح ب
والارض والى الله المصير نور يح جر نفسه والى الله المصير لقمان
ج ج ا لنفسه والى الله المصير فاطر كب ج وما بينهما والى
اليه المصير مائده و به بينا واليه المصير شورى كه ا و صوركم
واليه المصير تغابن كح جر الا هو واليه المصير مومن كد ب ا
ولوا لديك الى المصير لقمان كا بط فى الارض من ولى ولا نصير
توبه ى در ما لهم من ولى ولا نصير شورى كه ا و من الله
من ولى ولا نصير بقره ادا ولا فى السماء وما لكم من دون
الله من ولى ولا نصير عنكبوت كه و ويميت وما لكم من دون

الله من ولى ولا نصير توبه يا ار في الارض وما لكم من دون
الله من ولى ولا نصير شورى كه ار والارض وما لكم من دون الله
من ولى ولا نصير بقره اجه ا فنعم المولى ونعم النصير حج يوده
موليكم نعم المولى ونعم النصير انفال طه ره وما للظالمين من نصير
حج يوده فما للظالمين من نصير فاطر كب د ومع العين من اصحاب
السعير فاطر كب ج ولا صحاب السعير ملك كط ا ا في اصحاب السعير
ملك كط ا ا لهم عذاب السعير ملك كط ا ا من عذاب السعير سبا
كب ب يدعوهم الى عذاب السعير لقمان كا ج او يهديه الى عذاب
السعير حج يوج ا في السعير شورى كه ا ومع القاف من خير
فقير قصص ل ب الفقير حج يوج د ومع الكاف كفروا فكيف
كان نكير فاطر كب د ارسلى فكيف كان نكير سبا كب ج ا ثم اخذتهم من قبلهم
فكيف كان نكير حج يو د ا من نكير شورى كه ب ومع الميم الحمير
لقمان كا ج ا من قطمير فاطر كب ج ومع النون والكتاب المنير آل عمران
يح و وبالكتاب المنير فاطر كب د الى القبور ومن الناس من
يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير حج يوج ا
وباطنه ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ولا هدى
ولا كتاب منير لقمان كا ج ا مع الهاء من ظهير سبا كب ب
ذلك ظهير تحريم كح د باب ———

الزاء

الزاء والياء مع الزاء لكتاب عزيز فصلت كو د علينا بعزيز
هود يج الحميد لله ان يشأ يذهبكم ويات بخلق جديد
وما ذلك على الله بعزيز فاطر كب ج بالحق ان يشأ يذهبكم
ويات بخلق جديد وما ذلك على الله بعزيز ابرهيم يج د ا
ان ربك هو القوى العزيز هود يب ر وهو القوى العزيز
شورى كه الحق قدره ان الله لقوى عزيز حج يوده من ينصره ان
الله لقوى عزيز حج يوج د بالغيب ان الله قوى عزيز حديد
كز د ورسلى ان الله قوى عزيز مجادله كح ا و باب ———
السين والالف مع النون الخناس ناس لا ه برب الناس
ناس لا ه في صدور الناس ناس لا د ملك الناس ناس لا ه
والناس ناس لا ه اله الناس ناس لا د باب ———
السين والنون مع الكاف الكنس تكوير لا ر باب ———
الشين والواو مع الفاء المنفوش قارعه لا باب ———
الصاد والالف مع النون مناص ص كج ج ا مع الواو غواص
ص كج ج و باب ——— الصاد والواو مع الصاد
مرصوص صف كح ج ا مع القاف منقوص هود يب ج و
باب ——— الصاد والياء مع الحاء وقع
اياتنا ما لهم من محيص شورى كه ب وظنوا ما لهم من محيص فصلت كه ا

ما الناس محيص ابرهيم يحد ا هل من محيص ق كو د و
باب الضاد والباء مع الراء
عريض فصلت كد ١١ باب الطاء والالف
مع الرا سواء الصراط ص كج و باب
الطاء والواو مع اللام وقوم لوط حج يز د ١ في قوم لوط هود
يرجو الى قوم لوط هود يب و واخوان لوط ق كو د و مع
النون قنوط فصلت كد ١١ باب
الطاء والياء مع الحاء يوم محيط هود يب من وراهم
محيط بروج لب د ان الله بما تعملون محيط ال عمران دار ان
ربي بما تعملون محيط هود يب ١ والله بما يعملون محيط
انفال ي ١١ شيء محيط باب — فصلت كه ١١
الظاء والفاء مع الالف حافظ طارق لب و باب
الظاء والواو مع الفا محفوظ بروج لب و باب
الظاء والياء مع العين ما يغيظ حج يز ج و مع الفا كتا
حفيظ ق كو د ١١ واب حفيظ ق كو د و فعليها وما انا
عليكم بحفيظ انعام زد ر مومنين وما انا عليكم بحفيظ
هود يب ورب على كل شيء حفيظ سبا كب ان ربي
على كل شيء حفيظ هود يب ا مع اللام الى عذاب غليظ

لقمان كا ج او نجيناهم من عذاب غليظ هود يب ا من المهم
عذاب غليظ ابراهيم يح د او لنذيقنهم من عذاب غليظ
فصلت كد ١١ باب العين والالف مع التاء
الامتاع رعد يح ج ١١ الدنيا متاع مومن كد مع الطاء
يطاع مومن كد ب و باب العين والجيم مع الراء
ذات الرجع طارق لب باب
العين والفاء مع الالف مع من دافع طور كز او
له دافع معارج كط ا و باب
العين والقاف مع الالف واقع معارج كط ربك لواقع
طور كز او توعدون لواقع مرسلات كط الدين لواقع
ذاريات كو د باب العين والواو مع الجيم
اطعمهم من جوع قريش لد يعني من جوع غاشية لب
مع الهاء المرفوع طور كز او باب العين والياء مع الراء
من ضريع غاشية لب باب الفاء
واللام مع التاء مختلف ذاريات كو د باب
الفاء والواو مع الخاء من خوف قريش لد باب
الفاء والياء مع الصاد والصيف قريش لد باب
القاف والالف مع التاء الميثاق رعد يح ج د مع الراء والا شراق

ص بجـ جـ ٢ من راق قيمه كطـ دا الفراق قيمه كطـ دا مع السين
وغساق ص بجـ جـ ر بالساق قيمه كطـ دا المساق قيمه كطـ دا
مع القاف وشقاق ص بجـ جـ ا مع اللام الاخلاق ص بجـ جـ
التلاق مومن كد ب من خلاق بقره ب به مع النون الاعناق
انفال طـ دا والاعناق ص بجـ جـ ر مع الواو ولا واق رعد يجـ جـ
من فواق ص بجـ جـ ٤ وما لهم من الله من واق رعد يجـ جـ و
وما كان لهم من الله من واق مومن كد ب وباب
القاف والبا مع الطا عن طبق انشقاق لب وباب
القاف والرا مع الالف المشارق صافات بجـ با ما الطارق
طارق لب و والطارق طارق لب وباب القاف والفا
مع الالف دافق طارق لب وباب القاف واللام مع
الخا ما خلق فلق لد ر هم خلق طارق لب والذي خلق
علق لجـ ر مع العين من علق علق لجـ د باب
القاف واليا مع التا بالبيت العتيق حج يزجـ ر الى البيت
العتيق حج بزجـ د مع الحا سحيق حج يزجـ ر مع الرا واباريق
واقعه كزجـ و ولهم عذاب الحريق بروج لب و ونقول ذوقوا
عذاب الحريق ال عمران دجـ و فيهما وذوقوا عذاب الحريق حج يزجـ و
وادبارهم وذوقوا عذاب الحريق انفال ى ا يوم القيمة

عذا

عذاب الحريق حج يزجـ ا مع الميم عميق حج يزجـ كز مع الها و
شهيق هود يب جـ وباب الكاف والبا مع الحا ذات حبك
ذاريات كود ر مع الكاف ركبك انفطار ل ا ذاريات كو وباب الكاف
والرا مع الدال صدرك الم نشرح لجـ مع الواو وزرك الم نشرح لجـ و
مع الكاف ذكرك الم نشرح لجـ د مع الها ظهرك الم نشرح لجـ و باب
الكاف والفا مع الالف افك ذاريات كود باب الكاف
واللام مع الدال فعدلك انفطار ل ا باب اللام والالف
مع البا الجبال ابرهيم يجـ د مع الثا لكم الامثال ابرهيم يجـ دد
يضرب الله الامثال رعد يجـ بـ ر مع الحا المحال رعد يجـ بـ ر
مع الصاد فيها بالغدو والاصال نور يح جـ ر وظلالهم
بالغدو والاصال رعد يجـ بـ ر مع العين المتعال رعد
يجـ بـ ر مع القاف الثقال رعد يجـ بـ ر مع اللام ولا خلال
ابرهيم يجـ د و بالغدو وما دعاء الكافرين الا في ضلال رعد
يجـ بـ ر فادعوا وما دعاء الكافرين الا في ضلال مومن كد جـ ا
وما كيد الكافرين الا في ضلال مومن كد و مع الميم الشمائل
واقعه كز جـ ر مع الواو من زوال ابرهيم يجـ د ر من وال رعد
يجـ بـ ر باب اللام والزا مع الها بالهزل طارق لب ر باب
اللام والصاد مع الفا وما يوم الفصل مرسلات كطـ ر ليوم الفصل

مرسلة ب ذكه د فصل طارقة به باب اللام والواو مع الكاف
ماكول فيل د و باب اللام والهاء مع الميم كالمهل معارج
كهف د باب اللام والياء مع الهمزة علماء بني اسرائيل
شعراء به واورثنا ها بني اسرائيل شعراء ب وعبدت بني اسرائيل
شعراء ب امعك بني اسرائيل اعراف ا د معي بني اسرائيل اعراف ا و
مثلا لبني اسرائيل زخرف كه ج هدى لبني اسرائيل زخرف كه سجدة كا دا مع الياء
ابابيل فيل د ج وان تضلوا السبيل نساء ا ضلوا السبيل
فرقان ب د سواء السبيل قصص ب ا يهدي السبيل احزاب د ا
خروج من سبيل مؤمن كو با م د من سبيل شورى كه ب ا وما
عليهم من سبيل شورى كه ب انفال من سبيل شورى كه ب ا ذلك
منكم فقد ضل سواء السبيل مائده و ب و ومن يفعل منكم
فقد ضل سواء السبيل ممتحنة كح ب وبالايمان فقد ضل
سواء السبيل بقره ا ج ز وضلوا عن سواء السبيل مائده و د
واضل عن سواء السبيل مائده و د مع الجيم بحجارة من سجيل
فيل د و حجارة من سجيل حجر يد ا و وانزل التوريه والانجيل
آل عمران ج ب وآتيناه الانجيل حديد كز د مع الفاء الفيل فيل
ا د و مع الكاف نعم الوكيل آل عمران ج ا فاعبدوه وهو على كل
شيء وكيل انعام ز د شيء وهو على كل شيء وكيل زمر كد ا والله

والتوريه والانجيل
آل عمران ج د
صح

على

على كل شيء وكيل هود يب ا ا وما عليكم بوكيل يونس يا د
لست عليكم بوكيل انعام زج حفيظا وما انت عليهم بوكيل انعام ز د
عليها وما انت عليهم بوكيل زمر كد ا ا عليهم وما انت عليهم
بوكيل شورى كه ا ا قال الله على ما نقول وكيل يوسف يج ا ا والله على
ما نقول وكيل قصص كب و مع اللام في تضليل فيل ا د و
في الآخرة الا قليل توبه ي ج ا متاع الا قليل هود يب ا الدنيا
قليل نساء ه ب سده قليل سبا كب ب و مع الميم الجميل حجر يد ا
مع الواو بعض الاقاويل الحاقه كط ب باب الميم والالف
مع الدال والاقدام رحمن كز ج ابد الاقدام انفال ط د ا مع الراء
ذو الجلال والاكرام رحمن كز ج ا ذي الجلال والاكرام رحمن كز ج و
مع الصاد الخصام بقره ب ج ا مع القاف ان الله عزيز ذو
انتقام ابرهيم يج د شديد والله عزيز ذو انتقام آل عمران ج ب
منه والله عزيز ذو انتقام مائده ز ا و ذي انتقام زمر كد ا ا
مع اللام الاسلام آل عمران ج ا فيهما سلام ابرهيم يج د المنشآت
في البحر كالاعلام رحمن كز ج الجوار في البحر كالاعلام شورى كه ا د
مع الميم ذات الاكمام رحمن كز ب مع النون للانام رحمن كز ب
الاصنام ابرهيم يج د مع الياء في الخيام رحمن كز ج و باب
الميم والراء مع الكاف الاكرم علق لج ب باب الميم والكاف

مع الرا، اجبادكم محمد كوب ومع اللام امثالكم محمد كوب
ولا تبطلوا اعمالكم محمد كوب ويتركم اعمالكم محمد كوب و
يعلم اعمالكم محمد كوب واموالكم محمد كوب و مع الميم ارحامكم
محمد كوب وا قدامكم محمد كوبا ٥ وابا متاعالكم عبس ل ه ا
ولا انعامكم عبس ل ه ا و ارسيها متاعالكم ولا انعامكم نازعات
لا ه مع النون اضغانكم محمد كوب ومع اليا، ومثويكم محمد
كوب ا ه باب الميم واللام مع العين مالم يعلم علق ا ج د
مع القاف بالقلم علق ا ج رباب الميم والوا ومع التاء
مختوم مطففين ر ب مع الجيم وادبار النجوم طور كز ا ر بمواقع
النجوم واقعه كز ج ر فى النجوم صافات كج ب و مع الرا، حق للسايل
والمحروم معارج كط ب وا لروم ر وم كا او مع السين مفسوم
حجر يدا و مع الطا، الخرطوم ن كطا و مع الظا، مكظوم
ن كط ا ر مع القاف بربك حين تقوم شعرا يط ج ر ربك
حين تقوم طور كز ا و ما عليون كتاب مرقوم مطففين ر ب ا
ما سجين كتاب مرقوم مطففين د ب ا ام شجرة الزقوم صافات
كج ب وان شجرة الزقوم دخان كه ج رمن زقوم واقعه كز ج ر
الحلقوم واقعه كز د ا مع الكاف مركوم طور كز ا و مع اللام كتاب
معلوم حجر يد ا ا بقدر معلوم حجر يد ا ا الى قدر معلوم

ومزيد

مزيد ا ذ كط ا د رحق معلوم معارج كط ب مقام معلوم صافات كج ر ا
رزق معلوم صافات كج ب ا ر شرب يوم معلوم بشعرا يط ج و
لميقات يوم معلوم شعرا يط ب ر الى ميقات يوم معلوم واقعه
كز ج ر اللعنة الى يوم الدين قال رب فانظرنى الى يوم يبعثون
قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم حجر يد ا و لعنتى
الى يوم الدين قال رب فانظرنى الى يوم يبعثون قال فانك
من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم ص كج د ا بملوم ذاريات
كز ا ا مع الميم محموم واقعه كز ج رمذموم ن كط ا ه عذاب السموم
طور كز ا و نار السموم حجر يدا و مع اليا، القيوم ال عمران
ج ب ر باب الميم والها، مع الهمزه امعائهم محمد
كوب وعلى قلوبهم واتبعوا اهوائهم محمد كوب وعمله واتبعوا
اهوائهم محمد كوب ومع البا، اياباهم غاشيه ا ب مع الرا، ادبارهم
محمد كوب و اسرارهم محمد كوب وابصارهم محمد كوب و
مع اللام واصلح بالهم محمد كوا ر و يصلح بالهم محمد كوا ر
امثالهم محمد كوا ر خيرا لهم محمد كوب ولبروا اعمالهم
ر لزلد ا دا ما انزل الله فاحبط اعمالهم محمد كوا ر
رضوانه فاحبط اعمالهم محمد كوب و وسيحبط اعمالهم
محمد كوب و واضل اعمالهم محمد كوا ر فلن يضل اعمالهم

محمد ص کوا ر عرفها لهم محمد ص کوا ر فلا ناصر لهم محمد ص کوب ا
عن سبيل الله اضل اعمالهم محمد ص کوا ر فلن يغفر الله لهم
محمد ص کوبه واملى لهم محمد ص کوبد وفا ولى لهم محمد ص کوب و
لا مولى لهم محمد ص کوب ا مثوى لهم محمد ص کوب ا مع النون
اضغانهم محمد ص کوبط مع اليا ذكريهم محمد ص کوب اتقويهم
محمد ص کوب ا با ب ــــــ الميم واليا مع التا يدع اليتيم ماعون
ل ذ ر تكرمون اليتيم فجر د ج ا مع التا ولا تاثيم طور
کز ا و للخير معتد اثيم ن کط ا و الا كل معتد اثيم مطففين ور ا
الا كل معتد اثيم ~~مطففين د~~ كفارا اثيم بقره ر ب ا لكل افاك
اثيم جاثيه كه د ا على كل افاك اثيم شعرا يط ج ر الاثيم دخان كه ج
مع الجيم مسنون قال فاخرج منها فانك رجيم حجر يد او
من طين قال فاخرج منها فانك رجيم ص ب ج د ا وذريتها
من الشيطان الرجيم آل عمران ج ح و من كل شيطان رجيم
حجر يد ا ا بقول شيطان رجيم تكوير د ا ر مع الحا وتصليه
جحيم واقعه كز د ا في سواء الجحيم صافات كج ب والى سواء الجحيم دخان
كه ج ر لصالوا الجحيم مطففين ل ب ا ونورهم والذين كفروا
وكذبوا اولئك اصحاب الجحيم حديد كز د وعظيم والذين كفروا
وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم مائده و ب والمحسنين

بر يد ا
الله من الشيطان الرجيم

والذين

والذين كفروا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم مائده ز ا ا معا
اولئك اصحاب الجحيم حج يز د ا انهم اصحاب الجحيم توبه يا ا د
عن اصحاب الجحيم بقره ا د ا ربهم عذاب الجحيم طور كز ا و
وقهم عذاب الجحيم مومن كد ب ا ووقيهم عذاب الجحيم دخان
كه ج د الى صراط الجحيم صافات كج ب ا صال الجحيم صافات كج ب ا في
اصل الجحيم صافات كج ب و لترون الجحيم تكاثر ل د ا لفي جحيم انفطار
ل ا ر في الجحيم صافات كج ب لا الى الجحيم صافات كج ب تواب رحيم حجرات
كو ج ر وان الله هو التواب الرحيم توبه يا ا ا ان الله هو
التواب الرحيم توبه يا ا ر من رب رحيم يس كج ا و فان
ربك غفور رحيم انعام ح ب ا فانك غفور رحيم ابراهيم
يج د هو الغفور الرحيم شورى كد ا ا ومرسيها ان ربي
لغفور رحيم هود يب ا ر من غفور رحيم فصلت كد د و
فانه غفور رحيم انعام ز ج وان ربي غفور رحيم يوسف يج ا ا
فاني غفور رحيم نمل يط د ا واصلحوا ان ربك من بعد
ها لغفور رحيم نحل يد د ر وصبروا ان ربك من بعدها
لغفور رحيم نحل يد د ولا تحصوها ان الله لغفور رحيم
نحل يد ب وان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم
انعام ح ب ر لسريع العقاب وانه لغفور رحيم اعراف كد ب ا

اكراههن غفور رحيم نور بج و فاعلموا ان الله غفور رحيم
مائده وجا وامنوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم اعراف
طب و شيئا ان الله غفور رحيم حجرات كو دا فان فاؤا فان
الله غفور رحيم بقره بج ينظرون الا الذين تابوا من بعد
ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم ال عمران جدر الفاسقون
الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم
نور يج بر فان لم تجدوا فان الله غفور رحيم مجادله كج ا
وتغفروا فان الله غفور رحيم تغابن كح دا فان انتهوا
فان الله غفور رحيم بقره يب و ولا عاد فان الله غفور
رحيم نحل يه در لاثم فان الله غفور رحيم مائده وبا سبيلهم
ان الله غفور رحيم مائده وبا (توبه ى) عسى الله ان يتوب عليهم ان
الله غفور رحيم توبه يا ا فى رحمته ان الله غفور رحيم
توبه يا ا اجرا واستغفروا الله ان الله غفور رحيم مزمل
كط جر الناس واستغفروا الله ان الله غفور رحيم بقره ب
وان الله غفور رحيم مائده زا و واتقوا الله ان الله غفور
رحيم انفال ى ار لهم الله ان الله غفور رحيم نور يج دو
لهن الله ان الله غفور رحيم ممتحنه كج ب يتوب عليه ان
الله غفور رحيم مائده وجا ولا عاد فلا اثم عليه ان الله

عفو

غفور رحيم بقره ب ار بينهم فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم
بقره ب ب ا ويعذب من يشا، والله غفور رحيم ال عمران دبا
على من يشاء والله غفور رحيم توبه ى بر وقديروا الله
غفور رحيم ممتحنه كح بر ازواجك والله غفور رحيم تحريم
كح دو من سبيل والله غفور رحيم توبه ى در يحببكم الله
ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم ال عمران جو ومنكم ويغفر
لكم والله غفور رحيم انفال ى ار به ويغفر لكم والله غفور
رحيم حديد كز خير لكم والله غفور رحيم نساء ه ا ا الله غفور
رحيم نور يج ا لهم والله غفور رحيم حجرات كو جد رحمت الله
والله غفور رحيم بقره بج و يستغفرونه والله غفور
رحيم مائده ودر انك رؤف رحيم حشر كح ار ايمانكم ان الله بالناس
لرؤف رحيم حج يز دو الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحيم
حج يز دو هو البر الرحيم طور كز او انا الغفور الرحيم حجر
يد او ويحبكم وهو الغفور الرحيم احقاف كو ا ا من عباده و
هو الغفور الرحيم يونس يا در ان الله هو الغفور الرحيم
شورى كه ا جميعا انه هو الغفور الرحيم زمر كد او وله انه
هو الغفور الرحيم قصص كب ا ربى انه هو الغفور الرحيم يوسف
يجب ا الكريم ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين وان ربك

بالمومنين روف رحيم توبه
يا ا ...

لهو العزيز الرحيم شعرا يط با الاخرين ان فى ذلك لاية وما
كان اكثرهم مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم شعرا يط
من المومنين ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين وان
ربك لهو العزيز الرحيم شعرا يط بر بعد الباقين ان فى ذلك
لاية وما كان اكثرهم مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم
شعرا يط جا فاهلكناهم ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم
مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم شعرا يط جا العذاب
ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين وان ربك لهو
العزيز الرحيم شعرا يط جو مطر المنذرين ان فى ذلك
لاية وما كان اكثرهم مومنين وان ربك لهو العزيز
الرحيم شعرا يط جو عظيم ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم
مومنين وان ربك لهو العزيز الرحيم شعرا يط جز تنزيل العزيز
الرحيم يس كب جر وهو العزيز الرحيم روم كا او انه هو العزيز
الرحيم دخان كه جر والشهادة العزيز الرحيم سجده كا جر
على العزيز الرحيم شعرا يط من الرحمن الرحيم فصلت كد ا الا
هو الرحمن الرحيم بقره ب ار والشهادة هو الرحمن الرحيم حشر
كح ب ا بسم الله الرحمن الرحيم نمل يط دو مع الحال الافك قديم
احقاف كو ا ضلالك القديم يوسف يح بكالعرجون القديم

يس كج اا مع الرا كالصريم ن كظ او ولا كريم واقعه كز جر كتاب
كريم نمل يط دو فانبتنا فيها من كل زوج كريم لقمان كا ب كم انبتنا
فيها من كل زوج كريم شعرا يط ب اوله اجر كريم حديد كز دو واجر
كريم يس كب در ولهم اجر كريم حديد كز دو العزيز الكريم دخان
كه جر حقا لهم مغفرة ورزق كريم انفال ى ا ر الصالحات
لهم مغفرة ورزق كريم حج يز د ا اولئك لهم مغفرة و
رزق كريم سبا كب ا مما يقولون لهم مغفرة ورزق كريم نور يح ج ا
ومغفرة ورزق كريم انفال ط د ا ملك كريم يوسف يد و العرش
الكريم مومنون يح بربك الكريم انفطار ا ار اذا نتفنى انه لقول
رسول كريم تكوير ا ار لا تبصرون انه لقول رسول كريم
الحاقه ا ب وجاءهم رسول كريم دخان كه وكنوز ومقام
كريم شعرا يط ب و وزروع ومقام كريم دخان كه جر
لقران كريم واقعه كز غنى كريم نمل يط ده مع الضاد هضيم
شعرا يط جا مع الظا فيما اخذتم عذاب عظيم انفال ى ا ولكم
عذاب عظيم نحل يد د اا ولياء ولهم عذاب عظيم جاثيه كه دا
واولئك لهم عذاب عظيم ال عمران د ا فى الاخرة ولهم عذاب
عظيم ال عمران جا فى الاخرة عذاب عظيم مائده و جا من الله
لهم عذاب عظيم نحل يد دو غشاوة ولهم عذاب عظيم بقره ااا

فى الدنيا والاخرة ولهم عذاب عظيم نوريح جا قلوبهم
لهم فى الدنيا خزى ولهم عذاب عظيم مائده وجو وخائفين لهم فى الاخرة
فى الدنيا خزى ولهم عذاب عظيم بقره ادا له عذاب عظيم نور فى الاخرة
يح به فيه عذاب عظيم نوريح بير الى عذاب عظيم توبه يا ا
بذبح عظيم صافات كج ب و واتقوا اجر عظيم العمران دجا
وعملوا الصالحات
فلكم اجر عظيم العمران دجو اولئك لهم مغفرة واجر عظيم
مائده وب و للتقوى لهم مغفرة واجر عظيم حجرات كوجر ر ابدا ان
الله عنده اجر عظيم توبه ى ب و وان الله عنده اجر عظيم
انفال طدر والله عنده اجر عظيم تحريم كح دا بسحر عظيم تغابن اعراف
طا او عرش عظيم نمل يط دو الا ذو حظ عظيم فصلت كودر
لذو حظ عظيم قصص لد خلق عظيم ن كطا او ذو فضل عظيم
العمران جا عن النبا العظيم نبا ل ا على الحنث العظيم واقعه
كوجر ر وقومهما من الكرب العظيم صافات كج بر فنجيناه واهله
من الكرب العظيم انبيا ز ب ا ونجيناه واهله من الكرب العظيم
صافات كج بو كالطود العظيم شعرا يط بو من تحتها الانهار
خالدين فيها ذلك هو الفوز العظيم حديد كز د وجنات
تجرى تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك هو الفوز العظيم
توبه يا ا عدن ذلك الفوز العظيم صف كج ا و ذلك الفوز

عظيم

العظيم نبا د و وعنه ذلك الفوز العظيم مائده زب ا فيها
ذلك هو الفوز العظيم توبه ى در اكبر ذلك هو الفوز العظيم
توبه ى د ا من ربك ذلك هو الفوز العظيم دخان كه جر و
ذلك هو الفوز العظيم توبه با او فقد رحمته وذلك هو الفوز
العظيم مومن كو ب الكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم توبه يا
لهو الفوز العظيم صافات كج ب والسبع ورب العرش العظيم
مؤمنون يح ب الا هو رب العرش العظيم نمل يط دو وهو رب
العرش العظيم توبه ياب ا برحمته من يشاء والله ذو الفضل
العظيم بقره اجر لحق اليقين فسبح باسم ربك العظيم
الحاقه كط با لهو حق اليقين فسبح باسم ربك العظيم واقعه كز د ا
للمقوين فسبح باسم ربك العظيم واقعه كزجر يختص برحمته
من يشاء والله ذو الفضل العظيم العمران جدو الحكيم ذلك
فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم جمعه كح بر
ورسله ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل
العظيم حديد كز در ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم انفال
طدر والقران العظيم حجر يد نبا باسم العظيم الحاقه كط با
الخزى العظيم توبه يح جد احفظهما وهو العلى العظيم بقره
جا ا وما فى الارض وهو العلى العظيم شورى كه ا ا واذ نجيناكم

بيد الله يؤتيه من يشاء والله
ذو الفضل العظيم
حديد كز ح

من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب يذبحون ابنا ءكم
ويستحيون نسا ءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم بقره ا با
اذ انجيكم من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب يذبحون
ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم
ابرهيم يح جر يقتلون ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذلكم
بلاء من ربكم عظيم اعراف طب الظلم عظيم لقمان كا ب ا فياخذكم
عذاب يوم عظيم شعرا يط ج و وعيون اني اخاف عليكم عذاب يوم
عظيم شعرا يط ج اعبره اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم اعراف ح د و
كان عذاب يوم عظيم شعرا يط ج من المشركين قل اني اخاف ان عصيت
ربي عذاب يوم عظيم انعام ز ب والمسلمين قل اني اخاف ان عصيت
ربي عذاب يوم عظيم زمر يح د و الي اني اخاف ان عصيت ربي عذاب
يوم عظيم يونس يا د و الا الله اني اخاف عليكم عذاب عظيم يوم
عظيم احقاف كو ا و من مشهد يوم عظيم مريم يو ب ا ليوم عظيم
مطففين د ب ا بهتان عظيم نور يح ب كيدكن عظيم يوسف يب د و
لو تعلمون عظيم واقعه كز ج من القريتين عظيم زخرف كه ب
نبوء عظيم ص كج د ا عند الله عظيم نور يح ب شيء عظيم حج
يز ج ا فهو كظيم يوسف يح ا بالانثى ظل وجهه مسودا وهو كظيم نحل
يد ج مثلا ظل وجهه مسودا وهو كظيم زخرف كه ب

من

مع العين بذلك زعيم ن كط ا بذ زعيم يوسف ح ا و
لادخلناهم جنات النعيم مائده و د و بهم جنات النعيم
ن كط ا و لهم جنات النعيم دخان كا ب الصالحات في جنات
النعيم حج يز د و الانهار في جنات النعيم يونس يا ب والمقربون
في جنات النعيم واقعه كو ج مكرمون في جنات النعيم صافات كج ب ا
ونضرة النعيم مطففين ب ا جنة النعيم شعرا يط ب عن النعيم
تكاثر د ا ونعيم طور كز ا و ان يدخل جنة نعيم معارج كط ب
وجنة نعيم واقعه كز د ا المقربون ان الابرار لفي نعيم مطففين ب ا
ما يفعلون ان الابرار لفي نعيم انفطار ل ا ربع القاف واتبعون
هذا صراط مستقيم زخرف كه ج و ان الله هو ربي وربكم
فاعبدوه هذا صراط مستقيم زخرف كه ج وان الله ربي
وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم مريم يو ب ا و
اطيعون ان الله ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم
ال عمران ج ج وان اعبدوني هذا صراط مستقيم يس كج ا و
والمغرب يهدي من يشاء الى صراط مستقيم بقره ب ا ويهدي
من يشاء الى صراط مستقيم يونس يا ج ا مبينات والله يهدي
من يشاء الى صراط مستقيم نور يح ج باذنه والله يهدي
من يشاء الى صراط مستقيم بقره ب ج ا امنوا الى صراط مستقيم

جج يزدم وهديناهم الى صراط مستقيم انعام زدا لتدعوهم
الى صراط مستقيم مومنون يح ا رو يهديهم الى صراط مستقيم
مائده وبه و يهديه الى صراط مستقيم نحل يددر دني الى صراط
مستقيم انعام ح بد لتهدى الى صراط مستقيم شورى كه بو
فقد هدى الى صراط مستقيم ال عمران دا ا سويا على صراط مستقيم
ملك كط ا ا انك على صراط مستقيم زخرف كدج ا المرسلين على
صراط مستقيم يس كب در وهو على صراط مستقيم نحل يدح
يجعله على صراط مستقيم انعام زج ا دلى على صراط مستقيم
هود يب ا والى طريق مستقيم احقاف كوا وبالقسطاس
المستقيم شعرا يطج والصراط المستقيم صافات كرب صراطك
المستقيم اعراف ب هدى مستقيم حج يز در على مستقيم
حجر يد ا وان يستقيم تكوير لا ر وهو سقيم صافات كرب
انى سقيم صافات كبد عجوز عقيم ذاريات كو در العقيم ذاريات كر ا ا
يوم عقيم حج يز د و منها ولهم عذاب مقيم مائده وج ا الله وا لهم
عذاب مقيم توبه ى د ا يستهزءون فسوف تعلمون من ياتيه
عذاب يخزيه ويحل عليه عذاب مقيم هود يب ا ر عامل فسوف
تعلمون من ياتيه عذاب يخزيه ويحل عليه عذاب مقيم
زمر كد ا ا م فى عذاب مقيم شورى كه با لبسبيل مقيم حجر يد ا ر

نعيم

١٤٥

نعيم مقيم توبه ى به مع الكاف تواب حكيم نور يح به امر حكيم
دخان كح جو فاعلموا ان الله عزيز حكيم بقره بج ا فان الله عزيز
حكيم انفال ى ا ا لاعنتكم ان الله عزيز حكيم بقره بج و واعلم
ان الله عزيز حكيم بقره ج ا وكلمات الله ان الله عزيز حكيم دخان لقمن
كا بج من عند الله ان الله عزيز حكيم انفال ط د ا العليا والله
عزيز حكيم توبه ى ج ا سيرحمهم الله ان الله عزيز حكيم توبه ى د و
من معروف والله عزيز حكيم بقره ب د و درجة والله عزيز
حكيم بقره ب ج ر من الله والله عزيز حكيم مائده وج ا انه عزيز
حكيم انفال ى د و والذكر الحكيم ال عمران ج د ا ربنا انك انت العزيز
الحكيم ممتحنه كح بر فانك انت العزيز الحكيم مائده انعام ز ب ا و
ذريا تهم انك انت العزيز الحكيم مومن كد ب ا ويزكيهم انك
انت العزيز الحكيم بقره ا در القدوس العزيز الحكيم جمعه
كح ج ويشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم ال عمران ج ب بالقسط
لا اله الا هو العزيز الحكيم ال عمران ج ج الهو العزيز الحكيم ال عمران
ج د ا من يشاء وهو العزيز الحكيم ابرهيم يج ج رحقا وهو
العزيز الحكيم لقمان كا بر وله الكبرياء فى السموات والارض
وهو العزيز الحكيم جاثيه كه د لله ما فى السموات والارض وهو
العزيز الحكيم حديد كز د ا الاعلى فى السموات والارض وهو

الا هو والله عزيز حكيم انفال

العزيز الحكيم دوم كا ب له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم حشر كح ب ا وما في الارض وهو العزيز الحكيم صف كح ج ا
بهم وهو العزيز الحكيم جمعه كح ج ومن بعده وهو العزيز الحكيم
فاطر كب ج والاعلى وهو العزيز الحكيم نحل بد ج ا ومن شي وهو العزيز
الحكيم عنكبوت له ا انه هو العزيز الحكيم عنكبوت د د والشهادة العزيز
الحكيم تغابن تحريم كح د ا انا الله العزيز الحكيم نمل يط د ا من عند الله العزيز
الحكيم ال عمران د ب ا من قبلك الله العزيز الحكيم شورى كه ا بل هو
الله العزيز الحكيم سبا كب د ا انت العليم الحكيم بقره ا ا ر وهو
العليم الحكيم تحريم كح د لما يشاء انه هو العزيز الحكيم يوسف ج ب ا
جميعا انه هو العليم الحكيم يوسف ج ا ر ان ربك عليم حكيم يوسف
يب ج د ان الله عليم حكيم توبه ى د ر من يشاء والله عليم حكيم
توبه ى ب و ويبين الله لكم الايات والله عليم حكيم نور ج ب
كذلك يبين الله لكم الايات والله عليم حكيم نور ج د ا بينكم
والله عليم حكيم ممتحنه كح ب ر عليكم والله عليم حكيم نساء ه ا ا منهم
والله عليم حكيم انفال ى ا ر عليكم والله عليم حكيم توبه ى ا ا وقلوبهم
والله عليم حكيم توبه ب ا ا وعلى رسوله والله عليم حكيم توبه ب ا ا
اياته والله عليم حكيم حج يز د ا من الله والله عليم حكيم
توبه ى ج د ونعمة والله عليم حكيم حجرات كو ج ر لعلي حكيم

زخرف كه ب و انه علي حكيم شورى كه ب مع اللام هذا عذاب اليم
دخان كه ج و وليمسنكم منا عذاب اليم يس كب د ر ثم يمسهم منا
عذاب اليم هود يب ا فيها عذاب اليم احقاف كو ا ا واعتدنا لعذاب
اليم انفال ط د ر كفروا بعذاب اليم توبه ى ا من الناس فبشرهم
بعذاب اليم ال عمران ج ج ا بما يوعون فبشرهم بعذاب اليم
انشقاق ل ب يسمعها فبشره بعذاب اليم جاثيه كه د ا فياخذكم
عذاب اليم اعراف ح د ا ويصيبهم عذاب اليم نور يح د و
الحق اولئك لهم عذاب اليم شورى كه ب وا اولئك لهم
عذاب اليم عنكبوت ك د ب ا اولئك لهم عذاب اليم ال عمران ج د
من قبل ان الظالمين لهم عذاب اليم ابرهيم يج د و وان الظالمين
لهم عذاب اليم شورى كه ا ر شيئا ولهم عذاب اليم ال عمران
د ج و من العذاب ولهم عذاب اليم ال عمران د ج ر قليل و
لهم عذاب اليم نحل يد د ر اليوم ولهم عذاب اليم نحل يد
ج و قريبا ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم حشر كح ب ا
فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم تغابن تحريم كح ج ر ما تقبل
منهم ولهم عذاب اليم مائده و ج ا سخر الله منهم ولهم عذاب
اليم توبه انفال ى د ا اليهم يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب
اليم ال عمران ج د و ولا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم

عذاب اليم بقره با لا يهديهم الله ولهم عذاب اليم
نحل يد دو رسول الله لهم عذاب اليم توبه ج د سيصيب
الذين كفروا منهم عذاب اليم توبه ع دبر ليمسن الذين
كفروا منهم عذاب اليم مائده ودر ويجركم من عذاب
اليم احقاف كوا تنجيكم من عذاب اليم صف كج ا للكافرين من
عذاب اليم ملك كطا او نذقه من عذاب اليم حج يزجو واسمعوا
للكافرين عذاب اليم بقره اجر حدود الله وللكافرين عذاب
اليم مجادله ح اا او عذاب اليم يوسف يب دو بالغيب فمن اعتدى
بعد ذلك فله عذاب اليم مائده نراو ورحمة فمن اعتدى
بعد ذلك فله عذاب اليم بقره يب ا عقاب اليم فصلت كد ر
اولئك لهم عذاب اليم من رجز اليم سبا كب و ربهم لهم
عذاب من رجز اليم جاثيه كه دا فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب
الاليم يونس يادو به حتى يروا العذاب الاليم شعرا يط جر رايه
حتى يروا العذاب الاليم يونس يادو لذائقوا العذاب الاليم
صافات لج با ويخافون العذاب الاليم ذاريات كز اا هو العذاب
الاليم حجر يداو عليكم عذاب يوم اليم هود يب او من عذاب
يوم اليم زخرف كج و واعلموا ان الله غفور حليم بقره يد ا
عنهم ان الله غفور حليم ال عمران د بر عنها والله غفور

حليم

حليم مائده نراو قلوبكم والله غفور حليم بقره بج ر شكور
حليم تغابن تحريم كح دا بغلام حليم صافات لج ب ولعليم حليم حج يزدو
صلدحو والله عليم حليم نساء د و لاواه حليم توبه يا اد
غنى حليم بقره جاو ربه بقلب سليم صافات لج ب والله
بقلب سليم شعرا يط بر سحار عليم شعرا يط و شاكر عليم
بقره ب او حفيظ عليم يوسف يج اا فرعون ان هذا لساحر
عليم اعراف طاو حوله ان هذا لساحر عليم شعرا يط ب و
ياتوك بكل ساحر عليم اعراف طاو ائتوني بكل ساحر عليم
يونس يادا ان الله واسع عليم بقره ادا لمن يشاء والله واسع
عليم بقره جاو ملكه من يشاء والله واسع عليم بقره ب در
بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم ال عمران ج دو
فضله والله واسع عليم بقره جاو من فضله والله واسع
عليم توبه يح جو لسميع عليم انفال ى اا حسنا ان الله سميع
عليم انفال ط داو واعلموا ان الله سميع عليم بقره يد و فان
الله سميع عليم بقره بج ر وان الله سميع عليم انفال ى او
الله ان الله سميع عليم حجرات كو ج و يبدلونه ان الله سميع
عليم بقره ب ب ا من يشاء والله سميع عليم نور يح ج ا
لها والله سميع عليم بقره ج اا بين الناس والله سميع عليم

فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع
عليم مائده دا

بقره يج ر من بعض والله سميع عليم ال عمران ج ج وللقتال
والله سميع عليم ال عمران د ا لهم والله سميع عليم توبه يا الم
لهن والله سميع عليم نور يج د ا دائرة السوء والله سميع
عليم توبه يا ااا انه سميع عليم اعراف طج ر خلق عليم يس كج ا و
هو الفتاح العليم سبا كب به وحفظا ذلك تقدير العزيز العليم
فصلت كو دا حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم انعام زد او لها
ذلك تقدير العزيز العليم يس كج اا خلقهن العزيز العليم
زخرف كه ب و وهو العزيز العليم نمل ك ا و من الله العزيز العليم
مومن كو ب ا منا انك انت السميع العليم بقره ا د و مني انك
انت السميع العليم ال عمران ج وجميعا هو السميع العليم
يونس يا ج ر لايات وهو السميع العليم عنكبوت كج ٢ والنهار
وهو السميع العليم انعام زب و والارض وهو السميع العليم
انبيا يز اا واياكم وهو السميع العليم عنكبوت كا او لكلماته
وهو السميع العليم انعام ح اا فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم بقره ا د ر ربك انه هو السميع العليم دخان كه ج و
كيدهن انه هو السميع العليم يوسف يب د و في الساجدين
انه هو السميع العليم شعرا يط ج ر بالله انه هو السميع العليم
فصلت كد ر على الله انه هو السميع العليم انفال ى او ربك

هو

١٤٨

هو الخلاق العليم حجر يد ار و هو الخلاق العليم يس كج ا د
انه هو الحكيم العليم ذاريات كو د ر وهو الحكيم العليم زخرف كج و
انا نبشرك بغلام عليم حجر يد او وبشروه بغلام عليم
ذاريات كو د ر علم عليم يوسف يج ا و من يشاء ان ربك حكيم عليم
انعام ز د ا من لدن حكيم عليم نمل يط د ا يحشرهم انه
حكيم عليم حجر يد او الله ان ربك حكيم عليم انعام ح او
وصفهم انه حكيم عليم انعام ح ا د لكم والله بما تعملون عليم
نور يج ج ا قبله والله بما تعملون عليم بقره ج ب و اخيا
تعملون عليم مومنون يج ا ر بكيدهن عليم يوسف يب د ر وما
تنفقوا من خير فان الله به عليم بقره ج ا ر وما تفعلوا
من خير فان الله به عليم بقره ب ج و وما تنفقوا من شي
فان الله به عليم ال عمران د اا ر والباطن وهو بكل شي عليم حديد
كز د ا شي وهو بكل شي عليم انعام ز د ر واعلموا ان الله بكل
شي عليم بقره ب ج ر ان الله بكل شي عليم عنكبوت كا اا ما
يتقون ان الله بكل شي عليم توبه يا ار ٧ في كتاب الله ان
الله بكل شي عليم انفال ى ا ر يوم القيمة ان الله بكل شي
عليم مجادله كح ااا ان تضلوا والله بكل شي عليم نسا وا ر
بما عملوا والله بكل شي عليم نور يج د و للناس والله بكل

وان الله بكل شي عليم
مائده ز ا
ح

شئ عليم نور كج جـ ر وما فى الارض والله بكل شئ عليم حجرات
كو د ا قلبه والله بكل شئ عليم تحريم كح د ا الله والله بكل
شئ عليم بقره جـ ب ا ا انه بكل شئ عليم شورى كه ا و الحوت و
هو مليم صافات كج ب فى اليم وهو مليم ذاريات كز ا ا مع الميم ههنا
حميم الحاقه كط ب ا صديق حميم شعرا يط ب ر من عذاب حميم
دخان كج د ر رؤوسهم الحميم حج يز جـ ومن الحميم واقعه كز جـ
فى الحميم مؤمن كد جـ ر لشوبا من حميم صافات كج ب و فنزل من حميم
واقعه كز د ا وحميم واقعه كز جـ ا و لى حميم فصلت كد د كالرميم
ذاريات كز ا ا وهى رميم يس كج ا د بنميم ن كط ا و مع النون نعيم
ن كط ا و من تسنيم مطففين ل ب مع الواو وتقويم تين ل جـ
مع الهاء وسلاما على ابرهيم انبيا يز ب ا سلام على ابرهيم
صافات كج د بنا ابرهيم شعرا يط ب ر با لهتنا يا ابرهيم انبيا
يز ا ر ان يا ابرهيم صافات كج ب ضيف ابرهيم حجر يد ا و لابرهيم
صافات كج ب و لدا ابرهيم انبيا يز ا ر شرب الهيم واقعه كز جـ د
باب مع النون والالف مع الباء بحسبان رحمن كز ب ر
والريحان فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز ب ر من نار
فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز ب ر ورب المغربين
فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز ب ر لا يبغيان فباى

الاء ربكما تكذبان رحمن كز ب ر اللؤلؤ والمرجان فباى
الاء ربكما تكذبان رحمن كز ب ر كالاعلام فباى الاء ربكما
تكذبان رحمن كز جـ ا والاكرام فباى الاء ربكما تكذبان
رحمن كز جـ ا فى شان فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا
الثقلان فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا بسلطان
فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا فلا تنتصران فباى
الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا كالدهان فباى الاء ربكما
تكذبان رحمن كز جـ ا انس ولا جان فباى الاء ربكما تكذبان
تكذبان رحمن كز جـ ا والاقدام فباى الاء ربكما تكذبان
رحمن كز جـ ا ان فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا
وبه جنتان فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا افنان
فباى الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا تجريان فباى
الاء ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا زوجان فباى الاء
ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا دان فباى الاء ربكما تكذبان
رحمن كز جـ ا الطرف لم يطمثهن انس قبلهم ولا جان فباى الاء
ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا الياقوت والمرجان فباى الاء
ربكما تكذبان رحمن كز جـ ا الا الاحسان فباى الاء ربكما
تكذبان رحمن كز جـ ا ومن دونهما جنتان فباى الاء ربكما

تكذبان رحمن كزج ا مد هامتان فبای الاء ربکما تکذبان
رحمن كزج و نضاختان فبای الاء ربکما تکذبان رحمن كزج و و
رمان فبای الاء ربکما تکذبان رحمن كزج و خیرات حسان
فبای الاء ربکما تکذبان رحمن كزج و فی الخیام فبای الاء ربکما
تکذبان رحمن كزج و لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان فبای الاء
ربکما تکذبان رحمن كزج و عبقری حسان فبای الاء ربکما تکذبان
رحمن كزج و مع التاء نضاختان رحمن كزج و مدهامتان رحمن كزج و
ومن دونهما جنتان رحمن كزج ا ربه جنتان رحمن كزج ا مع
المیم انس ولا جان رحمن كزج ا الطرف لم یطمثهن انس قبلهم
ولا جان رحمن كزج تکذبان لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان
رحمن كزج ا اللؤلؤ والمرجان رحمن كزج ا الیاقوت والمرجان
رحمن كزج ا زوجان رحمن كزج ا مع الحاء والریحان رحمن كزج
وریحان واقعه كزد ا مع الدال یسجدان رحمن كزب دان
رحمن كزج ا مع الراء فلا تنتصران رحمن كزج ا مع الزاء تخسروا
المیزان رحمن كزب ووضع المیزان رحمن كزب فی المیزان
رحمن كزب مع السین باحسان بقره ب ج الا الاحسان
رحمن كزج احیرات حسان رحمن كزج و وعبقری حسان رحمن
كزج والانسان رحمن كزب مع الشین فی شان رحمن كزج ا

مع الطاء بسلطان رحمن كزج ا مع القاف الفرقان الاعراف
ج ب مع اللام الثقلان رحمن كزج ا مع المیم ورمان رحمن
كزج ا حمیم ان رحمن كزج ا مع النون بنان انفال ط د ا افنان
رحمن كزج ا مع الهاء كالدهان رحمن كزج ا مع الیاء البیان
رحمن كزب تستفتیان یوسف ب د تجریان رحمن كزج ا الایمان
رحمن كزب یلتقیان رحمن كزب باب النون مع المیم مع الراء
اكرمن فجر ج ا باب النون والنون مع الالف هانن
فجر ج ا باب النون والواو مع الالف یتبعهم الغاوون
شعراء ط ج والغاوون شعراء ط ب مع الهمزة یراؤن ماعون
ل د المنشئون واقعه كزج الخاطئون الحاقه كط ب ا متكئون
یس ج ا و یتكئون زخرفه ب مع الباء كاتبون انفطار ب
كفروا ولا هم یستعتبون تحرایده منها ولا هم یستعتبون
جاثیه كه د معذرتهم ولا یستعتبون روم كا ب
ولكم البنون ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون
ام عندهم الغیب فهم یكتبون طور كز ا و مثبتون ام
تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ام عندهم
الغیب فهم یكتبون ن كط ا لدیهم یكتبون زخرف
كه ج و تحبون نجم كز ب انحبون الاعراف د ا یصحبون انبیاء ر

اولئك هم الكاذبون نحل يد و الا انهم هم الكاذبون
مجادلة كه او عند الله هم الكاذبون نور يج بر انكم لكاذبون
نحل يد يج لننصرنكم والله يشهد انهم لكاذبون حشر كه ب ا
الا الحسنى والله يشهد انهم لكاذبون توبه يا او يعلم انهم لكاذبون
توبه ى ج بالحق وانهم لكاذبون مومنون يج با ولد الله وانهم
لكاذبون صافات كه به عنه وانهم لكاذبون انعام زب
من شى انهم لكاذبون عنكبوت كه ا ان المتقين ان المنافقين
لكاذبون منافقون ج و واكثرهم كاذبون شعرا يط ج حين قال رب
انصرنى بما كذبون مومنون يج المومنين قال رب انصرنى بما كذبون
مومنون يج او الا تكذبون يس كب د فكنتم بها تكذبون مومنون
يج ب وعذاب النار التى كنتم بها تكذبون سبا كب ا هذه النار
التى كنتم بها تكذبون طور كز او انكم تكذبون واقعه كز دا
ما كنتم به تكذبون مرسلات كه د هذا الذى كنتم به تكذبون
مطففين د با عذاب النار الذى كنتم به تكذبون سجده كا دا
يوم الفصل الذى كنتم به تكذبون صافات كه با المكذبون
واقعه كز ج كفروا يكذبون انشقاق ذ با اليم بما كانوا
يكذبون بقره ا ا ا وبما كانوا يكذبون توبه ى د و
قومى كذبون شعرا يط ج ا رب انى اخاف ان يكذبون شعرا يط ب ا

بصدقنى

يصدقنى انى اخاف ان يكذبون قصص د ب مما تشربون
مومنون يج او الذى تشربون واقعه كز ج ولا تقربون
يوسف ح ا انما المقربون مطففين د ب اولئك المقربون
واقعه كز ج يشهده المقربون مطففين د ب ا تحتسبون
زمر كد او ويعلم ما تكسبون انعام زب اما كنتم
تكسبون زمر كج در الا بما كنتم تكسبون يونس يا ج و
العذاب بما كنتم تكسبون اعراف ح ج رحما يكسبون
بقره ا ج ا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون توبه ى د و
جهنم جزاء بما كانوا يكسبون توبه يا ا ا بعضا بما كانوا
يكسبون انعام ح ار قوما بما كانوا يكسبون جاثيه كه دا
النار بما كانوا يكسبون يونس يا ب و فاخذناهم بما كانوا
يكسبون اعراف ط ا ا ا ارجلهم بما كانوا يكسبون يس
كج ار الهون بما كانوا يكسبون فصلت كه د ا على قلوبهم
ما كانوا يكسبون مطففين د ب من قبلهم فما اغنى عنهم
ما كانوا يكسبون زمر كد او فى الارض فما اغنى عنهم
ما كانوا يكسبون مومن كد ج مصبحين فما اغنى عنهم
بما كانوا يكسبون حجر يد ار فى خوضهم يلعبون انعام زد و
فى خوض يلعبون طور كز او فى شك يلعبون دخان كه ج و

استمعوه وهم يلعبون انبياء ا ا وهم يلعبون اعراف
ط ١١ الى ربنا راغبون ن كط او الى الله راغبون توبه ي ح
مرتقبون دخان كه لمالنا كبون مؤمنون يح ا رما تركبون زخرف كه و
ما يركبون يس كج ا ه من اتبعكما الغالبون قصص ك ب ا ر انهم
الغالبون انبياء ا الا لهم الغالبون صافات كج ا فانكم
غالبون مائده و ب هم الغالبون مائده و دا لنحن الغالبون
شعراء ط ب ر تغلبون فصلت كد و سيغلبون روم كا او يغلبون
انفال ط د ر تغلبون عنكبوت ك د و قالوا انا الى ربنا منقلبون اعراف
ط ا ر لا ضير انا الى ربنا منقلبون شعراء ط ب ر لمنقلبون
زخرف كه و ينقلبون شعراء ط ح لمحجوبون مطففين ل ب اتذهبون
تكوير ل ا ر واياى فارهبون بقره ١١ ر فاياى فارهبون
نحل يد ح ا يرهبون اعراف ط ب المجيبون صافات كج و مع التاء
ما تنحتون صافات كج و يتخافتون ن كط ا و المفتون ن كط ا و
صامتون اعراف ط ح رما يحيون نساء ه ب والزيتون تين
ل ج لميتون مؤمنون يح ١١ وانهم ميتون زمر كج د ر ما في
السموات والارض كل له قانتون بقره ا دا من في السموات
والارض كل له قانتون روم كا ا مع التاء تعبثون شعراء ط ح ا
هم الوارثون مؤمنون يح ١١ ونحن الوارثون حجر يد ١١ م

١٥٢

تحرثون واقعه كز ج ر تبعثون مؤمنون يح ١١ برزخ الى يوم يبعثون
مؤمنون يح ب ا في بطنه الى يوم يبعثون صافات كج ب ١١ اللعنة
الى يوم الدين قال رب فانظرني الى يوم يبعثون حجر يد او
لعنتي الى يوم الدين قال رب فانظرني الى يوم يبعثون
ص كج د ا قال انظرني الى يوم يبعثون اعراف ح د ر ولا تخزني
يوم يبعثون شعراء ط ب ر احياء وما يشعرون ايان يبعثون
نحل يد ب و الا الله وما يشعرون ايان يبعثون نمل ك ١١
ما كنتم زخرف كه و العذاب اذا هم ينكثون زخرف كه ا
بالعهد اذا هم ينكثون اعراف ط ا ر قالوا ائذا متنا وكنا
ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون مؤمنون يح ب ا مبين ائذا متنا
وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون صافات كج ب ا يقولون
ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون واقعه كز ج
مع الجيم منها كذلك تخرجون زخرف كه ب و وكذلك تخرجون
روم كا ر ومنها تخرجون اعراف ح ١١ اذا انتم تخرجون
روم كا ا ر انتم تخرجون ~~روم كا ١١~~ لمخرجون نمل ك ١١ انكم
مخرجون مؤمنون يح ليخرجون حجر يد ١١ ما لا ترجون نساء
ه ج ر مع الحاء يسبحون ن كط او كل في فلك يسبحون انبياء
ز او وكل في فلك يسبحون يس كج ا ه تصبحون روم كا ر

تسرحون نحل ید با تفرحون نمل یط د و وهم فرحون توبه ی ح
تفرحون مومن کوج زبر اکل حزب بما لدیهم فرحون
مومنون یح ار شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون روم کا با
ذریتهم فی الفلک المشحون یس لح اا ه معه فی الفلک المشحون
شعرا یط ج الی الفلک المشحون صافات کج بر لنا صحون یوسف
یب ج ر لد ناصحون قصص ک ار فلا تفضحون حجر ید ار
الصالحون انبیا ر نب ر کالحون مومنون یج بد و اهلها مصلحون
هود بیج نحن مصلحون بقره ااا رهط یفسدون فی الارض
ولا یصلحون نمل یط در الذین یفسدون فی الارض و
لا یصلحون شعرا یط ه و فا بتغوا واذکروا الله کثیرا لعلکم
تفلحون انفال ی اا من فضل الله واذکروا الله کثیرا
لعلکم تفلحون جمعه کح و الالباب لعلکم تفلحون مائده
ز ا و للخیر لعلکم تفلحون حج یز در الاء الله لعلکم تفلحون
اعراف ح د و ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون ال عمران د بد
من ابوابها واتقوا الله لعلکم تفلحون بقره ب ب و مضاعفة
واتقوا الله لعلکم تفلحون ال عمران د ب ا فی سبیله
لعلکم تفلحون مائده و ج ا فاجتنبوه لعلکم
تفلحون مائده ز اا لا یفلحون نحل ید دد لانفسکم

ومن

ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون تغابن بحر یم کح د اخصاصة
ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون حشر کح ا ه الحون فمن ثقلت
موازینه فاولئک هم المفلحون اعراف ح بر ولا یتساءلون فمن ثقلت موازینه
فاولئک هم المفلحون مومنون یح با واطعنا واولئک هم
المفلحون نور یح د ا للخیرات واولئک هم المفلحون
توبه ی در عن المنکر واولئک هم المفلحون ال عمران د اا
وبالاخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم واولئک
هم المفلحون بقره ااا وهم بالاخرة هم یوقنون اولئک
علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون لقمان کا بر
وجه الله واولئک هم المفلحون لقمان روم کا بر معه اولئک
هم المفلحون اعراف ط بد حزب الله هم المفلحون مجادله کح او
الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون نحل ید در
قل ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون یونس یا ح ر
یجحون توبه یح ر مقمحون یس کب در مع الدال فاعلون
والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم
او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء
ذلک فاولئک هم العادون مومنون یح اا امانون والذین هم
لفروجهم حافظون حافظون الا علی ازواجهم او

ماملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك
فاولئك هم العادون معارج كلا بو قوم عادون شعرا يطرو
لنا عابدون مومنون بح ا له عابدون بقره ادر انا فاعبدون
انبيا يزا و ربكم فاعبدون انبيا يزبر فاياى فاعبدون
عنكبوت كا ا ما ذا تعبدون صافات كجه ولا اعبد ما تعبدون
كافرون ادر وما تعبدون صافات كجز مما تعبدون زخرف كديه
وقومه ما تعبدون شعرا يط به ا ايانا تعبدون يونس يابه
ماكنتم تعبدون شعرا يط به اينما كنتم تعبدون شعرا يط به
خلقهن ان كنتم اياه تعبدون فصلت كده واشكروا الله ان
كنتم اياه تعبدون بقره به نعمت الله ان كنتم اياه تعبدون
نحل يد دبر ايانا يعبدون قصص ج ا ماكانوا يعبدون
صافات كجه ا اياكم كانوا يعبدون سبا كبج ا الهة يعبدون
زخرف كج ا الا ليعبدون ذاريات كزا ا هم المعتدون توبه
ى به ا مقتدون زخرف كديه ولعلكم تهتدون بقره به ا
وسبلا لعلكم تهتدون نحل يديه و بغير حق ذلك
بما عصوا وكانوا يعتدون ال عمران دا و بغير الحق ذلك بما عصوا
وكانوا يعتدون بقره ابو مريم ذلك بما عصوا وكانوا
يعتدون مائده ودر فيها سبلا لعلكم تهتدون زخرف كديه

د

والفرقان لعلكم تهتدون بقره ابا اياته لعلكم تهتدون
ال عمران دا ا واتبعوه لعلكم تهتدون اعراف طبر هم المهتدون
بقره يب ا و زخرف كجا الله المهتدون بقره ابر على اثارهم مهتدون
زخرف كدا اجرا وهم مهتدون يس كبدر عن السبيل ويحسبون
انهم مهتدون زخرف كجا من دون الله ويحسبون انهم
مهتدون اعراف ج د الامن وهم مهتدون انعام زدا فهم
لا يهتدون نمل يط دو من الذين لا يهتدون نمل يط ده
كانوا يهتدون قصص ج ا م سبلا لعلهم يهتدون انبيا
يزا و الكتاب لعلهم يهتدون مومنون يح ا ر من قبلك لعلهم
يهتدون سجده كاجو و بالنجم هم يهتدون نحل يد به و لا يعقلون
شيا ولا يهتدون بقره به ا ر لا يعلمون شيا ولا يهتدون
مائده يزاو لا يسجدون انشقاق د به وهم يسجدون ال عمران داو
وله يسجدون اعراف طبر بما كانوا باياتنا يجحدون فصلت كده و
وما كانوا باياتنا يجحدون اعراف ج دا وكانوا باياتنا يجحدون
فصلت كجد كانوا بايات الله يجحدون مومن كجو ولكن الظالمين
بايات الله يجحدون انعام زبر افبنعمة الله يجحدون نحل
يدجه و يترددون توبه يج و واردون انبيا يزبر يفسدون
نمل يد دا هم الراشدون حجرات كوج ير شدون بقره يده

انا لمهتدون زخرف
كه ج ا

يصدون زخرف كه اقاعدون مائده وب مبعدون انبيا يز
به ربك كالف سنة مما يعدون حج يزد ا مقداره
الف سنة مما تعدون سجده كا بعيد ما توعدون انبيا
يزب لما توعدون مومنون يج او ما توعدون ذاريات كو
جهنم التي كنتم توعدون يس كه ا بالجنة التي كنتم توعدون
فصلت كد الذي كنتم توعدون انبيا يزب يرون ما
يوعدون احقاف كوا ترينهم ما يوعدون مومنون يج ما كانوا
يوعدون شعرا يط الصدق الذي كانوا يوعدون احقاف
كو او اليوم الذي كانوا يوعدون معارج كط عما
يصفون فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم
الذي كانوا يوعدون زخرف كه و حسبوقين فذرهم
يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي كانوا
يوعدون معارج كط من يومهم الذي كانوا يوعدون
ذاريات كو تفقدون يوسف او يوقدون يس كه ا و
كلا فيها خالدون انبيا يزب وانتم فيها خالدون زخرف كه و
مظلما اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون يونس
باياتنا اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون بقره
عنها اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون اعراف ج و

شيئا اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون مجادله كج او
الى الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
بقره ج ا ومن عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
بقره ج بحطيئة فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
بقره اج ا شيئا واولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
آل عمران دا في اعناقهم واولئك اصحاب النار هم فيها
خالدون رعد يحب و والاخرة واولئك اصحاب النار هم
فيها خالدون بقره بج و الفردوس هم فيها خالدون
مومنون يج ا وهم فيها خالدون بقره ا او رحمة الله
هم فيها خالدون آل عمران دا الا وسعها اولئك اصحاب
الجنة هم فيها خالدون اعراف ج الحبر بهم اولئك
اصحاب الجنة هم فيها خالدون هود يب او الصالحات
اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون بقره اج الاذلة
اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون يونس فهم
الخالدون انبيا يز او في عذاب جهنم خالدون زخرف كه ج
وفي العذاب هم خالدون مائده ود وفي النار هم فيها
خالدون توبه ي ب وا نفسهم خالدون انبيا يزب تخلدون
شعرا يط ا تخلدون واقعه كز و تعودون اعراف ج و خالدون

فيهم خالدون مومنون ... صح

يس يج ١١ سامدون نجم كزب اتفندون يوسف يج اه وهم
شاهدون صافات كجب الماهدون ذاريات كز ١١ ثم اقررتم وانتم
تشهدون بقره اجا باياتالله وانتم تشهدون ال عمران يج دو
حتى تشهدون نمل يط دو لعلهم يشهدون انبيا يزاه
يمهدون روم كاب وعائدون دخان كيه و تريدون صافات
كجب وا ويزيدون صافات كجبه فكيدون مرسلات كط هم المكيدون
طور كزاو مع الذال شيئًا ولا ينقذون يس كج ١١ ولاهم
ينقذون يس كج ١١ و مع الراء تجأرون نحل يجه اتجارون
موسنون يج ا رمننا على موسى وهارون صافات كجبه سلام على
موسى وهارون صافات كجب الى هارون شعرا يطب الا الصابرون
قصص لا جر فالقى السحرة ساجدين قالوا آمنا برب العالمين
رب موسى وهارون شعرا يطب و والقى السحرة ساجدين قالوا
امنا برب العالمين رب موسى وهارون اعراف طار تحبرون
زخرف كجه يحبرون روم كاا يحبرون يوسف يب دو وما كنتم
تستكبرون نحل يح دا عن اياته تستكبرون انعام زدو
منكرة وهم مستكبرون نحل يجب و يصدون وهم مستكبرون
منافقين كجه وانهم لا يستكبرون مائده ودو والملائكة وهم
لا يستكبرون نحل يد اجا د بهم وهم لا يستكبرون

سجده

سجده كا جا الا الله يستكبرون صافات كجب اما يشترون
ال عمران جر عما كنتم تفترون نحل يجه اعلى الله يفترون
يونس يا جا الا مفترون هود يب ا لا يفترون انبيا يز ١١
بما كانوا يفترون انعام حار عما كانوا يفترون عنكبوت ك دا
ولو شاء ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون انعام ح ١١
ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما يفترون انعام حار ا
الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون يونس يا به ٢ قد خسروا
انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون نحل يد دا الذين خسروا
انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون اعراف جه دا على انفسهم
وضل عنهم ما كانوا يفترون هود يب او لله وضل عنهم ما
كانوا يفترون انعام زبر لله وضل عنهم ما كانوا يفترون
قصص لا جه و دينهم وما كانوا يفترون ال عمران جه ا وما كانوا يفترون
احقاف كو او ثم انتم تمترون انعام زب ا به تمترون دخان
كدجه بما كانوا فيه يمترون حجر يدار الذى فيه يمترون
مريم يوب اتسحرون مؤمنون يح ب تسحرون مؤمنون كديه فتحرون مؤمنون
يح ار الساحرون يونس يادا معلوم ما تسبق من امة
اجلها وما يستاخرون حجر يد ١١ اخرين ما تسبق من
امة اجلها وما يستاخرون مؤمنون يح او وانتم داخرون

السلوة وضل عنهم ما كانوا يفترون نمل

صافات كجب او هم داخرون نحل يدج الكما تسخرون هود
يب ار يستسخرون صافات كجب او يسخرون صافات كجب ا
فنعم القادرون مرسلات كط ا انا لقادرون معارج كطب وما
نحن هم لقادرون مومنون يح ب انه لقادرون مومنون يح ا
مقتدرون زخرف كهج احاذرون شعرا يطب وفيعتذرون
مرسلات كط لعلهم يحذرون توبه يا ار ما تحذرون توبه
ىه د ما كانوا يحذرون قصص ا ار منذرون شعرا يطج
ينذرون انبيا يز ا علم الاساء ما يذرون نحل يدب وعلى
ظهورهم الاساء ما يذرون انعام زهب انا اذا الخاسرون
يوسف يب ج شعيبا انكم اذا لخاسرون اعراف ط ا مثلكم انكم اذا
الخاسرون مومنون ع ا الا القوم الخاسرون اعراف ط ا فى الاخرة
هم الخاسرون نحل يدو فى الارض اولئك هم الخاسرون
بقره اك ومن يضلل فاولئك هم الخاسرون اعراف طج و
ذلك فاولئك هم الخاسرون منافقين كح به فاولئك هم
الخاسرون بقره ا د فى جهنم اولئك هم الخاسرون انفال
طدر واولئك هم الخاسرون زمر ى د باسه واولئك هم الخاسرون
عنكبوت كا ا بالله اولئك هم الخاسرون زمر كد ار بايات الله
اولئك هم الخاسرون مجادله كح او حزب الشيطان هم

الخاسرون

الخاسرون مجادله كح او يستحسرون انبيا يز ا انهم فى الاخرة
هم الاخسرون هود يب او وهم فى الاخرة هم الاخسرون نمل
يط د ايخسرون مطففين ل ب ا من عباده اذا هم يستبشرون
روم كاب ومن دونه اذا هم يستبشرون زمر كد او وهم يستبشرون
توبه ياب المدينه يستبشرون حجر يد ار فبم تبشرون
حجر يد او تخشرون روم كا ار لا الى الله تحشرون ال عمران د ر
انكم اليه تحشرون بقره بج ا وهو الذى ذراكم فى الارض و
اليه تحشرون مومنون يح ب قل هو الذى ذراكم فى الارض و
اليه تحشرون ملك كط او وانه اليه تحشرون انفال ط دو وهو
الذى اليه تحشرون انعام زج رحرما واتقوا الله الذى اليه تحشرون
مجادله كح اه الى جهنم يحشرون انفال ط در الى ربهم يحشرون
انعام زج او يحشرون انبيا يز ا لا تناصرون صافات كجب ا
وما لا تبصرون الحاقه كطب او فى انفسكم افلا تبصرون ذاريات
كود ر فيه افلا تبصرون قصص كج و من تحتى افلا تبصرون
زخرف كهج ام انتم لا تبصرون طور كز او ولكن لا تبصرون
واقعه كز د السحر وانتم تبصرون انبيا يز ا الفاحشة و
انتم تبصرون نمل يط د ر مبصرون اعراف طج ر ولو كانوا
لا يبصرون يونس يا ج فى ظلمات لا يبصرون بقره ا ا افلا

الذى اليه تحشرون مائده
ز او للتقوى واتقوا
الله الذى
ح

يبصرون سجده كاد ا فهم لا يبصرون يس كد ر وهم لا يبصرون
اعراف طج ر فما كانوا يبصرون هود يب او وابصرهم فسوف يبصرون
صافات كج ا وابصر فسوف يبصرون صافات كج ا او يبصرون ن
كط او فانى تبصرون يس كج ار هم ينتصرون شورى كد ا
او ينتصرون شعرا يط ر يبصرون يوسف يب د ر ثم لا يقصرون
اعراف طج ر منا لا تبصرون مومنون يح ا ر من اوليا ثم لا تنصرون
هود يب ج والعذاب ثم لا تنصرون زمر كد او يولوكم
الادبار ثم لا ينصرون آل عمران د او ليولن الادبار ثم لا
ينصرون حشر كج ب ا وهم لا ينصرون فصلت كد د يوم
القيمة لا ينصرون قصص يد ر كيدهم شيئا ولا ينصرون
طور كز او عن مولى شيئا ولا هم ينصرون دخان كد ر
عدل ولا هم ينصرون بقره اب ا العذاب ولا هم ينصرون
بقره اج و عن ظهورهم ولا هم ينصرون انبيا يز اه شفاعة
ولا هم ينصرون بقره اد ار نصرا ولا انفسهم ينصرون
اعراف طج ر نصركم ولا انفسهم ينصرون اعراف طج ر لعلهم
ينصرون يس كج ار لما جميع لدينا محضرون يس كج ا ا
فاذا هم جميع لدينا محضرون يس كج او فاولئك في العذاب
محضرون روم كا ار معاجزين اولئك في العذاب محضرون

سبا كب ج ا جند محضرون يس كج ار فانهم لمحضرون
صافات كج به الجنة انهم لمحضرون صافات كج ج ا ان يحضرون
مومنون يح با او يبصرون شعرا يط ر وما يسطرون ن كط او
المصيطرون طور كز او قل انتظروا انا منتظرون انعام ح ر و
وانتظروا انا منتظرون هود يب ج ر انهم منتظرون
سجده كاد ا فلا تنظرون اعراف طج ر ثم لا تنظرون هود يب
ب ا ولا تنظرون يونس ي د ا حينئذ تنظرون واقعه كد ا
فرعون وانتم تنظرون بقره اب ا الصاعقة وانتم تنظرون
بقره اب ا رايتموه وانتم تنظرون آل عمران د ب و منظرون شعرا
يط ج ا ثم لا ينظرون انعام ز ب و على الارائك ينظرون مطففين
د ب ا يضحكون على الارائك ينظرون مطففين د ب ا قيام ينظرون
زمر كد ار فاذا هم ينظرون صافات كج ب ا ردها ولا هم
ينظرون انبيا يز ار اولئك عليهم لعنة الله والملائكة و
الناس اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم
ينظرون بقره ب او ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس
اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون
آل عمران ج د ا انهم ولا هم ينظرون سجده كا د ا عنهم
ولا هم ينظرون نحل يد ج ر الى الموت وهم ينظرون

انفال ط د ا الصاعقة وهم ينظرون ذاريات كز اا بغتة
وانتم لا تشعرون زمر كد او اعمالكم وانتم لا تشعرون حجرات
كوج ر ولكن لا تشعرون بقره ب او ربى لو تشعرون شعرا
يط ج ا بل لا يشعرون مومنون يج ار ولدا وهم لا يشعرون
قصص لا ار هذا وهم لا يشعرون يوسف يب د فاتيهم العذاب
من حيث لا يشعرون زمر ج در واتيهم العذاب من حيث لا
يشعرون نحل يد ب و مكرا وهم لا يشعرون نمل يط د د
عن جنب وهم لا يشعرون قصص ب ار فاخذناهم بغتة
وهم لا يشعرون اعراف ط اا وليأتينهم بغتة وهم لا
يشعرون عنكبوت كا ااا ان يأتيهم بغتة وهم لا يشعرون
زخرف كج و فيأتيهم بغتة وهم لا يشعرون شعرا يط ج الساعة
بغتة وهم لا يشعرون يوسف ب ا ولكن لا يشعرون
بقره ااا وما يخدعون الا انفسهم وما يشعرون
بقره ااا وان يهلكون الا انفسهم وما يشعرون انعام ز ب
وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون ال عمران ج د و وما يمكرون
الا انفسهم وما يشعرون انعام ح او ح عن يد وهم صاغرون توبه
ى ب ر ذلة وهم صاغرون نمل يط د و الا الكافرون عنكبوت
كا اا يا ايها الكافرون كافرون ا ر ويكانه لا يفلح الكافرون

اوياتيهم العذاب من حيث لا يشعرون نحل يح

وجنوده وهم لا يشعرون نمل يط د و

فهو

قصص ز ج ر هنالك الكافرون مومن كد ج توبة ج ب واكثرهم الكافرون
نحل يد ج ر فاولئك هم الكافرون مايده و ج ا الا القوم الكافرون
يوسف ج ار له الدين ولو كره الكافرون مومن كد ب ا متم نوره ولو كره
الكافرون صف كج ا ان يتم نوره ولو كره الكافرون توبه ى ب
بلقاء ربهم كافرون قصص ز ج من الناس بلقاء ربهم لكافرون روم كا ار
بل هم بلقاء ربهم كافرون سجده كا بذكر الرحمن هم كافرون
انبيا ب ز او وماتوا وهم كافرون توبه ب ا عوجا وهم بالاخرة
هم كافرون هود ب او الزكوة وهم بالاخرة هم كافرون فصلت
كد د في الحيوة الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون توبه ى ج
في الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون توبه ى د د وانا به
كافرون زخرف كد ب قالوا انا بما ارسلتم به كافرون زخرف كد ب
قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون سبا كب ا فانا بما
ارسلتم به كافرون فصلت كد ا امنتم به كافرون اعراف د ر
وبالاسحار هم يستغفرون ذاريات كو د ر وبالاخرة كافرون
اعراف ج ر وهم يستغفرون انفال ط د ر يغفرون شورى
كد ا ولا تكفرون بقره ب او فتكفرون مومن كد ب ا على
النار اليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب
بما كنتم تكفرون احقاف كو ار قال اليس هذا بالحق قالوا

بالله وهم بالاخرة هم كافرون يوسف يه د

بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون انعام زيد
ايمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ال عمران د ١١ و
تصدية فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون انفال ط د ر
اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون يس كج ا و وكانوا تكفرون
ممتحن كج ب والشديد بما كانوا يكفرون يونس ياير بما كسبوا
لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا يكفرون انعام
زجر كفروا لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا
يكفرون يونس ياب ا هم يكفرون نحل يد د و من بعده
يكفرون روم كاب و بنعمة الله يكفرون عنكبوت كا او
شاكرون انبيا يز ب امثله ا فلا تذكرون هود يب او
لا يخلق افلا تذكرون نحل يد ب و قل افلا تذكرون مومنون
يح ب ا ان طردتهم افلا تذكرون هود يب او تحكمون افلا
تذكرون صافات كج ير امن بعد الله افلا تذكرون جاثيه
كه د ر فاعبدوه افلا تذكرون يونس ياب افلولا تذكرون
واقعه كز ج ذ اولياء قليلا ما تذكرون اعراف ح ر كاهن
قليلا ما تذكرون الحاقه كط ب امع الله قليلا ما تذكرون
نمل ١١ علما افلا تتذكرون انعام ذ د ا شفيع افلا تتذكرون
سجده كا ج وما تتذكرون مومن كز ج ابينات لعلكم تذكرون

مومن

مومنون يح د و بعظكم لعلكم تذكرون نحل يد د الكم لعلكم تذكرون نور
نور يح ج ازوجين لعلكم تذكرون ذاريات كز ابه لعلكم تذكرون
انعام ح د و الموتى لعلكم تذكرون اعراف ح د الامثال للناس
لعلهم يتذكرون ابراهيم يج د و اياته للناس لعلهم يتذكرون
بقره ب ج ومن قبلك لعلهم يتذكرون قصص د ب بلسان
لعلهم يتذكرون دخان كد ج ر مثل لعلهم يتذكرون زمر قصص
كج د ر القول لعلهم يتذكرون قصص د ج ا ورحمة لعلهم يتذكرون
قصص د ب لا يذكرون صافات كج ب ا الايات لقوم يذكرون
انعام ح او لاية لقوم يذكرون نحل يد ب ا ولا هم يذكرون
توبه ياب ا من الثمرات لعلهم يذكرون اعراف ط ا ر من خلفهم
لعلهم يذكرون انفال ي ر ا و من ايات الله لعلهم يذكرون
اعراف ح ج افلولا تشكرون واقعه كز ج معايش قليلا ما تشكرون
اعراف ح ب انشا لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون
مومنون يح ب وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما
تشكرون ملك كط ا و من روحه وجعل لكم السمع والابصار
والافئده قليلا ما تشكرون سجده كا ر من الطيبات لعلكم
تشكرون انفال ط د و ذلك لعلكم تشكرون بقره ب ب ا موتكم
لعلكم تشكرون بقره ب د لكم لعلكم تشكرون نحل يد ج د

عليكم لعلكم تشكرون مائده وبـ٢ هديكم ولعلكم تشكرون
ابرهيم يد بـ مواخر لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
نحل يدب وآياته لعلكم تشكرون مائده ١١ والافئده
لعلكم تشكرون نحل يدجر فاتقوا الله لعلكم تشكرون
آل عمران دا مبصرا ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر
الناس لا يشكرون مومن كدج ثم احياهم ان الله لذو فضل
على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون ابرهيم بقره بدر على الناس
ولكن اكثر الناس لا يشكرون يوسف يب دو ومشارب افلا
يشكرون يس لج ا ايديهم افلا يشكرون يس لج ا
وان ربك لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم لا يشكرون
نمل ١١ ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم
لا يشكرون يونس يا د لقوم يشكرون اعراف ح دا من
الثمرات لعلهم يشكرون ابرهيم يج د افلا تتفكرون انعام
نج و نفصل الايات لقوم يتفكرون يونس يا ب فاحرقت
كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم تتفكرون بقره جا د
العفو كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم تتفكرون بقره
يج و ورحمة ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون روم كا ا
النهار ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون رعد يج ب ومنه

ان

ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون جاثيه يجا ولم كه دا مسمى ان في
ذلك لايات لقوم يتفكرون زمر كد ١١ الثمرات ان في
ذلك لايات لقوم يتفكرون نحل يدب و للناس ان في ذلك
لايات لقوم يتفكرون نحل يدج و للناس لعلهم يتفكرون
حشر كج دا القصص لعلهم يتفكرون اعراف طج ا ولعلهم
يتفكرون نحل يدج ا ما تمكرون يونس يا ب ولا تك في
ضيق مما يمكرون نحل يد در ولا تكن في ضيق مما يمكرون
نمل د ١١ بما كانوا يمكرون انعام ح ا وهم يمكرون يوسف
يج ب تنكرون مومن كدج سلام قوم منكرون ذاريات كو د
انكم قوم منكرون حجر يد ا افانتم له منكرون انبيا ز ا
فهم له منكرون مومنون يج ا وهم له منكرون يوسف يج ١١
من ارضكم فماذا تامرون اعراف ط ا و بسحره فماذا تامرون
شعرا يط ب ما تؤمرون ابرهيم بقره اب حيث تؤمرون حجر يد
ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون تحريم كح در من فوقهم
ويفعلون ما يؤمرون نحل يدج ا تورون واقعه كز د
مسحورون حجر يد ١١ المنصورون صافات كج ا قاهرون
اعراف كه ط ا اخرجوهم من قريتكم انهم اناس يتطهرون
اعراف در لوط من قريتكم انهم اناس يتطهرون نمل يا ب ١١

الا المطهرون واقعه كز ج ر تطهرون دوم كا ا ر يظهرون
زخرف كد ب لما تخيرون ن كط ا او يتخيرون واقعه كز ج و
مع الزاء لا يجزون انفال ى ا و ولا تخزون مجريد ا ر
بارزون مومن كد ب ا يتغامزون مطففين لب ا تكنزون توبه ى ح ا
سوزون مجريد ا ا يستهزون توبه ى د الا مستهزون
بقره ا ا ا بما يستهزون دوم كا ا ر على العباد ما ياتيهم
من رسول الا كانوا به يستهزون يس كج ا ا وما ياتيهم
من رسول الا كانوا به يستهزون مجريد ا ا من نبي الا كانوا
به يستهزون زخرف كد ب وفسياتيهم انباء ما كانوا به
يستهزون شعرا يط ب ا فسوف ياتيهم انبا ما كانوا به
يستهزون انعام زب ا ما كسبوا وحاق بهم ما كانوا به
يستهزون زمر كد ا و فاصابهم سيئات ما عملوا وحاق
بهم ما كانوا به يستهزون نحل يد ب ر وبدا لهم سيئات
ما عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزون جاثيه كد ر
من العلم وحاق بهم ما كانوا به يستهزون مومن يح ج ر كد
عنهم وحاق بهم ما كانوا به يستهزون هود يب ا ا بايات
الله وحاق بهم ما كانوا به يستهزون احقاف كو ا و يلبسون
ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم

ماكانوا

ما كانوا به يستهزون انعام زب و ينظرون ولقد استهزئ
برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزون
انبيا يز ا و فاولئك هم الفائزون نور يح ج ٢ واولئك
هم الفائزون توبه ى ب ٢ الجنة هم الفائزون حشر كج ب ا
انهم هم الفائزون مومنون يح ب و مع السين ما يلبسون
انعام زب و لا يلبسون هود يب ا ا كنتم تدرسون ال عمران ج دو
فيه تدرسون ن كط ا و المتنافسون مطففين لب ا هم
مبلسون انعام زج ا ا ذا هم فيه مبلسون مومنون يح ب ا و
هم فيه مبلسون زخرف كد ج و مع السين و مما يعرشون
نحل يد ج و وما كانوا يعرشون اعراف ط ب ا المخشون واقعه
كز ج ر مع الصاد والخراصون ذاريات كو د ر متربصون توبه
ى ج د الا تخرصون انعام ح ب ا ان هم الا يخرصون زخرف
كد ب و شركا ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون يونس
يا ج و عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون
انعام ح ا ا تنكصون مومنون يح ا ر مخلصون بقره ا د ر مع
الصاد انذروا معرضون احقاف كو ا ا عن اياتها معرضون
انبيا يز ا و فهم معرضون انبيا يز ا ا ومنهم معرضون نور
يح ج ٢ ليتولوا وهم معرضون انفال ط د و وتولوا وهم معرضون

توبه ى د ومنهم وهم معرضون ال عمران ج اعن اللغو معرضون
مومنون ج ١١ فى غفلة معرضون ابنيا بز ١١ عنه معرضون
ص بج دا يوفضون معارج كط بو يركضون ابنيا بز ١١ مع الطا
فى البطون دخان كبج ر يسخطون توبه ى ج ر يفرطون نحل يد و
لا يفرطون انعام زج ويقنطون روم كا با منها فمالئون منها
البطون صافات كج بو من زقوم فمالئون منها البطون واقعه
كز ج د مع الطا ويلعب وانا له لحافظون يوسف ب ج الذكر و
انا له لحافظون حجر يد ١١ نكتل وانا له لحافظون يوسف ح ١١
فاعلون والذين هم لفروجهم حافظون مومنون ج ١١ امانا
والذين هم لفروجهم حافظون معارج كط بو وهم على صلواتهم
يحافظون انعام زدو والذين هم على صلواتهم يحافظون
مومنون ج ١١ قائمون والذين هم على صلواتهم يحافظون
معارج كط بو لغائظون شعرا يط بو مع العين فاعلون والذين
هم ~~على صلواتهم يحافظون~~ لفروجهم حافظون الا على ازواجهم
اوما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء
ذلك فاولئك هم العادون والذين هم لاماناتهم
وعهدهم راعون مومنون ج ١١ ماموں والذين هم لفروجهم
حافظون الا على ازواجهم اوما ملكت ايمانهم فانهم

عن

١٤٣

غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون
والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون معارج كط بو
الماعون ماعون لد ر ليلا انكم متبعون دخان كبج و بعبادى
انكم متبعون شعرا يط بو يستعون ~~الينا راجعون~~ شعرا يط ج
الينا راجعون ابنيا بز و الى ربهم راجعون مومنون ج ١
وانا اليه راجعون بقره ابرهيم ب ا و وانهم اليه راجعون
بقره ابرهيم انز ب ا ربا رجعون مومنون ج ب ثم الينا ترجعون عنكبوت
كا ١١ وانكم الينا لا ترجعون مومنون ج بو والينا ترجعون
ابنيا بز او فعليها ثم الى ربكم ترجعون جاثيه كد ا بكم ثم الى ربكم
ترجعون سجده كا ج ر والارض ثم اليه ترجعون زمر كد ١١ م
يحييكم ثم اليه ترجعون بقره ١١ و يعيده ثم اليه ترجعون
روم كا ا ر وكرها واليه ترجعون ال عمران ج د ر ويميت واليه
ترجعون يونس ا ج ر و يبسط واليه ترجعون بقره ب د ر
ربكم واليه ترجعون هود يب ا ر وله الحكم واليه ترجعون
قصص ك ج و وجهه له الحكم واليه ترجعون قصص ك ج
مرة واليه ترجعون فصلت كد د و علم الساعة واليه ترجعون
زخرف كد ج و فطرنى واليه ترجعون فطرنى واليه ترجعون
يس كج ك د ر شئ واليه ترجعون له ترجعون يس كج ا ر

اليه لهٔ ترجعون عنكبوت ند و ماذا يرجعون نمل يط د و الينا لا يرجعون
قصص لد بر فهم لا يرجعون بقره ااا انهم لا يرجعون
انبيا يزب و اليهم لا يرجعون يس كج اا ولا يرجعون يس
كج ار فالينا لا يرجعون مومن كحج ر و الينا يرجعون مريم
يوب اعملوا لعلهم يرجعون روم كا به بالعذاب لعلهم
يرجعون زخرف كدج االايات لعلهم يرجعون احقاف كو او
والسيات لعلهم يرجعون اعراف طنهر االاكبر لعلهم
يرجعون سجده كا د ااهلهم لعلهم يرجعون يوسف يج اا
ولعلهم يرجعون اعراف طج ا فی عقبه لعلهم يرجعون
زخرف كد بر اخرم لعلهم يرجعون ال عمران ج دو الی اهلهم
يرجعون يس كج او ثم اليه يرجعون انعام زج ا لعلهم
اليه يرجعون انبيا يز ار ما يجعون ذاريات كو در مانه عون
فصلت كود و به تدعون ملائكة او يصدعون روم كا ج و
كاب و ما يدعون يس كج او الزارعون واقعه كز جد
وما يتضرعون مومنون يح به العلهم يتضرعون انعام زج ا
يضرعون اعراف ط اا يهرعون صافات كج به و باياتنا فهم
يوزعون نمل ك او الی النار فهم يوزعون فصلت كد و
والطير فهم يوزعون نمل يط د ا لموسعون ذاريات

كز اا خاشعون مومنون يح اا وهم راكعون مائده
ود ا لا يركعون مرسلات كط مطلعون صافات كج يد و مجتمعون
شعرا يط به و مستمعون شعرا يط با تستمعون شعرا يط با
ابليس اجمعون شعرا يط بر مسنون فاذا سويته و
نفخت فيه من روحی فقعوا له ساجدين فسجد والملائكه
كلهم اجمعون حجر يد ااه من طين فاذا سويته ونفخت
فيه من روحی فقعوا له ساجدين فسجد والملائكه كلهم
اجمعون ص كج د ا ورحمة خير مما يجمعون ال عمران د ب
هو خير مما يجمعون يونس يا جر ربك خير مما يجمعون
زخرف كد بر فاسمعون يس كج بر ااا افلا تسمعون قصص ك ج و
وانتم تسمعون انفال ط د و فيها لا يسمعون انبيا يز ب
افلا يسمعون سجده كا د ا قلوبهم فهم لا يسمعون
اعراف ط اا اكثرهم فهم لا يسمعون فصلت كد د ا
وهم لا يسمعون انفال ط د ولاية لقوم يسمعون نحل يد جو
مبصرا ان فی ذلك لايات لقوم يسمعون يونس يا جر
من فضله ان فی ذلك لايات لقوم يسمعون روم كا ار
يطمعون اعراف ح جد اما تصنعون عنكبوت كا اا خبير بما يصنعون
نور يح ج اا ان الله عليم بما يصنعون فاطر كب جر والخوف

عما كانوا يصنعون نحل يه در الله بما كانوا يصنعون
مائده وب وما كانوا يصنعون مائده و دا عما يوعون انشقاق
لب ومن ربكم فاتقوا الله واطيعون ال عمران جه ج جارين
فاتقوا الله واطيعون شعرا يط جا شعيب الا تتقون انى لكم
رسول امين فاتقوا الله واطيعون شعرا يط جو
صالح الا تتقون انى لكم رسول امين فاتقوا الله و
اطيعون شعرا يط جا نوح الا تتقون انى لكم رسول امين
فاتقوا الله واطيعون شعرا يط به هود الا تتقون
انى لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون شعرا يط جا
لوط الا تتقون انى لكم رسول امين فاتقوا الله و
اطيعون شعرا يط جو العالمين فاتقوا الله واطيعون
شعرا يط به فارهين فاتقوا الله واطيعون شعرا يط جا
فيه فاتقوا الله واطيعون زخرف كه جو واتقوه واطيعون
نوح كط ب و فلا يستطيعون ن كط ا ر ولا يستطيعون
نحل يه جو وما يستطيعون شعرا يط جر مع الغين بل
هم قوم طاغون ذاريات كز ا ا ام هم قوم طاغون طور
كز ا و يتقون ال عمران جه در مع الفا الصافون صافات كز بط
بما كانوا يصدفون انعام ح ب وهم يصدفون انعام زجا

مقترفون

مقترفون انعام ح ا ا يقترفون انعام ح ا ا المسرفون
مائده وجا يصرفون مومن كه جو ولا ينزفون واقعه كز جو
عنها ينزفون صافات كج ب يزفون صافات كج و النساء بل انتم
قوم مسرفون اعراف جر ذكرتم بل انتم قوم مسرفون يس
كب در الا الضلال فانى تصرفون يونس يا جا الا هو فانى
تصرفون زمر كج د و بما تصفون يوسف يج اه عما تصفون
انبيا يز اه عما يصفون مومنون يج با الرحمن المستعان على ما تصفون
انبيا يز به والله المستعان على ما تصفون يوسف يب دا
والارض رب العرش عما يصفون زخرف كه جو والله رب العرش
عما يصفون انبيا يز ا ا رب العزة عما يصفون صافات كج جا
بعض سبحان الله عما يصفون مومنون يج د المحضرون سبحان
الله عما يصفون صافات كج به وتعالى عما يصفون انعام ز دم
هم المضعفون روم كا با عاكفون انبيا يز ار جميعا فينبئكم
بما كنتم فيه تختلفون مائده وجر مرجعكم فينبئكم بما
كنتم فيه تختلفون انعام ح بر لكم يوم القيمة فيما كنتم
فيه تختلفون نحل يه دا يحكم يوم القيمة فيما كنتم فيه تختلفون
حج يز در يحكم فيما كنتم فيه تختلفون ال عمران جه دا تختلفون
نبا ك ا ا فيما فيه يختلفون يونس يا دم بين عبادك

فيماكانوا فيه يختلفون زمر كه ١١ يفصل بينهم يوم القيمة
فيماكانوا فيه يختلفون سجده كاد ا ليحكم بينهم يوم القيمة
فيماكانوا فيه يختلفون نحل يد در يحكم بينهم يوم القيمة
فيماكانوا فيه يختلفون بقره ادا العلم ان ربك يقضى
يقضى بينهم يوم القيمه فيما كانوا فيه يختلفون
يونس ياد و بينهم ان ربك يقضى بينهم يوم القيمه فيما
كانوا فيه يختلفون جاثيه كه دا فيما هم فيه يختلفون
ص بج دا الذى هم فيه يختلفون عم اك الو يختلفون
زخرف كه جو يستوفون مطففين اب امع القاف سابقون
مومنون يج ار السابقون واقعه كزج وانا فاتقون نحل يد ب
ياعباد فاتقون زمر يج دو ربكم فاتقون مومنون يج ا
واياى فاتقون بقره آ ار شعيب الا تتقون شعرا يط ج و
هود الا تتقون شعرا يط ج الوط الا تتقون شعرا يط ج و
لقومه الا تتقون صافات يج ير قل افلا تتقون مومنون يج با
فقل افلا تتقون يونس قا ج ا قال يا قوم اعبدوا الله مالكم
من اله غيره افلا تتقون اعراف ح دو فقال يا قوم اعبدوا
الله مالكم من اله غيره افلا تتقون مومنون يج ١١١ ان اعبدوا
الله مالكم من اله غيره افلا تتقون مومنون يج او الالباب

صح الا تتقون شعرا يط ج ا نوح
الا تتقون شعرا يط ده

لعلكم

لعلكم تتقون بقره يب ايه لعلكم تتقون انعام يد و
الذين من قبلكم لعلكم تتقون بقره ١١ و على الذين من قبلكم
لعلكم تتقون بقره بز ا الطور خذوا ما اتيناكم بقوة واه
اذكروا ما فيه لعلكم تتقون بقره يه ربهم خذوا ما اتيناكم
بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون اعراف ط ج ا افغير الله
تتقون نحل يد ج او اولئك هم المتقون بقره ب با به
اولئك هم المتقون زمر كد ١١ الا يتقون شعرا يط با
وهم لا يتقون انفال ي او وانجينا الذين امنوا وكانوا
يتقون نمل يط در ونجينا الذين امنوا وكانوا يتقون
فصلت كود ا لحزنون الذين امنوا وكانوا يتقون يونس يا ج ر
للذين آمنوا وكانوا يتقون يوسف يج ١١ القوم يتقون
يونس ياب ا عوج لعلهم يتقون زمر يج در للناس لعلهم
يتقون بقره ب ولا شفيع لعلهم يتقون انعام زج و
ولعلهم يتقون اعراف طيه ا ذكرى لعلهم يتقون
انعام زج د الله اولئك هم الصادقون حجرات كود ا
ورسوله اولئك هم الصادقون حشر كح ار فيما و
انا الصادقون يوسف يج ار بالحق وانا الصادقون حجر
يد ابر اهله وانا الصادقون نمل يط در يبغيهم وانا

لصادقون انعام ح يا تصدقون واقعه كز جر لسارقون
يوسف عا اوجند مغرقون دخان كح ز و وجنا ولا تخاطبني
في الذين ظلموا انهم مغرقون هود يب ا ر منهم ولا تخاطبني
في الذين ظلموا انهم مغرقون مومنون يح استغفرون روم كا ر
يفرقون توبه ى جر يفرقون ال عمران دج ا الا الفاسقون
بقره ا ج ر الا القوم الفاسقون احقاف كو ار واكثرهم
الفاسقون ال عمران دا و فمن تولى بعد ذلك فاولئك
هم الفاسقون ال عمران ج در ومن كفر بعد ذلك فاولئك
هم الفاسقون نور يح د ا بما انزل الله فاولئك هم
الفاسقون مائده وج را ولئك هم الفاسقون حشر كح يا
واولئك هم الفاسقون نور يح ب ر ان المنافقين هم
الفاسقون توبه ى جر الفاسقون مائده وج ر وان اكثركم
فاسقون مائده ود ا واكثرهم فاسقون توبه ى ب ا كثيرا
منهم فاسقون مائده ود ر حديد وكثير منهم فاسقون
حديد كز در قلوبهم وكثير منهم فاسقون حديد كز د و
اجرهم وكثير منهم فاسقون حديد كز در وهم فاسقون
توبه ى در تفسقون احقاف كو ا و هذه القرية رجزا من
السماء بما كانوا يفسقون عنكبوت ك ب ر ظلموا رجزا

من السماء

من السماء بما كانوا يفسقون بقره ا ب و العذاب بما
كانوا يفسقون انعام ز ج ا العذاب بما كانوا يفسقون
اعراف طيه ر بئس بما كانوا يفسقون اعراف طيه ر ابتلوهم
بما كانوا يفسقون اعراف طي ر يسقون قصص ك ب ا
لا تنطقون صافات كح د و انكم تنطقون ذاريات كو در هؤلاء
ينطقون انبيا يز ب ا فهم لا ينطقون نمل ك او يوم
لا ينطقون مرسلات كط دا ان كانوا ينطقون انبيا يز ا ر
يصعقون طور كز ا و من عذاب ربهم مشفقون معارج
كط ب و من خشية ربهم مشفقون مومنون يح ا ر من
الساعة مشفقون انبيا يز ا ر من خشيته مشفقون
انبيا يز ا و يسئلونك ماذا ينفقون بقره ب ج ا و
يسئلونك ماذا ينفقون بقره ب ج و ما ينفقون توبه
ى در وطمعا ومما رزقناهم ينفقون سجده كا جر ربهم
ومما رزقناهم ينفقون شورى كه ب ا الذين يقيمون
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون انفال ط د ا ويقيمون
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون بقره ا ا ا والمقيمي الصلوة
ومما رزقناهم ينفقون حج يز ج ر السيئة ومما رزقناهم
ينفقون قصص ك ج ا هم الخالقون طور كز ا و نحن الخالقون

واقعه كز جر ما لا يخلق شيئا وهم يخلقون اعراف طجر لا يخلقون
شيئا وهم يخلقون نحل يدب والسحرة قال لهم موسى القوا
ما انتم ملقون يونس ياد ا المقربين قال لهم موسى القوا
ما انتم ملقون شعرا يطب ولذائقون صافات لجه ا مع الكافرين
يبكون يوسف يب دا منهم يضحكون مومنون يج بو وتضحكون نجم كز دا
منها يضحكون زخرف كه جا من الكفار يضحكون مطففين لد با
امنوا يضحكون مطففين لد با يومئذ في العذاب مشتركون
مشتركون صافات لج ب انكم في العذاب مشتركون زخرف كه جا
انا المدركون شعرا يطب هو الذي ارسل رسوله بالهدى
ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون
توبه ي لج ا متم نوره ولو كره الكافرون هو الذي ارسل
رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله و
لو كره المشركون صف كج ا المشركون انعام حا م
وهم مشركون يوسف يج با به مشركون نحل يدد م
واشهدوا اني بري مما تشركون هود يب ا يا قوم اني
بري مما تشركون انعام زد ا وانني بري مما تشركون
انعام زب وما تشركون انعام زج ا ثم انتم تشركون
انعام زجر لا يشركون مومنون يح ا اما يشركون نمل يط

المتكبر

المتكبر سبحان الله عما يشركون حشر كج با م غير الله سبحان
الله عما يشركون طور كز ا و فتعالى الله عما يشركون اعراف
طجر تعالى الله عما يشركون نمل لب ا سبحانه عما يشركون
توبه ي بر فتعالى عما يشركون مومنون يح با تعالى عما يشركون
نحل يد با سبحان الله وتعالى عما يشركون قصص لج ا
والارض سبحانه وتعالى عما يشركون يونس يا بر بيمينه
سبحانه وتعالى عما يشركون زمر كد ار فلا تستعجلوه
سبحانه وتعالى عما يشركون نحل يد ب ا من شيء سبحانه
وتعالى عما يشركون روم كا با اذا هم يشركون عنكبوت كا او
منكم بربهم يشركون نحل يد ج ا منهم بربهم يشركون روم كا
به يشركون روم كا د عصاك فاذا هي تلقف ما يافكون
اعراف طا و عصاه فاذا هي تلقف ما يافكون شعرا يطب
والارض لا اله الا هو فاني تؤفكون فاطر كي ج رشيء لا اله
الا هو فاني تؤفكون مومن كد ج ثم يعيده فاني يؤفكون
يونس يا ج ا ذلكم الله فاني تؤفكون انعام زد و ثم انظر اني
يؤفكون مائده ود ر والقمر ليقولن الله فاني يؤفكون عنكبوت كا
من خلقهم ليقولن الله فاني يؤفكون زخرف كه جو
كانوا يؤفكون روم كا ير قاتلهم الله فاني يؤفكون توبه ي ب

مالكون يس كج ار بقول كن فيكون انعام دجد ثم قال له كن
فيكون ال عمران جدا ان نقول له كن فيكون نحل يدجه ان يقول
له كن فيكون يس كج ار والارض واذا قضى امرا فانما يقول
له كن فيكون بقره ادا ما يشاء اذا قضى امرا فانما يقول
له كن فيكون آل عمران جه واذا قضى امرا فانما يقول له كن
فيكون مومن كدجه سبحانه اذا قضى امرا فانما يقول له كن
فيكون مريم يوجب امع اللام وسوف تسئلون زخرف كدا
لعلكم تسئلون انبيا بزاا فهم لا يتسائلون قصص
ك جاه ولا يتساءلون مؤمنون يج با في جنات يتساءلون
مدثر كطدا فاقبل بعضهم على بعض يتساءلون صافات كجد
سيتسلون واقبل بعضهم على بعض يتساءلون صافات
كجبا مكنون واقبل بعضهم على بعض يتساءلون طور كزاه
وهم يسئلون انبيا بزاا ويسئلون زخرف كد بها الا
الضالون حجر يداه وفريقا تقتلون بقره اجه وفريقا
يقتلون مائده ودان هؤلاء لضالون مطففين دراهم
الضالون آل عمران جدا نا لضالون ن كطاه نفسا فاخاف
ان يقتلون قصص لا يرب فاخاف ان يقتلون شعرا نجب
فلا تستعجلون انبيا بزاه وقد كنتم به تستعجلون

يونس

يونس يا جه والذى كنتم به تستعجلون ذاريات كود الذى
تستعجلون نمل ك اا فلا يستعجلون ذاريات كزاه بصرون
افبعذابنا يستعجلون صافات جرا منظرون افبعذابنا
يستعجلون شعرا يطجه انا منكم وجلون حجر يداه
فانا داخلون مائده وبه قوم يعدلون نمل ك اا كفروا
بربهم يعدلون انعام ذبا وهم بربهم يعدلون
انعام حبا خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون اعراف
طجه ومن قوم موسى امة يهدون بالحق وبه يعدلون اعراف طبه
الارذلون شعرا يطب المنزلون واقعه كوجه فاعتزلون دخان
كدجه فارسلون يوسف يدا ذجا ها المرسلون يس كب
در العليم قال فما خطبكم ايها المرسلون ذاريات كزاا الا
الضالون قال فما خطبكم ايها المرسلون حجر يداه
لوط المرسلون حجر يداه يرجع المرسلون نمل يطدو
وصدق المرسلون يس كجاه لدى المرسلون نمل يطدا
المرسلون يس كب درا اليكم مرسلون يس كب در حدب
ينسلون انبيا زب الى ربهم ينسلون يس كج او الابطلون
ذوم كا به لارتاب المبطلون عنكبوت كاا يخسر المبطلون
جاثيه كه در هنالك المبطلون مومن كوجه بما فعل المبطلون

اعراف طجا من النار لعلكم تصطلون قصص لب و
قبس لعلكم تصطلون نمل يط د ا وانا لفا علون
يوسف يج اا فاعلون مومنون يح ااا ان يقولوا ما لا تفعلون
صف كج ا لم تقولون ما لا تفعلون صف كج ا بما تفعلون
غاك او ان الله يعلم ما تفعلون نحل يد د او يعلم
ما لا تفعلون شوري كد ا يعلمون ما لا تفعلون انفطار ا
ما لا يفعلون شعرا يط ا اعلم بما يفعلون زمر كد ا
ان الله عليم بما يفعلون يونس يا ا والله عليم بما
يفعلون نور يج د على ما يفعلون يونس يا و وما كانوا
يفعلون بقره ابر فلا تبتئس بما كانوا يفعلون هود
لب ا ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون انعام ح د والكفا
ما كانوا يفعلون مطففين لب لبئس ما كانوا يفعلون
مائده ود ا باءنا كذلك يفعلون شعرا يط و كذلك
يفعلون نمل يط دو عن اياتنا غافلون يونس يا و
واهلها غافلون انعام ح ا اضل اولئك هم الغافلون
اعراف طج و واولئك هم الغافلون نحل يد دو
عن اياتنا لغافلون يونس يا دو فهم غافلون يس كد ا
عن الاخرة هم غافلون روم كا ا عن دعائهم لغا

فلون

فلون احقاف كو ا عنه غافلون يوسف يب ج البنون ام
تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون طور كز ا و
متين ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ن كط ا
اتقوا افلا تعقلون يوسف يج ا الكتاب افلا تعقلون
بقره آ ا والنهار افلا تعقلون مومنون يا و بالليل
افلا تعقلون صافات كج ا ربكم افلا تعقلون بقره اج ا
ذكركم افلا تعقلون انبيا يز اا والدار الاخرة خير للذين
يتقون افلا تعقلون اعراف طج ا وللدار الاخرة خير
للذين يتقون افلا تعقلون انعام ز ا من بعده افلا
تعقلون ال عمران ج د من قبله افلا تعقلون يونس يا و
من دون الله افلا تعقلون انبيا يز ا وابقى افلا
تعقلون قصص ك ا فطرني افلا تعقلون هود يب ا
افلم تكونوا تعقلون يس كج ا وما بينهما ان كنتم تعقلون
شعرا يط ا لكم الايات ان كنتم تعقلون ال عمران د ا
عربيا لعلكم تعقلون يوسف يب د قد بينا لكم الايات
لعلكم تعقلون حديد كز دو يبين الله لكم الايات لعلكم
تعقلون نور يح دو ولعلكم تعقلون مومن كد ا لعلكم
تعقلون انعام ح دو لكم اياته لعلكم تعقلون بقره ب د

ويريكم اياته لعلكم تعقلون بقره ابر ولوكانوا لا يعقلون
يونس باجوا فلا يعقلون يس كجار ولعبا ذلك بانهم
قوم لا يعقلون مائده ودا شتى ذلك بانهم قوم لا
يعقلون حشر كدا الحجرات اكثرهم لا يعقلون حجرات
كوج بل اكثرهم لا يعقلون عنكبوت كاالو واكثرهم لا
يعقلون مائده زاو فهم لا يعقلون بقره بار البكم
الذين لا يعقلون انفال طدو على الذين لا يعقلون
يونس بادر ولا يعقلون زمر كدا١ بينة لقوم يعقلون
عنكبوت لادر لاية لقوم يعقلون نحل يدجو فقال الا تاكلون
صافات كجدو قال الا تاكلون ذاريات كودر لقوم يعقلون
بقره ب او مومنا ان في ذلك لايات لقوم يعقلون روم
كاار في الاكل ان في ذلك لايات لقوم يعقلون رعد يجدو
بامره ان في ذلك لايات لقوم يعقلون نحل يدبو ومما تاكلون
يوسف يدر منها ومنها تاكلون مومن كجر ومنافع ومنها
ياكلون نحل يدبا فواكه كثيرة ومنها تاكلون مومنون يح ١١
منافع كثيرة ومنها تاكلون مومنون يح ١١ ومنها ياكلون يس كجاد
كثيرة ومنها تاكلون زخرف كجو فمنه ياكلون يس كج ١١ وعلى
الله فليتوكل المتوكلون ابرهيم يجدا وعليه فليتوكل المتوكلون

يوسف يجاو يتوكل المتوكلون زمر كدا١ ايمانا وعلى ربهم
يتوكلون انفال طدا يعملون الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون
نحل يدجب العاملين الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون عنكبوت
كاالو على الذين امنوا وعلى ربهم يتوكلون نحل يددا
للذين امنوا وعلى ربهم يتوكلون شورى كدبا انا عاملون
هود يبجر لها عاملون مومنون يح ار انا عاملون
فصلت كددا العاملون صافات كجبو تاكلون وعليها وعلى الفلك
تحملون مومنون يح ١١ في صدوركم وعليها وعلى الفلك
تحملون مومن كجر معروفة ان الله خبير بما تعملون
نور يح جو لغد واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون حشر كجبا
للتقوى واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون مائده وب راجلها
والله خبير بما تعملون منافقين كجرا اصابكم والله خبير
بما تعملون ال عمران دبو وليجة والله خبير بما تعملون توبه يدو
ورسوله والله خبير بما تعملون مجادله كجاد بصير بما تعملون
حجرات كود الله اعلم بما تعملون حج يزد ربي اعلم بما
تعملون شعرا يطجو ولا تسئل عما تعملون سبا كبدر
فتعرفونها نمل يدلو وما ربك بغافل عما تعملون نمل
دار عليه وما ربك بغافل عما تعملون هود يوسف يبدر

شهداء وما الله بغافل عما تعملون ال عمران ذا ا العذاب
وما الله بغافل عما تعملون بقره اجا م من ربك وما الله
بغافل عما تعملون بقره ب ١١ من الله وما الله بغافل عما
تعملون بقره ا د ر من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون
بقره ا ب ر كثيرا مما تعملون فصلت كد د و وانا برئ مما تعملون
يونس يا ج ٢٧ انى برئ مما تعملون شعرا يط ج ر وما تعملون من
كج ب وعلى ما تعملون ال عمران د ا ا فينظر كيف تعملون اعراف ط ا
لننظر كيف تعملون يونس يا ب ر و اما ذا كنتم تعملون نمل ك ا و
ولا تجزون الا ما كنتم تعملون يس كج ا و وما تجزون
الا ما كنتم تعملون صافات مائده كج ب وهل تجزون الا ما كنتم
تعملون نمل ك ا و ذوقوا ما كنتم تعملون عنكبوت كا ا م
الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون اعراف ج ر التى او
رثتموها بما كنتم تعملون زخرف كج و الجحيم كلوا واشربوا
هنيئا بما كنتم تعملون طور كز ا و يشتهون كلوا
واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون مرسلات كط ر الخلد بما
كنتم تعملون سجده كا ج ر فلا نطعمهما الى مرجعكم بما فانبئكم
كنتم تعملون عنكبوت ك د ا ثم الى مرجعكم ٢ بما كنتم تعملون فانبئكم
لقمان كا ج ا ثم الينا مرجعكم فينبئكم بما كنتم تعملون

يونس

يونس يا ب ر جميعا فينبئكم بما كنتم تعملون مائده زا و
ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم تعملون زمر كج د و
وستردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم
تعملون توبه يا ا و ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب و
الشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون جمعه كج ج ورسوله
ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما
كنتم تعملون توبه يا ا ا ثم ينبئكم بما كنتم تعملون
انعام ز ج د عليم بما كنتم تعملون نحل يد ب والجنة بما
كنتم تعملون نحل يد ب ه نستنسخ ما كنتم تعملون جاثيه
كه د ر عما كنتم تعملون نحل يد د ا عليكم انما تجزون ما كنتم
تعملون طور كز ا و لا تعتذروا اليوم انما تجزون ما
كنتم تعملون تحريم كح د ر الى كتابها اليوم تجزون ما
كنتم تعملون جاثيه كد د ر ما يعملون مائده و د ر وان
يعمروا الله بصير بما يعملون بقره ا ج ر عليم بما يعملون
يوسف يد ا وما ربك بغافل عما يعملون انعام ح ا ر و
ما الله بغافل عما يعملون بقره ب ١١ عما يعملون شعرا
يط ج وشديدا انهم ساء ما كانوا يعملون مجادله ج ا و
عن سبيل الله انهم ساء ما كانوا يعملون منافقون كج و

عن سبيله انهم ساء ما كانوا يعملون توبة يا السيئات
الا ما كانوا يعملون قصص ديه كفروا هل يجزون الا ما
كانوا يعملون سبا كه اا عمالهم هل يجزون الا ما كانوا
يعملون اعراف طب ر فيما جزاء بما كانوا يعملون احقاف كوا ا
المكنون جزاء بما كانوا يعملون واقعه كرجه واعين جزاء
بما كانوا يعملون سجده كاجه ر نزلا بما كانوا يعملون سجده كاجه
كاجه ر فلا تبتئس بما كانوا يعملون يوسف بجاو وهو وليهم
بما كانوا يعملون انعام حاو وجلودهم بما كانوا يعملون
فصلت كددو وارجلهم بما كانوا يعملون نور دبج ا فينبئهم بما
كانوا يعملون انعام زدر وما علمي بما كانوا يعملون شعرا يطج ا
لبئس ما كانوا يعملون مائده ودا تعملون تلك امة قد
خلت لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما
كانوا يعملون بقره ادر مسلمون تلك امة قد خلت
لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا
يعملون بقره ادر اجمعين عما كانوا يعملون حجر يدب ا
فيها وباطل ما كانوا يعملون هود يه لا فيه وباطل ما
كانوا يعملون اعراف ط ا ب ا وبطل ما كانوا يعملون اعراف طار
عنهم ما كانوا يعملون انعام زده ا الشيطان ما كانوا

يعملو

يعملون انعام زج ا صبروا اجرهم باحسن ما كانوا يعملون
نحل يدد ا ولنجزينهم اجرهم باحسن ما كانوا
يعملون نحل يدد ا م ليجزيهم الله احسن ما كانوا
يعملون توبه يا ار سيجزون ما كانوا يعملون اعراف طجه و
للكافرين ما كانوا يعملون انعام ح ا ه للمسرفين ما كانوا
يعملون يونس ياب باحسن الذي كانوا يعملون زمر كدا ا
ولنجزينهم احسن الذي كانوا يعملون عنكبوت كد ا
اسوء الذي كانوا يعملون فصلت كددو بامرم يعملون
انبيا يزاو يقولون ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ءانا
لمبعوثون او اباؤنا الاولون واقعه كزجه ر مبين ائذا
متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون او اباؤنا الاو
ولون صافات كجب ا قال الاولون يومنون يح با رسل الاولون
انبيا يزا ا لمعزولون شعرا يطجه ر مسئولون صافات كجب ا
بما يقولون حجر يدب ا كانوا ليقولون صافات كجبجر ا
افكهم ليقولون صافات كجبه الجاهلون زمر كدا ر
اذ انتم جاهلون يوسف بجار انكم قوم تجهلون اعراف طب ا
انتم قوم تجهلون نمل يطدر يجهلون انعام ح ا ا قائلون
اعراف ح به قليلون شعرا يطب و ورب هم ولكني اريكم قوما

تجهلون هود يب او بدو لكني اريكم قوما تجهلون احقاف كو او
مع الميم وهم لا يسامون فصلت كد ر غير ما سون معارج كط ر و
ويعلم ما تكتمون انبيا يز ب ر الا البلاغ والله يعلم ما تبدون
وما تكتمون مائده زاو لكم والله يعلم ما تبدون وما تكتمون
نور يح ج ا ما كنتم تكتمون بقره ا ب ر وما كنتم تكتمون
بقره اا ر بما يكتمون العمران د ج ا بما كانوا يكتمون مائده ود و
ان ترجمون دخان كه ج ه واو انصتوا لعلكم ترحمون اعراف ط ج
واتقوا لعلكم ترحمون انعام ح ب و واطيعوا الرسول لعلكم
ترحمون نور يح د ا والرسول لعلكم ترحمون العمران د ب ا
وما خلفكم لعلكم ترحمون يس كج ا و ولعلكم ترحمون اعراف
ح د و واتقوا الله لعلكم ترحمون حجرات كو ج تستغفرون
الله لعلكم ترحمون نمل يط د ر الاقدمون شعرا يط ب
ولا تستقدمون سبا كي ب ر فلا يستاخرون ساعة
ولا يستقدمون يونس يا ج واجل فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون
ساعة ولا يستقدمون اعراف ح ج و مسمى فاذا جاء اجلهم
لا يستاخرون ساعة ولا يستقدمون نحل يد ج د مبرمون
زخرف كه ج و بما تجرمون هود يب ا ر الا المجرمون شعرا يط ب
بما المجرمون رحمن كز ج ايها المجرمون يس كج ا و لا يفلح

المجرمون

المجرمون يونس ياب و يبلس المجرمون روم كا ار يقسم المجرمون
روم كا ب ه عن ذنوبهم المجرمون قصص ك ج ر الباطل ولو كره
المجرمون انفال ط دا بكلماته ولو كره المجرمون يونس يا دا
منه المجرمون يونس يا ج وانكم مجرمون مرسلات كط د ر قوم
مجرمون دخان كه ج ه للمجرمون واقعه كز ج ر في جنات مكرمون
معارج كط ب عباد مكرمون انبيا يز ا و وهم مكرمون صافات
كج ب ا تختصمون زمر كج د ر فيما يختصمون شعرا يط ب ر
لديهم اذ يختصمون العمران ج ج ر الاعلى اذ يختصمون ص كج د ا
فريقان يختصمون نمل يط د ر قوم خصمون زخرف كه ج ه ا
يخصمون يس كج ا و منها يعمون نمل ك اا ما كنتم تزعمون
انعام ز د و لن يطعمون ذاريات كز ه اا انا منتقمون دخان كه ج و
انا منهم منتقمون زخرف كه ج اشركائكم الذين كنتم تزعمون انعام
ز ب ه من المحضرين ويوم يناديهم فيقول اين شركائي الذين
كنتم تزعمون قصص ك ج ا و تشكرون ويوم يناديهم فيقول
اين شركائي الذين كنتم تزعمون قصص ك ج و من المجرمين
منتقمون سجده كا دا افما لكم كيف تحكمون يونس يا ج ا
كالمجرمين ما لكم كيف تحكمون ن كط ا و البنين ما لكم كيف
تحكمون صافات كج ه دا الا ساء ما يحكمون نحل يد ج ه ان يسبقونا

سا، ما يحكمون عنكبوت لد جو ومما تهم سا، ما يحكمون جاثيه
كدوا الى شركائهم سا، ما يحكمون انعام ح ار وهم سالمون
ن كط ار فانا ظالمون مومنون نح بد واهلها ظالمون قصص
لد جو الا الظالمون عنكبوت كا يعلمون من يكون له عاقبة الدار
انه لا يفلح الظالمون انعام ح ار ومن تكون له عاقبة الدار
انه لا يفلح الظالمون قصص لد بو باياته انه لا يفلح الظالمون
انعام زبه مثواي انه لا يفلح الظالمون يوسف يد ا اذا لظالمون
يوسف بح او يعمل الظالمون ابرهيم يح در انتم الظالمون انبياء زب
الا القوم الظالمون انعام زج ا فهم الظالمون ومن لم يتب
فاولئك هم الظالمون حجرات كو جر ذلك فاولئك هم الظالمون
ال عمران د ا انفسكم فاولئك هم الظالمون توبه ب و ويتولهم
لهم فاولئك هم الظالمون ممتحنه كج يه حدود الله فاولئك
هم الظالمون بقره ب جر بما انزل الله فاولئك هم الظالمون
مائده وجه بل اولئك هم الظالمون نور يح جر والكافرون
هم الظالمون بقره ج اا بالبينات ثم اتخذتم العجل من بعده
وانتم ظالمون بقره اجو ليلة ثم اتخذتم العجل من بعده وانتم
ظالمون بقره ب ا فانهم ظالمون ال عمران د با العذاب وهم
ظالمون نحل يد در الطوفان وهم ظالمون عنكبوت لد اا الا

الا العالمون عنكبوت لد در مستسلمون صافات مائده كجب العلكم تسلمون
نحل يد جر فقولوا اشهدوا بانا مسلمون ال عمران جدا
واشهد بانا مسلمون ال عمران جه ربانا مسلمون مائده زان
اذ انتم مسلمون ال عمران جدو واحد فهل انتم مسلمون انبياء زب
الا هو فهل انتم مسلمون هود يب اا فلا تموتن الا وانتم مسلمون
بقره ادر ولا تموتن الا وانتم مسلمون ال عمران د اا فانك لا
تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين وما انت
بهادى العمى عن ضلالتهم ان تسمع الا من يومن باياتنا فهم
مسلمون روم كا بو المبين انك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء
اذا ولوا مدبرين وما انت بهادى العمى عن ضلالتهم ان تسمع
الا من يومن باياتنا فهم مسلمون نمل ك او واحدا ونحن
له مسلمون بقره ادر واحد ونحن له مسلمون عنكبوت كا اا
وما اوتى النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم و
نحن له مسلمون بقره ادر والنبيون من ربهم لا نفرق
بين احد منهم ونحن له مسلمون ال عمران جدر من خير يوف
اليكم وانتم لا تظلمون بقره جار فى سبيل الله يوف اليكم
وانتم لا تظلمون انفال ى او ولا تظلمون بقره جبا فاذا
هم مظلمون يس كه اا الا مثلها وهم لا يظلمون انعام ح بو

بما كسبت وهم لا يظلمون جاثيه كب ووفيت كل نفس ما كسبت
وهم لا يظلمون آل عمران جه الى الله ثم توفى كل نفس ما كسبت
وهم لا يظلمون بقره رب ا يوم القيمة ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم
لا يظلمون بقره رب آل عمران دب ما عملت وهم لا يظلمون نحل يد دو رسولهم
قضى بينهم بالقسط وهم لا يظلمون يونس ياج ووقضى
بينهم بالقسط وهم لا يظلمون يونس ياج وينطق بالحق
وهم لا يظلمون مومنون يج ار بينهم بالحق وهم لا
يظلمون زمر كدار اعمالهم وهم لا يظلمون احقاف كواو
باياتنا يظلمون اعراف ح ب بما كانوا يظلمون اعراف طيه
وانفسهم كانوا يظلمون اعراف طج ا عليكم المن والسلوى
كلوا من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم
يظلمون بقره ا بو ا عليهم المن والسلوى كلوا من طيبات
ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم يظلمون اعراف
طب وما ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون نحل يددد
وجاءتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم و
لكن كانوا انفسهم يظلمون روم كا ار اتتهم رسلهم
بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم
يظلمون توبه ى دا وما ظلمهم الله ولكن كانوا انفسهم

يظلمون نحل يد بر وما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا
انفسهم يظلمون عنكبوت د ر ولكن الناس انفسهم يظلمون
يونس ياج ولكن انفسهم يظلمون آل عمران دار ويخلق ما
لا تعلمون نحل يا بدا اعلم ما لا تعلمون بقره اار لكم و
اعلم من الله ما لا تعلمون اعراف حد و الى الله واعلم من
الله ما لا تعلمون يوسف يح ار انى اعلم من الله ما لا تعلمون
يوسف يح ب والفحشاء وان تقولوا على الله ما لا تعلمون
بقره ب ار سلطانا وان تقولوا على الله ما لا تعلمون
اعراف ح و بالفحشاء اتقولون على الله ما لا تعلمون اعراف
ح ج ا بهذا اتقولون على الله ما لا تعلمون يونس ياج ر ام
تقولون على الله ما لا تعلمون بقره اج ا فيما لا تعلمون
واقعه كج ر ان الله يعلم وانتم لا تعلمون نحل يد ج ز واطهر و
الله يعلم وانتم لا تعلمون بقره ب دا لكم والله يعلم وانتم
لا تعلمون بقره بج د علم والله يعلم وانتم لا تعلمون آل عمران
ج دا والآخرة والله يعلم وانتم لا تعلمون نور يج ب ولكنكم
كنتم لا تعلمون روم كا ب وما ارسلنا من قبلك الا رجالا
نوحى اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون نحل يد ا
ولكن لا تعلمون اعراف ج ر بما تعلمون شعرا يا ج او يعلمكم ما لم

تكونوا تعلمون بقره ب او كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون بقره
ب دو المقابر كلا سوف تعلمون تكاثر د ا ثم كلا سوف تعلمون
تكاثر د امنكم بربهم يشركون ليكفروا بما اتيناهم فتمتعوا
فسوف تعلمون نحل يد ج امنهم بربهم يشركون ليكفروا
بما اتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون روم كا ب ا اهلها فسوف
تعلمون اعراف ط ا ر المتوكلون قل يا قوم اعملوا على مكانتكم
انى عامل فسوف تعلمون زمر كد ا ا معجزين قل يا قوم اعملوا
على مكانتكم انى عامل فسوف تعلمون انعام ح ا ر يسخرون
فسوف تعلمون هود ب ا ر فلسوف تعلمون شعرا يط ب و
سوف تعلمون انعام ز ج ا اندادا وانتم تعلمون بقره ا ا ر و
تكتموا الحق وانتم تعلمون بقره ا ا و وتكتمون الحق وانتم تعلمون
ال عمران ج د بالاثم وانتم تعلمون بقره ب و اماناتكم وانتم
لا تعلمون انفال ط د ر وانكم كنتم تعلمون مومنون ج فيها
ان كنتم تعلمون مومنون ح بل وان تصوموا خير لكم ان كنتم
تعلمون بقره ب ب او ان تصدقوا خير لكم ان كنتم تعلمون بقره
ج ب ا و انفسكم ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون صف ح ج ا
وذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون جمعه ح ج و فى
سبيل الله ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون توبه ى ج د واتقوه

ذلكم

ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون عنكبوت لب د ا هو خير لكم ان كنتم
تعلمون نحل يد د اعليه ان كنتم تعلمون مومنون ح ب ا ومما لا
يعلمون يس لج ا ا بايا تنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون
اعراف ط ج و بهذا الحديث سنستدرجهم من حيث لا يعلمون
ن كط ا ر ونذيرا ولكن اكثر الناس لا يعلمون سبا كح
اياه ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون يوسف يه د
الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون روم كا ب ا
ذلك بانهم قوم لا يعلمون توبه ى ب علمناه ولكن اكثر الناس
لا يعلمون يوسف ح او حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون
نحل يد ب ر الناس ولكن اكثر الناس لا يعلمون مومن كد ا
وعده ولكن اكثر الناس لا يعلمون روم كا ا على امره و
لكن اكثر الناس لا يعلمون يوسف يب د اعند الله ولكن اكثر
الناس لا يعلمون اعراف ط ج فيه ولكن اكثر الناس لا يعلمون
جاثيه كد ر قوم لا يعلمون توبه ى ب ا مفتر بل اكثرهم لا يعلمون
نحل يد د مع الله بل اكثرهم لا يعلمون نمل ك ا ا مثلا
الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون زمر كج د ر قل الحمد لله بل
اكثرهم لا يعلمون لقمان كا ج اهل يستوون الحمد لله
بل اكثرهم لا يعلمون نحل يد ج ر من لدنا ولكن اكثرهم

ويضرب ولكن اكثر الناس صح
سبا كح
يعلمون

لا يعلمون قصص له ا بالحق ولكن اكثر الناس لا يعلمون دخان
كه ح ر الا ان وعد الله حق ولكن اكثر الناس لا يعلمون
يونس باح ر ولتعلم ان وعد الله حق ولكن اكثر الناس
لا يعلمون قصص ك ا ر ذلك ولكن اكثرهم لا يعلمون طور
كز ا و عند الله ولكن اكثرهم لا يعلمون اعراف طا ر الا
المتقون انفال طد و ولكن اكثرهم لا يعلمون انفال ط د د
فتنة ولكن اكثرهم لا يعلمون زمر كح ا و اية ولكن اكثرهم
لا يعلمون انعام زبرا فهم لا يعلمون توبه ى د ر كانهم لا
يعلمون بقره ا ح ر ولكن لا يعلمون بقره ١١١ اهواء الذين
لا يعلمون جاثيه كه د و قلوب الذين لا يعلمون روم كا ب والذين
لا يعلمون زمر كح د و المنافقين لا يعلمون منافقين كح د بما يعلمون
معارج كا ب ا العنكبوت لو كانوا يعلمون عنكبوت له ر الدنيا
ولعذاب الاخرة اكبر لو كانوا يعلمون زمر كح د ر العذاب
ولعذاب الاخرة اكبر لو كانوا يعلمون ن كط ا و لاجر الاخرة
اكبر لو كانوا يعلمون نحل يد ب خير لو كانوا يعلمون بقره ا ح ر
انفسهم لو كانوا يعلمون بقره ا ح ر الحيوان لو كانوا يعلمون
يختلفون كلا سيعلمون نبا ك ١١ ثم كلا سيعلمون نبا
د ١١ رسلنا فسوف يعلمون مومن كه ح ر وليتمتعوا فسوف

سبيل الذين لا يعلمون يونس ... د و

... ا ب

يعلمون

يعلمون عنكبوت كا او اخر فسوف يعلمون حجر يد ب الامل فسوف
يعلمون حجر يد ١١ سلام فسوف يعلمون زخرف كه ح بهم فسوف
يعلمون صافات كح ا بجهنها القوم يعلمون بقره ب ح ر عربيا القوم
يعلمون فصلت كد ا فصلنا الايات لقوم يعلمون انعام ز د و
كذلك نفصل الايات لقوم يعلمون اعراف ح ب و ونفصل
الايات لقوم يعلمون توبه ى ب ا يفصل الايات لقوم يعلمون
يونس با ا و لنبينه لقوم يعلمون انعام ز د ر لاية لقوم يعلمون
نمل ط د ر لعلهم يعلمون يوسف ب د ر ما فعلوه وهم يعلمون
ال عمران د ا سبيل ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون ال عمران
ح د و من عند الله ويقولون على الكذب وهم يعلمون
ال عمران ح د و على الكذب وهم يعلمون مجادله كح ا و بالحق
وهم يعلمون زخرف كه ح و ليكتمون الحق وهم يعلمون بقره
ب ١١ ما عقلوه وهم يعلمون بقره ا ح اقوى يعلمون يس
كب د ر نجم ١١ ولا تكلمون مومنون ب ح بتلاء ومون ن كط ا و لضا لون
بل نحن محرومون ن كط ا و لمغرمون بل نحن محرومون
واقعه كز ح د نائمون معارج كط ب بياتا وهم نائمون اعراف ط ١١
قائمون من ربك وهم نائمون ن كط ا و معارج كط ب و تسيمون
نحل يد ب ا يسيمون شعرا يط ح د مع النون ولا ابنون شعرا يط

ولكم البنون طور كز ا و ولهم البنون صافات كج بر تفتنون
نمل يط در لا يفتنون عنكبوت لج ا على النار يفتنون ذاريات
كو د ر ولا يستحسنون ن كط ا و ولا مجنون طور
كز ا و ربك بمجنون ن كط ا و وما صاحبكم بمجنون تكوير
ل ا ر لشاعر مجنون صافات كج ب ا انك لمجنون حجر يد ا ا
اليكم لمجنون شعرا يط ب ا انه لمجنون ن كط ا ر معلم مجنون
دخان كج و قالوا ساحر او مجنون ذاريات كز ا ا وقال ساحر
او مجنون ذاريات كز ا ا عليكم ولا انتم تحزنون اعراف ج د ا
اليوم ولا انتم تحزنون زخرف كج و الا خوف عليهم ولا هم
يحزنون ال عمران دج اصالحا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون
مائده و د و ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون
احقاف كو ا ا فمن امن واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون
انعام زج المن اتقى واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون
اعراف ج و هداى فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون
بقره آ ا ر صالحا فلا خوف فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف
عليهم ولا هم يحزنون بقره ا ير وعلانية فلهم
اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون
بقره ج ب ا و اتوا الزكوة لهم اجرهم عند ربهم ولا

خوف

خوف عليهم ولا هم يحزنون بقره ج ب ا ولا اذى لهم
اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون بقره ج ا و
ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون بقره ا د ا او
لياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون يونس يا ج ر لا
يمسهم السوء ولا هم يحزنون زمر كد ا ر مسنون نحل بد ر
الانسان من صلصال من حما مسنون حجر يد ا ا م بشرا
من صلصال من حما مسنون حجر يد ا و خلقته من صلصال
من حما مسنون حجر يد ا و مما تحصنون يوسف يب د ر
علم انهم الا يظنون جاثيه كد ر و ان هم الا يظنون بقره ا ج ا
اللاعنون بقره ب ا و توقنون رعد ج ب و موقنون سجده
كا ج ر باياتنا لا يوقنون نمل ك ا و بل لا يوقنون طور
كز ا و الذين لا يوقنون روم كا ب ه باياتنا يوقنون سجده كا د ا
حكما لقوم يوقنون مائده و ج د الايات لقوم يوقنون
بقره ا د ا ايات لقوم يوقنون جاثيه كد ا و رحمة لقوم
يوقنون جاثيه كد و وبالاخرة هم يوقنون بقره ا ا ا
فى كتاب مكنون واقعه كز ج ر بيض مكنون صافات كج ب و
اللؤلؤ المكنون واقعه كز ج ولؤلؤ مكنون طور كز ا و ما
تسرون وما تعلنون نحل يد ب وما تخفون وما تعلنون

غرايط د و في الغرفات آمنون سباكجه ا يومئذ امنون
عمك او ما تمنون واقعه كوج ولكم البنون طور كز ا و
لاجر غير ممنون ن كطا و لهم اجر غير ممنون فصلت كد ا
للموسنين الذين يقيمون الصلوة ويوتون الزكوة وهم بالا خرة
هم يوقنون غمل بط دا للمحسنين الذين يقيمون الصلوة
ويوتون الزكوه وهم بالاخرة هم يوقنون لقمان كا ب ا
وربك يعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون قصص كجه و
ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون غملك ا ا نعلم ما
يسرون وما يعلنون يس كج ا ر لا جرم ان الله يعلم ما
يسرون وما يعلنون غل يد يح يعلمون ان الله يعلم ما يسرون
وما يعلنون بقره اجه اما تؤمنون الحاقه كط با انا مؤمنون
دخان كه يج يفرح المؤمنون روم كا ا و قد افلح المؤمنون
مومنون يح ا ا وليهما وعلى الله فليتوكل المومنون ال عمران
د ا ر الا هو على الله فليتوكل المومنون تغابن يحيم كح د ا من
بعده وعلى الله فليتوكل المومنون ال عمران ديه واتقوا
الله وعلى الله فليتوكل الموسنون مائده وب ومولنا وعلى
الله فليتوكل المومنون توبه ى جه رشيئا الا باذن الله
وعلى الله فليتوكل المومنون مجادله كح ا و بسلطان الا باذن

الله

الله وعلى الله فليتوكل المومنون ابرهيم يجه ا ارسل به مومنون
اعراف ح د و طيبا واتقوا الله الذي انتم به مومنون مائده ز ا ا
ما انفقوا واتقوا الله الذي انتم به مومنون ممتحنه كح ب ربهم
مومنون سباكجه ا اذ جاءت لا يومنون انعام زد ر فيها
ولكن اكثر الناس لا يعلمون مومن كد بجه ا الحق ولكن اكثر
الناس لا يومنون رعد يجه ب و من ربك ولكن اكثر الناس
لا يومنون هود يب ا و ا فلا يومنون انبيا ز ا و ربك لا
يومنون يونس ياد و بل لا يومنون طور كز ا و لقوم لا يؤ
منون مومنون يح ا ان هولاء قوم لا يومنون زخرف كجه د
عن قوم لا يومنون يونس ياد ر بل اكثرهم لا يعلمون بقره اجه
كفروا سواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يومنون
بقره ا ا ا وسواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يومنون
يس كيه د كفروا فهم لا يومنون انفال ى ا و على اكثرهم
فهم لا يومنون يس كيه د ر انفسهم فهم لا يومنون
انعام زبه و فما لهم لا يومنون انشقاق د ب ا انهم لا يومنون
يونس ياجه ا وهم لا يومنون مريم يو يا على الذين لا يومنون
انعام ح ا و للذين لا يومنون اعراف جه ا اما يومنون
بقره اجه و باياتنا يومنون اعراف طبه م مبصرا ان في ذلك

لايات لقوم يومنون نمل كـ او من النار ان فى ذلك
لايات لقوم يومنون عنكبوت له دم اولم يروا ان الله يبسط
الرزق لمن يشاء ويقدر ان فى ذلك لايات لقوم يومنون
روم كا يا اولم يعلموا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء
ويقدر ان فى ذلك لايات لقوم يومنون زمر كداو الا
الله ان فى ذلك لايات لقوم يومنون نحل يدجر ان فى ذلكم
لايات لقوم يومنون انعام زدر على علم هدى ورحمة
لقوم يومنون اعراف ج دا من ربكم وهدى ورحمة لقوم
يومنون اعراف طج رفيه وهدى ورحمة لقوم يومنون
نحل يدجو شى وهدى ورحمة لقوم يومنون يوسف يد
وبشرى لقوم يومنون اعراف طد بالحق لقوم يومنون
قصص كـ ار وذكرى لقوم يومنون عنكبوت كاا بلقاء ربهم
يومنون انعام ح بد بايات ربهم مومنون مومنون ح ا
افهم يومنون انبيا ل ا به يومنون قصص لج ا واياته
يومنون جاثيه كدا اجلهم فباى حديث بعده يومنون
اعراف طه وللمكذبين فباى حديث بعده يومنون مرسلات كط
مدهنون واقعه كزدا فيدهنون ن كطا و المدهنون ماعون
لجب وبع الهاء صلاتهم ساهون ماعون لج عنه ساهون

ذاريات

ذاريات كودر ولحم طير مما يشتهون واقعه كزجو وفواكه مما
يشتهون مرسلات كلاو ولهم ما يشتهون نحل يدج ا منتهون
مائده زاا ينتهون توبه ىد الها كارهون هود يب او اكثركم
للحق كارهون زخرف كه و واكثرهم للحق كارهون مومنون ح اد
لكارهون انفال طدا الا وهم كارهون توبه ىج رامر الله
وهم كارهون توبه ىج د كفروا بانهم قوم لا يفقهون انفال
ى ار ذلك بانهم قوم لا يفقهون حشر كـ ب ا قلوبهم بانهم
قوم لا يفقهون توبه يا ب ا فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون منا
فقين كح رو وطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون توبه ىد ر ولكن
المنافقين لا يفقهون منافقين كحج د لو كانوا يفقهون
توبه ىد ه لقوم يفقهون انعام زدو لعلهم يفقهون
انعام زجر فاكهون يس كج او تفكهون واقعه كزجر فهم
يعمهون نمل طدا لفى سكرتهم يعمهون حجر ه ار لقاءنا
فى طغيانهم يعمهون يونس يا ير للجوا فى طغيانهم يعمهون
مومنون ح ار ويمدهم فى طغيانهم يعمهون بقره ١١١ ونذرهم
فى طغيانهم يعمهون انعام زدر ويذرهم فى طغيانهم يعمهون
اعراف طه وبع الياء من جنات وعيون شعرا يط آب وجنات
وعيون شعرا يطج اا ان المتقين فى جنات وعيون حجر يداو

امين فى جنات وعيون دخان كه جر امتين فى جنات وعيون
شعرا يط ه امن العيون يس كج ١١ ماعليون مطففين د ب ا
باب النون واليا مع الهمزه اناكنا خاطئين
يوسف يح ب كانوا خاطئين قصص ك ا ر وان كنا لخاطئين
يوسف يح ا ر من الخاطئين يوسف يب د و المستهزئين حجر يد ب ا
مع اليا كاتبين انفطار ا ر المسبحين صافات كج ب من المعتبين
فصلت كد د و للجبين صافات كح ب و كانوا كاذبين نحل يد ب ر ويعلم
الكاذبين توبه ى ج وام كنت من الكاذبين نمل يط د و لنظنك
من الكاذبين اعراف ح د و وان نظنك لمن الكاذبين شعرا يط ج و
وليعلمن الكاذبين عنكبوت ا ج ١ انه لمن الكاذبين نور
ج ب ر ان كان من الكاذبين نور ج ب ر وهو من الكاذبين
يوسف يب د و لاظنه من الكاذبين قصص ك ب على الكاذبين
ال عمران ج د ١١ ان كنتم كاذبين يوسف ح ا و بل نظنكم كاذبين
هود ب ا و وا ولا دا وما نحن بمعذبين سبا كجا الاولين
وما نحن بمعذبين شعرا يط ج ا الاولى وما نحن بمعذبين
صافات كج ب ومن المعذبين شعرا يط ج د فلا تطع المكذبين
ن كط ا و سنن فسيروا فى الارض فانظروا كيف كان
عاقبة المكذبين ال عمران د ١١ الضلالة فسيروا فى الارض

فانظروا

فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين نحل يد ب ر ثم انظروا
كيف كان عاقبة المكذبين انعام ز ب و فانظر كيف كان عاقبة
المكذبين زخرف كد ب فويل يومئذ للمكذبين طور كز ا و
ما يوم الفصل ويل يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر بالمجرمين
ويل يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر فنعم القادرون ويل
يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر قرانا ويل يومئذ للمكذبين
مرسلات كط د ر صفر ويل يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر فيعتذرون
ويل يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر فكيدون ويل يومئذ
للمكذبين مرسلات كط د ر المحسنين ويل يومئذ للمكذبين
مرسلات كط د ر مجرمون ويل يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر لا
يركعون ويل يومئذ للمكذبين مرسلات كط د ر قوم ويل
يومئذ للمكذبين مطففين ل ب ا منكم للمكذبين الحاقة كط ب ا
سائغا للشاربين نحل يد ج و بيضاء لذة للشاربين صافات
كج ب و اخر لذة للشاربين محمد كو ب ا الاوتين شعرا
يط ج ر اذا لمن المقربين شعرا يط ب و وانكم لمن المقربين
اعراف ط ا و ان كان من المقربين واقعه كز د ا ومن المقربين
ال عمران ج ج ر بنا حاسبين انبيا يز ا ر اسرع الحاسبين
انعام ز ج و السماء والارض وما بينهما لاعبين انبيا يز ا ا

السموات والارض وما بينهما لاعبين دخان كج و من
اللاعبين انبيا يزار فكانوا هم الغالبين صافات كج
ان كانوا هم الغالبين شعرا يط ب وقالوا ان لنا لاجرا
ان كنا نحن الغالبين اعراف ط او لفرعون ان لنا لاجرا
ان كنا نحن الغالبين شعرا يط و بلاء مبين دخان كج
نور وكتاب مبين مائده و ب و لا في السماء ولا اصغر من
ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين يونس يا ج ولا في الارض
ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين سبا كي ا
ولا يابس الا في كتاب مبين انعام ز ج و والارض الا في
كتاب مبين نمل ك او كل في كتاب مبين هود يب ا
شهاب مبين حجر يد ا لساحر مبين يونس يا ب بالبينات
قالوا هذا سحر مبين صف كج ا مبصرة قالوا هذا سحر مبين
نمل يط دا لما جاءهم هذا سحر مبين احقاف كو ا لقال الذين
كفروا ان هذا الا سحر مبين انعام ز ب ليقولن الذين
كفروا ان هذا الا سحر مبين هود يب ا وقالوا ان هذا
الا سحر مبين صافات كج لما جاءهم ان هذا الا سحر مبين
سبا كج منهم ان هذا الا سحر مبين مائده زا لسحر مبين
يونس يا دا الكفور مبين زخرف كد ه وما انا الا نذير مبين

القرآن وكتاب مبين حجر يط ا

احقاف

احقاف كو ا ان انا الا نذير مبين شعرا يط ان هو الا نذير مبين
اعراف ط و الا انما انا نذير مبين ص كج دا قل انما العلم عند
الله وانما انا نذير مبين ملك كط او قل انما الآيات عند الله
وانما انا نذير مبين عنكبوت كا انا لكم نذير مبين حج يز دا
يا قوم اني لكم نذير مبين نوح كط الى قومه اني لكم نذير مبين
هود يب ا ففروا الى الله اني لكم نذير مبين
ذاريات كز ا اخر اني لكم نذير مبين ذاريات كز ا غير مبين زخرف كه
الكتاب المبين شعرا يط الهو البلاء المبين صافات كج
انا النذير المبين حجر يد الا ذلك الفوز المبين انعام ز
هو الفوز المبين جاثيه كه وما علينا الا البلاغ المبين
يس كب على الرسل الا البلاغ المبين نحل يد عمد واو
ما على الرسول الا البلاغ المبين نور يح دا من قبلكم و
ما على الرسول الا البلاغ المبين عنكبوت انما على رسولنا
البلاغ المبين مائده ز فانما على رسولنا البلاغ
المبين تغابن كح دا عليك البلاغ المبين نحل يد هو الحق
المبين نور يح على الحق المبين نمل ك او بالافق المبين
تكوير الفضل المبين نمل يط دا الا ذلك هو الخسران
المبين زمر كج وو الاخرة ذلك هو الخسران المبين

حج يز ج ا الا فی ضلال مبین یس کج او لنریها فی ضلال مبین
یوسف یب د وقومك فی ضلال مبین انعام زد الذین فی ضلال
مبین اعراف ح د اولیاء اولئك فی ضلال مبین احقاف کو ار
من ذکر الله فی ضلال مبین زمر کج د ر اذا لفی ضلال مبین
یس کج ان ابانا لفی ضلال مبین یوسف یج د ان کنا لفی ضلال
مبین شعرا یط ب من انفسهم یتلوا علیهم ایاته ویزکیهم
ویعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین
ال عمران د ب منهم یتلوا علیهم ایاته ویزکیهم ویعلمهم
الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین
جمعه کج و واباؤکم فی ضلال مبین انبیا بز ار الیوم فی ضلال
مبین مریم یو ب ومن کان فی ضلال مبین زخرف کج ا
الظالمون فی ضلال مبین لقمان کا ب ا او فی ضلال مبین
سبا کیب ر من هو فی ضلال مبین ملك کظ او ومن هو فی ضلال
مبین قصص لج ر مضل مبین قصص د ب جاءهم رسول
مبین دخان کج و ورسول مبین زخرف کر ب لبامام مبین
حجر ید ار فی امام مبین یس کب ح الانسان من نطفة فاذا
هو خصیم مبین نحل ید ب ا خلقناه من نطفة فاذا
هو خصیم مبین یس یج ار بها ان کنت من الصادقین

اولئك

فالقی

فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین اعراف ط او بها ان کنت
من الصادقین فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین شعرا یط ب ا
بدخان مبین دخان کج و وقران مبین یس کج ا ر فاتونا
بسلطان مبین ابرهیم یج د ب اتیکم بسلطان مبین دخان
کج و مستمعهم بسلطان مبین طور کز او الی فرعون
بسلطان مبین ذاریات کز او لیاتینی بسلطان مبین
نمل یط د ام لکم سلطان مبین صافات کج ب هارون بایاتنا
وسلطان مبین مؤمنون یج ا العقاب ولقد ارسلنا موسی
بایاتنا وسلطان مبین مؤمن کد ب ر ثمود ولقد ارسلنا
موسی بایاتنا وسلطان مبین هود یه ج ا لکما عدو مبین
اعراف ح ج للانسان عدو مبین یوسف یب ج ا ان لا تعبدوا
الشیطان انه لکم عدو مبین یس کج او طیبا ولا تتبعوا
خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین بقره ب ا ر کافة
ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین بقره ج ا
الله ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین انعام
ح ب او لا یصدنکم الشیطان انه لکم عدو مبین
زخرف کج و لنفسه مبین صافات کج د وهذا لسان عربی
مبین نحل ید د وبلسان عربی مبین شعرا یط ر القوی

مبين قصص ك با بشيء مبين شعرا يط بط الخا ئبين ال عمران د ط ا
وما كنا غا ئبين اعراف ح يا عنها بغا ئبين انفطار ل با من
الغا ئبين نمل يط دا ولا يكاد يبين زخرف كه ا طيبين نحل يد د
مع التاء المخبتين حج يز جه ر المتين ذاريات كو ا ا باياتنا
سنستد سنستدرجهم من حيث لا يعلمون واملى
لهم ان كيدي متين اعراف طح و بهذا الحديث سنستدرجهم
من حيث لا يعلمون واملى لهم ان كيدي متين ن كط ا د
قانتين بقره ب د ومن القانتين تحريم كح د ر منه الوتين
الحاقه كط ا بميتين صافات كه ب ده مع التاء خير الوارثين انبيا
يز ب و ونجعلهم الوارثين قصص ك ا ر نحن الوارثين قصص ل ه ا و
ونحيا وما نحن بمبعوثين مؤمنون ع ا و الدنيا وما نحن بمبعوثين
انعام ز ب ر مع الجيم بخارجين حجر يد ا و من الخارجين شعرا
يط ح وما سجين مطففين ل با لفي سجين مطففين ل با مع الحاء من
المسبحين صافات كه ب ر فنادوا مصبحين ن كط ا و ليصرمنها
مصبحين ن كط ا و مقطوع مصبحين حجر يد ا ر عليهم مصبحين
صافات كه د ر الصيحة مصبحين حجر يد ا ر خير الفاتحين اعراف
ط ا ا بعد حين ص كح د ا لا يحب الفرحين قصص ك ح ر
من الناصحين قصص ك ب المن الناصحين اعراف ح ا

لا تحبون الناصحين اعراف ح ر فقوما صالحين يوسف يب ح ر
جعلنا صالحين انبيا يز ب ا حكما والحقني بالصالحين شعرا
يط ه مسلما والحقني بالصالحين يوسف يح با عبادك
الصالحين نمل يط د ا مع القوم الصالحين مائده ز ا ا
نبيا من الصالحين صافات كه ده ونبيا من الصالحين
ال عمران ج ه و واولئك من الصالحين ال عمران د ا وكل من
الصالحين انعام ز د ا ولقد اصطفيناه في الدنيا و
انه في الاخرة لمن الصالحين بقره ا د ر اجره في الدنيا
وانه في الاخرة لمن الصالحين عنكبوت ك ا وحسنة وانه
في الاخرة لمن الصالحين نحل يد د ر انهم من الصالحين
انبيا يز ب و واكن من الصالحين منافقين كح ه ر ولنكونن من
الصالحين توبه ي د و ومن الصالحين ال عمران ج ه ر
فجعله من الصالحين ن كط ا ر ان شاء الله من الصالحين
قصص ك ب و انه من الصالحين انبيا يز ب ا هب لي من
الصالحين صافات كه د في الصالحين عنكبوت ك د لنتولى
الصالحين اعراف ط ه ز اجر المصلحين اعراف طه ان تكون من
المصلحين قصص ك ا من المفلحين قصص ك ه ا من المقبوحين
قصص ك ب ر تمتعوا حتى حين ذاريات كو ا ا في غمرتهم حتى حين

مومنون ح ا فتول عنهم حتى حين صافات كج او تول عنهم حتى
حين صافات كح ا بد حتى حين يوسف كح ا ليسجننه حتى حين
يوسف ئب ا نا نا ومتاعا الى حين نحل ند ر منا ومتاعا الى
حين يس كج او فمتعناهم الى حين صافات كج ر ومتعناهم
الى حين يونس يا ر لكم ومتاع الى حين انبيا يز ر
وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم فى الارض مستقر
ومتاع الى حين بقره ا ر قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو
ولكم فى الارض مستقر ومتاع الى حين اعراف ج ا مع
الداك مومنون يد فسئل العادين مومنون يد كانوا لنا عابدين
انبيا يز ا لها عابدين انبيا ز ا ر اول العابدين زخرف كح و
للعابدين انبيا يز لقوم عابدين انبيا يز ر ولكم ولا
تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين مائده ز ا يقاتلونكم
ولا تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين بقره ب ب وانه
لا يحب المعتدين اعراف د ا اعلم بالمهتدين انعام ح ا
على قلوب المعتدين يونس يا د ا قد ضلوا وما كانوا مهتدين
انعام ح ا ر تجارتهم وما كانوا مهتدين بقره ا بلقاء
الله وما كانوا مهتدين يونس ياج و من يشاء وهو اعلم با
لمهتدين قصص ا ج ا احسن ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله

وهو

وهو اعلم بالمهتدين نحل ند ر المفتون ان ربك هو اعلم
بالمهتدين ن كط ا و يضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين
انعام ح ا وما انا من المهتدين انعام زج وان يكونوا
من المهتدين توبه ب و الا تكون مع الساجدين حجر ند او
ان يكون مع الساجدين حجر ند ا ر وكن من الساجدين
حجر ند ب ا لم يكن من الساجدين اعراف ب فى الساجدين
شعرا يط ج ر فالقى السحرة ساجدين شعرا يط ب و والقى السحرة ساجدين
اعراف ط ا ر مسنون فاذا سويته ونفخت فيه من روحى
فقعوا له ساجدين حجر ند ا من طين فاذا سويته
ونفخت فيه من روحى فقعوا له ساجدين ص كج د ا ر بهم
لى ساجدين يوسف ب ر و هديناه النجدين بلد ا ج ا
لتردين صافات كج الاخر ولا تعثوا فى الارض مفسدين
عنكبوت ند با لقسط ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا
فى الارض مفسدين هود يب المستقيم ولا تبخسوا
الناس اشياءهم ولا تعثوا فى الارض مفسدين شعرا يط و
الاء الله ولا تعثوا فى الارض مفسدين اعراف د ر من
رزق الله ولا تعثوا فى الارض مفسدين بقره ا ان الله
لا يحب المفسدين قصص ا ج و والله لا يحب المفسدين مائده و دو

اعلم بالمفسدين يونس ياجـ وعليم بالمفسدين آل عمران جد لعمل
المفسدين يونس باد ا سبيل المفسدين اعراف طب ا على القوم
المفسدين عنكبوت دب وكنت من المفسدين يونس باد و كان
من المفسدين قصص لا ر وقيل اقعدوا مع القاعدين توبه
ي ج و يكن مع القاعدين توبه ى د يكذب بالدين ماعون ا ب
بعد بالدين تين ا جـ ر تكذبون بالدين انفطار لا ر ما كانوا
خالدين انبيا يز ا ا فادخلوها خالدين زمر كد ا ر من الخالدين
اعراف جـ هذا يوم الدين صافات كجـ ب ا ثم ما ادريك ما يوم
الدين انفطار ب ا وما ادريك ما يوم الدين انفطار ب ا
يصلونها يوم الدين انفطار ب ا انكذب بيوم الدين مدثر
كط د ا يكذبون بيوم الدين مطففين ب ا يصدقون بيوم الدين
معارج كط ب أيان يوم الدين ذاريات كو وانظر كيف كان عاقبة
المفسدين اعراف ج د بها فانظر كيف كان عاقبة المفسدين
اعراف طا و علوا فانظر كيف كان عاقبة المفسدين
نمل يط د ا اللعنة الى يوم الدين حجر يد ا و لعنتي الى
يوم الدين ص ج د ا نزلهم يوم الدين واقعة كز جـ ر
خطيئتي يوم الدين شعرا ط ب خامدين انبيا يز ا ا من
الزاهدين يوسف ب د ا فاعبد الله مخلصا له الدين زمر

ج د ا ادعوا الله مخلصين له الدين لقمان كا جـ و وادعوه مخلصين
له الدين اعراف ج ا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين آل عمران
ج ج و ا امنا فاكتبنا مع الشاهدين مائده ز ا ا عليها من
الشاهدين مائده ز ا ر وما كنت من الشاهدين قصص
ك ب ر معكم من الشاهدين آل عمران د ر ذلكم من الشاهدين
انبيا ز ا ر لحكمهم شاهدين انبيا ز ب ا فانه سيهدين
زخرف ك ب ر ان معي ربي سيهدين شعرا ط ب الحمد لله رب
صافات ج ب و فهو يهدين شعرا ط ب ر ولي دين كافرون ا د ر
مع الراجرين شعرا ط ج ا يحب الصابرين آل عمران د ب ا و
بشر الصابرين بقره ب ا ر و والصلوة ان الله مع الصابرين
بقره ب ا ر و واصبروا ان الله مع الصابرين انفال ى ا ا
الفين باذن الله والله مع الصابرين انفال ى ا ر كثيرة باذن
الله والله مع الصابرين بقره ب د ر ويعلم الصابرين آل عمران
د ب و وكل من الصابرين انبيا ز ب و ان شاء الله من الصابرين
صافات ب ج و خير للصابرين نحل يد د ر قدرناها من الغابرين
نمل ك ا ا الا امراتك كانت من الغابرين عنكبوت ا د ر
فانجيناه واهله الا امراته كانت من الغابرين اعراف د ر
لننجينه واهله الا امراته كانت من الغابرين عنكبوت د ر لمن الغابرين

جحر يداو فنجيناه واهله اجمعين الا عجوزا فى الغابرين
شعرا يطاجو اذ نجيناه واهله اجمعين الا عجوزا فى الغا
برين صافات كجب انك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم
الدعاء اذا ولوا مدبرين نمل كا و فانك لا تسمع الموتى
ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين روم كا ب وان
تولوا مدبرين انبيا نزا ثم وليتم مدبرين توبه ى ب
عنه مدبرين صافات كب ولا يحب المستكبرين نحل يد ب
قيل ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين
زمر كد ادخلوا ابواب جهنم خالدين
فيها فبئس مثوى المتكبرين مومن كد ج فلبئس مثوى المتكبرين
نحل يد ب المتكبرين زمر كد ا يجزى المفترين فلا تكن من
الممترين آل عمران جدا بالحق فلا تكونن من الممترين انعام ح ا
لقد جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترين يونس ياد و
يعلمون الحق من ربك فلا تكونن من الممترين بقره ب ا ولا
يصلحون قالوا انما انت من المسحرين شعرا يطاجو الاولين قالوا
انما انت من المسحرين شعرا يطاجو واورثناها قوما اخرين دخان
كد ج بعدها قوما اخرين انبيا نزا انشانا من بعدهم
قرنا اخرين مومنون يح او انشانا من بعدهم قرنا اخرين

انعام

انعام ز ب قرونا اخرين مومنون يح او علمنا المستاخرين حجر يداو
جهنم داخرين مومن كد ج واتوه داخرين نمل كا و لمن الساخرين
زمر كد او فنجيناه واهله اجمعين الا عجوزا فى الغابرين ثم
دمرنا الاخرين شعرا يطاجو اذ نجيناه واهله اجمعين الا عجوزا
فى الغابرين ثم دمرنا الاخرين صافات كجب اجمعين ثم اغرقنا
الاخرين شعرا يطا ب المومنين ثم اغرقنا الاخرين صافات
كجب و ثم الاخرين شعرا يطاب و ثم نتبعهم الاخرين مرسلات كط
وقليل من الاخرين واقعه كز ج وثلة من الاخرين واقعه كز
والاخرين واقعه كز ج عليهما فى الاخرين صافات كجب صدق فى
الاخرين شعرا يطاب هم الباقين وتركنا عليه فى الاخرين صافات
كجب وعظيم وتركنا عليه فى الاخرين صافات كجب المخلصين
وتركنا عليه فى الاخرين صافات كجب للاخرين زخرف كد ج قوم
اخرين انعام ح ا قادرين ن كط او انا كنا منذرين دخان
كد ج وصباح المنذرين صافات كجب امن الغابرين وامطرنا عليهم
مطرا فساء مطر المنذرين نمل يط الاخرين وامطرنا
عليهم مطرا فساء مطر المنذرين شعرا يطاج وانا من المنذرين
نمل كا او لتكون من المنذرين شعرا يطاج بآياتنا فانظر كيف
كان عاقبة المنذرين يونس ياد ا منذرين فانظر كيف كان

عاقبة المنذرين صافات بجـ بـ و وقومهم منذرين احقاف كواو
فيهم منذرين صافات بجـ بـ و احقاف كواو على اعقابكم فتنقلبوا خاسرين
ال عمران دبـ و على ادباركم فتنقلبوا خاسرين مائده ويـ ر
فاصبحوا خاسرين مائده وجـ ر الذين حق عليهم القول
فى امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم
كانوا خاسرين احقاف كواو وحق عليهم القول فى امم
قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم كانوا خاسرين
فصلت كد دو هم الخاسرين اعراف ط اا فاصبح من الخاسرين
مائده وجـ ا فاصبحتم من الخاسرين فصلت كد دو لكنتم من الخا
سرين بقره ابـ ر اكن من الخاسرين هود يـ بـ ا وترحمنا لنكونن
من الخاسرين اعراف جـ النا لنكونن من الخاسرين اعراف ط و
فتكون من الخاسرين يونس يا دو عمله وهو فى الاخرة من
الخاسرين مائده و بـ ا منه وهو فى الاخرة من الخاسرين
ال عمران جـ د ر هم الاخسرين انبيا بز بـ ا من المخسرين شعرا يط جـ و
وابعث فى المداين حاشرين شعرا يط بـ و فرعون فى المداين
حاشرين شعرا يط بـ و وارسل فى المداين حاشرين اعراف ط او
بمحشرين دخان كه جـ خير الناصرين ال عمران د بـ و هذا وما ويكم النار
وما لكم من ناصرين جاثيه كه در بعضا وما ويكم النار وما لكم

من نا

من ناصرين عنكبوت ك ا دو من يضل وما لهم من ناصرين
نحل يد بـ ر اليم وما لهم من ناصرين ال عمران جـ د ر الله وما
لهم من ناصرين روم كا بـ ا شديدا فى الدنيا والاخرة
وما لهم من ناصرين ال عمران جـ د اا عما لهم فى الدنيا والاخرة
وما لهم من ناصرين ال عمران جـ ا مستبصرين عنكبوت ك د ر
وما كانوا منتصرين ذاريات كز اا من المنتصرين قصص ل جـ ر
لكنت من المحضرين صافات جـ بـ ا يوم القيمة من المحضرين قصص ل جـ ا
نشر الناظرين بقره ابـ ر بها ان كنت من الصادقين اعراف و طالو
فالقى عصاه فاذا هى ثعبان مبين ونزع يده فاذا هى بيضاء
للناظرين اعراف ط او بها ان كنت من الصادقين فالقى عصاه
فاذا هى ثعبان مبين ونزع يده فاذا هى بيضاء للناظرين
شعرا يط بـ و وزيناها للناظرين حجر يد اا قل فانتظروا
انى معكم من المنتظرين يونس يا د ر لله فانتظروا انى معكم
من المنتظرين يونس يا د و من سلطان فانتظروا انى معكم
من المنتظرين اعراف ح د و اذا منظرين حجر يد اا وما كانوا
منظرين دخان كه جـ ر قال انك من المنظرين اعراف ح بـ ا اللعنة
الى يوم الدين قال رب فانظرنى الى يوم يبعثون قال فانك
من المنظرين حجر يد ا و لعنتى الى يوم الدين قال رب فانظرنى

الى يوم يبعثون قال فانك من المنظرين ص كج د ا وانقلبوا
صاغرين اعراف ط ا ر وليكونا من الصاغرين يوسف يب د و
خير الغافرين اعراف ط د و الدنيا وشهدوا على انفسهم
انهم كانوا كافرين انعام اعراف ح ا د عنا وشهدوا على انفسهم
انهم كانوا كافرين اعراف ح ج ر بها كافرين مائده ز ا و بكافرين انعام ز د
كذلك جزا الكافرين بقره ب ب ه وذلك جزا الكافرين توبه
ى ب ه الله لا يحب الكافرين ال عمران ج ه وانه لا يحب الكافرين
روم لقمان كتاب ز و محيط بالكافرين بقره ا ا و على قلوب الكافرين
اعراف ط ا ا سقطوا وان جهنم لمحيطة بالكافرين توبه ى ح ر
بالعذاب وان جهنم لمحيطة بالكافرين عنكبوت كا ا ا كيد
الكافرين انفال ط ا د دابر الكافرين انفال ط د ا مع الكافرين
هود ب ا ر ويمحق الكافرين ال عمران د ب ا من القوم الكافرين
يونس ط د و فانصرنا على القوم الكافرين بقره ج ب د ومن الناس
ان الله لا يهدى القوم الكافرين مائده و د و وان الله
لا يهدى القوم الكافرين نحل يد د و مما كسبوا والله
لا يهدى القوم الكافرين بقره ج ا و اعمالهم والله لا يهدى
القوم الكافرين توبه ى ج ا صبروا وثبت اقدامنا وانصرنا
على القوم الكافرين بقره ب د ر فى امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على

انك من الصاغرين اعراف ج د

القوم

القوم الكافرين ال عمران د ب و فلا تاس على القوم الكافرين
مائده و د و وانت من الكافرين شعرا يط ب ا وكنت من الكافرين
زمر كد ا و الا ابليس استكبر وكان من الكافرين ص كج د ا
واستكبر وكان من الكافرين بقره ا ا ر يضل الله الكافرين
مومن كد ه مخزى الكافرين توبه ى ب ا حرمهما على الكافرين
اعراف ح د ا العذاب على الكافرين زمر كد ا ر القول على الكافرين
يس كج ا ر والسوء على الكافرين نحل يد ب و لحسرة على الكافرين
الحاقة كط ب ا الله على الكافرين بقره ا ج د ظهيرا للكافرين
قصص ك ج ر والحجارة اعدت للكافرين بقره ا ا و التى اعدت
للكافرين ال عمران د ا اعد للكافرين بقره ا ج ه لما جاءه
اليس فى جهنم مثوى للكافرين عنكبوت كا ا و اذ جاءه اليس
فى جهنم مثوى للكافرين زمر كد ا ا ايمانكم كافرين ال عمران
د ا ا من قوم كافرين نمل يط د ه على قوم كافرين اعراف ط ا ا
بعبادتهم كافرين احقاف كو ا ا بشركائهم كافرين روم كا ا ر فبئس
القرين زخرف كه ج له قرين زخرف كه ج كان لى قرين صافات كج ب و
للذاكرين هود يب ه و بالشاكرين انعام ز ج و شاكرين
اعراف ح ب فاعبد وكن من الشاكرين زمر كد ا ر ا بتك
وكن من الشاكرين اعراف ط ب ا صالحا لنكونن من الشاكرين

اعراف طج ر لئن انجانا من هذه لنكونن من الشاكرين
انعام زج ر لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين يونس يا ب ر
وسيجزي الله الشاكرين ال عمران يد ا وسنجزي الشاكرين ال عمران
د ب ا ومكر الله والله خير الماكرين ال عمران جه ر ويمكر الله و
الله خير الماكرين انفال ط د ر ماذا تامرين نمل يط د و ظاهرين
صف كج ا ويحب المتطهرين بقره به ر يحب المطهرين توبه يا ا و
مع الزا حاجزين الحاقه كط ب ا ان شاء اما انتم بمعجزين
هود يب ا ر لايات وما انتم بمعجزين انعام ح ا ر الحق وما انتم
بمعجزين يونس ا ج و وما هم بمعجزين نحل يد ج ا وما هم بمعجزين
زمر كد ا و عزين معارج كط ب و مع السين لمبلسين روم كا ب د
على الياسين صافات كج ب ر مع الصاد من المتربصين طور
كز ا و من عبادنا المخلصين يوسف يد ا د تعملون الا عباد
الله المخلصين صافات كج د ا المنذرين المنذرين الا عباد
الله المخلصين صافات كج ب د لمحضرون الا عباد الله المخلصين
صافات كج ب عما يصفون الا عباد الله المخلصين صافات كج ب ر
لكنا عباد الله المخلصين صافات كج ب ا فبعزتك لاغوينهم
اجمعين الا عبادك منهم المخلصين ص كج د ا ولاغوينهم
اجمعين الا عبادك منهم المخلصين حجر يد ا و مع الضاد

من

من المدحضين صافات كج ب ر تكسبون وما تاتيهم من
اية من ايات ربهم الا كانوا عنها معرضين انعام ز ب ا
ترحمون وما تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها
معرضين يس كج ا و فكانوا عنها معرضين حجر يد ا ر عن
التذكرة معرضين مدثر كط د ا عنه معرضين شعرا يط ب ا
عضين حجر يد ب ا ا مع الخائضين مدثر كط د ا مع الطا من همزات
الشياطين مومنون يح ب ا رؤس الشياطين صافات كج ب د
تنزلت الشياطين شعرا يط ج د به الشياطين شعرا يط ج د
بالقسط ان الله يحب المقسطين مائده و ج و و اقسطوا ان
الله يحب المقسطين حجرات كو ج ر اليهم ان الله يحب المقسطين
ممتحنه كج ب من يقطين صافات كج ب ر من القانطين حجر يد ا د
بشرا من طين ص كج د ا الانسان من طين سجده كا ج
امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين
اعراف ح ب من العالمين قال انا خير منه خلقتني من نار
وخلقته من طين ص كج د ا حجارة من طين ذاريات كز ا ا
من سلالة من طين مومنون يح ا ا مع الظا من الواعظين
شعرا يط ج اللغيب حافظين يوسف يج ا ر الحافظين انفطار
ك ا ر لهم حافظين انبيا يز ب و عليهم حافظين مطففين ل د ا

مع العين لنا خاشعين انبيا ٢ ب وعلى الخاشعين بقره
آه خاضعين شعرا ٣ ا مهطعين معارج كطا و الشافعين
مدثر كطدا من شافعين شعرا ب ر الطرف عين صافات كجو
واركعوا مع الراكعين بقره آه واركعي مع الراكعين آل عمران
جو را و لئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين
بقره ب ا ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين
آل عمران جر ربك لاملان جهنم من الجنة والناس اجمعين
هود يج ومني لاملان جهنم من الجنة والناس اجمعين سجده
كاج ر باهلكم اجمعين يوسف ٢ ارثم لاصلبنكم اجمعين اعراف
طا ر ولاصلبنكم اجمعين شعرا ب و منكم اجمعين اعراف
ح ب ر فلو شاء لهديكم اجمعين انعام ح ب ا ولو شاء لهديكم
اجمعين نحل يد ب ا منهم فاغرقناهم اجمعين زخرف كد
سوا فاغرقناهم اجمعين انبيا ٢ ب ا ميقاتهم اجمعين دخان كجد
لموعدهم اجمعين حجر يد او وقومهم اجمعين نمل ١ ٤
لنسئلنهم اجمعين حجر يد ب امنهم اجمعين ص كج د ا
لاغوينهم اجمعين ص كج د ا ولاغوينهم اجمعين
حجر يد او ~~لنجزينهم اجمعين~~ انا لمنجوهم اجمعين
حجر ياد ر ومن معه اجمعين شعرا ب د اذ نجيناه واهله

اجمعين

اجمعين ٧ فنجيناه واهله اجمعين شعرا ٢ و وكذلك زوجناهم
بحور عين دخان كج ر مصفوفة وزوجناهم بحور عين طور
كزاو وحور عين واقعه كوج وبماء معين ملك كط او وكاس من
معين واقعه كوج و بكاس من معين صافات كجب ا و معين
مؤمنون يج او طاغين فصلت كود ا مع الغين قوما طاغين
صافات كجب ا انا كنا طاغين ن كط او مع الفاء مردفين
انفال ط د ا مترفين واقعه كوج لا قوما مسرفين زخرف كد ٧
واشربوا ولاتسرفوا انه لايحب المسرفين اعراف ح ب ط
حصاده ولاتسرفوا انه لايحب المسرفين انعام ح ب ا امر
المسرفين شعرا ٢ ا ومن المسرفين دخان كج ر وانه
لمن المسرفين يونس ياد ا للمسرفين ذاريات كز او وهو يشفين
شعرا ب ر للمطففين مطففين ل ا عاكفين شعرا ب ر
مع الخالفين توبه ي د ر مخلفين هود يج د من المتكلفين
ص كج د ا الا خائفين بقره ا د ا مع القاف بعد
الباقين شعرا ٢ اهم الباقين صافات كجب و سابقين
عنكبوت ك ٢ و يسقين شعرا ب ر الا المتقين زخرف كج و
فان الله يحب المتقين آل عمران ج د والحمد لله ان الله
يحب المتقين توبه ي ب الهم ان الله يحب المتقين توبه ي ب ا

صافات كجب ر ص

واهلكنا المسرفين انبيا ٢ ا ص

وانفسهم والله عليم بالمتقين توبه ج و فلن يكفروه والله
عليم بالمتقين آل عمران دار دار المتقين نحل يديه واتقوا الله
واعلموا ان الله مع المتقين بقره ب بر كافة واعلموا ان الله
مع المتقين توبه ج اغلظة واعلموا ان الله مع المتقين
توبه يا با لتذكرة للمتقين الحاقة كط با لكنت من المتقين زمر
كدا و يتقبل الله من المتقين مائده وبا يجزي الله المتقين
نحل يديه على المتقين بقره ب دو ولي المتقين جاثيه كده و
وذكرى للمتقين انبيا يز ار اعدت للمتقين آل عمران دبا
ربك للمتقين زخرف كدبا ان العاقبة للمتقين هود يب ا
من عباده والعاقبة للمتقين اعراف ط ار ولا فسادا و
العاقبة للمتقين قصص اج ر وما خلفها وموعظة للمتقين
بقره اب ر من قبلكم وموعظة للمتقين نور يج و للناس
وهدى وموعظة للمتقين آل عمران دبا من التورية وهدى
وموعظة للمتقين مائده وج والجنة للمتقين شعرا يط
هدى للمتقين بقره ااا ولو كنا صادقين يوسف يد ا
بشر كانهم ان كانوا صادقين ن كط ار مثله ان كانوا
صادقين طور كزا و مع الصادقين توبه يا ار من السماء
ان كنت من الصادقين شعرا يط ج و ا اباؤنا فاتنا بما تعدنا

فاتنا
ان كنت من الصادقين اعراف ح دو عن الهتنا بما تعدنا
ان كنت من الصادقين احقاف كوا ر جدالنا فاتنا بما تعدنا
ان كنت من الصادقين هود يب ار بها ان كنت من الصادقين
اعراف ط او به ان كنت من الصادقين شعرا يط با بالملائكة
ان كنت من الصادقين حجر يد اا بعذاب الله ان كنت من
الصادقين عنكبوت دد بآية ان كنت من الصادقين
شعرا يط ج و وانه لمن الصادقين يوسف يد ر بالله انه لمن
الصادقين نور يج ب ر ان كان من الصادقين نور يج ب
وهو من الصادقين يوسف يد ا هؤلاء ان كنتم صادقين
بقره اار فاتوا باباءنا ان كنتم صادقين دخان كد ج ر
فاتلوها ان كنتم صادقين آل عمران د اا ترجعونها ان كنتم
صادقين واقعه كز دا قالوا ائتوا باباءنا ان كنتم صادقين
جاثيه كد ر خالصة من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم
صادقين بقره اج و لله من دون الناس فتمنوا الموت
ان كنتم صادقين جمعه كح ج و عن انفسكم الموت ان كنتم
صادقين آل عمران ج ا هذا الفتح ان كنتم صادقين سجده كا دا
يمكرون ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين
نمل ك اا تحشرون ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم

صادقين ملك كط اا ولا تستعجلون ويقولون متى هذا
الوعد ان كنتم صادقين انبيا بزاو لا ينظلمون ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين يونس يا ج ولا يعلمون و
يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين سبا كب ب ه
مبين ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين يس لج او
بكتابكم ان كنتم صادقين صافات لج ب لكم ان كنتم صادقين
اعراف طج ر امانيهم قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين بقره ا دا
مع الله قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين نمل ك اا
بعلم ان كنتم صادقين انعام ح با من علم ان كنتم صادقين
احقاف كو اا قتلتموهم ان كنتم صادقين ال عمران دج م للايمان
ان كنتم صادقين حجرات كو دا تدعون ان كنتم صادقين انعام
د ج ا اتبعه ان كنتم صادقين قصص ا ج ب من استطعتم
من دون الله ان كنتم صادقين هود يب اا شهداءكم
ان كنتم صادقين بقره ااو يجزى المتصدقين يوسف ج ا د
المتصدقين صافات كو بسارقين يوسف ج او فاتبعوهم
مشرقين شعرا يط ب ا الصيحة مشرقين حجر يد ا ر من الرازقين
هود يب ار برازقين حجر يد اا وانت خير الرازقين مائده
زار لهو خير الرازقين حج يزد و خير وهو خير الرازقين

مومنون ع ا د يخلفه وهو خير الرازقين سبا كب جا والله خير
الرازقين جمعه كج و من قبل انهم كانوا قوما فاسقين
ذاريات كز اا وقومه انهم كانوا قوما فاسقين نمل يط دا
فاطاعوه انهم كانوا قوما فاسقين زخرف كه جا وملائه
انهم كانوا قوما فاسقين قصص د ب و ه كنتم قوما
فاسقين توبه ي ج و الا الفاسقين بقره اا ك دار
الفاسقين اعراف ط ب ا وعن القوم الفاسقين توبه يا اا
وبين القوم الفاسقين مائده و ب ان الله لا يهدى
القوم الفاسقين منافقين كج رو اسمعوا والله لا يهدى
القوم الفاسقين مائده ز ار قلوبهم والله لا يهدى
القوم الفاسقين صف كج ا بامره والله لا يهدى القوم
الفاسقين توبه ي ب ورسوله والله لا يهدى القوم الفا
سقين توبه ي د وعلى القوم الفاسقين مائده و ب و ليخزى الفاسقين
حشر كج ار اكثرهم لفاسقين اعراف ط اا سواء فاسقين
انبيا يز ب او ليعلمن المنافقين عنكبوت ك دا مشفقين
طور كز او وتذرون احسن الخالقين صافات كج ب
الله احسن الخالقين مومنون يح اا نحن الملقين اعراف طاو
الموت وما نحن بمسبوقين واقعه كز ج ر و منهم وما نحن

يسبو قين معارج كطاب ونحن بيقين عل يط د و اتينا اليقين
مدثر كط دا الحق اليقين الحاقة كطاب لهو حق اليقين واقعة كز دا
ياتيك اليقين حجر يدب ا علم اليقين تكاثر د ا عين
اليقين تكاثر د ا مع الكاف ماكنا مشركين انعام زب
ولا تكونوا من المشركين روم كاب ا بما تؤمر واعرض عن
المشركين حجر يدب الا هو واعرض عن المشركين انعام زد
حنيفا وما انا من المشركين انعام زد ا وسبحان الله و
ما انا من المشركين يوسف يجب ه و لم يك من المشركين نحل يد در
عاهدتم من المشركين توبه ى ب ا فيما ملة ابرهيم حنيفا و
ما كان من المشركين انعام ح ب و فاتبعوا ملة ابرهيم حنيفا
وما كان من المشركين ال عمران د ا ان اتبع ملة ابرهيم حنيفا
وما كان من المشركين نحل يد در قل بل ملة ابرهيم حنيفا
وما كان من المشركين بقره ا د ر مسلما وما كان من المشركين
ال عمران ج د ا حنيفا ولا تكونن من المشركين يونس يا د ر الى ربك
ولا تكونن من المشركين قصص ج ز ومن اسلم ولا تكونن
من المشركين انعام زب و للمشركين فصلت كد دا اكثرهم مشركين
روم كاب مشركين مومن كح ج ز من الهالكين يوسف يج ا ر
من المهلكين مومنون يح او طعام المسكين الحاقة كطاب ا نطعم

المسكين

المسكين مدثر كط دا عليكم مسكين ن كط او فجعلناه فى
قرار مكين مرسلات كط در نطفة فى قرار مكين مومنون يح ا ا
عند ذى العرش مكين تكوير د ا ر ولا تحاضون على طعام
المسكين فجر د ج ا ولا يحض على طعام المسكين ماعون د در
مع اللام قوما ضالين مومنون يح ب من القوم الضالين انعام
ز د ا وانا من الضالين شعرا يط ب المن الضالين بقره ب ر
كان من الضالين شعرا يط ر ا با وهم ضالين صافات
بج ب و قوما عالين مومنون يح امن العالين ص بج د ا من
القالين شعرا يط ج و عليها متقابلين واقعه كز ج و اخوانا
على سرر متقابلين حجر يد او النعيم على سرر متقابلين صافات
بج ب و لمبتلين مومنون يح او واستبرق متقابلين دخان كه ج
مع الداخلين تحريم كح در فى الاذلين مجادله كح او وما كنا
منزلين يس بج ا ا وانا خير المنزلين يوسف يح ا ا وانت
خير المنزلين مومنون يح او من الملائكة منزلين ال عمران د ا ر
من نبائ المرسلين انعام ز ب ر لعبادنا المرسلين صافات
بج ج ا تبعوا المرسلين يس كب ر ا انا كنا مرسلين دخان كه ج د
ولكنا كنا مرسلين قصص ك ب ر نوح المرسلين شعرا يط ب
عاد المرسلين شعرا يط ج ا ثمود المرسلين شعرا يط ج الحجر المرسلين

حجر يدا ر لوط المرسلين شعرا يطجو وصدق المرسلين صافات
بحجريا اجتم المرسلين قصص لجه ولنسئلن المرسلين اعراف
ح ب ان كنت من المرسلين اعراف ح در وان لوطا لمن المرسلين
صافات بحجر وان الياس لمن المرسلين صافات بحجر وان يونس
لمن المرسلين صافات بحجر انك لمن المرسلين يس كب در ق
انك لمن المرسلين بقره ب در وجاعلوه لمن المرسلين قصص
ك ا ر وجعلني من المرسلين شعرا يطب الا يكذب المرسلين
شعرا يطج وعلى المرسلين صافات بحجر ا عن سلين الحاقة كطا ب ا
خير الفاصلين انعام زج ومن المصلين بدثر كط د ا انا كنا فا[علين]
ابنيا يزب ان كنا فاعلين ابنيا يز ا ا وكنا فاعلين ابنيا
يز ... الهتكم ان كنتم فاعلين ابنيا يزب ا السيارة ان كنتم
فاعلين يوسف يب بناتي ان كنتم فاعلين حجر يدا ر ساقلين
تين لجر عن هذا غافلين اعراف طجه اني اليم بانهم كذبوا
باياتنا وكانوا عنها غافلين اعراف طب ا ذلك بانهم كذبوا
باياتنا وكانوا عنها غافلين اعراف طب وعن الخلق غافلين
لمن الغافلين يوسف يج ولا تكن من الغافلين اعراف ط جد
عن عبادتكم لغافلين يونس يا ج اعن دراستهم لغافلين
انعام ح ب لا احب الافلين انعام زد ا فجعلناهم الاسفلين

لمن الغافلين يوسف يب ج د

صافات بحجر ومن الاسفلين فصلت كد و للاكلين مومنون يح
يحب المتوكلين ال عمران د ب نعم اجر العاملين عنكبوت كا ا ونعم
اجر العاملين ال عمران د ب فنعم اجر العاملين زمر ف كد ا وما
سمعنا بهذا في اباينا الاولين قصص د ب ما سمعنا بهذا
في ابائنا الاولين مومنون يح زبر الاولين شعرا يطج اكثر الاولين
صافات بحجر مثل هذا الا اساطير الاولين انفال طد ر ان هذا
ما هذا الا اساطير الاولين احقاف كوا وكفروا ان هذا الا
اساطير الاولين انعام زب هذا من قبل ان هذا الا اساطير
الاولين مومنون يح ب ا وابا ونا من قبل ان هذا الا اساطير الاولين
نمل ك ا ا قالوا اساطير الاولين نحل يد ب وبنين اذا تتلى
عليه اياتنا قال اساطير الاولين ن كط ا وا ثيم اذا تتلى عليه
اياتنا قال اساطير الاولين مطففين ل ب في شيع الاولين
حجر يدا خلق الاولين شعرا يطج الم نهلك الاولين مرسلات
كط ا ر مثل الاولين زخرف كد و ابائهم الاولين مومنون يح ا د
ويميت ربكم ورب ابائكم الاولين دخان كه ج قال ربكم
ورب ابائكم الاولين شعرا يطب الله ربكم ورب ابائكم
الاولين صافات بحجر ذكرا من الاولين صافات بحجر النعيم ثلة
من الاولين واقعة كز ج باليمين ثلة من الاولين واقعة كز ج

والاولين مرسلاة كط وَالجبلة الاولين شعرا يطجو والاسنة

الاولين فاطر كبدو فقد مضت سنة الاولين انفال ط د ر

وقد خلت سنة الاولين حجر يد ١١ فى الاولين زخرف كه يو

عن الجاهلين اعراف طج ر واكن من الجاهلين يوسف يب دو

فلا تكونن من الجاهلين انعام زيج ١١ ان تكون من الجاهلين

هود يب ١١ ان اكون من الجاهلين بقره ايه ر لا نبتغى الجاهلين

قصص لج ١ سواءً للسائلين فصلت كد دا ايات للسائلين

يوسف يب جو مع الكيم ناصح امين اعراف ح دو الروح الامين

شعرا يطج ر البلد الامين تين لج ر القوى الامين

قصص ليب ١ نوح الا تتقون انى لكم رسول امين شعرا يطب

هود الا تتقون انى لكم رسول امين شعرا يطج صالح الا

تتقون انى لكم رسول امين شعرا يطج ١ شعيب الا تتقون

انى لكم رسول امين شعرا يطج وعباد الله انى لكم رسول امين

دخان كج و فى مقام امين دخان كج ثم امين تكوير د ١ ر

مكين امين يوسف يج ١١ القوى امين نمل يط دو الخاسرون

فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فى دارهم جاثمين اعراف ط ١١

من المرسلين فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فى دارهم جاثمين

اعراف ح در فكذبوه فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فى دارهم

لوط الا تتقون انى لكم رسول امين شعرا يطج و

جاثمين

جاثمين عنكبوت ك در واخذ الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا

فى دارهم جاثمين هود يب و واخذت الذين ظلموا الصيحة

فاصبحوا فى دارهم جاثمين هود يب ج ١ لمن الاثمين مائده زاو

بعض الاعجمين شعرا يطج ر وارحمنا وانت خير الراحمين

مومنون يج و وارحم وانت خير الراحمين مومنون يج مسنى

الضر وانت ارحم الراحمين انبيا يز ب فى رحمتك وانت ارحم

الراحمين اعراف ط و حافظا وانت ارحم الراحمين يوسف يج ١١

لكم وهو ارحم الراحمين يوسف يج ١ ر فاصبحوا نادمين شعرا

يطج و من النادمين مائده وج ١ على ما فعلتم نادمين

حجرات كو ج ر فى انفسهم نادمين مائده وج ١ ليصبحن نادمين

مومنون يج ١ و صار مين ن كط ١ و مفصلات فاستكبروا

وكانوا قوما مجرمين اعراف ط ١ و باياتنا فاستكبروا وكانوا

قوما مجرمين يونس ياد ١ ولا تتولوا مجرمين هود يب ١

وكنتم قوما مجرمين جاثيه كه در بانهم كانوا مجرمين توبه ى د ١

انهم كانوا مجرمين دخان كج ر وكانوا مجرمين هود يب جو

انا كذلك نفعل بالمجرمين صافات كج ب ١١ الاخرين كذلك

نفعل بالمجرمين مرسلات كط در سلكناه فى قلوب المجرمين

شعرا يطج ر نسلكه فى قلوب المجرمين حجر يد ١١ كالمجرمين

ن كط ار سبيل المجرمين انعام نجه و باسنا عن القوم المجرمين
يوسف يجه و باسه عن القوم المجرمين انعام ح ب الیؤسوا
كذلك نجزى القوم المجرمين يونس ياب و الا مسا كنتم كذ
كذلك نجزى القوم المجرمين احقاف كو او عن المجرمين سد نركط
دا قل سيروا فى الارض فانظروا كيف كان عاقبة المجرمين
نمل نا افانظر كيف كان عاقبة المجرمين اعراف دك نجزى
المجرمين اعراف جه للمجرمين قصص ك با بل كنتم مجرمين سا كجا
الضالون قال فما خطبكم ايها المرسلون قالوا انا ارسلنا
الى قوم مجرمين حجر يد ار العليم قال فما خطبكم ايها المرسلون
قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ذاريات كز ا ابرهيم المكرمين
ذاريات كو در من المكرمين يس كج الا على المقتسمين حجر يه
بعجل سمين ذاريات كو در للمتوسمين حجر يد ار قوما عمين اعراف
ح د و فاصبروا حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين
اعراف در واصبر حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين
يونس ياد ر الله لى وهو خير الحاكمين يوسف ي او باحكم الحاكمين
تين ل جه و انت احكم الحاكمين هود يه ا وما كنا ظالمين
شعرا يط ج ربنا انا كنا ظالمين ن كط ا و قالوا يا ويلنا
انا كنا ظالمين انبيا يد اا ليقولن يا ويلنا انا كنا ظالمين

انبيا يد ار قالوا انا كنا ظالمين اعراف د ر بل كنا ظالمين
انبيا يه ر ان اهلها كانوا ظالمين عنكبوت لا و وكل كانوا
ظالمين انفال ى ا و وكانوا ظالمين اعراف ط ب و فيهما و
ذلك جزاء الظالمين حشر كج ب ا النار وذلك جزاء الظالمين
مائده وج ا شهداء والله لا يحب الظالمين آل عمران د ب ا اجورهم
والله لا يحب الظالمين آل عمران ج دا انه لا يحب الظالمين شورى
كد ب ا اعلم بالظالمين انعام نجه و لهم والله عليم بالظالمين
توبه ج و منهم والله عليم بالظالمين بقره ب در ولا يتمنونه
ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين جمعه كج و
ولن يتمنوه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين
بقره اج ر ان ائت القوم الظالمين شعرا يط ب ابعد الذكرى
مع القوم الظالمين انعام نج ر لا تجعلنا مع القوم الظالمين
اعراف جه ولا تجعلنى مع القوم الظالمين اعراف طب و نجنا
من القوم الظالمين مؤمنون ح او نجوت من القوم الظالمين
قصص ك با رب نجنى من القوم الظالمين قصص د با و نجنى
من القوم الظالمين تحريم كح در واستكبرتم ان الله لا
يهدى القوم الظالمين احقاف كو ا اعلم ان الله لا يهدى
القوم الظالمين انعام ح با منهم ان الله لا يهدى القوم

الظالمين يالده وجر من الله ان الله لا يهدى القوم الظالمين
قصص بح ٢ البينات والله لا يهدى القوم الظالمين
ال عمران جر كفر والله لا يهدى القوم الظالمين بقره جا ١
الى الاسلام والله لا يهدى القوم الظالمين صف كح جا
جهنم والله لا يهدى القوم الظالمين توبه يا او بايات
الله والله لا يهدى القوم الظالمين جمعه كح و عند الله و
الله لا يهدى القوم الظالمين توبه ى ب و فى القوم الظالمين
مومنون يح ب ا فبعدا للقوم الظالمين مومنون يح اه بعدا
للقوم الظالمين هود يب ار فتنة للقوم يونس هود يا ده ا
هم الظالمين زخرف كه جو ولنهلكن الظالمين ابرهيم يح د ا
اذا من الظالمين يونس هود يا در رغدا حيث شئتما ولا تقربا
هذه الشجرة فتكونا من الظالمين بقره اار فكلا من
حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين اعراف
ح جا اكنت من الظالمين انبيا يو د انك اذا لمن الظالمين بقره
ب اا انى اذا لمن الظالمين هود يا ا انه لمن الظالمين انبيا
ب نزام فتكون من الظالمين انعام زجو من قبلهم فانظر كيف
كان عاقبة الظالمين يونس يا في اليم فانظر كيف كان عاقبة
الظالمين قصص ا ب و يضل الله الظالمين ابرهيم يح دو عهدى

الظا

الظالمين يونس ادو جهنم كذلك نجزى الظالمين انبيا ب او
جزاء كذلك نجزى الظالمين يوسف ا و كذلك نجزى الظالمين
اعراف جر الا على الظالمين بقره ب ب الا لعنة الله على الظا
لمين هود يب او ان لعنة الله على الظالمين اعراف جد ا
مثوى الظالمين ال عمران د ب و فتنة للظالمين صافات كح و
الايكة لظالمين حجر يد ار بعالمين يوسف بدر على
العالمين ال عمران جر و على نساء العالمين ال عمران جر الا رب
العالمين شعرا يط ب و ما رب العالمين شعرا يط ب ا فالقى السحرة
ساجدين قالوا آمنا برب العالمين شعرا يط ب و القى السحرة
ساجدين قالوا آمنا برب العالمين اعراف ط ار فما ظنكم برب
العالمين صافات كح و اذ نسويكم برب العالمين شعرا يط ب
ورب الارض رب العالمين جاثية كه در ذلك رب العالمين
فصلت كه د ا اسلمت لرب العالمين بقره ا در الناس لرب
العالمين مطففين ل ب ا ان اسلم لرب العالمين مومن كد جو
لنسلم لرب العالمين انعام ز جر انا رسول رب العالمين
شعرا يط ب انى رسول رب العالمين زخرف كه جا التنزيل
رب العالمين شعرا يط جو انى رسول من رب العالمين
اعراف ط او ضلالة ولكنى رسول من رب العالمين اعراف ح دو

سفاهة ولكنی رسول من رب العالمین اعراف ج دو مانذ
كرون تنزيل من رب العالمين الحاقة كط با الا المطهرون
تنزيل من رب العالمين واقعة كو نج دا فيه من رب العالمين
يونس باج ا الا الله رب العالمين قصص ل ا ب وان يشاء
الله رب العالمين تكوير ل ا ر لا قتلك انی اخاف الله رب
العالمين مائده وج امنوا انی اخاف الله رب العالمين حشر
كح ب ا تبارك الله رب العالمين اعراف ج د ا فتبارك
الله رب العالمين مومن كد ج و وسبحان الله رب العالمين
نمل يط د ا ان الحمد لله رب العالمين يونس ي ا ب و وقيل
الحمد لله رب العالمين زمر كد ا ر الدين الحمد لله رب
العالمين مومن كد ج و ظلموا والحمد لله رب العالمين انعام
رج ا المرسلين والحمد لله رب العالمين صافات كح ج ا ب
سليمن لله رب العالمين نمل يط د ر ومماتی لله رب العالمين
انعام ح د نوح الا تتقون انی لكم رسول امين فاتقوا الله
واطيعون وما اسئلكم عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمين
شعرا يط ب هود الا تتقون انی لكم رسول امين فاتقوا الله
واطيعون وما اسئلكم عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمين
شعرا يط بر صالح الا تتقون انی لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون

الا تتقون ٥

وما

وما اسئلكم عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمين شعرا
يط ا ج لوط الا تتقون انی لكم رسول امين فاتقوا الله و
اطيعون وما اسئلكم عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمين
شعرا يط ج و شعيب الا تتقون انی لكم رسول امين فاتقوا
الله واطيعون وما اسئلكم عليه من اجر ان اجری الا
علی رب العالمين شعرا يط ج و فی صدور العالمين عنكبوت
ك د ا اولم ننهك عن العالمين حجر يد ا ر لغنی عن العالمين
عنكبوت ل ج ا غنی عن العالمين ال عمران د ا اما لم يؤت احدا
من العالمين مائده و ب لا اعذبه احدا من العالمين مائده ز ا ر
اتاتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من العالمين
اعراف ج د ر لتاتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من
من العالمين عنكبوت ك د و الذكران من العالمين شعرا يط ج و
فی العالمين صافات كح ب و فضلنا علی العالمين انعام ز د ا ر ذو فضل
علی العالمين بقره ب د ر الخاسرون يا بنی اسرائيل اذكروا نعمتی
التی انعمت عليكم وانی فضلتكم علی العالمين بقره ا د و وا جعون
يا بنی اسرائيل اذكروا نعمتی التی انعمت عليكم وانی فضلتكم علی العالمين
بقره ا ب ا فضلكم علی العالمين اعراف ط ب ا علی علم علی العالمين
دخان كد ج ر و فضلناهم علی العالمين جاثيه كد و والعمران علی

العالمين آل عمران جـ و ظلما للعالمين آل عمران دا و فيما للعالمين انبيا
يز ب الايات للعالمين روم كا ا ر وما هو الا ذكر للعالمين
ن كطا ار من اجران هو الا ذكر للعالمين يوسف يه ب ا اجرا
ان هو الا ذكرى للعالمين انعام ز د و فقد هبون ان هو الا
ذكر للعالمين تكوير ا ار المتكلفين ان هو الا ذكر للعالمين
ص كه د ا الا رحمة للعالمين انبيا يز ب وجعلناها اية
للعالمين عنكبوت يه ا وابنها اية للعالمين انبيا يز ب وهدى
للعالمين آل عمران د ا به عالمين انبيا يز ا ر شى عالمين انبيا
يز ب ا وتوفنا مسلمين اعراف ط ا ر وكنا مسلمين نمل يط د ه
وكانوا مسلمين زخرف كه جـ ولو كانوا مسلمين حجر يد ا ا وانا
اول المسلمين انعام ح ب ولان اكون اول المسلمين زمر كه د و
هو سميكم المسلمين حج يز د ر وانا من المسلمين يونس يه
بيت من المسلمين ذاريات كز ا ا انني من المسلمين فصلت كو د ر
وانى من المسلمين احقاف كو ا و ورحمة وبشرى للمسلمين
نحل يد د ا وهدى وبشرى للمسلمين نحل يد د و ان كنتم مسلمين
يونس يا د و من قبله مسلمين قصص ج ا ان ياتونى مسلمين
نمل يط د ر واتونى مسلمين نمل يط د و من المرجومين شعرا
يط جـ اسوين آل عمران د ا رضربا باليمين صافات كه ب ا الا

اصحٰب

اصحاب اليمين مدثر كط د ا ما اصحاب اليمين واقعه كز جـ ر لا
لاصحاب اليمين واقعه كز جـ ر واصحاب اليمين واقعه كز جـ ر لك
من اصحاب اليمين واقعه كز د ا ان كان من اصحاب اليمين واقعه كز د ا
منه باليمين الحاقه كط ب ا عن اليمين صافات كه ب ا فاعلون والذين هم
لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم
غير ملومين مومنون يح ا ا ماسون والذين هم لفروجهم حافظون
الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين معارج
كط ب ومع النون بالبنين زخرف كه ب على البنين صافات كه ب ر
ذا مال وبنين ن كط ا و من مال وبنين مومنون يح ا و
بانعام وبنين شعرا يط جـ ا بغاتنين صافات كه ب ا مقرنين
زخرف كه جـ مقرنين زخرف كه ب وعازنين حجر يد ا ا ذلك جزاء المحسنين
ذاريات كو د ر وذلك جزاء المحسنين مائده ز ا ا ذلك جزاء المحسنين
زمر كد ا ا واحسنوا ان الله يحب المحسنين بقره ب ب ر و
اصفح ان الله يحب المحسنين مائده و د واحسنوا والله يحب
المحسنين مائده ز ا ا عن الناس والله يحب المحسنين آل عمران
د ب ا الاخرة والله يحب المحسنين آل عمران د ب وسنزيد المحسنين
اعراف ط ب ر وسنزيد المحسنين بقره ا ب و ولا نضيع اجر
المحسنين يوسف يه ا ا ان الله لا يضيع اجر المحسنين توبه يا ا ر

واصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين هود يج ر و يصبر فان الله
لا يضيع اجر المحسنين يوسف يجا و بشر المحسنين حج يو ج د
لمع المحسنين عنكبوت كا اقريب من المحسنين اعراف ح دا بتاويله
انا نريك من المحسنين يوسف يب د مكانه انا نريك من المحسنين
يوسف يجا و فاكون من المحسنين زمر كدا و في العالمين انا كذلك
نجزي المحسنين صافات يج ب و الرؤيا انا كذلك نجزي المحسنين
صافات يج ب ابرهيم كذلك نجزي المحسنين صافات يج ب وهارون
انا كذلك نجزي المحسنين صافات يج ب على الياسين انا كذلك
نجزي المحسنين صافات يج ب وهارون وكذلك نجزي المحسنين
انعام زدا اشده اتيناه حكما وكذلك نجزي المحسنين يوسف وعلماء
يب دا واستوى اتيناه حكما وكذلك نجزي المحسنين قصص ر ب ا
ورحمة للمحسنين لقمن ا كا ب وبشرى للمحسنين احقاف كوا
على المحسنين بقره ب د م عدد سنين مومنون يج و بضع سنين
يوسف يب د من عمرك سنين شعرا يط يا متعناهم سنين
شعرا يط ج ر بضنين تكوير كا ر مذعنين نور يج ج ر من
الموقنين انعام زدا للموقنين ذاريات كو ر مستيقنين جاثيه
كد ر بيوتا امنين حجر يد ار واياما امنين سبا كب ب ها
هنا امنين شعرا يط ج امن الامنين قصص ك ب ر و بسلام امنين

حجر يد او الله امنين يوسف يج ب فاكهة امنين دخان كه ج ه
لكنا مومنين سبا كب ه وما كانوا مومنين اعراف ح د وان
كانوا مومنين توبه ي جه دا الا يكونوا مومنين شعرا يط ا
حتى يكونوا مومنين يونس يا د ه لكما بمومنين يونس يا د ه
لم تكونوا مومنين صافات يج ب ا ولو حرصت بمومنين يوسف يج ا
نا نحن لك بمومنين اعراف طا د وما نحن لك بمومنين هود يب ا
وما هم بمومنين بقره ا ا ا له بمومنين مومنون ج ا و ثم يتولون
من بعد ذلك وما اولئك بالمومنين مائده و ج و منهم من
بعد ذلك وما اولئك بالمومنين نور يج ر في العالمين انا
كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا المومنين صافات يج ب وعلى ابرهيم
انا كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا المومنين صافات يج ب ر
انهما من عبادنا المومنين صافات يج ب ر على الياسين انا كذلك
نجزي المحسنين انه من عبادنا المومنين صافات يج ب و بالمومنين انفال ي ا د
بطارد المومنين شعرا يط ج ا اجر المومنين ال عمران د ج اقريب
وبشر المومنين صف كج ج ا الحدود الله وبشر المومنين توبه يا او
الصلوة وبشر المومنين يونس يا د و ملاقوه وبشر المومنين
بقره ب ج د نصر المومنين روم كا ب وتنفع المومنين ذاريات
كز ا ا مع المومنين انفال ط د و وانا اول المومنين اعراف ط ب ا

ان كنا اول المومنين شعرا يط ب و وليعلم المومنين ال عمران
دج ا فريقا من المومنين سبا كب ب وفيهما من المومنين
ذاريات كز ١١ لمن اتبعك من المومنين شعرا يط ج ر ومن
اتبعك من المومنين انفال ى ا و فتمنعكم من المومنين سبا
ه دس ان اكون من المومنين يونس يا دس لنكون من المومنين
قصص ك ار فيكون من المومنين شعرا يط به ربنا ونكون
من المومنين انعام ز ب را اياتك ونكون من المومنين
قصص د ج ب طائفة من المومنين نوح ج ب ر ومن معى من المومنين
شعرا يط ج ا اوليا من دون المومنين ال عمران ج ا من عبادة
المومنين غزا يط د ا علينا نج المومنين يونس يا در وكذلك
نجى المومنين ابخيا ز ب و ذلك على المومنين نوح ج به
ذو فضل على المومنين ال عمران د ب و ولى المومنين ال عمران دد
لايات للمومنين جاثيه كه د ا جناحك للمومنين حجر يد ب ار
لهدى ورحمة للمومنين نمل ك ا و وهدى ورحمة للمومنين
يونس يا جر مقيم ان فى ذلك لاية للمومنين حجر يد ار بالحق
ان فى ذلك لاية للمومنين عنكبوت د ب وهدى وبشرى
للمومنين بقره اج رهدى وبشرى للمومنين نمل يط د ا
به وذكرى للمومنين اعراف ب ب وموعظة وذكرى للمومنين

هود

هود يب ج و ايدا ان كنتم مؤمنين نوح ج ب من الربوا
ان كنتم مومنين بقره ج ب ا فتوكلوا ان كنتم مومنين مائده و ب
من قبل ان كنتم مومنين بقره ا ج و ميثاقكم ان كنتم مومنين حديد
كز د ا ذلكم خير لكم ان كنتم مومنين اعراف جد ر بقيت الله خير لكم
ان كنتم مومنين هود يب ب فى بيوتكم ان فى ذلك لاية لكم ان
كنتم مومنين ال عمران ج ب الملائكة ان فى ذلك لاية لكم ان كنتم
مومنين بقره ب در ايمانكم ان كنتم مومنين بقره اج و وخافون
ان كنتم مومنين ال عمران د ب الا علون ان كنتم مومنين ال عمران
د ب ا ورسوله ان كنتم مومنين انفال ط د ا ان تخشوه ان كنتم
مومنين توبه ى ب و قوم مومنين توبه ى ب و به مومنين شعرا
يط ج ر باياته مومنين انعام ح ا قال اتقوا الله ان كنتم مومنين
مائده زار واتقوا الله ان كنتم مومنين مائده ود ا كريم ان
فى ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين شعرا يط ب الاخرين
ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين شعرا يط ب ومن المومنين ان
فى ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين شعرا يط ب ر بعد الباقين ان فى
ذلك لاية وما كان اكثرهم مومنين شعرا يط ج ا فاهلكناهم ان فى ذلك
لاية وما كان اكثرهم مومنين شعرا يط ج ا العذاب ان فى ذلك لاية وما
كان اكثرهم مومنين شعرا يط ج ومطر المنذرين ان فى ذلك لاية

وماكان اكثرهم مومنين شعرا يطاح وعظيم ان فى ذلك
لاية وماكان اكثرهم مومنين شعرا يطاح ومن المسجونين
شعرا يطب الايحب الخائنين انفال ى او وكيد الخائنين
يوسف يب ز مدينين واقعه كزدا سينين تين اجد
مع الواو انا كنا غاوين صافات كجب اا تبعك من الغاوين
حجر يدا و فكان من الغاوين اعراف طج ا للغاوين شعرا
يطب للمقوين واقعه كزج كم مع الها، فارهين شعرا يطاح
كارهين اعراف طا ا كسيه هين طور كز ا و انقلبوا
فاكهين مطففين لب فيها فاكهين دخان كزج نخلقكم من
ما، مهين مرسلات كط د يسلاله من ماء مهين سجده نح
فلهم عذاب مهين مجادله كج او ولهم عذاب مهين ال عمران
دج ا وله عذاب مهين نسا دد و شيا اتخذها هزوا
اولئك لهم عذاب مهين جاثيه كه دا ويتخذها هزوا
اولئك لهم عذاب مهين لقمان كا به فاولئك لهم
عذاب مهين حج يز د و غضب وللكافرين عذاب مهين
بقره اج و بينات وللكافرين عذاب مهين مجادله كج ا
حلاف مهين ن كطا او من العذاب المهين دخان كه ج
فى العذاب المهين سبا كب به وهو مهين زخرف كه ج ا مع اليا،

ثم يجيين شعرا يطب لفى عليين مطففين لب باب الها، والبا،
مع الذال كاذبة واقعه كزج و مع الرا، متربة بلد لج ا خشية
لم يكن لدا مقربه بلد لج ا مع الصاد ناصية غاشيه لب
مع القاف ما العقبه بلد لج ا فلا اقتحم العقبة بلد لج ا
باب الها، والثا، مع الالف ثلاثة واقعه
كزج و مع الواو مبثوثة غاشيه لب باب الها، والخا، مع الالف
الصاخة عبس لا ر باب الها، والدال مع الحا، نفخة
واحدة الحاقة كطا ه د كة واحدة الحاقة كطا ا زجرة واحدة
نازعات لا و مع الدال وعدده همزه لد و ممددة همزه
لد و مع الصاد مؤصدة بلد لج ا مع اللام اخلده
همزه لد و مع اليا، على الافئدة همزه لد و باب
الها، والرا، مع البا، غبرة عبس لا او ما قترة عبس لا او
مع التا، فترة عبس لا ر مع الجيم الفجرة عبس لا ر مع الخا،
الاخرة مدثر كط دا نخرة نازعات لا و مع الرا، بررة عبس لا و
مع السين خاسرة نازعات لا و يسرة عبس لا و مع الشين
مستبشرة عبس لا ر انشره عبس لا و محشرة مدثر
كط دا مع الضاد ناضرة قيمه كط دا مع الظا، ناظرة قيمة
كط دا مع الفا، فى الحافرة نازعات لا و المغفرة مدثر كط دا

اكفره عبس لـا و مستنفره مدثر كط د ا مع القاف فاقره قيمه
كط د ا مع الكاف انه تذكرة فمن شا، ذكره قيمه كط د ا انها
تذكره فمن شا، ذكره عبس لـا و انه تذكره مدثر كط د ا انها
تذكره عبس لـا و مع الميم امره عبس لـا و مع الها، بالساهره
نازعات لـا و مرفوعه مطهره عبس لـا و صحفا مطهره لم يكن لـدا
مع اليا، معاذيره قيمه كط د ا بصيره قيمه كط د ا باب الها، و
الزا، مع الميم همزه همزه لـدو باب الها، والعين مع الرا،
القارعه قارعه لـدا ما القارعه قارعه لـدا ادريك ما القارعه
قارعه لـدا بالقارعه الحاقه كط ا ر مع الشين ابصارها
خاشعه نازعات لـا و يومئذ خاشعه غاشيه لـب مع الفا، رافعه
واقعه كزج و مع القاف اذا وقعت الواقعه واقعه كزج و فيومئذ
وقعت الواقعه الحاقه كط ا ر مع الواو موضوعه غاشيه لـب
وفرش مرفوعه واقعه كزج و سرر مرفوعه غاشيه لـب مصفوفه
واقعه كزج و باب الها، والفا، مع الجيم واجفه نازعات لـا و
مع الدال الراجفه نازعات لـا و مع الزا، الازفه نجم كزب ا
مع الشين كاشفه نجم كزب ا مع الواو مصفوفه غاشيه
لـب باب الها، والقاف مع الالف ما الحاقه الحاقه كط ا ر
ادريك ما الحاقه الحاقه كط ا ر مع اللام خلقه عبس لـا و باب

تسرابره زلزلزلدا خ
يومئذ زلزلدا
صح

الها

الها، واللام مع الجيم العاجله قيمه كط د ا مع اللام يومئذ لله
انفطار لـها باب الها، والميم مع الالف عظامه قيامه كط د ا
امامه قيامه كط د ا اللوامه قيمه كط د ا مع الهمزه اصحاب المشئمه
بلد لـج ا ما اصحاب المشئمه واقعه كزج و مع الحا، بالمرحمه
بلد لـج ا مع الطا، ما الحطمه همزه لـدو في الحطمه همزه لـدو
مع العين ناعمه غاشيه لـب مع اليا، قيمه لم يكن لـدا بيوم القيمة
قيمه كط د ا يوم القيمه قيمه كط د ا دين القيمه لم يكن لـدا باب
الها، والنون مع الالف فاتبع قرانه قيمه كط د ا وقرانه قيمه
كط د ا بيانه قيمه كط د ا مع الهمزه المطمئنه فجر لـج ا مع السين
سنه معارج كط ب ا مع الميم ما اصحاب الميمنه واقعه كزج و اصحاب
الميمنه بلد لـج ا مع الواو موضونه واقعه كزج و مع اليا ما جاءتهم
البينه لم يكن لـدا تاتيهم البينه لم يكن لـدا باب الها، و
الواو مع الكاف فاسلكوه الحاقه كط ب ا مع اللام صلوه الحاقه
كط ب ا باب الها، واليا، مع البا، اقرءوا كتابيه الحاقه
كط ب ا لم اوت كتابيه الحاقه كط ب ا رابيه الحاقه كط ا ر ادر ما حسابيه
الحاقه كط ب ا ملاق حسابيه الحاقه كط ب ا وابيه عبس لـا ر مع
التا، عاليه الحاقه كط ا ر مع الخا، من اخيه عبس لـا و واخيه
معارج كط ب و مع الدال ناديه علق لـجر مع الرا، في الجاريه الحاقه كط ا

عين جاريه غاشيه لبه شر البريه لم يكن لدا خير البريه لم يكن لدا
مع الشين الغاشيه غاشيه ليه مع الصاد بالناصيه علق لجر
مع الضاد القاضيه الحاقه كطب احسابيه فهو في عيشه راضيه
الحاقه كطب اموازينه فهو في عيشة راضية قارعه لدا السعيها
راضيه غاشيه لبه مرضيه فجرلبهدا مع الطا، بالخاطئه الحاقه كطار
خاطئه علق لجر مع العين واعيه الحاقه كطار مع الغين بالطاغيه
الحاقه كطار لاغيه غاشيه لبه مع الفا، خافيه الحاقه كطار مع
القاف باقيه الحاقه كطار مع اللام في عيشه راضية في جنه
عاليه الحاقه كطب السعيها راضيه في جنه عاليه غاشيه لبه
الخاليه الحاقه كطب اماليه الحاقه كطب امع الميم نارا حاميه غاشيه
لبه نار حاميه قارعه لدا مع النون دانيه الحاقه كطب اسلطانيه
الحاقه كطب اغانيه الحاقه كطار عين انيه غاشيه ليه الزبانية علق لجر
وبغيه عبس لدار يغنيه عبس لدار مع الواو خاويه الحاقه كطار
هاويه قارعه لدا تؤويه معارج كطب مع الها، واهيه الحاقه كطه
ساهيه قارعه لدا باب الياء والالف مع الراء ما راى نجم كزار
باب الياء والبا، مع الالف ابليس ابى طه يودر وابى طه يوجر
باب الياء والتا مع الالف جئنا انى طه يوجر ثم اتى طه يوجر
مع الشين لشتى ليل لجر و بنات شتى طه يوجر و مع النون جنى

نجم لجر ا مع الواو الموتى قيمه كطد و باب الياء والتاء مع النون
خلق الذكر والانثى ليل لجر و خلق الزوجين الذكر والانثى نجم كزبا
منه الزوجين الذكر والانثى قيمه كطد و وله الانثى نجم كزار تسميه
الانثى نجم كزار باب الياء والجيم مع السين اذا سجى والضحى لجر و
باب الياء والحاء مع الضاد ولا تضحى طه يودر الناس ضحى طه
يوجر مع الواو وما اوحى نجم كزار ما يوحى طه يوجر الما يوحى
طه يوجر اوحى يوحى نجم كزار باب الياء والخاء مع الالف اخى
طه يوجر ا باب الياء والدال مع الالف في عبادي فجر لجر ا فنادى
نازعات او مع التاء ثم اهتدى طه يودا بمن اهتدى نجم كزار
ومن اهتدى طه يودر مع الراء اذا تردى ليل لجر و فتردى
طه يوجر ا مع السين سدى قيمه كطد مع الصاد تصدى
عبس لدا و مع العين موعدى طه يودا مع الكاف واكدى
نجم كزبا مع الهاء وهدى طه يودا النار هدى طه يوجر ا
ضالا فهدى والضحى لجر و قدر فهدى اعلى لبه اتبع الهدى طه
يوجر و بهم الهدى نجم كزار على الهدى علق لجر للهدى
ليل لجر و ثم هدى طه يوجر و وزدناهم هدى الكهف لجر و
هدى طه يودر باب الياء والراء مع الالف تمارى نجم كزبا
وادى طه يوجر و مع الباء اياتنا الكبرى طه يوجر ا النار الكبرى

اعلى لب ر دبه الكبرى نجم كزار الطامة الكبرى نازعات لا و الا
ية الكبرى نازعات لا و مع التاء من افترى طه يوج ر مع الثاء الثرى
طه يوج ا مع الخاء مآرب اخرى طه يوج ا وزر اخرى نجم كزب ا
النشاة الاخرى نجم كزب ا الثالثة الاخرى نجم كزار تارة
اخرى طه يوج زهرة اخرى طه يوج ا نزلة اخرى نجم كزار له
اخرى طه وج كد وايه اخرى طه يوج ا مع الدال صدرى طه يوج ا مع
الزاء ازرى طه يوج ا مع السين للعسرى ليل لج و ونيسرك
لليسرى اعلى لب ر فسنيسره لليسرى ليل لج و مع العين
ولا تعرى طه يود ر الشعرى نجم كزب ا مع الكاف لدنا ذكرى
طه يود و لذكرى طه يوج ا نفعت الذكرى اعلى لب ر فتنفعه
الذكرى عبس ل ا و له الذكرى فجر لج ا في ذكرى طه يوج و مع
الميم واطيعوا امرى طه يود ا فعصيت امرى طه يود ا يا
سامرى طه يود ا واضلهم السامرى طه يود ا القى السامرى طه
يود ا في امرى طه يوج ا ويسر لي امرى طه يوج ا مع الياء ما يرى نجم كزا
سوف يرى نجم كزب المن يرى نازعات ل ا و فهو يرى نجم كزب ا الله
يرى علق لج ر باب الياء والزاء مع الجيم تجزى ليل لج و مع
الخاء وتخزى طه يود ر مع العين والعزى نجم كزار مع الياء
ضيزى نجم كزار باب الياء والسين مع الفاء لنفسى طه

يوج و سولت لي نفسي طه يود ا مع النون فلا تنسى اعلى لب ر
اليوم تنسى طه يود ر فنسى طه يود ا ولا ينسى طه يوج و
مع الواو الينا موسى طه يود ا ربكما يا موسى طه يوج و القها
يا موسى طه يوج ا قدر يا موسى طه يوج و بسحرك يا موسى
طه يوج و سؤلك يا موسى طه يوج ا قومك يا موسى طه يود ا بيمينك
يا موسى طه يوج انو اى يا موسى طه يوج ا في صحف موسى نجم
كزب ا ابرهيم وموسى اعلى لب ر هارون وموسى طه يوج ر خيفة
موسى طه يوج ر وهل اتيك حديث موسى طه يوج ا هل اتيك
حديث موسى نازعات ل او باب الياء والشين مع الخاء ولا تخشى
طه يود ا فتخشى نازعات ل ا و من يخشى اعلى لب ر لعبرة لمن يخشى
نازعات ل ا و تذكرة لمن يخشى طه يوج ا ا ويخشى طه يوج و مع العين
ما غشى نجم كزب ا اذا يغشى ليل لج و ما يغشى نجم كزار باب
الياء والصاد مع العين وعصى نازعات ل ا و باب الياء والضاد
مع الراء فترضى والضحى لج و لعلك ترضى طه يود ر لترضى طه يود ا و
لسوف يرضى ليل لج و ويرضى نجم كزار باب الياء والطاء مع
العين اعطى ليل لج و مع الميم يتمطى قيمة كط د لباب الياء و
الظاء مع اللام انما لظى معارج كط ب فتلظى ليل لج و باب الياء
والعين مع الجيم الرجعى علق لج و مع الراء صرعى الحاقة كط ار المرعى اعلى لب ر

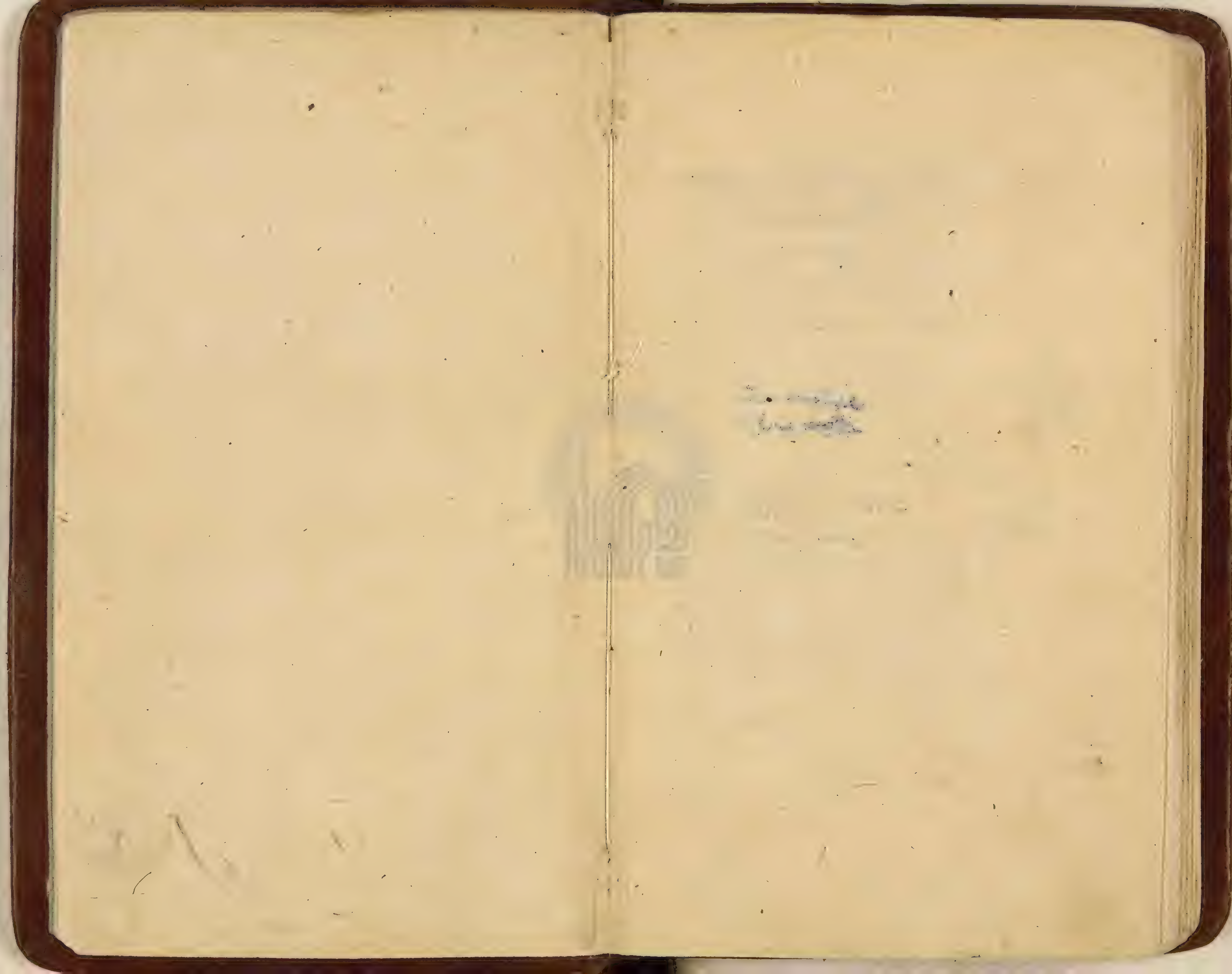
مع السين الا ما سعى نجم كزب الا الانسان ما سعى نازعات لاو
بما تسعى طه يوج ا انما تسعى طه يوج ر جيد تسعى طه يوج ا ادبر
يسعى نازعات لاو جاءك يسعى عبس ا ا د مع الواو فادعى معارج كط
بو باب الياء والغين مع الطاء وما طغى نجم كزا ر واطغى
نجم كزب ا ليطغى علق اج ان يطغى طه يوج و اذهب الى فرعون
انه طغى طه يوج ا طوى اذهب الى فرعون انه طغى نازعات لاو
باب الياء والفاء مع الخاء وما يخفى اعلى اب ر مع الواو الاوفى
نجم كزب ا وفى نجم كزب باب الياء والقاف مع الباء فما ابقى نجم
كزب ا عذابا وابقى طه يوج ر اشد وابقى طه يوج ر ربك خير وابقى
طه يود ر والاخرة خير وابقى اعلى اب ر والله خير وابقى طه يوج
مع التاء اتقى ليل اج و بمن اتقى نجم كزب ا مع الشين ويتجنبها الا
شقى اعلى اب ر فتشقى طه يود ر لتشقى طه يوج ا ولا يشقى
طه يود ر مع اللام من القى طه يوج ر باب الياء والكاف مع الباء
وابكى مع الزاء ان تزكى نازعات لاو جزاء من تزكى طه يود ر افلح من
تزكى اعلى اب ر الا يزكى عبس ا او لعله يزكى عبس ا او باب
الياء واللام مع الباء ولا يصلى طه يود ر مع التاء المثلى طه يوج ر مع
الجيم تجلى ليل اج و مع الدال فتدلى نجم كز ا ا مع الصاد اذا صلى
علق اج ر ولا صلى قيمه كط ده فصلى اعلى اب ر مع العين انت الا على

طه يوج ر ربك الاعلى اعلى اب ر بالافق الاعلى نجم كزا ر ربكم الاعلى
نازعات لاو ربه الاعلى ليل اج و من استعلى طه يوج ر الدرجات
العلى طه يوج ر والسموات العلى طه يوج ا مع القاف فما قلى والضحى
اج و مع الواو فاولى قيمه كط ده سيرتها الاولى طه يوج ا من
النذر الاولى نجم كزب ا ما فى الصحف الاولى طه يود ر لفى الصحف
الاولى اعلى اب ر عادا الاولى نجم كزب ا من الاولى والضحى اج و
القرون الاولى طه يوج و نكال الاخرة والاولى نازعات لاو فلله الاخرة
والاولى نجم كزا ر ان كذب وتولى علق اج ر ولكن كذب وتولى
قيمه كط ده من كذب وتولى طه يوج و الذى كذب وتولى ليل اج و
ادبر وتولى معارج كط ب عبس وتولى عبس ا ا و الذى تولى نجم كزب ا
يفقهوا قولى طه يوج ا ترقب قولى طه يود ا مع الهاء من اهلى
طه يوج ا باب الياء والميم مع السين مسمى طه يود ر مع
العين الاعمى عبس ا او باب الياء والنون مع الدال ادنى
نجم كزا ر مع السين الاسماء الحسنى طه يوج ا احسنوا بالحسنى
نجم كزب جزاء الحسنى الكهف بوا ا وكذب بالحسنى ليل اج و
وصدق بالحسنى ليل اج و مع الغين فاغنى والضحى اج و
من استغنى عبس ا او واستغنى ليل اج و راه استغنى علق
اج ر مع القاف واقنى نجم كزب ا مع الميم ما تمنى نجم كزا ر اذا

عمى نجم كوب امنى يمنى قيمه كطدر مع اليا، على عينى طه يوج اباب
الياء والواو مع الالف فاوى والضحى اجو وجنة الماوى نجم كزاد
الجحيم هى الماوى نازعات او الجنة هى الماوى نازعات او مع التاء
العرش استوى طه يوج ا فاستوى نجم كزار مع الجيم
النجوى طه يوج ر مع الحا، احوى اعلى ابر مع السين مكانا
سوى طه يوج د فخلق فسوى قيمه كطاد خلق فسوى اعلى ابر
مع الشين للشوى معارج كطابه مع الطا، انك بالواد المقدس
طوى طه يوج ا ربه بالواد المقدس طوى نازعات او مع
الغين وما غوى نجم كزار فغوى طه يود ر مع القاف بالتقوى
على لجر للتقوى طه يود را التقوى نجم كزاد مع اللام والسلوى
طه يود ا مع الها، اذا هوى نجم كزار ا هوى نجم كزب ا
فقد هوى طه يود ا النفس عن الهوى نازعات او وما
ينطق عن الهوى نجم كزاو باب الياء والها، مع التاء
ربك المنتهى نجم كزب ا سدرة المنتهى نجم كزار مع اللام
تلهى عبس داو مع النون انعامكم ان فى ذلك لايات لاولى
النهى طه يوج ر مساكنهم ان فى ذلك لايات لاولى النهى
طه يود ر باب الياء والياء مع الحا، واحيى نجم كزب ا
جهنم لا يموت فيها ولا يحيى طه يوج ر ثم لا يموت فيها

ولا

ولا يحيى اعلى ابر تم الكتاب بعون الملك
الوهاب فى يوم السبت ثالث و
عشرين شهر ربيع الاول
١٠٦٢
على يد اقل العباد
محمد الحسينى



يا حيّ يا قيّوم يا لا اله الّا انت احفظني

ولا يؤده حفظهما وهو العليّ العظيم فالله

خير حافظا وهو ارحم الرّاحمين انّا

نحن نزّلنا الذّكر وانّا له لحافظون و

حفظا من كلّ شيطان مارد وحفظا

ذلك تقدير العزيز العليم ان كلّ نفس

لمّا عليها حافظ انّ بطش ربّك لشديد

انّه هو يبدئ ويعيد وهو الغفور

و القرآن المجيد

الودود فعّال لما يريد هل اتيك

حديث الجنود فرعون وثمود بل الّذين

كفروا في تكذيب والله من ورائهم

محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ





